

صد جائی که درایران باید ببینید



تالیف و جمع آوری: کورش مقصودی

با سلام

کشور ایران از جمله کشورهایی است که سابقه دیرینه داشته و تاریخ پیدایش آن به ماقبل تاریخ می رسد. در حدود ۴۰ هزار سال پیش انسان اولیه پا به ایران گذاشته و آثار مربوط به دوره نوسنگی در بسیاری از مناطق ایران به چشم می خورد. سپس ماد ها حدود ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد به اینجاآمدند. ماد ها اقوامی پارسی و هندواروپایی بودند. پس از مادها، هخامنشیان که آنها هم از پارس ها بوده اند بر این کشور حکومت کردند. اشکانیان و ساسانیان نیز پس از هخامنشیان بر روی کار آمدند.از حکومت های پس از اسلام نیز به ترتیب می توان به این موارد :طاهریان، صفاریان، سامانیان، زیاریان، بوییان، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، ایلخانان، صفویه، افشاریه، زندیه، قاجاریه، پهلوی و در نهایت به جمهوری اسلامی اشاره کرد. ایران از نظر جغرافیایی در بهترین موقعیت منطقه ای قرار گرفته است. از قسمت شرق با کشورهای افغانستان و پاکستان ، از بخش شمال شرقی با کشور ترکمنستان ، از شمال غربی با جمهوری آذربایجان و ارمنستان ، از غرب ترکیه و عراق هم مرز می باشد. آب های خلیج فارس و دریای عمان کل بخش جنوبی ایران و دریای خزر بخش شمالی ایران را در بر گرفته است. میهن پهناورمان کشوری است با اقلیم های متفاوت و به شکل کلی، کوهستانی و نیمه‌خشک است که میانگین بلندی آن، بیش از ۱۲۰۰ متر از سطح دریا است. بیش از نیمی از بخش های ایران مناطق کویری و نیمه کویری است. به دلیل قرار گرفتن رشته کوه های زاگرس و البرز در حدود یک سوم اراضی آن را کوهستان بوده و دو قسمت کوچک را جلگه تشکیل داده است.ایران ما ۱۳ ذخیره‌گاه زیست‌کره دارد که شامل ارسباران، ارژن، گنو، پارک ملی گلستان، منطقه حفاظت‌شده حرا و تالاب بین‌المللی خور خوران، پارک ملی کویر، پارک ملی دریاچه ارومیه، شبه‌جزیره میانکاله، منطقه حفاظت‌شده توران، دنا، تنگ صیاد، دریاچه هامون و کپه‌داغ می‌شود. همه تاریخ دان ها و گردشگران معتقدند بهترین نمونه تاریخ، فرهنگ و طبیعت در کشور چهار فصل ایران به زیبایی هرچه تمام تر در کنار هم وجود دارد. کشوری که تنها با حدود یک ساعت زمان می توانید از اقلیم سرد و سرسبز به اقلیم گرم و خشک سفر کنید بدون آنکه نیاز داشته باشید هزینه زیادی را برای سفر خود هزینه کنید .به واسطه تاریخ غنی ، تمدن پر فروغ ، فرهنگ متنوع و پهناور بودن سرزمینمان، ما شاهد جاذبه های بیشمار و متنوع طبیعی،تاریخی ،فرهنگی و...در آن هستیم. سرزمین زیبای ما دارای بهترین اقلیم چهار فصل همزمان در دنیا و غنی ترین معادن طبیعی است. اگر شما اهل سفر و گردشگری باشد می دانید که چندین سال متوالی لازم است تا جای جای ایران را ببینید و به آنها سفر کنید .بسیاری از سفرنامه نویسان و جهانگردان ماه ها و سال ها در یک استان از کشورمان جستجو می کنند و در پایان بر این باورند هنوز همه مکان های دیدنی استان را کشف نکرده اند.از گذشته تا به امروز و در لا به لای سطرهای کتاب فرهنگ غنی ایرانیان، سفر کردن و دیدن نادیده ها، به همه مردم توصیه شده است. سفر موجب نشاط روح و جسم انسان می شود ولی به رغم وجود این فرهنگ غنی و آن حس زیبای وطن دوستی که در میان ما ایرانیان موج می زند هنوز بسیاری از بخش های ایران ناشناخته مانده است. لذا بر آن شدم تا بخشی از دیدنیهای سرزمینمان را یادآوری نموده و توضیحات مختصری را همراهشان کنم. وجود صدها بنا و مجموعه تاریخی ثبت شده و نشده، گواه این است که ایران گویی دفترچه خاطرات تاریخ بوده است. ایران اولین جامعه بشری ثبت شده و دارای اولین قانون مدنی نگاشته شده می باشد.امید است با افزایش شناخت از کشورمان ، خودباوریمان افزایش یافته و بیش از پیش به کشورمان افتخار کنیم.

در این کتاب الکترونیکی تلاش کرده ام اطلاعاتی ولو مختصر، در خصوص صد مکان دوست داشتنی و زیبای کشور عزیزمان ایران بدون هیچگونه اولویت بندی در اختیار علاقه مندان قرار گیرد. مجموعه ای که تقدیم شما عزیزان می گردد حاصل حضور، جستجو ، بررسی منابع ، مستندات و نکاتی است که سعی شده از صحت آنها اطمینان حاصل گردد.قطعاً دیدنیهای این سرزمین بیشمارند و گزینش آنها بر مبنای سلایق مختلف ، متفاوت خواهد بود. ارائه پیشنهادات و نکاتی که مجموعه را کاملتر می کند از طریق ایمیل ko_maghsoudi@yahoo.com امکان پذیر و موجب امتنان است.

 طبق معمول این اثر به همسر و فرزندان عزیزتر از جانم ،که حضور و همراهیشان، لحظه لحظه زندگی (بالاخص سفرها) را شیرین و قابل تحمل نموده است تقدیم می گردد.

با احترام- مهر ماه۹۹
کورش مقصودی

فهرست صفحات:

بخش اول

میراث فرهنگی ثبت شده در یونسکو

میراث جهانی یونسکو نام عهدنامه‌ای بین‌المللی است که در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ میلادی به تصویب کنفرانس عمومی یونسکو رسید. موضوع آن حفظ آثار تاریخی، طبیعی و فرهنگی بشر است که اهمیت جهانی دارند و متعلق به تمام انسان‌های زمین، فارغ از نژاد، مذهب و ملیت خاص، می‌باشند .بر پایه این کنوانسیون کشورهای عضو یونسکو، می‌توانند آثار تاریخی، طبیعی و فرهنگی کشور خود را نامزد ثبت به عنوان میراث جهانی کنند. حفاظت از این آثار پس از ثبت در عین باقی ماندن در حیطه حاکمیت کشور مربوطه، به عهده تمام کشورهای عضو خواهد بود. مکان‌های میراث جهانی ثبت شده در سازمان یونسکو، مکان‌هایی مانند جنگل، کوه، آبگیر، صحرا، بقعه، ساختمان، مجموعه یا شهر هستند،که هر کشور در هر سال فقط می‌تواند یک نامزد برای ثبت میراث فرهنگی یونسکو درخواست دهد. فهرست میراث جهانی یونسکو در ایران شامل ۲۴ مورد از مکان های تاریخی فرهنگی و طبیعی می‌باشد که در میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده‌اند. این فهرست شامل ۲۲ مورد از میراث فرهنگی و ۲ اثر میراث طبیعی است .ارگ بم و فضای فرهنگی آن جزء مکان‌های در خطر نابودی قرار داده شده بودند ولی در اجلاس سال ۲۰۱۳ که از ۱۶ تا ۲۷ ژوئن برگزار شد از این فهرست خارج شدند. ارگ بم ایران پس از زمین لرزه در بم به شدت تخریب شد و از آن زمان در فهرست آثار در خطر قرار گرفت، اما با توجه به مرمت‌های انجام شده در طول سال‌های گذشته سازمان یونسکو ارگ بم را از فهرست آثار در خطر خارج کرد. ایران سه سال پس از تصویب کنفرانس عمومی یونسکو در تاریخ چهارشنبه ۲۶، فوریه سال ۱۹۷۵ به کنوانسیون میراث جهانی یونسکو پیوست. در سال ۱۹۷۹ چغازنبیل با معیارهای(III, IV) ، تخت جمشید با معیارهای (I, III, VI) و میدان نقش جهان با معیارهای(I, V ، VI)نخستین مکان‌هایی بودند که در ایران به فهرست میراث جهانی یونسکو اضافه شدند. افزون بر مکان‌های ثبت شده تا کنون مکان‌هایی مانند، نقش رستم، نقش رجب، طاق بستان، دماوند، شهر تاریخی ماسوله، چشم‌انداز فرهنگی الموت، پارک ملی گلستان، منطقه حفاظت شده ارسباران، کوه سبلان، هگمتانه، مسجد کبود و ... نیز برای ثبت در میراث جهانی یونسکو پیشنهاد شده‌اند. درحال حاضر ۴۹ اثر ایران در نوبت ثبت جهانی در یونسکو قرار دارد. این در حالی است که کشورایران تا ۲۰۰۰ اثر بنایی ظرفیت ثبت جهانی دارد. پس از گذشت ۹ سال از قرار گرفتن پرونده شهر تاریخی یزد در فهرست میراث موقت جهانی، روز یکشنبه (۱۸ تیر) «شهر تاریخی یزد» به عنوان دومین شهر تاریخی ایران (پس از بم) و بیست و دومین اثر تاریخی کشور، بعنوان یکی از نخستین شهرهای خشتی دنیا در چهل و یکمین اجلاس کمیته میرات جهانی یونسکو به ثبت رسید.

۱- چغازنبیل





راههای دسترسی : دسترسی به چغازنبیل از دو مسیر امکان پذیر است. مسیری که از جاده اهواز-شوش به سمت هفت تپه منحرف می شود و سپس به سمت چغازنبیل امتداد می یابد. همچنین از مسیر شوشتر به کشت و صنعت کارون که تا چغازنبیل امتداد می یابد.

به ایلامی زیگورات دوراونتاش (Ziggurat Dūr Untash)یا با نام امروزی چُغازَنبیل نیایشگاهی باستانی و ۴۰۰۰ساله است که توسط ایلامی ها و در حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد ساخته شده است. چغازنبیل بخش به‌جا مانده از شهر دوراونتاش است و در استان خوزستان قرار دارد .این سازه در سال ۱۹۷۹ میلادی اولین اثر تاریخی از ایران بود که در فهرست میراث جهانی یونسکو جای گرفت. جامعه بین‌المللی برای آن ارزش استثنایی و جهانی قائل است. خاورشناسان چغازنبیل را نخستین ساختمان مذهبی ایران می‌دانند. این سازه در ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر باستانی شوش و ۳۵ کیلومتری غرب شهر باستانی شوشتر واقع است، اما به دلیل واقع شدن در غرب رودخانه دز، مرز این دو شهرستان، در تقسیمات کشوری جزء شهرستان شوش محسوب می‌گردد. ساکنان محلی به تپه‌های غیرطبیعی، «چغا» می‌گویند و زنبیل نیز به معنی سبد می‌باشد و چون این محل تا قبل از حفاری به شکل سبد وارونه بوده، به آن چغازنبیل می‌گفتند. واژه چغازنبیل در زبان لری به معنی "تپه سبدی" است زیگوراتZigurat ، در زبان سومری به معنی معبد چند طبقه و پله ای شکل می‌باشد.. این نیایشگاه توسط اونتاش ناپیریش (حدود ۱۲۵۰ پ. م)، پادشاه بزرگ ایلام باستان، و برای ستایش ایزد اینشوشیناک، الهه نگهبان شوش شهر باستانی، ساخته شده‌است؛ و در حمله سپاه آشور بانیپال به همراه تمدن ایلامی ویران گردید. در سال ۱۸۹۰ میلادی زمین شناس سرشناس ژاک دو مورگان گزارش می‌دهد که در ناحیه چغازنبیل معادن نفت وجود دارد. گویا شرکت نفت ایران در پی همین گزارش بود که پایه گذاری شد. این بنا نخستین بار توسط «براون Boraven کارشناس نیوزلندی شرکت نفت ایران و انگلیس در سال ۱۹۳۶ میلادی کشف گردید و طی سالهای ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ میلادی توسط رومن گیرشمن حفاری گردید. پس از گذشت پنجاه سال مهندسانی که سرگرم فعالیت های نفتی در چغازنبیل بودند آجری را یافتند که روی آن نوشته‌هایی بود. آجر را برای باستان شناسانی که در شوش کاوش می‌کردند فرستادند و پس از آن یک زنجیره کاوشهایی در چغازنبیل صورت گرفت که به کشف معبد چغازنبیل و آثار مهم دیگری انجامید. بلندی آغازین زیگورات ۵۲ متر و ۵ طبقه بوده‌است. امروزه ارتفاع آن ۲۵ متر و تنها ۲ طبقه و نیم از آن باقی مانده‌است .زیر بنای چغازنبیل یک مربع ۱۰۵/۲۰ × ۱۰۵/۲۰ متر است، یعنی دو برابر یک زمین فوتبال .برخلاف احداث زیگورات‌های بین‌النهرینی که طبقات آنها بر روی یکدیگر قرار می‌گیرند، تمامی طبقات پنجگانه زیگورات چغازنبیل، به موازات یکدیگر و از سطح زمین احداث شده‌اند. به جز طبقات اول و پنجم که توخالی بوده و دارای الحاقاتی به شکل اتاق، بوده‌اند، بقیه طبقات توپر بوده که با خشت پر شده‌اند. بافت داخلی دیوارها از خشت و نمای بیرونی با آجر ساخته شده‌است. برخی از آجرهای بکار رفته در زیگورات، لعاب دار بوده و برخی دیگر دارای تزئیناتی به شکل گل میخ می‌باشند که در نوع خود از زمره قدیمی‌ترین کاشی‌های جهان به‌شمار می‌روند. دور تا دور زیگورات، آجرهایی به خط میخی ایلامی به چشم می‌خورد که خطوط نوشته شده، نام سازنده بنا و هدف از ساخت آن را نشان می‌دهد. در جبهه‌های شمال غربی و جنوب غربی، دو سکوی مدور دیده می‌شود که نظرات مختلفی از جمله سکوی قربانگاه، محل نصب مجسمه، ساعت خورشیدی، محل پیشگویی و ستاره‌شناسی، درباره وجود آنها ابراز شده‌است. تصفیه‌خانه آب چغازنبیل، واقع در جبهه غربی معبد اصلی قرار دارد .این تصفیه‌خانه با بهره‌گیری از ظروف مرتبط ساخته شده و از این بابت قدیمی‌ترین تصفیه‌خانه دنیا محسوب می‌شود .رومن گیرشمن، حفار چغازنبیل، اعتقاد دارد که آب مورد مصرف تصفیه خانه از فاصله ۴۵ کیلومتری و توسط کانالی از رودخانه کرخه تأمین می‌شده‌است.. معبد چغازنبیل و شهر بزرگ آن (دوراونتاش) همانند بسیاری دیگر از شهرهای ایلام، در سال ۶۴۵ ق. م توسط آشوری به سرکردگی (آشوربانی‌پال) ویران گردید. در محوطه اصلی چغازنبیل سه بنای آجری وجود دارد که به شکل دایره ای ساخته شده اند و اطلاعات بدست آمده گویای این است که آنها چیزی شبیه به ساعت آفتابی هستند.از این سه بنا تنها یکی از آنها تا حدودی سالم مانده است.در بعضی کاوش ها ذکر شده که این بناها پایه ای برای مجسمه ها بوده اند که در چهار طرف چغازنبیل وجود داشته اند اما با کمی دقت می توان فهمید که از آنها برای تشخیص زمان استفاده می شده است. این بناها در کنار یکدیگر مجموعه واحدی را تشکیل می دادند، در واقع یک رصد خانه یا تقویم آفتابی برای حساب سال و سالشماری و استخراج تقویم و یا تشخیص روزهای اول و میانی هر فصل سال یا اعتدالین بهاری و پاییزی و همچنین تعیین انقلاب های پاییزی و زمستانی بوده است. تغییرات بین زاویه های آفتاب سنج ها با تغییرات زاویه طلوع خورشید در آغاز هر یک از فصل های سال برابر است.در واقع آفتاب سنج ها کاربردی برای تشخیص سایه ها در هنگام طلوع و غروب خورشید داشته اند.آجرهای استفاده شده برای ساختن این آفتاب سنج ها نیز اختصاصا برای همین کاربرد ساخته و قالب ریزی شده اند و دارای شکل هشت ضلعی می باشند. در جریان جستجوها باستان شناسان موفق شده اند سنگ نگاره ای را پیدا کنند که به دوره عیلام برمی گردد و مربوط به اونتاش ناپیریشا بوده است. روی این سنگ نگاره هم تصویر جالبی قرار دارد، تصویری از یک زن با دم ماهی که مارهایی را در دست گرفته است. این اثر تاریخی و یادگار ارزشمند از فرهنگ و تاریخ ایران که نشان دهنده ی تمدن چندین هزار ساله ی ایران است، مثل خیلی از آثار تاریخی دیگر در ایران نگهداری نمی شود و در موزه ی لوور فرانسه است.بهتر است در فصول بهار و پائیز به اینجا سفر کنید.

۲-تخت جمشید-پارسه





راههای دسترسی: تخت جمشید در استان فارس، حدود ۱۰کیلومتری شمال شهر مرودشت و در ۵۷کیلومتری شیراز قرار دارد.

نام تخت جمشید در زمان ساخت، پارسَه به معنای «شهر پارسیان» است زیرا به ایالت پارس منسوب بود .یونانیان آن را »پرسپولیس « به یونانی یعنی «پارسه‌شهر» می نامیدند . واژه یونانی یادشده امروزه در بیشتر زبان‌های اروپایی بازتاب یافته‌است .در زمان ساسانیان به تخت جمشید سَدْستون (صد ستون) می‌گفتند. در فارسی معاصر این بنا را »تخت جمشید «یا قصر شاهی جمشید پادشاه اسطوره‌ای ایران می‌نامند. تاورنیه جهانگرد فرانسوی که در عصر صفوی چندین بار به ایران سفر کرد، از تخت‌جمشید با نام «چهل منار» یاد می‌کند. صدها سال پس از حمله اسکندر و اعراب و در زمانی که یاد و خاطره پادشاهان هخامنشی فراموش شده بود، مردمی که از نزدیکی خرابه‌های پارسه عبور می‌کردند، تصاویر حکاکی شده تخت شاهی را می‌دیدند که روی دست مردم بلند شده‌است و از آنجا که نمی‌توانستند خط میخی کتیبه‌های حک شده روی سنگ‌ها را بخوانند، می‌پنداشتند که این همان اورنگ جمشید است که فردوسی در شاهنامه خود از آن یاد کرده‌است. به همین خاطر نام این مکان را تخت جمشید نهادند .بعدها که باستان‌شناسان توانستند خط میخی کتیبه را ترجمه کنند، متوجه شدند که نام اصلی آن پارسه بوده‌است. در دوره اسلامی این مکان را محترم شمرده و آن را هزار ستون و چهل منار می‌نامیدند و با شخصیت‌هایی چون سلیمان نبی و جمشید ربطش می‌دادند ساخت تخت جمشید در ۵۰۰سال قبل از میلاد مسیح در دامنه غربی کوه رحمت یا میترا یا مهر و در زمان داریوش بزرگ آغاز گردید و سپس توسط جانشینان وی با تغییراتی در بنای اولیه آن ادامه یافت. بر اساس خشت‌نوشته‌های کشف شده در تخت جمشید در ساخت این بنای با شکوه معماران، هنرمندان، استادکاران، کارگران، زنان و مردان بی‌شماری شرکت داشتند که علاوه بر دریافت حقوق از مزایای بیمه کارگری نیز استفاده می‌کردند. ساخت این مجموعه بزرگ و زیبا بنا به روایتی ۱۲۰ سال به طول انجامید یکی از هنرهای معماری در تخت جمشید این است که نسبت ارتفاع سر درها به عرض آن‌ها و همین‌طور نسبت ارتفاع ستون‌ها به فاصله بین دو ستون نسبت طلایی است .نسبت طلایی نسبت مهمی در هندسه است که در طبیعت وجود دارد. این نشانگر هنر ایرانیان باستان در معماری است. اولین کاوش‌های علمی در تخت جمشید توسط ارنست امیل هرتزفلد آلمانی در ۱۹۳۱ تحت نظر رضاشاه صورت گرفت. وی توسط مؤسسه خاورشناسی دانشگاه شیکاگو فرستاده شده بود. یافته‌های وی هنوز در این مؤسسه نگه‌داری می‌شوند. در گذر زمان تعدادی از ستون‌های دروازه کاخ صد ستون در تخت جمشید حوادثی مثل زلزله را پشت سر گذاشته و سر پا مانده‌اند. آن‌ها در نگاه اول یکپارچه به نظر می‌رسند اما در حقیقت تکه‌تکه هستند و روی هم سوار شده‌اند. راز پایداری آن‌ها مقابل زمین لرزه در محل اتصال این تکه‌هاست، جایی که دو تکه ستون به وسیله سرب مذاب به هم متصل شده‌اند. این سرب علاوه بر محکم کردن اتصال دو تکه ستون، نقش مهمی برای مقاومت سازه در مقابل زمین لرزه داشته‌است. سرب فلز چکش خوار و نرمی است که هنگام بروز زمین لرزه از خودش واکنش نشان داده و خرد نمی‌شود، این همان نقشی است که در ساختمان‌های امروزی و مدرن بر عهده فنر لای ستون‌ها گذاشته می‌شود معماران و هنرمندانی که در ساخت تخت جمشید نقش داشتند، نقش‌ها را از سه طریق می‌آراستند. یکی چسباندن فلزهای گران‌بها به صورت رویه تاج، گوشوار، طوق، یاره و نظایر آن به اصل نقش و توسط سوراخ‌هایی که در دو طرف شی مورد نظر برای گوهرنشانی می‌کندند. دوم نگاریدن و نقر کردن تزئینات اصلی لباس، تاج و کلاه با سوزن، به نحوی بسیار ظریف که نمونه آن بر درگاه‌های کاخ داریوش (تچر)و حرمسرا وجود دارد. سوم رنگ‌آمیزی، که نمونه‌هایی از آن در کاخ سه دری و صد ستون موجود است. برای روی هم گذاشتن سنگ‌ها ملاتی به کار برده نمی‌شده، بلکه دو سطح برهم چسبیده را چنان می‌تراشیده‌اند که صاف می‌شده و به خوبی روی یک دیگر سوار می‌گشته‌اند، فقط قسمت میانی دو سطح را زبره‌تراش باقی می‌گذارده‌اند تا هر دو سطح خوب به هم بچسبند. عمل پیوستن به چند راه انجام می‌گرفت، یکی قفل و جفت بود، که قسمتی از یک تخته سنگ را برجسته ساخته و به همان نسبت یک گودی در تخته سنگ دیگر می‌کندند و دو سنگ را به هم می‌چسباندند، اما راهی که بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفت این بود که در دو سنگ مجاور دو گودی همانند و مرتبط می‌کندند و آن‌ها را با میله آهنی به هم بسته و روی آن سرب مذاب ریخته و صیقل می‌دادند، این بست‌ها به صورت دم چلچله‌ای، استوانه، قلمی و سرتبری ساخته می‌شدند.وسعت کامل کاخ‌های تخت جمشید ۱۲۵ هزار متر مربع است تخت جمشید دو دروازه یکی به سمت شرق و دیگری به سمت جنوب دارد.این بنا شامل کاخهای :آپادانا- تچر- هدیش- ملکه- ه یا اج- سه در صد ستون- شورا و خزانه شاهنشاهی است. در سنگ‌نگاره‌های تخت‌جمشید هیچ‌کس را نمی‌توان در حالت خضوع یا سرافکنده دید و نمایندگان ملل نه به عنوان شکست خوردگان یا برده بلکه همه به‌طور یکسان عضو جامعه بزرگ جهانی هستند و همه ملل از مادها تا هندی‌ها، تونسی‌ها، آفریقایی‌ها و یونانیان همه به صورت شخصیت مستقل و متکی به خود نقش شده‌اند. در سنگ نگارهای تخت‌جمشید کتیبه‌هایی است که مربوط به دوران شاهنشاهی هخامنشیان نمی‌شود .عضدالدوله دیلمی در آنجا دو کتیبه به خط کوفی به یادگار گذاشته و کتیبه‌های دیگری هم به عربی و فارسی از سده‌های بعد و اشخاص تاریخی دیگر در آنجا باقی‌مانده که آخرین آن‌ها مربوط به اواخر دوره قاجار است مجموعه کاخ‌های تخت جمشید، در سال (۳۳۰ پیش از میلاد) به دست اسکندر مقدونی به آتش کشیده شد و تمام بناهای آن به صورت ویرانه درآمد.این مکان تاریخی از سال ۱۹۷۹ یکی از آثار ثبت شده ایران در میراث جهانی یونسکو است. بنای موزه هخامنشی در تخت جمشید کهن‌ترین بنای ایران است که مرمت شد و به موزه اختصاص یافته‌است. پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران برخی از افراطیون تلاش کردند تا با حمله به تخت جمشید، این بنای تاریخی را تخریب کنند که با مخالفت و ایستادگی مسئولان و مردم محلی در این کار ناکام ماندند.بهترین فصل سفر به اینجا بهار است.

۳-میدان نقش جهان:





راههای دسترسی : میدان مرکزی شهر اصفهان

میدان نقش جهان هم‌چنین معروف با نام تاریخی میدان شاه و پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران با نام رسمی میدان امام، میدان مرکزی شهر اصفهان است که در قلب مجموعه تاریخی نقش جهان قرار دارد. سایر نام‌هایی که برای میدان نقش جهان ذکرشده عبارتند از: میدان، میدان بزرگ، میدان اصلی شهر، میدان نو، میدان قصر، میدان سلطنتی، میدان بزرگ شاهی . بناهای تاریخی موجود در چهار طرف میدان نقش جهان شامل عالی‌قاپو، مسجد شاه (مسجد امام)، مسجد شیخ لطف‌الله و سردر قیصریه که ورودی اصلی بازارچه اصفهان است. علاوه بر این بناها دویست حجره دو طبقه پیرامون میدان واقع شده‌است که عموماً جایگاه عرضه صنایع دستی اصفهان می‌باشند. پیش از آن‌که شهر اصفهان به پایتختی ایران صفوی برگزیده شود در محل این میدان باغی گسترده و وسیع وجود داشته‌است به نام «نقش جهان». این باغ همچنین محل استقرار ساختمان‌های دولتی و کاخ فرمانروایان تیموری و آق‌قویونلوها بود. در آن زمان بخش میْدانی باغ، »در کوشک «نام داشت. این بخش در ضلع غربی میدان نقش جهان امروزی و در محل ساخت کاخ عالی قاپو قرار داشته‌است. در دوران سلجوقیان، دست کم بخشی از باغ نقش جهان به نام به میدان «کوشک» بوده‌است. میدان کوشک، جایگاه اعدام محکومان به اعدام و برگزاری برخی از آیین‌های رسمی همچون جشن نوروز بوده‌است. از ابتدای سلطنت شاه عباس اول، سطح میدان در اندازه بسیار بزرگتر از میدان کوشک سابق تسطیح شده و بارها آیین چراغانی و آتش‌بازی در آن برپا شده‌است منابع گوناگون، بنای به شکل فعلی را در دوره سلطنت شاه عباس اول و به سال ۱۰۱۱ قمری دانسته‌اند استاد محمدرضا و استاد علی‌اکبر اصفهانی، نام دو تن از معمارانی است که میدان را طرح‌ریزی نموده و آن را به شکل فعلی بنا نهاده‌اند. نام این دو معمار بر سردر بناهای پیرامونی میدان به چشم می‌خورد. همچنین طراحی و نظارت بر اجرای بناهای اطراف بر عهده شیخ بهایی بوده است. بر روی هم رفته این نوع طراحی میدان، که از آن با نام میدان ایرانی نام برده می‌شود و پیوندی از بازار، مرکز حکومتی و محل مذهبی (مسجد) است، پیش از میدان نقش جهان نیز در اصفهان در میدان کهنه یا همان عتیق که الگوی اصلی میدان نقش جهان و قدیمی‌ترین نمونه این نوع از میدان است، در یزد در میدان امیرچخماق، در قزوین در میدان شاه و در تبریز در میدان صاحب آباد دارای سابقه بوده‌است. این میدان در سده یازدهم هجری قمری (سده هفدهم میلادی) یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های جهان بوده‌است .شوالیه ژان شاردن فرانسوی میدان نقش جهان را زیباترین میدان دنیا دانسته‌است. در دوره شاه عباس بزرگ و جانشینان او، این میدان در روزهایی که جشن‌های سلطنتی برپا بود، محل بازی چوگان، رژه ارتش، چراغانی، و نمایش‌های گوناگون بوده و در سایر روزها محل گردش و خرید مردم بوده‌است .دو دروازه سنگی چوگان از آن دوره هنوز در میدان باقی است که از انجام ورزش چوگان در آن دوره حکایت می‌کند و قدیمی‌ترین دروازه چوگان دنیاست. طرح این میدان تا جایی در نحوه اجرای بازی چوگان تأثیر داشته‌است که زمین‌های ورزشی هارلینگام و سایر زمین‌های چوگان معروف، کم و بیش از روی این میدان ساخته شده‌اند. این میدان همچنین محل برگزاری جمعه بازارهای عظیم بوده‌است. یکی از اولین مراسم رسمی که در این میدان برگزار شده‌است، بازگشت پیروزمندانه امام قلی خان از فتح جزیره هرمز به پایتخت (اصفهان) بوده‌است. شاردن نقل می‌کند که در مواقع جشن، تا پنجاه هزار چراغ در میدان روشن می‌شده‌است. شرح مفصل این میدان را جهانگردان نامدار اروپایی مانند شوالیه شاردن، ژان باتیست تاورنیه، پیترو دلاواله، سانسون، انگلبرت کمپفر و دیگران که از روزگار صفوی به بعد از اصفهان دیدن کرده‌اند، به‌دست داده‌اند و همه آنان زیبایی میدان را ستوده‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این میدان محل برگزاری نماز جمعه و اجتماعات سیاسی نیز می‌باشد. غیر از ابنیه‌ای که اکنون موجودند، یادبودهای دیگری نیز در میدان نقش جهان وجود داشته که به تدریج کاربرد خود را از دست داده و از میان رفته‌اند .سرستون‌های مرمرین که احتمالاً از تخت جمشید شیراز به اصفهان آمده بودند (امروزه یکی به چهلستون منتقل شده و دیگری در موزه ایران باستان تهران قرار دارد)، ۱۱۰ عراده توپ اسپانیایی (غنیمت فتح جزیره هرمز به وسیله امام قلی خان)، میله قپق به ارتفاع چهل متر در مرکز میدان (که امروزه به کلی از میان رفته‌است) و نیز بنایی که ساعتی اروپایی در آن نصب شده بوده از آن‌جمله‌اند. همچنین در مجاورت مسجد شیخ لطف‌الله، مدرسه‌ای به نام مدرسه خواجه‌ملک (بعدها مدرسه شیخ لطف‌الله) وجود داشته که در زمان قاجاریه از میان رفته‌است . در دوران قاجاریه میدان و اطراف آن از بین رفته و تخریب شده بود اما در دوران پهلوی تمامی بناهای پیرامون میدان به صورت کامل تعمیر و بازسازی شدند. تا امروز کار بازسازی و تعمیر این بناها بصورت مداوم انجام میشود . میدان نقش‌جهان در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۱۳ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده‌است. میدان نقش جهان در اردیبهشت ۱۳۵۸ و جزء نخستین آثار ایرانی میراث جهانی یونسکو به ثبت جهانی رسیده‌است.اگر گذرتان به اصفهان زیبا افتاد بازدید از اماکن زیر را از یاد نبرید: مساجد شیخ لطف الله شاه جمعه،چهل ستون، عالی قاپو،پل خواجو، سی و سه پل ، بازار قیصریه،آتشگاه، منارجنبان، میدان عتیق،حمام جارچی،حمام شیخ بهائی، خانه شیخ بهائی،پل چوبی، پل مارنان، توحید خانه، قلعه سارویه،کاخ هشت بهشت،کلیسا و محله وانگ،مناره باغ قوشخانه،مناره درالضیافه،مناره ساربان،مناره علی،عصارخانه،خانه مشروطه،تالار اشرف،برج کبوتر خانه،کوه صفه، باغ پرندگان،اکواریوم اصفهان،باغ گلها،باغ موزه پروانه ها،باغ خزندگان،مادی نیاصرم، موزه آب،آرامگاه صائب تبریزی،سرای بدیع، پارک ناژوان،مناره چهل دختران،عمارت رکیب خانه،آرامگاه خواجه نظام الملک،کاروانسرای عباسی،خانه ملاباشی،خانه امین التجار،خانه بخردی،خانه دهدشتی، خانه قزوینی ها،خانه حقیقی،خانه شیخ دارالسلام، خانه کیانپور،خانه وثیق انصاری،خانه شهشهانی،خانه سوکیاس،خانه جناب،خانه دکتر اعلم، مدرسه چهارباغ و.... در همه ایام سال بالاخص بهار و تابستان می توان به اینجا سفر کرد.

۴-تخت سلیمان





راههای دسترسی :۴۵ کیلومتری شمال شرقی تکاب آذربایجان غربی

اگرچه این سخن مورد قبول همه محققان نیست، ولی یکی از جاهایی که حدس زده می‌شود محل تولد زرتشت باشد، شهر شیز است (گنجک هم می گویند)که می گویند در آذربایجان و اینجاست.محوطه ای باستانی که از ۱۶۰۰ سال پیش میزبان سازه هایی مقدس در میان حصارهای خود بوده است. بهرام پنجم ساسانی این محوطه را همچون یک شهر بنا نهاد و ۷۰ سال پس از وی، قباد اول به گسترش بناهای آن پرداخت تا اینکه در زمان خسرو انوشیروان ساسانی به اوج عظمت خود رسید .کشف نشانه ها و بقایای حضور انسان از هزاره اول قبل از میلاد تا قرن ۱۱ هجری قمری در این وسعت ۱۲ هکتاری رمز و رازهای شهر را برای کارشناسان آشکار ساخته است. تخت سلیمان به باور بسیاری، محل تولد زرتشت به حساب می آمده و احداث آتشکده آذرگشنسب در این محوطه به عنوان مهم ترین معبد مورد احترام ایرانیان زرتشتی در زمان ساسانیان می تواند مهر تاییدی برای این باور باشد. این آتشکده در حیات سیاسی- اجتماعی ساسانیان نقش مهمی داشت و شعله های آتش جاویدان آن به مدت هفت قرن خاموش نشد تا به عنوان نماد اقتدار آئین زرتشت محسوب شود. از سوی دیگر افرادی معتقدند که این شهر محل نگهداری جام مقدس حضرت مسیح بوده است که در آخرین شامگاه حیاتش از آن می نوشد. این جام، به جام گرال شهرت دارد. باوری عامیانه نیز این شهر را محل سکونت سلیمان نبی می داند و به این موضوع اشاره دارد که نیروهایی فرازمینی به دستور حضرت سلیمان سازه هایی عظیم را در آنجا بنا نهاده اند که انسان از عهده ی ایجاد آنها بر نمی آید.به جر بقایای زندگی شهری و آثار به جا مانده از انسان ها، سازه های باقیمانده در این محوطه شامل حصار محیطی، دروازه های ساسانی و ایلخانی، آتشکده آذر گشنسب، معبد آناهیتا و ایوان غربی معروف به ایوان خسرو می باشند به جز شهرِ پر از گنج که در قعر دریاچه مدفون شده است ساختار شگفت انگیز این پدیده ی طبیعی نیز بسیار قابل تامل می باشد. دریاچه فیروزه ای رنگ تخت سلیمان در واقع یک چشمه ی جوشان (چشمه آرتزین) است که آب خود را از اعماق زمین تامین می کند. طول و عرض دریاچه به ترتیب ۱۱۰ و ۸۰ متر می باشد و به صورت یک بیضی نامنظم شکل گرفته است. مسأله جالب توجه درباره این دریاچه این است که این دریاچه هیچ وقت سرریز نمی شود و اگر جلوی جریان آب را نیز باز کنند از حجم آب کاسته نمی شود به همین خاطر دریاچه تخت سلیمان را دریاچه سحرآمیزی می دانند که دارای ناشناخته های بسیاری بوده و بررسی ها و پژوهش های هدفمند را می طلبد و می گویند مواد رسوبی و آرسنیک فراوان دارد و به همین دلیل امکان استفاده از آن در کشاورزی و آبیاری زمین های اطراف وجود ندارد. عمق این دریاچه تا ۱۲۰ متر هم ذکر می شود اما تا کنون کسی نتوانسته است بیش از ۴۰ متر در آن فرو برود. اینجا توریست های انرژی و خاص خود را دارد که معتقدند اینجا یکی از چاکراهای زمین است و انرژی بخش می باشد.این دریاچه و مجموعه بناهای اطرافش به تخت سلیمان شهرت دارند. این نام تقریبا نامی جدید به شمار می رود و این محوطه در طول تاریخ به نام های دیگری خوانده می شده است. گنزک یا کنزک، گنجک، گنزه، جیس، جنزه، گنجه، گزن و گنگ از جمله نام های این مجموعه بوده اند. این مجموعه باستانی به ارمنی گنزکا یا کادزا، به سریانی گندزک یا گنژگ، به یونانی گنزکا، گادزاکا و گادزا، به عربی جزن، جزنق و شیز، در شاهنامه چیچست، در اوستا چئچست و به مغولی ستوریق خوانده می شده است. امروزه تنها نام تخت سلیمان باقی مانده است و همه آن را به این نام می شناسند. دلیل این کار می تواند باور به زیستن حضرت سلیمان و ساخته شدن این مکان توسط وی باشد اما دلیل محتمل تر این است که در زمان حمله ی اعراب به منظور جلوگیری از تخریب این مجموعه که مجموعه ای مرتبط به دین زرتشت بود این نام را بر آن نهاده اند. همان گونه که در تاریخ آمده است در زمان حمله ی اعراب آنها سازه های مرتبط به ادیان دیگر را از بین می بردند. نخستین صحنه ای که در روبه رو شدن با این مجموعه بی نظیر چشم را خیره می کند حصار عظیم دوره ساسانی است که با ظاهری تدافعی به طول ۱۲۰.۱ کیلومتر و عرض حدوداً ۸۰.۳ متر به شکل بیضی، تمام مجموعه و دریاچه مقدس را احاطه کرده است. در حالی که هسته اصلی دیوارها از لاشه سنگ و ملات ساروج است پوشش بیرونی حصار را سنگ های بزرگ حجاری شده زینت بخشیده‌اند. این حصار ۱۳ متر ارتفاع دارد و سالم ترین قسمت باقیمانده آن در جبهه غربی و جنوب غربی که بخشی از آن به تازگی به شکل اولیه مرمت شده است. حصار مربوطه دارای ۳۸ برج به صورت قوس در جبهه بیرونی بوده و دارای دو دروازه است آتشکده آذرگشنسب در ضلع شمالی دریاچه قرار گرفته و دارای نمایی چهارطاقی است که درون آن محراب آتش قرار گرفته و راهروهای مخصوص مراسم عبادی اطرافش را فراگرفته‌اند. در ضلع شمال غربی، ایوان بلند و شکوهمند ساسانی معروف به ایوان خسرو که از آجر قرمز و ملات ساروج ساخته شده قرار دارد که تنها دیوارهای باقی مانده هنوز به عنوان شاخص این مجموعه تلقی می شود.بهترین زمان سفر به اینجا فصول غیر سرد سال است.

۵- ارگ بم





راههای دسترسی: ارگ بم درشمال شرقی شهر بم در کرمان قراردارد. ارگ بم ازسمت شمال به رودخانه بم وصل است، ازسمت شرق به‌یخچال قدیمی و قسمتی از بقایای مسجد رسول و باغ‌های دروازه، واز سمت جنوب به پارک تازه ساخت ارگ و قسمتی از محله حافظ آباد وصل شده و از سمت غرب به محله مزار خواجه مراد متصل است.

ارگ بم بزرگترین بنای خشتی در جهان می‌باشد که از نظر نظامی و امنیتی در بالاترین نقطه شهر بم واقع شده است.درمورد زمان شکل‌گیری ارگ تاریخی بم اختلاف نظر وجود دارد. آن را مربوط به دوره هخامنشی و یا حتی مربوط به دوره اشکانی می‌دانند. اما بیشتر بناهایی که تاقبل زلزله برپا بودند به‌دور تیموری تا قاجار نسبت داده می‌شود .قسمت‌هایی مانند ایوان مساجد با مقیاس و اندازه‌های مختلف آن قدمت قدیمی‌تر(مانند قرن چهارم مربوط به دوره سامانیان تا قرن هفتم هجری در دوره سلجوقیان) را به‌یاد می‌آورد. ظاهرا ارگ بم در دوره قاجار بدون سکونت شد البته شک و شبهاتی نیز در این مسئله هست.ارگ بم شهر قدیم و قلعه قریب را شامل می‌شود که مساحت آن حدود ۲۰ هکتار است و مساحت ارگ و قلعه قریب نیز با هم به حدود حدود شش هزار هکتار می‌رسد. قسمت بالایی نیز شامل ارگ نیشین و فرماندهی نظامی تکمیلی می‌باشد و ساختمان های آن به قلعه روبرو هستند. این ارگان شامل اشکال مختلف معماری مانند دیوار حصار، برج و نوار، دروازه‌های گوناگون، مسجد، بازار، گودال، کاروانسراها، مدرسه، حمام، زورخانه و محله‌های مسکونی با خانه های اشرافی و فقیرنشین، بخش فرمانداری با سربازخانه اصطبل، کارخانه، خانه فرمانده نیروهای قبیله ای و بخش حاکم نیز دارای یک دولت، یک عمارت چهار طبقه و یک برج دیدنی است. باتوجه به‌زمان تشکیل ارگ تاریخی بم، اختلاف نظرهایی وجوددارد که با دوره هخامنشی یا حتی دوره اشکانی مرتبط است. اما بیشتر ساختمان‌هایی که تحت تاثیر زلزله قرارداشتند، به‌دوره تیموری تا قاجار مربوط می‌شود . قسمت‌هایی مانند ایوان مساجد با مقیاس و اندازه‌های مختلف آن قدمت قدیمی‌تر)مانند قرن ۴ مربوط‌به سامانیان تا قرن هفتم هجری شمسی در دوره سلجوقی) .ظاهرا در دوره قاجار ارگ بم بدون اقامت بود، شک و تردید نیز در این زمینه وجود دارد. در زلزلهٔ ۵ دی ۱۳۸۲، ارگ بم کاملا ازبین رفت. پروژه بازسازی ارگ بم با همکاری متخصصین ایرانی و ایتالیایی در سال ۱۳۹۰ به اتمام رسید. کشور فرانسه با تهیه نقشه ارگ بم و بانک جهانی هم با دراختیار گذاشتن مبلغ زیادی پول به این پروژه یاری رساندند. پس از زلزله به دلیل تخریب شدید ارگ بم یونسکو آن را در لیست آثار در خطر قرار داد اما پس از بازسازی آن در سال ۱۳۹۲ آن را از فهرست میراث و آثار در خطر خارج کرد.ارگ بم در فهرست میراث فرهنگی یونسکو به‌ثبت رسیده‌است. این بنای تاریخی در مسیر جادهٔ ابریشم قرار گرفته و در سده ۵ پیش از میلاد مسیح ساخته شده‌است و تا سال ۱۸۵۰ پس از میلاد نیز مورد استفاده بود. کل بنا، یک دژ بزرگ است که درمرکز آن، ارگ بم قرار گرفته‌است، اما به علت عظمت و هیبت ارگ که در مرتفع‌ترین بخش مجموعه واقع شده‌است، به کل بنای دژ ارگ بم می‌گویند. مساحت این مکان تاریخی حدود ۱۸۰،۰۰۰ متر مربع است که با دیوارهایی به‌اندازه ۶ تا ۷ متر و با طول ۱۸۱۵ متر در برگرفته شده‌است. این ارگ از دو قسمت مجزا تشکیل شده است که هر قسمت ویژگی‌های منحصر به فرد را دارد. حدود ۶۷ برج در این مجموعه باستانی بم وجود دارد. دربعضی خانه‌ها حمام خصوصی بوده و درکنار بعضی از آنها اصطبل جدا از محل زندگی بوده‌است. تعدادی از خانه‌های ارگ صرف نظر ازمقاومت ستون‌ها در ۲ طبقه احداث می‌شدند. مردم ارگ بم شغل هایی ازقبیل کشاورزی و قالی بافی داشته‌اند. ازدروازه دوم این ارگ قسمت حاکم نشین ارگ دید دارد که بالای کوه قرار گرفته‌است. مخزن آب و چاه در کنار اصطبل حیوانات قرارداشت .دراصل آب آشامیدنی محله ارگ ازچاه موجود درحیاط خانه‌هاتامین می‌شده است. یک ورودی داشت که طاق ورودی آن قابل قیاس با قوس‌های دوره ساسانی می‌باشد. دروازه دیگر در ضلع شمالی است که به‌محلی به نام کت کدم معروف است که استفاده چندانی از آن نمی‌شده است و کمی بعد از احداث حصار مسدود گشت. ارگ بم یک راه اصلی از بخش جنوبی به‌طرف حاکم نشین داشته و ۲ گذر هم در راستای آن و بخش شرقی و غربی دارد. در قسمت دروازه سوم بناهای فرماندهان نظامی بوده‌است. آسیابی بادی که از زمان قاجار در ارگ بم بوده دربخش جنوب غربی قلعه واقع شده‌است. قسمت حاکم‌نشین، دارای ۲ بنای ۴ فصل و خانه حاکم، برج مراقبت مرکزی، حمام، حوض و چاه بوده‌است. زمانی که دروازه‌های ورودی شهر را می‌بستند هیچ حیوان و انسانی نمی‌توانست وارد شهر شود. ساکنان شهر می‌توانستند به واسطه چاه آب، باغ‌ها و حیواناتی اهلی که در داخل ارگ وجود داشت مدت طولانی زندگی کنند. شهر توسط سربازان نظامی و دیوارهای بلند و برج‌ها محافظت می‌شد. این مجموعه شامل چندین قسمت است: قسمت حکومتی در داخلی‌ترین دیوار واقع شده و دارای دژ نظامی، عمارت ۴ فصل، سرباز خانه، چاه آب با حدود ۴۰ متر عمق و اصطبل با ظرفیت ۲۰۰ اسب است. قسمت رعیت نشین که در اطراف بخش حکومتی واقع شده است و شامل ورودی اصلی شهر، مسیر اصلی ارتباط دهنده ورودی شهر به دژ و بازار و در ادامهٔ آن حدود 400خانه و ساختمان عمومی مانند مدرسه و مکان‌های ورزشی وجود دارد . ۳ نوع خانه در این مجموعه دیده می‌شود که به بررسی آنها می‌پردازیم.۱- خانه‌هایی با ۲ یا ۳ اتاق برای خانواده‌های فقیر و ضعیف‌تر اختصاص داده می‌شد۲- خانه‌هایی با ۳-۴ اتاق برای خانواده‌های سطح متوسط جامعه، حتی برخی از این خانه‌ها ایوان هم داشتند۳- خانه‌های بهتر و اشرافی‌تر با اتاق‌های بیشتر با یک حیاط بزرگ و یک طویله در نزدیکی برای حیوانات. این خانه‌های به دلیل فصل‌های مختلف سال در مکان‌های متفاوتی ساخته شده‌بودند. مانند خانه یهودیان و سیستانی‌ها. تمام خانه‌ها با خشت ساخته شده‌اند و ارگ بم قبل زلزله جزء بزرگترین مجموعهٔ خشت و گلی در جهان بوده‌است. بهترین زمان سفر به اینجا فصول غیر گرم سال است.

۶- پاسارگاد

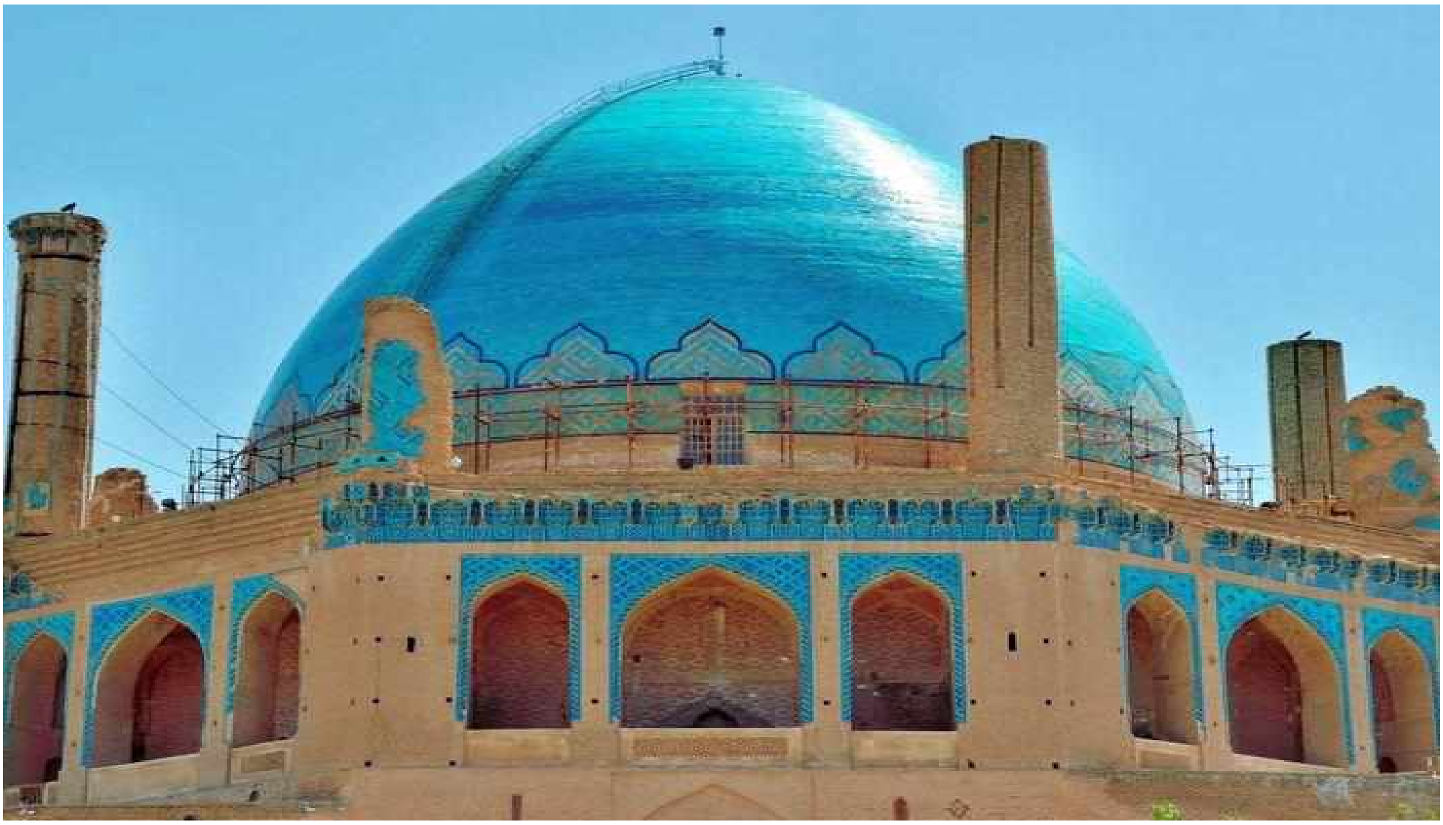




راههای دسترسی: **از شیراز به سمت اصفهان رقته و با عبور از سعادت شهر و جاده‌ی فرعی به سمت روستای «مادر سلیمان» ۲۰ کیلومتر می رانیم. از اینجا و پس از طی حدود ۴ کیلومتر به پاسارگاد خواهید رسید. این مسیر حدود ۱۳۰ کیلومتر است.**

مجموعه میراث جهانی پاسارگاد مجموعه‌ای از سازه‌های باستانی برجای‌مانده از دوران هخامنشی است .این مجموعه دربرگیرنده ساختمان‌هایی چون آرامگاه کوروش بزرگ، پاسارگاد، باغ پادشاهی پاسارگاد، کاخ دروازه، پل، کاخ بارعام، کاخ اختصاصی، دو کوشک، آب‌نماهای باغ شاهی، آرامگاه کمبوجیه، ساختارهای دفاعی تل تخت، کاروانسرای مظفری، محوطه مقدس و تنگه بلاغی است. پاسارگاد در دشتی بلند به بلندای ۱۹۰۰ متر از سطح دریا، در حصار کوهستان جای گرفته‌است. در سده هفتم قمری اتابکی از سلغریان پارس درنزدیک آرامگاه کورش بزرگ مسجدی ساخت که در آن از سنگ کاخ‌ها استفاده شده‌بود. به مناسبت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران در سال ۱۹۷۱ این سنگ‌ها دوباره به جاهای اصلی خود بازگردانده شدند. کاخ محل سکونت بی تردید نشان از تأثیر و نقش معماری یونانی دارد. گویا هنگامی که کورش در سال ۵۴۵ پیش از میلاد سارد) پایتخت لیدی، شهری در غرب ترکیه امروزی) را به تصرف درآورد به شدت تحت تأثیر بناهای مرمرین شاهان لیدی قرار گرفته‌است. چه بسا او همان زمان شماری از استادان اهل لیدی را در پاسارگاد به کار گماشته‌است. در کاخ تناسب جذاب سنگ‌های مرمر تیره و روشن، مخصوصاً در پایه‌ها، جلب نظر می‌کند. این سنگ‌ها از پیرامون شهرسیوند مرودشت آورده شده‌است .قدمت منطقه پاسارگاد بر اساس پژوهش‌های باستان‌شناسی به دوره میانی پارینه سنگی می‌رسد. اما شاخص‌ترین دوره فرهنگی دشت پاسارگاد، دوره هخامنشی است. بر اساس مدارک و شواهد موجود نام پاسارگاد برای نخستین بار در دوره هخامنشی مطرح می‌شود که از لحاظ مکانی به دشتی اطلاق می‌شود که کوروش بزرگ به عنوان مرکز فرماندهی خود برگزید و در آن اقدام به ساخت بناها و کاخهایی نمود .مجموعه تاریخی- فرهنگی پاسارگاد شامل آرامگاه کوروش بزرگ، کاخ‌های دروازه، بارعام، اختصاصی و بنای برج سنگی آتشکده دژ ،تخت. باغ شاهی، پل و محوطه مقدس است. در دوره اسلامی به علت عظمت سنگ‌های بکار رفته در این مجموعه‌های این مکان، بناهایش را به سلیمان نبی نسبت داده‌اند و خود پاسارگاد هم به نام مشهد ام‌النبی یا مشهد مادر سلیمان معروف گشت. این مجموعه ارزشمند در ۱۶ تیرماه ۱۳۸۳ به عنوان پنجمین اثر ایران در فهرست آثار جهانی (یونسکو) به ثبت رسید. شهر باستانی پاسارگاد نخستین پایتخت شاهنشاهی هخامنشی در قلب استان فارس، در دشت رودخانه پُلوار قرار دارد. نام شهر «اردوگاه پارس» دلالت از موقعیت مکانی شهر دارد. شهر توسط کوروش بزرگ (کوروش دوم)در سده ششم قبل از میلاد ساخته شد. محوطه اصلی (۱۶۰ هکتار، توسط یک منطقه طبیعی بزرگ احاطه و محافظت شده‌است). محوطه اصلی شامل این بناهای تاریخی است: آرامگاه کورش بزرگ در جنوب؛ تخت سلیمان (سریر پادشاهی سلیمان) و استحکامات، واقع بر یک تپه در شمال محوطه اصلی؛ مجموعه سلطنتی در مرکز محوطه اصلی، شامل بقایای: ساختمان دروازه تالار عمومی کاخ قصر مسکونی ، و باغ سلطنتی (چهار باغ). در شمال مجموعه سلطنتی زندان سلیمان قرار دارد، یک برج سنگی، باحدوداً ۱۴ متر ارتفاع. تاریخ ساخت این بنا مشخص نیست. محوطه اصلی شامل منطقه حفاری‌شده‌است، اما پایتخت باستانی منطقه‌ای بسیار وسیعتر از این منطقه بوده و هنوز حفاری نشده‌است. در محوطه حفاظتی اطراف، باقی‌مانده‌های دیگری نیز هستند: محدوده مقدس (حدوداً ۵۵۰–۵۳۰ پیش از میلاد)، و محوطه‌های تل نوخودی، تل خاری، تل سه آسیاب، دوتلان، که برخی از اینها متعلق به ماقبل تاریخ هستند، همین‌طور مدرسه یا کاروانسرا (سده ۱۴ میلادی). برجسته‌ترین بخش مجموعه پاسارگاد، بنای آرامگاه کورش بزرگ است که پیشتر مشهور به «مشهد مادر سلیمان» بود. در سال ۱۸۲۰ پس از پژوهش‌های باستان‌شناسی، هویت اصلی بنا به عنوان آرامگاه کوروش بزرگ مشخص شده‌است و چون گوهری در میان دشت خودنمایی می‌کند. این آرامگاه نزدیک ۵۳۰ تا ۵۴۰ پیش از میلاد از سنگ آهکی به رنگ سفید ساخته شده‌است. بنای آرامگاه میان باغ‌های سلطنتی قرار داشته و از سنگ‌های بزرگ، که درازای پاره‌ای از آن‌ها به هفت متر می‌رسد، ساخته شده‌است. تخته سنگ‌های آرامگاه با بست‌های فلزی معروف به بست دم چلچله‌ای، به هم پیوسته بوده، که بعدها آن‌ها را کنده و برده‌اند و اکنون جایشان به صورت حفره‌هایی دیده می‌شود که بیشترشان را بازسازی کرده‌اند. بنای آرامگاه دو بخش شناخته شده دارد: سکویی ۶ پله‌ای که قاعده آن مربع مستطیلی به وسعت ۱۶۵ متر مربع است. یک چهاردیواری کوچک به وسعت ۵/۷ متر مربع که سقف شیب بامی دارد و ضخامت دیوارهایش به ۵/۱ متر می‌رسد. خزانه آرامگاه، در بالاترین نقطه، ریخت یک خانه شیروانی ساده با یک ورودی کوچک در غرب را دارد. در شیب سقف آرامگاه دو سوراخ بزرگ وجود دارد که برای سبک کردن سنگ‌ها و کم کردن از بار سقف ایجاد شده‌است و برخی ندانسته، جای نگهداری کالبد کوروش و همسر وی دانسته‌اند.پس از کشته شدن کوروش در جنگ با سکاها یا ایرانیان شمالی، جسد وی را مومیایی کرده و درون تختی از زر نهاده و اشیای ارزشمند پادشاهی و جنگی او را در کنار وی گذارده بودند. به گزارش باستان نگاران زمان اسکندر، وقتی اسکندر به پاسارگاد آمد و از آرمگاه کوروش که در میان باغی بزرگ قرار داشت دیدن کرد در درون مقبره تابوتی زرین، یک میز و تعدادی ظروف زرین و سلاحهای گرانقیمت و لباسهای شخص کوروش و کلیه جواهراتی را که زمانی به دست می‌کرد یا به خود می‌آویخت مشاهده کرد. این آرامگاه در آن زمان توسط شماری مغ محافظت می‌شود اما در زمان اسکندر مورد دستبرد قرارگرفت و کلیه اشیاء گرانقیمتش به سرقت رفت. بهترین زمان سفر به اینجا فصول غیر گرم سال بالاخص اردیبهشت ماه است.

۷- گنبد سلطانیه





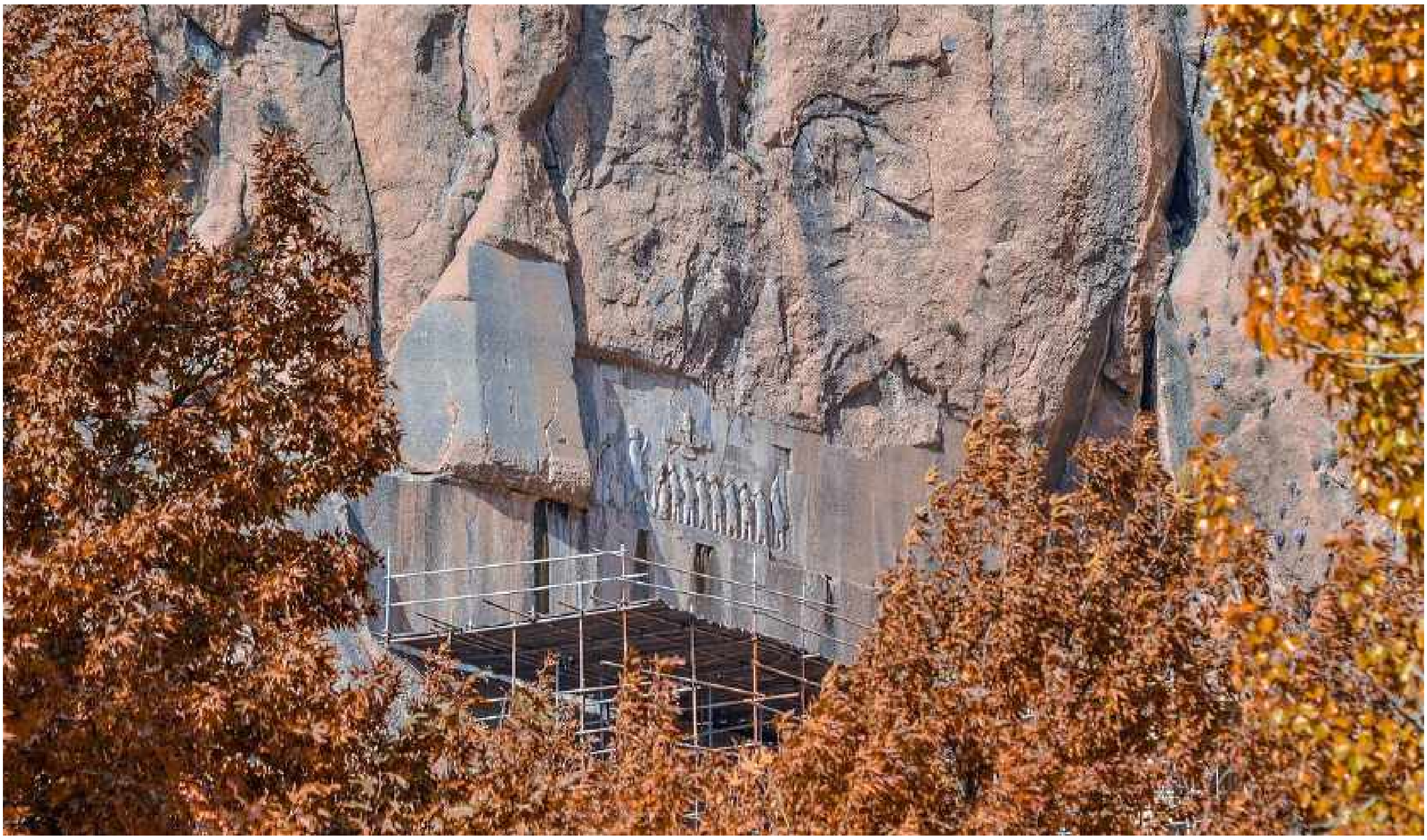
راههای دسترسی: از تهران به سمت قزوین حرکت کنید، اگر مسیر جاده قدیم را انتخاب کرده اید باید از تاکستان عبور کنید تا به زنجان و پس از آن به سلطانیه برسید که در ۳۶ کیلومتری زنجان قرار دارد. اگر مسیر انتخابی شما اتوبان قزوین به زنجان است باید از با استفاده از علائم خروجی وارد جاده قدیم شوید و مسیر را به شکلی که گفته شد ادامه دهید.گنبد سلطانیه با انشعاب از جاده اصلی و طی ۵ کیلومتر در مسیر فرعی در میان دشت های اطراف خود را درخیابان اریباد شهر سلطانیه، به شما نشان می دهد

شهر زنجان پایتخت دولت ایلخانان مغول بوده است و این گنبد در سال ۷۰۳ هجری قمری به دستور الجایتو یا همان سلطان محمد خدابنده که حاکم وقت بوده است ساخته شده است..کار طراحی این گنبد هشت ضلعی هم بر عهده شیخ فضل الله همدانی وزیر محبوب ایلخانیان بود. گنبد در طول مدت ده سال توسط معماری به نام سید علی شاه به همراه ۳۰۰۰ کارگر این بنای زیبا را برپا می کنند .بعد از اتمام ساخت کار تزیین بنا آغاز شده و سه سالی زمان می برد .گنبد سلطانیه آرامگاه اُلجایتو است که بین سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۱۲ میلادی به دستور او در شهر سلطانیه (پایتخت ایلخانیان مغول)ساخته شد و از آثار مهم معماری ایرانی و اسلامی به‌شمار می‌رود. هشت مناره نیز در اطراف گنبد دارد؛ و قدیمی‌ترین گنبد دوپوش موجود در ایران است. رنگ گنبد آبی است. بر روی این اضلاع گنبد بلندی قرار نوشته‌اند. ارتفاع بنا ۴۸/۵ متر و قطر دهانه داخلی آن ۲۵/۵ متر می‌باشد در قسمت بالایی آن ساختمان دور تا دور اتاق‌ها و غرفه‌گرفته. خود گنبد از کاشی‌های فیروزه‌ای رنگ پوشیده و سقف داخل اتاق‌های بالا با گچ‌بری‌ها و آجرهای رنگارنگ تزیین یافته‌است. در حاشیه طاقها آیات قرآنی و اسماالله با خط جلی نوشته شده‌است. حکاکی‌هایی در آجرهای دیوارها و سقف‌های رنگین بنا نیز دیده می‌شود .بنا دربرگیرنده دو دوره تزئینات می‌باشد. دور اول تزئینات آجر و کاشی بوده که به واسطه آجر و کاشی آیاتی از قرآن و نام الله و محمد و علی و نام سلطان نوشته شده‌است اما پس از مدتی به دلیلی ناشناخته سلطان محمد خدابنده دستور پوشانیدن تزئینات کاشی با اندود گچ را می‌دهد.گنبد این بنا سومین گنبد بزرگ جهان بعد از گنبد کلیسای سانتا ماریا دل فیوره، و گنبد مسجد ایاصوفیه است و البته از نظر ارتفاع گنبد کاووس بلندتر از گنبد سلطانیه است. بعضی از تاریخ نویسان نوشته‌اند سلطان محمد خدابنده این گنبد و بنای عظیم را بنا کرد که اجساد امامان اول و سوم شیعیان یعنی امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام را از آرامگاهای خود به آنجا منتقل کند؛ ولی به علت مخالفت علما و خوابی که دید از این عمل منصرف شد. تعداد۱۱۰ پله ای که در بنا وجود دارد در حروف ابجد مترادف نام حضرت علی است و بیانگر ارادت سلطان محمد به این حضرت است.دالان‌های تودرتویی در سردابه این بنا موجود است که حدس زده می‌شود برای اجرای مراسم خاصی به کار می‌رفته‌است. سلطان سفارش کرده بود که در سردابه دفن شود .الجایتو ۲ سال پس از پایان ساخت گنبد در سن ۳۴ سالگی بر اثر بیماری درگذشت .سرداب، محل دفن سلطان است اما عده‌ای از تاریخ نگاران این‌گونه نوشته‌اند که سلطان در جایی غیر از سردابه دفن شده‌است.حتی حدس می‌زنند که سلطان محمد خدابنده پس از مدتی از اسلام روی برگردانده و دوباره به اصل خود برگشته و شمن شده و این دالان‌ها و فضاها برای اجرای مراسم مذهبی خاص پس از مرگ وی بوده‌است .البته جسد وی نیز به جای دفن در سردابه، در کوه‌های اطراف دفن شده‌استگفته می‌شود در ساخت گنبد بزرگ شهر فلورانس از این گنبد الگوبرداری شده‌است. این بنا شامل ۸ ایوان و ۸ مناره است که گفته می‌شود از ۸ در بهشت (ابواب البر یا درهای نیکی) الگو گرفته‌است. بنا دربرگیرنده دو دوره تزئینات می‌باشد. دور اول تزئینات آجر و کاشی بوده که به واسطه آجر و کاشی آیاتی از قرآن و نام الله و محمد و علی و نام سلطان نوشته شده‌است اما پس از مدتی به دلیلی ناشناخته سلطان محمد خدابنده دستور پوشانیدن تزئینات کاشی با اندود گچ را می‌دهد. گنبد سلطانیه شامل سه بخش اصلی ورودی، تربت‌خانه و سردابه است. سلطان الجایتو پس از نومید شدن از انتقال پیکر امیرالمومنین، مقداری از خاک نجف و کربلا را به سلطانیه انتقال داد و در ساخت قسمتی از گنبد استفاده کردکه به تربتخانه مشهور است. البته کتیبه های گنبد و ساعت آفتابی نیز قابل توجه و حائز اهمیت می باشد.

نورگیرهای خارق‌العاده گنبد سلطانیه هر بیننده‌ای را مبهوت می‌کند. برخی نورگیرهای این بنا را به ساعت آفتابی تشبیه کرده اند و از این ساعت آفتابی در مراسم مذهبی استفاده می شده است اگر نور از سوراخ گنبد اصلی بتابد زمان اذان ظهراست و نوری که از پنجره‌های بزرگ می‌تابد ساعت را نشان می‌دهد و نور پنجره‌های کوچک، حدود دقیقه را به نمایش می‌گذارد. بر همین اساس گفته می‌شود که هشت ضلعی بودنن بنا هم به همین علت است. بنا چندین بار در دوران مختلف مورد مرمت قرار گرفته، یکی از عجایب این بنا وزن گنبد است که با گذشت ۷۰۰ سال از عمرش و با تحمل وزنی نزدیک به ۱۶۰۰ تن هیچ آسیبی ندیده و فقط در حدود ۸ سانتی‌متر نشست کرده است. بستر این بنا از طبقات فشرده شن و ماسه به عمق تقریبی ۸ تا ۱۰ متر تشکیل شده و از مقاومت بسیار خوبی برخوردار است.در دوره صفوی و قاجار ترمیم هایی روی این بنا انجام شده اما مرمت اساسی گنبد از سال ۱۳۴۸ تا حدود چهل سال بعد ادامه داشته و علی رغم دوره طولانی بازسازی این بنا ، متاسفانه روند تخریب و افتادن کاشی ها ادامه داشته و در برخی موارد دورنگی در رنگ کاشی های فیروزه ای مشهود است. در داخل فضای گنبد و در زیر آن داربست هایی دیده می شود که توسط هیات ایتالیایی مرمت گر گنبد کار گذاشته شده و هنوز بدون آنکه تغییر بنیادی در مرمت صورت بگیرد در آنجا وجود دارد. . در خارج از بنای گنبد موزه کوچکی وجود داردد که عکس ها و اشیایی در آن برای بازدید وجود دارد. گنبد سلطانیه در سال ۱۳۸۴ در فهرست جهانی یونسکو به ثبت رسیده است. بهترین زمان سفر فصول غیر سرد سال می باشد.

۸- سنگ نبشته بیستون



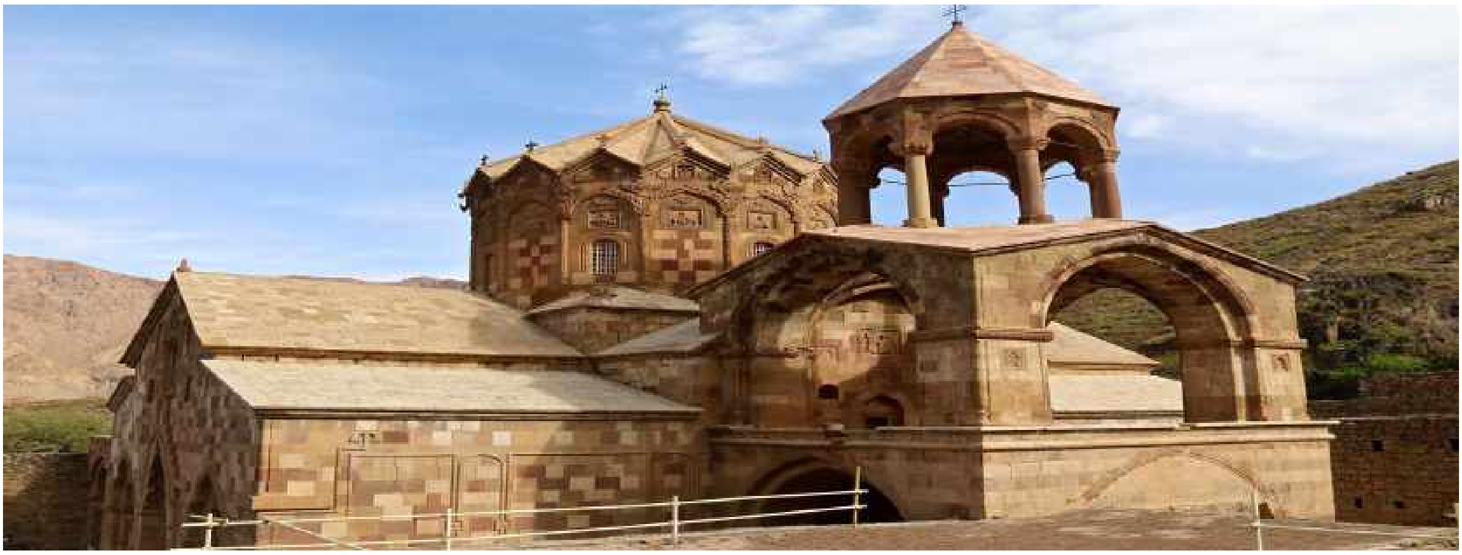


راههای دسترسی: شهرستان هرسین در ۳۰ کیلومتری شهر کرمانشاه بر دامنه کوه بیستون

کوه بیستون در کناره یک راه باستانی پر رفت‌وآمد قرار داشته و این راه، مسیر محل عبور کاروان‌ها همچنین نظامیان از شهر های بابل و بغداد بـه سوی کوه‌های زاگرس و اکباتان بوده‌اسـت. این سایت تاریخی فضایی به اندازه ۱۶۵۰ هکتار را به خود اختصاص داده است اثر اصلی این مکان باستان شناسی، کتیبه برجسته و میخی است و به دستور داریوش اول هخامنشی، هنگامی که به تخت امپراتوری پارس رسید نزدیک ۵۲۱ سال پیش از میلاد مسیح (ع) ساخته شد. این کتیبه تنها اثر هخامنشیان است که به صورت مستند درباره سلسله هخامنشی و کنترل شورش های داخلی توسط داریوش اول و شرح دقیق این واقعه، توضیح داده است. بیستون در اصل و در آغاز بغستان نام داشته‌اسـت؛ کـه از دو واژه «بغ» بـه معنی خدا و «ستان» کـه پسوند مکان بـه معنی جایگاه و سرزمین اسـت تشکیل شده‌اسـت و روی هم بـه معنی جایگاه خدایان بوده‌اسـت. داریوش شاه دراین کتیبه شرح فتوحات خودرا بـه خط میخی و بـه سه زبان پارسی باستان، عیلامی و بابلی بر دل سنگ نگاشته اسـت. عظمت این کتیبه بـه گونه‌ای اسـت کـه فقط زبان پارسی باستان آن دارای ۴۱۴ سطر می باشد. دراین کتیبه داریوش شاه علاوه بر شرح فتوحات خود از اهورا مزدا خدای نیکی بسیار یاد کرده و انسان‌ها را بـه راست گفتاری و نیک کرداری دعوت کرده اسـت. سنگ‌نبشته بیستون بر دامنه کوه پروا و برسنگ‌هایی از جنس آهک ایجاد شده که از آثار رنگ لعاب قهوه‌ای مانندی که پس از همراه شدن با ذرات اکسیده شده آهک و همچنین بقایای سربی که در چند سطر نخست اثر دیده شده‌است به نظر می‌آید در پایان کار برای افزایش طول عمر اثر تمام نمای آن را با اندودی ناشناخته پوشانده‌اند. ارتفاع کلی کتیبه ۷ متر و ۸۰ سانتی‌متر و طول آن ۲۲ متر می‌باشد و در مرکز آن ۵ ستون به خط میخی فارسی باستان دیده می‌شود. هر یک از ۴ ستون اولیه قدری کمتر از ۲ متر عرض و ۴ متر ارتفاع دارد. متن فارسی باستان جمعاً ۵۲۵ سطر دارد. بر روی پنج ستون مذکور اهورامزادا بر روی صفحه برآمده‌ای قرار گرفته و بر روی همه این اشکال در حال پرواز است. اهورامزدا با چهره انسانی و ریشی مستطیلی تجسم یافته و از میان انوار یک فرص خورشید بسیار بزرگ که در حال نورافشانی، پدیدار گشته است. بر روی سر او یک تاج تابناک با شاخ‌هایی قرار گرفته که نشانه و رمز خدایی بودن اوست. اهورمزدا دست چپش را با حلقه‌ای به سوی داریوش دراز کرده و به این ترتیب مشغول انجام مراسمی مبنی بر تسلیم قدرت و سلطه پادشاهی به داریوش می‌باشد. وی با دست راستش که بلند کرده خیر و برکت برای داریوش می‌خواهد. خود داریوش تاج پادشاهی بر سر دارد. سبیلهایش تابیده و ریشش مستطیلی شکل و به شیوه ریش پادشاهان آشور است که ده طره داشته. دست راست داریوش به حالت دعا و راز و نیاز به سوی اهورمزدا دراز است و با دست چپش کمانی را گرفته است. داریوش به اندازه معمولی یعنی به قد ۱۸۰ سانتی‌متر نشان داده شده است. داریوش با پای راست خود گئومات را زیر لگد انداخته به طوری که یک پا و دو دست گئومات به حالت تضرع بالا آمده است. از سمت چپ، در پشت سر داریوش دو نفر از درباریان نیزه‌دار و کماندار با تیرکش ایستاده‌اند و هر دو ریش‌های بلندی دارند. با توجه به نقشه‌های نقش رستم، نیزه‌دار مذکور «گبری» و کماندار «آسپاتینا» می‌باشد. این دو نفر قدشان از داریوش کوتاه‌تر و در حدود ۱۵۰ سانتی‌متر است، ولی از پادشاهان یاغی که مجسمه آنها تا سینه داریوش است (۱۲۰ سانتی‌متر)، بلندترند. پشت گئومات بلافاصله ۸ نفر از غاصبین تخت و تاج پادشاهی و پیشوای قبیله سکاها، «تیگراخائودا» که نظر به تیزی نوک کلاهش هشت سانتی‌متر از داریوش بلندتر است، نقش گردیده است. همه آنها به وسیله زنجیری به یکدیگر متصل هستند. قسمتی از مجسمه‌های کتیبه بیستون در زمان دو جنگ جهانی موقعی که سربازان از کنار آن عبور کرده‌اند، ویران گردیده است. مجموعاً این نقوش حد متوسط ۳ متر ارتفاع و ۵۰۴۸ متر طول دارد. نخستین کسی که موفق به خواندن کتیبه بیستون شد، هِنری رالینسون انگلیسی افسر ارتش هندِ انگلستان بود. بخش‌هایی از این کتیبه باستانی به علت فرسایش در برابر باد و باران از میان رفته و ناخواناست؛ و نیز بدین خاطر که در دوره‌ای از بی‌خبری ایرانیان، نقوش و خطوط آن به عنوان نشانه تیراندازی مورد استفاده قرار می‌گرفت. هم اکنون بقایای با ارزش دیگری از دوره مادها در ۸ قرن پیش از میلاد مسیح، هخامنشیان، ساسانیان، ایلخانیان و صفویه در محوطه بیستون قرار دارد. غار شکارچیان و غار مرخرل به دوران پارینه سنگی باز می گردند و نیایشگاه مادی نیز از آثار بجا مانده مادها است که هر کدام به صورت جدا گانه در سال ۱۳۸۰ خورشیدی ثبت ملی شدند .در محوطه بیستون مجسمه هرکول بر روی سنگ تراش خورده ای قرار گرفته شده و قدمت آن را به دوران سلوکیان نسبت داده اند. از آثار اشکانی این مجموعه نقش برجسته گودرز دوم اشکانی، نقش میتریدات اشکانی یا همان پیکره مهرداد دوم و سنگ نگاره بلاش است. ساسانیان در بیستون آثار بسیاری را از خود به یادگار گذاشته اند و شاید گفت در توسعه این مجموعه نقش به سزایی داشتند. کاخ بیستون یکی از این آثار ساسانی است که در سال های حکومتی سایر فرمانروایان به عنوان کاروانسرا مورد استفاده قرار می گرفت. دیگر ردپای این سلسله تاریخی را می توان در آثاری نظیر فرهاد تراش، پل ساسانی یا همان پل خسرو و بنای ساسانی نظاره کرد. در زمان ایلخانیان بر بقایای کاخ ساسانی، کارونسرایی ساخته شد اما زلزله تمام آن را از بین برد، با این وجود شاه عباس صفوی در نزدیکی این سایت کاروانسرا دیگری را بنا نهاد و هم اکنون یکی از دیدنی ترین بخش های مجموعه بیستون به شمار می رود . این سایت در ۲۸ اثر در ۷ مهرماه سال ۱۳۸۱ با شماره ۶۴۶۳ به ثبت میراث ملی ایران رسید. در ۸ ژانویه سال ۲۰۰۵ میلادی، مصادف با ۱۹ دی ماه ۱۳۸۳، سازمان جهانی یونسکو، ۱۳ اثر از مجموعه بیستون را همچون کتیبه برجسته داریوش هخامنشی را اثری ارزشمند برای تمامی جهانیان خواند و با شماره ۱۲۲۲ به ثبت خود رسانید .بهترین زمان سفر فصل بهار می باشد.

۹- مجموعه آثاررهبانی ارامنه ایران







راههای دسترسی: ۱-کلیسای تادئوس مقدس (قره کلیسا) در شمال غرب ایران در استان آذربایجان غربی ناحیه به شهرستان چالدران و در روستای قره کلیسا در ۲۰ کیلومتری شمال شرقی سیه‌چشمه و هفت کیلومتری شمال جاده چالدران به قره‌ضیاءالدین قرار دارد؛ و همچنین در جنوب ماکو واقع است. ۲-کلیسای استفانوس مقدس در استان آذربایجان شرقی در ۱۷ کیلومتری غرب شهر جلفا و در فاصله ۳ کیلومتری کرانه جنوبی رودخانه ارس در محلی به نام «قزل وانک» (صومعه سرخ) واقع شده‌است.۳-کلیسای مریم مقدس زورزور در استان آذربایجان غربی، شهرستان ماکو و در ۱۲ کیلومتری شمال غرب قره کلیسا و در نزدیکی روستای بارون، در دهنه دره‌ای که رودخانه زنگی مار از آن جاریست

قره کلیسا: این کلیسا در زبان ارمنی سورپ تادئوسی وانک یعنی کلیسای مقدس تادئوس نامیده می‌شد . تادئوس مقدس یکی از حواریون مسیح است که برای تبلیغ دین مسیحیت به منطقه جنوب فلات ارمنستان آمدند. در ۶۶ میلادی، تادئوس مقدس به همراه سان‌دُخت، دختر پادشاه و تنی چند، که به دین مسیحیت ایمان آورده بودند، به دستور پادشاه وقت ارمنستان دستگیر شدند و پس از شکنجه به قتل رسیدند و تادئوس مقدس در مکان فعلی دیر مدفون شد. بنای اولیه آن به اوایل سده چهارم بازمی‌گردد و از ابتدا یکی از زیارتگاه‌های مهم ارمنیان بوده‌است. از جزئیات معماری این کلیسا، که به دست گریگور روشنگر ساخته شده، اطلاعی در دست نیست،واژه قره ترکی و به معنای سیاه است. مورخان سده هشتم هجری به بعد گاهی به مناسبتی یادی از کلیسای تادئوس کرده‌اند و آن را «قرا کلیسا» نامیده‌اند .چون قسمت خاوری بنای کلیسا با سنگ سیاه ساخته شده‌است این کلیسا به عنوان اولین کلیسای جامع جهان مسیحیت شناخته می‌شود .ارمنی‌های ایران و تعدادی از سفرای کشورهای مسیحی هر سال در روزهای آخر تیرماه و هفته اول مرداد ماه) که مصادف با قتل تادئوس مقدس و پیروان مسیحی اوست در کلیسای تادئوس مقدس مراسم خاصی برپا می‌دارند. اینجا در سال ۶۴۴ یا ۶۴۵ هجری قمری تجدید بنا شد. فرمان شاه عباس اول صفوی در حمایت از ارمنیان بر روی سردر آن دیده می‌شود .عباس میرزا ولیعهد فتحعلی‌شاه نیز تزئیناتی بر آن افزوده‌است این کلیسا در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۳۴ به شماره ۴۰۵ ثبت ملی گردیده و همچنین در تاریخ ۱۷ تیر ماه ۱۳۸۷ برابر با ۷ ژوئیه ۲۰۰۸، طی نشست سی دوم، مجموعه کلیسای تادئوس مقدس ،کلیسای سن استپانوس و کلیسای زور زور به عنوان نهمین اثر تاریخی ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید.

کلیسای استفانوس مقدس :این نام برگرفته شده از نام استپانوس شهید اول راه مسیحیت است و در اغلب کشورهای جهان کلیساهای متعددی با همین نام وجود دارد. همچنین به دلیل متروکه بودن محل، به خارابا کلیسا نیز شهرت دارد . می‌دانند شیوه معماری بنا، مصالح ساختمانی و تزئینات مفصل و زیبای آن مؤید این مطلب است که کلیسا همانند و هم‌زمان با کلیساهایی چون قره کلیسا در بین قرن چهارم تا ششم هجری (دهم تا دوازدهم میلادی) ساخته شده‌است و سبک معماری آن تلفیقی از شیوه‌های مختلف معماری اورارتو، اشکانی و رومی است که بعد از به وجود آمدن بناهای شگرف سنت کلیسای جامع اچمیادزین، قره کلیسا و کلیسای صلیب مقدس و سنت استپانوس به شیوه معماری ارمنی شهرت یافت.کلیسای استفانوس مقدس دومین کلیسای مهم ارمنی‌های ایران است که از نظر اهمیت بعد از قره‌کلیسا قرار می‌گیرد این کلیسا به علت زلزله دچار آسیب‌های جدی شده بود که در دوران صفویه مورد مرمت و بازسازی قرار گرفت. این اثر در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۴۱ با شماره ثبت ۴۲۹ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌است. این کلیسا مورد احترام تمام مسیحیان و کم و بیش تمامی ادیان است اما در واقع به کلیسای حواری ارمنی تعلق دارد. در یک روز از سال هزاران نفر از ارمنیان در این نقطه گردهم می‌آیند تا ضمن زیارت، مراسم و مناسک خاص خود را به‌جای آورند.

کلیسای مریم مقدس زور زور: تاریخ بنای زور زور بین سال‌های ۱۳۱۵–۱۳۴۲ میلادی تخمین زده و توسط اسقف اعظم کلیسای تادئوس مقدس، به نام «زکریا» از خاندان بزرگ و مالکین آن منطقه، ساخته و به صورت مدرسه تعلیمات دینی و فرهنگی و ادبی، زیر نظر اسقف هوانس برزنقاتسی اداره می‌شد؛ او در سال ۱۳۴۱ میلادی مقیم این کلیسا بود، و به این سبب او را زور زورتسی نیز می‌نامند. این کلیسای صلیبی شکل همانند سایر کلیساهای ارمنی که در آن روزگار ساخته می‌شد، با سنگ‌های تراشیده شده در حجمهای مختلف ساخته شده‌است. نمای کلیسا بسیار ساده است و فقط اطراف پنجره‌ها و نورگیرها با ستون‌های کاذبی که به قوس جناغی ختم می‌شوندرر سال ۱۳۶۶وزارت نیرو عملیات ساختمانی سد بارون را شروع نمود. کلیسا در همان نقطه‌ای قرار گرفته بود که دیوار حائل سد نیز می‌بایستی در آنجا بر پا می‌گردید و طبق نقشه‌های مصوب، پس از اتمام آن و آبگیری دریاچه، کلیسای مزبور در دریاچه سد غرق می‌شد. از طرفی عملیات خاکبرداری تونل‌های انحرافی و یک رشته انفجارهای ساختمانی به بقیه بنای کلیسا آسیب فراوانی وارد نموده بود. به همین علت مدیریت اجرائی سازمان میراث فرهنگی کشور، با موافقت وزارت نیرو و همکاری شرکت‌های (مهاب قدس و پیماب) و سازمان آب و برق منطقه‌ای و همچنین توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی و به همکاری متخصصین و معماران جمهوری ارمنستان در مدت ۲۵ روز، با رعایت نکات علمی، سنگ به سنگ، لایه‌های دیوار چینی شماره گذاری، پیاده و به محل دیگری با ارتفاع حدود ۱۱۰ متر و به فاصله ۶۰۰ متری آن نقطه، منتقل و بر روی یک برآمدگی صخره‌ای، از نو بنا گردید. بهترین زمان سفر فصول غیر سرد سال می باشد.

۱۰- سازه‌های آبی شوشتر





راههای دسترسی:خوزستان مرکزشهر شوشتر

سیستم آبی تاریخی شوشتر که به نام سازه‌های آبی تاریخی شوشتر نیز نامیده می شود، مجموعه‌ای به هم پیوسته از ۱۳ اثر تاریخی شامل پلها، بندها، آسیاب‌ها، آبشارها، کانال‌های دست کند و تونل‌های عظیم هدایت آب در محدوده شهر شوشتر واقع شده‌اند و با عنوان سیستم آبی تاریخی شوشتر در دوران هخامنشیان تا ساسانیان، جهت بهره‌گیری بیشتر از آب ساخته شده و به عنوان دهمین اثر ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو با شماره ۱۳۱۵ به ثبت رسیده‌اند. ساخت این سیستم آب رسان و کاربری درست آن در حدود ۱۷۰۰ سال پیش آن‌قدر حیرت انگیز است که امروز هم با وجود آسیب‌های جدی که به بنا وارد شده، یکی از مهم‌ترین بخش‌های شهر شوشتر و ایران است. عملکرد این نظام آبی بزرگ، از سد گرگر آغاز می‌شود. آب از مسیر انحرافی، پشت سد گرگر جمع می‌شود. در بالای این سد و در ارتفاعی کاملا محاسبه شده، آب از سه حفره بزرگ بیرون می‌زند. در نتیجه هر زمان که آب از سطح خاصی بالاتر می‌رفت، این سه حفره به تخلیه آن کمک می‌کردند. همچنین باید بدانید که اندازه این سه حفره با هم تفاوت داشته و دبی‌های مختلفی دارند. در مسیر جریان آب، آسیاب‌های آبی قرار دارند تا از نیروی آب بیشترین بهره را ببرند. پس از آن، آب به صورت آبشاری بر روی حوضچه‌ای بزرگ می‌ریزد. بهار بهترین زمان سفر به اینجا است.مهمترین قسمتهای این سازه مهندسی آب به شرح زیر است:

۱- مجموعه آبشارها و آسیاب‌های آبی بزرگترین و پربازدیدترین بخش سیستم آبی تاریخی شوشتر (سازه‌های آبی تاریخی شوشتر) است. در این مجموعه باستانی تعداد قابل توجهی آسیاب آبی وجود دارد و نمونه کامل و بزرگی از به کارگیری نیروی آب برای چرخاندن آسیاب‌ها را می‌توان در آن مشاهده نمود

۲- قلعه سلاسل دژی بسیار بزرگ شامل حیاط‌های متعدد، سربازخانه‌ها ، طویله‌ها ،حمام‌ها، شبستان‌ها ، برج‌ها ، باغچه‌ها ، قورخانه، نقاره خانه ،حرم خانه ، آشپزخانه، حوض‌های بزرگ، حصار و خندق بوده‌است. این قلعه مرکز کنترل نهر داریون و همچنین محل استقرار والی خوزستان بوده است.

۳- پل بند لشکر یا دروازه لشکر و پل شاه علی، یکی از دروازه‌های ششگانه تاریخی شوشتر بوده و هنوز آثاری از حصار شوشتر را در کنار این پل بند می‌توان دید.

۴- پل شادُروان شوشتر یا بند قیصر مربوط به دوران ساسانی است. به موجب روایات شرقی شاپور یکم شاهنشاه ساسانی پس از اسارت والریانوس امپراتور روم او را مجبور کرد که در ساخت پل بندشوشتر کار کند .فردوسی در شاهنامه خود ابیاتی را در وصف ساخت پل شادروان آورده‌است.

۵- بند میزان یک اثر بسیار مهم در مجموعه بناهای آبی تاریخی شوشتر است که رودخانه کارون را به دو شاخه شطیط و گرگر با نسبت مشخص ۴ دانگه و ۲ دانگه تقسیم می‌کند. این بند با شماره ۲۳۳۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

۶- بقایای برج ۸ ضلعی در کنار رود شطیط است که بر فراز تپه کوتاهی مشرف به بند میزان ساخته شده‌است. مردم شوشتر این بنا را کلاه فرنگی می‌نامند و می گویند از این بنا بر مقدار و شدت جریان رودخانه و نظارت بر کار کارگران و دیدبانی استفاده می‌شده‌است.

۷- نهر گرگر شاخه‌ای مصنوعی (دست ساز) از رود کارون است که در دوره هخامنشیان تا دوره ساسانیان حفر شده و در شمال شهر شوشتر توسط بند میزان از رود کارون جدا می‌شود و راه جنوب را در پیش می‌گیرد. این نهر با شماره ۱۷۵۹۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

۸- نهر داریون در دوره داریوش اول هخامنشی حفر شده و وظیفه آبیاری دشت میاناب شوشتر را داشته‌است. این نهر با شماره ۴۱۴۱ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

۹- بند شرابدار در منطقه شرابدار (کمیته سوخت) شوشتر و بر روی شاخه‌ای از نهر داریون موسوم به نهر رقت به صورت شرقی- غربی قرار گرفته‌است. این سازه بین دو بنای آبی مهم پل بند لشکر و پل بند ماهی بازان قرار گرفته و با شماره ۴۲۱۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

۱۰- بند ماهی بازان در اراضی شهر تاریخی دستوا و به منظور بالا نگهداشتن سطح آب ساخته شده‌است. این بند با شماره ۴۲۰۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

۱۱- بند دختر در آخرین تنگه کوهستانی که رود کارون از آن عبور می‌کند، بنا شده‌است.

۱۲- بند دارا در منطقه میاناب و بر روی رود گرگر ساخته شده و مربوط به دوران هخامنشیان است.

۱۱- بازار تبریز





راههای دسترسی: قسمت اعظم مساحت بازار در جنوب میدان چایی در حد فاصلی خیابان‌های دارایی، شهدا، فردوسی، شهید مطهری(راسته کوچه) چای‌کنار و جمهوری اسلامی قرار گرفته‌است. احداث خیابان‌های دارایی، خاقانی، ارتش شمالی، فردوسی، شهدا و جمهوری اسلامی، قسمتی از بازار را دچار تخریب نموده و بخشی از بازار را از کل مجموعه جنوبی جدا کرده‌است.

بازار تبریز بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بازار سرپوشیده در سطح جهان به‌شمار می‌رود که در شهر تبریز در ایران واقع شده‌است. این بازار با مساحتی حدود یک کیلومتر مربع، بزرگ‌ترین بازار سرپوشیده جهان است. بازار تبریز در مردادماه سال ۱۳۸۹ خورشیدی در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده‌است. این بازار از بازارچه‌ها دالان‌ها، تیمچه‌ها سراها و کاروانسراهای متعددی تشکیل یافته‌است. پیش‌تر به جهت قرارگرفتن شهر تبریز بر سر چهارراه جاده ابریشم و گذر روزانه هزاران کاروان از کشورهای مختلف آسیایی، آفریقایی و اروپایی از آن، این شهر و بازار آن از رونق بسیار خوبی برخوردار بوده‌است. این بازار حدود ۳ سده پیش و پس از وقوع زمین‌لرزه‌تاریخی تبریز در سال ۱۱۹۳ قمری توسط نجفقلی خان دنبلی حاکم وقت تبریز بازسازی شده‌است. بازار تبریز در سال ۱۳۵۴ خورشیدی در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌است. تاریخ بنای این مجموعه مشخص نیست؛ ولی بسیاری از جهان‌گردانی که از سده چهارم هجری تا دوره قاجاریان از این بازار بازدید کرده‌اند، درباره آن اطلاعاتی ارائه داده‌اند. بسیاری از گردشگران و جهانگردان نظیر ابن بطوطه، مارکو پولو، جاکسن، اولیای چلبی، یاقوت حموی، گاسپار دروویل، الکسیس سوکتیکف، ژان شاردن، اوژن فلاندن، جان کارت‌رایت، جملی کاردی، کلاویخو، رابرت گرنت واتسن، حمدالله مستوفی و مقدسی از رونق و شکوه بازار تبریز تمجید کرده‌انداین بازار با داشتن حدود ۵،۵۰۰ باب حجره، مغازه و فروشگاه، ۴۰ گونه شغل، ۳۵ باب سرا، ۲۵ باب تیمچه، ۳۰ باب مسجد، ۲۰ باب راسته و راسته‌بازار، ۱۱ باب دالان، ۵ باب حمام و ۱۲ باب مدرسه، به‌عنوان اصلی‌ترین مرکز داد و ستد مردم تبریز و ایران شناخته می‌شود. در سال ۲۰۱۰ نیز این مجموعه با شماره ثبت ۱۳۴۶ به عنوان یکی از میراث جهانی ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید.و اما با آتش سوزی گسترده در تاریخ ۹۸/۲/۱۹ بخشی از این بازار فروریخت و بیش از ۱۰۰ ها مغازه در شعله های ویران کننده سوخت.این حادثه۲۹ مجروح برجای گذاشت و تا به حال این حادثه غیر عمد بوده است این حادثه پس از ده سال دوباره تکرار شد. اغلب تیمچه‌ها و سرای‌ها بازار دارای سه طبقه‌می‌باشند که طبقه زیرین مخصوص انبار کالا، طبقه دوم تجارتخانه و محل کار و طبقه سوم جهت استراحت و آسایش طراحی شده‌است. راسته‌های اصلی توسط راسته‌های فرعی به هم متصل شده‌اند و در فضاهای بین آن‌ها تیمچه‌ها و سراها بنا شده‌است. تقاطع راسته‌ها در سه راهی‌ها و چهار راهی‌ها را طاق‌های آجری گنبدی پوشانده است که بزرگترین گنبد بازار، گنبد تیمچه امیر و زیباترین نوع معماری آن تیمچه مظفریه است. بازار و تیمچه و کاروانسرای بزرگ امیر که مهم‌ترین و ارزشمندترین بخش بازار تبریز محسوب می‌شود و در حال حاضر مراکز عمده تجارت و صادرات فرش و صنایع دستی و مرکز بورس طلا و جواهرات و منسوجات است، توسط میرزا محمدخان امیرنظام زنگنه در سال ۱۲۵۵ قمری احداث شده‌است .تیمچه مظفریه که معروف‌ترین بخش بازار تبریز محسوب می‌شود در زمان ولیعهدی مظفرالدین میرزای قاجار به سال ۱۳۰۵ قمری ساخته شده و بانی آن حاج شیخ محمدجعفر قزوینی از بازرگانان مشهور و بزرگ شهر تبریز است و اکنون این تیمچه یکی از مراکز عمده تجارت و صدور فرش آذربایجان و ایران به سراسر دنیا است و شهرت جهانی دارد. اکثر بازارهای تبریز به جهت تولید یا عرضه و فروش کالا یا کالاهای مخصوصی شهرت یافته‌اند که می‌توان از بازار شیشه‌گرخانه مخصوص تولید و فروش اقسام شیشه و بلور، بازار کفاشان مرکز تولید کفش‌های دست دوخت، بازار مس‌گران، حلاجان، کلاهدوزان، آئینه‌سازان، سراجان، زرگران، عطاران، عباچی، بازار مخصوص تولید عبا، بازار شعربافان مخصوص تجارت و داد و ستد ابریشم، قندفروش بازار مخصوصی واردات قند از روسیه قدیم، بادامچیلار ویژه خرید و فروش و صادرات خشکبار و بادام، کشمش چیلر ویژه صادرات کشمش و سبزه به خارج از ایران، اطلسچی بازار ویژه داد و ستد اقسام گونی و تلیسی، کاغذچی بازار و... در حال حاضر، بسیاری از این صنوف و مشاغل از بین رفته و تنها نام آن‌ها بر روی بازارچه‌ها و راسته‌های بازار تبریز مانده‌است. تعدادی از این مشاغل در طی زمان و به علت رونق کالاهای مدرن و جدید از میان رفته یا تغییر ماهیت داده‌اند و عمده‌فروشی و بنکداری قدیم جایگاه خود را به خرده‌فروشی داده است. مسگری، رویگری (قالایچی)، حلاجی، ریخته‌گری، سراجی، زین اسب، نعلبندی، پالاندوزی، کلاهدوزی، سمساری که به کلی در مجموعه بازار شهر منقرض شده‌اند و فقط نام آن‌ها باقی‌مانده‌است. باراندازهای اطراف بازار در دهه‌های اخیر تبدیل به پاساژها و مجتمع‌های تجاری شده و باراندازها کاربری قدیمی خود را از دست داده‌اند. پروژه نوسازی بازار تبریز به عنوان یکی از پنج طرح برگزیده هیئت داوران جایزه معماری آقاخان در سال ۲۰۱۳ شد. جایزه به» سازمان میراث فرهنگی ایران، دفتر آذربایجان شرقی» به عنوان مجری این طرح تعلق گرفت .در بازار تبریز حدود ۱۲ باب مدرسه علوم دینی و اسلامی چون مدرسه طالبیه، صادقیه، جعفریه، اکبریه، حاج صفرعلی و ... وجود دارد و حدود ۳۰ باب مسجد تاریخی که با گنبدهای ضربی، مقرنس و ستون‌های سنگی مزین شده‌اند که می‌توان از مسجد جامع (جمعه مسجد)، مسجد حجت‌الاسلام، مسجد خاله اوغلی، مسجد دینوری، مسجد مفیدآقا، مسجد قیزللی (میرزا یوسف آقا)، مسجد مقبره، مسجد مجتهد، مسجد هفتاد ستون، مسجد آیت‌الله شهیدی، مسجد مولانا، مسجد دباغ خانه، مسجد حاج صفرعلی، مسجد بادکوبه‌ای، مسجد اشراقی، مسجد صادقیه و... تعدادی گرمابه قدیمی و تاریخی نیز در بازار تبریز وجود دارد.در تمام طول سال امکان بازدید وجود دارد.

۱۲- آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی





راههای دسترسی: شهر اردبیل محله عالی قاپو

صفی‌الدین ابوالفتح اسحاق،ملقب به شمس الدین معروف به شیخ صفی عارف، شاعر و بزرگ خاندان صفوی و بنیان‌گذار فرقه صوفی در قرن هشتم است.نسب او را با ۱۹ واسطه به امام موسی کاظم رسانده اند. او در شهر اردبیل، در سال ۶۵۰ هجری قمری، به دنیا آمد و زبان مادری‌اش آذری بود و شعرهای زیادی به زبان ترکی در کتاب‌های صفوه الصفا و سلسله النسب سروده است. پدر و اجداد پدری شیخ در کلخوران اردبیل به کار زراعت اشتغال داشتند شیخ صفی‌الدین برای همسری فاطمه خاتون دختر زاهد گیلانی را انتخاب کرد و از اون سه پسر به نام‌های محیی‌الدین، صدرالدین و ابوسعید داشت. شیخ صفی‌الدین فردی بود که به عزلت و گوشه‌نشینی علاقه داشت و ساعت‌ها به عبادت و رازونیاز می‌پرداخت علاقه شیخ به مسائل مذهبی باعث شد تا در شهر اردبیل یک خانقاه تاسیس کند و شاگردان و پیروان زیادی را پرورش دهد. شیخ صفی‌الدین اردبیلی در سال آخر عمرش به حج مشرف شد و در پایان همان سال و در راه بازگشت در سال ۷۳۵ هجری شمسی سن ۸۵ سالگی درگذشت. مجموعه نفیس بقعه شیخ صفی‌الدین به نام عارف نامدار شیخ صفی‌الدین اردبیلی جد سلاطین صفویه، در سال ۷۳۵ هق به دست فرزند وی صدرالدین موسی بنا شد. پس از شروع حکومت صفویه، به سبب ارادت شاهان صفوی به جد خود، قسمتهای مختلفی به این مجموعه اضافه شد. به ویژه در دوره شاه عباس اول و از آن جا که وی ارادت فراوانی به شیخ صفی الدین داشت و بسیار به زیارت مقبره وی می‌رفت، برای تکمیل و تزیین این اثر، کارهای فراوانی صورت گرفت .در عصر صفوی، بقعه شیخ با حضور استادان بزرگ عهد صفوی چنان به زیور آراسته شد که هم چنان پس از گذشت چندین قرن به عنوان یکی از مفاخر تاریخی و فرهنگی ایران به‌شمار می‌آید .منزل و خانقاه شیخ صفی در همین مکان قرار دارد، و بر طبق وصیّت شیخ، جنازه اش را در اتاقی جنب خلوتخانه و باغچه و حوضخانه دفن کردند و بر قبر او بنایی ایجاد کردند تا علاوه بر مقبره شیخ صفی و مرقد شاه اسماعیل اول - آرامگاه‌های دیگری از شاه زادگان صفوی و فرزندان وی را در این بقعه و محل شهیدگاه قرار دهند.در این مکان علاوه بر آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مقبره‌های شاه اسماعیل اول) نخستین پادشاه صفویه) و مادر شاه اسماعیل (دختر اوزون حسن آق قویونلو)و نیز برخی از مشایخ و صاحب‌منصبان دوران صفوی و نیز شهیدان ایرانی جنگ چالدران، قرار دارد. از دیگر بخش‌های این مجموعه چینی‌خانه، مسجد، جنت سرا، خانقاه، چله خانه، شهیدگاه و چراغ‌خانه؛ پناهگاه است. یکی از موارد منحصربه‌فرد این مجموعه این است که این بقعه حاوی ده‌ها اثر بدیع در مضامین مختلف رشته‌های هنری است که از آن جمله می‌توان به عالی‌ترین نوع کاشی کاری معرق و مقرنس و گچ‌بری کتیبههای زیبا و نفیس و خط خطاطان بزرگ دوره صفوی) میر عماد، میر قوام الدین، محمد اسماعیل و...) منبتهای ارزنده، نقره کاری، تذهیب و طلاکاری، نقاشی و تنگ بری و غیره اشاره کرد. این اثر از ساختار معماری فخیمی برخوردار است که گرد هم آمدن فضایل هنری نامبرده، آن را در مجموعه‌های تاریخی ایران شاخص و متمایز نموده‌است. در جریان جنگ‌های ایران و روسیه در دوره قاجار و سقوط اردبیل، نسخ خطی کتابخانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی توسط روس‌ها به غارت رفت. هم‌اکنون آن نسخ در موزه سن پترزبورگ در روسیه نگهداری می‌شوند. از جمله اشیای نفیس بقعه شیخ صفی، «فرش» مشهور اردبیل است که در حال حاضر در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شود. این بنا در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است. اگر چه اینجا سرپوشیده است اما پیشنهاد می شود سفر فصول غیر سرد سال به اردبیل بروید.

۱۳- باغ ایرانی





راههای دسترسی: این نه باغ در مناطق محتلف ایران قراردارند

باغ ایرانی به باغ‌هایی گفته می‌شود که بر پایه معماری و عناصر تشکیل دهنده آن از جمله ساختار هندسی، آب و درختان و کوشک میانی و غیره عمدتاً در فلات ایران و مناطق پیرامونی متأثر از فرهنگ آن رواج داشته‌است. در ادبیات ایران به باغ ایرانی «باغ سرا»، پردیس یا فردوس، بوستان یا بستان گفته می‌شده‌است. واژه باغ ایرانی جدید و ترجمه پرشن گاردن است باغ ایرانی سه ساختار و طراحی منحصر به فرد دارد: اول در مسیر عبور جوی آب قرار دارد .دوم: محصور است با دیوارهای بلند سوم در داخل باغ عمارت تابستانی و استخر آب قرار دارد. این سه مشخصه باغ‌های ایرانی را متمایز می‌کند. در واقع این باغ سراهای ایرانی را جهانگردان اروپائی که مشاهده کردند آن را با مشخصه و نام «پرشن گاردن» وصف کردند. باغ ایرانی یا «باغ سرای» به ساختار و طراحی منحصر به فرد آن اشاره دارد .باغ ایرانی با تاریخ پیدایش قنات پیوند دارد اولین باغ‌های ایرانی در مسیر خروجی قنات‌ها شکل گرفته‌است. نمونه این‌گونه باغ‌ها را می‌توان در طبس، یزد، گناباد، و بیرجند و اکثر مناطق کویری دید. یکی از مشخصه‌های باغ ایرانی عبور جوی آب در داخل باغ هست که معمولاً در این باغ سراها در وسط باغ استخر و یک عمارت یا ساختمان تابستانی وجود داشته‌است. بعضی باغ‌ها به صورت چهار باغ بوده و آب را در ۴ مسیر عبور می‌داده‌اند .باغ ایرانی پاسارگاد را ریشه معماری این باغ‌ها دانسته‌اند .کوروش بزرگ شخصاً دستور داده بود که باغ پاسارگاد چگونه ایجاد شود و درخت‌ها نیز به چه شکل کاشته شوند و در واقع هندسی‌سازی باغ و شکل و شمایل آن از دیدگاه کوروش به باغ ایرانی گرفته شده‌است. در دوره ساسانیان نیز باغ‌ها در جلوی کاخ‌ها و معابد شکل گرفتند و این موضوع در دوره اسلامی نیز ادامه یافت. قدیمی‌ترین سند تصویری که نظم باغ ایرانی را به تصویر می‌کشد به دوره ساسانیان بازمی‌گردد. در نقش برجسته طاق بستان، صحنه شکار خسرو پرویز، طرح باغ-شکار او را در طاق بستان نشان می‌دهد. این نقش برجسته تا حدود زیادی هندسه باغ و عملکرد آن را هویدا می‌کند. در تمام شهرها و روستاهای ایران بخصوص در مناطقی که دارای قنات هستند باغ ایرانی یا باغ سرای ایرانی وجود داشته‌است. زندگی در باغ و آرزوی باغ که نمائی از جنت و بهشت است در زندگی همه ایرانیان مشهود بوده و هست. نماد این باغ ایرانی فرش ایرانی است که در خانه ایرانیان حداقل یک عدد از آنها یافت می شود. فرش ایرانی بهترین تجسم باغ، پس از تجسم معمارانه آن در فرهنگ ایرانی است. باغ، موضوع بسیاری از نقش‌های فرش. قالی ایرانی است. سه ساختار و طراحی منحصر به فرد، باغ ایرانی را از سایر باغ ها متمایز می کند:۱-در مسیر عبور جوی آب قرار دارد. ۲- با دیوارهای بلند محصور است. ۳- عمارت تابستانی و استخر آب در آن دیده می شود.رفتن به این باغها همیشه جذاب و دیدنی است بالاخص در بهار و فصل گل و شکوفه های بهاری

مجموعه نه باغ ایرانی در ایران و دو باغ در هند و یک باغ در پاکستان، در سال ۲۰۱۱ به عنوان میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده‌اند. این باغ‌ها عبارتند از :باغ ایرانی پاسارگاد شیراز- باغ ارم شیراز- باغ چهلستون اصفهان- باغ فین کاشان- باغ عباس‌آباد مازندران- باغ شازده کرمان- باغ دولت‌آباد یزد- باغ پهلوان‌پور مهریز- باغ اکبریه بیرجند- تاج محل آگرا هند- آرامگاه همایون دهلی نو هند- باغ شالیمار لاهور پاکستان

۱۴- مسجد جامع اصفهان





راههای دسترسی: اصفهان میدان قیام، خیابان مجلسی و در آخر بازار بزرگ

مسجد جامع اصفهان که به مسجد جامع عتیق و مسجد جمعه اصفهان هم معروف است، یکی از بناهای تاریخی شهر اصفهان است که قدمت آن به سال ۱۵۶ هجری بازمیگردد بازمی‌گردد. این مسجد را با مسجد جامع عباسی نباید اشتباه گرفت. در سال ۲۲۶ هق/۸۴۶ م به فرمان خلیفه معتصم عباسی، مسجد پیشین تخریب شد و بنایی ستون‌دار به همراه سقفی چوبی ساخته شد که هم‌اکنون هم قسمتی از ستون‌ها و دیوارهای آن باقی مانده‌است. مهم‌ترین تغییرات مسجد در دوران سلجوقی انجام شد؛ معماران این دوره از الگوی «مسجد عربی» فاصله گرفتند و با ساخت چهار ایوان در ضلع‌های شمالی، جنوبی، شرقی و غربی، سبکی جدید پدیدآوردند که به «مسجد ایرانی» معروف شد. در ماه ربیع‌الاول سال ۵۱۵ هق این مسجد توسط اسماعیلیان به آتش کشیده‌شد که در دوران‌های بعد دوباره ترمیم شد. در سده‌های بعد و در دوره‌های ایلخانی، مظفری، تیموری، صفوی و قاجار نیز این مسجد تغییرات مهمی داشته است. مسجد جامع اصفهان ابتدا از خشت خام ساخته شده‌بود اما به خاطر پایداری آجر، سرعت ساخت بالا و عوامل دیگر، در بازسازی آن از آجر استفاده شد. طاق‌های چشمه‌ای، ایوان‌های چهارگانه، سردرها، جرزهای آجری و تزئینات متفاوتی که متناسب با معماری هر دوره از تاریخ ایران و در سبک‌های خراسانی) یا عربی) و رازی در این مسجد به کار برده شده، اثری را پدید آورده که الگویی برای مساجد ایران و حتی مناطق مسلمان‌نشین دیگر شده‌است. ضلع شمالی مسجد از ایوان درویش، مدرسه مظفری، گنبد تاج‌الملک یا گنبد خاکی، چهلستون، شبستان و کتیبه‌های مختلفی که از دوران‌های سلجوقی و صفوی به‌جا مانده، تشکیل شده‌است. این کتیبه‌ها با استفاده از گچ و آجر ساخته شده و با خط‌هایی چون کوفی، ثلث، نستعلیق و بنایی و آیاتی از قرآن تزئین شده‌است. ضلع جنوبی مسجد، ضلعی است که ساختمان‌های اساسیِ بنا در آن به سبک عربی و به وسیله خشت خام ساخته شده‌بود. در دوران نظام‌الملک با تخریب شبستان، گنبدی به صورت دوپوسته ساخته شد که باعث می‌شد ترک‌بندی‌ها پوشیده بماند و گنبد بزرگ‌تر نشان داده‌شود. در دوران آل مظفر، آق قویونلو و صفوی نیز کتیبه‌هایی به این قسمت اضافه شد و بنای ضلع جنوبی کمی تغییر کرد. کتیبه شاه طهماسب مبنی بر بخشش مالیات و توبه‌نامه وی، کتیبه شاه اسماعیل برای صدور حواله به نام افراد اصفهان، کتیبه سنگ‌فرش و کتیبه آب مباح مسجد از جمله آثار این ضلع است. ضلع غربی از شبستان زمستانی، مسجد مصلی، مسجد و محراب الجایتو، کتیبه‌های شاهان صفوی و محمد امین اصفهانی ساخته شده‌است. قسمتی از دیوار این ضلع باقی‌مانده دیوار خشتی ساخته شده در قرن هشتم هجری است. الجایتو، محمد بن بایسنقر تیموری و شاه سلطان حسین صفوی از جمله افرادی بودند که باعث تغییراتی در این قسمت شدند. تازه‌ترین قسمت مسجد، ضلع شرقی است که متعلق به دوران سلجوقی است. این قسمت به مرور زمان تخریب و در دوران شاه سلیمان صفوی دوباره ساخته شد و کتیبه‌ای مربوط به این بازسازی نیز در ایوان شرقی قرار دارد. کتیبه‌هایی از دوران هوتکیان، آل مظفر و شاه طهماسب صفوی نیز در این قسمت باقی مانده‌است. منبر و محراب الجایتو در شمال «ایوان استاد» واقع شده‌است. در قرن هشتم هجری ایلخانان دست به بازسازی اماکن مختلف می‌زدند و در همین زمان بناهایی عالی دارای گچ‌بری‌های بسیار ماهرانه ساخته شده است. البته ساخت طبقه دوم نمای اصلی مسجد که رو به صحن قرار دارد هم در همین دوره و به دستور اولجایتو و به شیوه رازی انجام شده‌است. محراب الجایتو جزو این نمونه‌هاست که اجزای آن با منطقی دقیق ترکیب شده‌است. این محراب دارای گچ‌بری، نقوش گیاهی و هندسی بسیار زیبایی است و بنابر کتیبه‌ای که بر لوح مرکزی طاق فوقانی آن قرار گرفته‌است. در ۷۱۰ هق به کمک وزیر محمد ساوی و زیر نظر عضد بن علی ماستری ایجاد شده‌است. در سمت راست این محراب منبری قرار دارد که سال ساخت آن ذکر نشده و اطلاعاتی از آن در دست نیست اما زیباترین منبر منبت‌کاری شده موجود در کل بناستین اثر در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۱۰ با شماره ثبت ۹۵ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌است در سال ۱۳۸۹ هش بود که موضوع ارسال پرونده «مسجد جامع اصفهان» به یونسکو پیش آمد و مدیران میراث فرهنگی اصفهان مسئول این امر شدند. البته به گفته جبل عاملی در سه دهه پیش از آن هم تلاش‌هایی صورت گرفته، اما به دلیل وسعت بنا و عدم تداوم آن هربار به صورتی کار بی‌نتیجه می‌ماند. تا اینکه در دی ماه سال ۱۳۸۹ هش تمام معیارهای یونسکو برآورده شده و در پرونده‌ای جامع ثبت و ارسال شد. پس از آن موزه‌ای برای آثار کشف‌شده در مسجد و ماکتی برای بنا ایجاد شد. تابلوهای راهنما را به دو زبان در مسجد قرار دادند؛ پایگاه و فضایی برای معرفی مسجد مختص آشنایی بازدیدکنندگان ایجاد شد و دستگاه‌هایی برای نمایش و فیلم هم در مسجد قرار داده‌شد. در سال ۱۳۹۰ متخصصان از مسجد دیدن کردند و پس از بررسی‌های لازم، این بنا ثبت جهانی شد. در طول سال امکان بازدید و دیدن وجود دارد.

۱۵- برج گنبد قابوس





راههای دسترسی :گنبدکاووس باغ ملی (پارک قابوس)، در شمال شهر tخیابان امام خمینی شمالی

میل گنبد که بلندترین برج تمام آجری جهان است جزو ابنیه‌ی تاریخی مربوط به سده‌ی چهارم هجری است. این برج در زمان پادشاهی شمس‌المعالی، قابوس ابن وشمگیر از پادشاهان آل زیار ساخته شده است. بر اساس کتیبه‌ی آجری موجود در بنا که به خط کوفی نگاشته شده و گرداگرد برج نصب شده است، این برج در سال ۳۹۷ هجری قمری (۳۸۵ هجری شمسی برابر با ۳۷۵ هجری یزدگردی) و بنا به دستور قابوس ابن وشمگیر بنا شده است. اگر چه معماری ایران دارای سبک‌های مختلفی همچون معماری اروپایی نمی‌باشد و تنها دارای یک سبک و آن هم معماری ایران بوده، ولی بر طبق دسته‌بندی سبکی معماری ایران از دیدگاه مرحوم پیرنیا این بنا یکی از اولین ساختمان‌هایی است که مرز بین شیوه‌ی معماری خراسانی و رازی محسوب می‌شود و در واقع، مربوط به اوایل دوره‌ی شیوه‌ی معماری رازی است. ساختمان این بنا تماما از آجر و ملات ساروج ساخته شده است. یکی از بارزترین ویژگی‌های شیوه‌ی معماری رازی، استفاده از آجر با بهترین کیفیت ممکن است. محل فعلی قرار گرفتن این برج، یعنی شهر گنبدکاووس در زمان ساخت برج، حومه‌ی شهر جرجان (گرگان) کهن، پایتخت حکومت آل زیار بوده است. پایه‌ی میل گنبد، بنایی است با ارتفاع ۱۵ متر که با همان مصالح به کار رفته در برج ساخته شده و داخل آن به شکل سرداب طراحی شده است. البته امروزه جز قسمتی از پاکار طاق این سرداب، تمامی قسمت‌های کف آن به دلیل کاوش‌های فراوان جویندگان گنج‌های باستانی، تخریب شده است. این پایه در میان یک تپه‌ی خاکی قرار دارد و فقط دو متر از ارتفاع آن خارج از سطح این تپه است و ارتفاع میل گنبد با احتساب ارتفاع پایه‌اش در حدود ۷۰ متر است که ۱۸ متر از این ارتفاع متعلق به سرپوش میل است که به شکل گنبدی مخروطی ساخته شده است. این گنبد مخروطی که شیب تندی دارد، دو پوسته است؛ گنبد درونی مانند گنبدهای خاکی به شکل نیم تخم‌مرغی و با آجر معمولی و پوسته‌ی بیرونی با آجرهای ویژه‌ی کفشکی (پخته شده‌ی قرمزرنگ دنباله‌دار) ساخته شده است. روزنه‌ی رأس این میل در قسمت شرقی آن است و میل گنبد همین یک روزنه را دارد. ساقه‌ی این میل مدور است و از ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن، پشت‌بندهای مثلثی‌شکل آن است. این پشت‌بندهای ده‌گانه که به فواصل مساوی از یکدیگر قرار دارند از پای‌بست بنا شروع شده و به قسمت زیرین گنبد ختم می‌شوند. در ضلع جنوبی این میل، درب ورودی آن قرار دارد. سردر این درب، طاق نیم‌گردی است که مقرنس‌کاری شده است. محققان معماری این طاق را از نخستین نمونه‌های مقرنس‌کاری می‌دانند. دو کتیبه به خط کوفی، کمربندوار، بدنه‌ی بنا را تزیین کرده است که یک سوی آن در ۸ متری پای آن و دیگری بالا در زیر گنبد مخروطی قرار دارد. این کتیبه‌ها ساده و آجری، برجسته و خوانا هستند و دورتادور آن‌ها، قاب مستطیل‌شکلی از آجر قرار دارد و مضمون آن چنین است: به نام خداوند بخشاینده مهربان ، این قصر عالی متعلق به امیر شمس المعالی قابوس بن وشمگیر است که در زمان حیات خود در سال ۳۹۷ هجری قمری مصادف با 997میلادی امر به بنای آن نموده است. در مورد کاربری حقیقی این برج، بین مورخان و محققان اختلاف نظرهایی وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران این عرصه این برج را بنای آرامگاهی می‌دانند و معتقد هستند که سرداب درون تپه محل دفن قابوس بوده است که بنا به دستور وی و به همین منظور ساخته شده است. این دسته از مورخان به مصنوعی بودن تپه استناد می‌کنند چون در اکتشافات درون تپه، تا عمق مورد حفاری، زیرسازی آجری وجود داشته است. تایید یا رد این نظریه، راهکار باستان‌شناسی ندارد چون در کاوش‌های این بنا بقایای هیچ جسدی پیدا نشده است. برخی از مورخان به شخصیت ادبی و علمی قابوس و مراوداتش با عالمان زمان خود به ویژه منجمان استناد می‌کنند. قابوس به کیاکوشکار گیلانی که از منجمان برجسته‌ی آن زمان بوده است دستور ساخت رصدخانه‌ای را در پایتخت داده است. در منابع تاریخی به ساخت این رصدخانه اشاره شده است اما در مورد مکان ساخت آن گزارشی وجود ندارد .طبق نظر این دسته از مورخان، برج گنبد، همان رصدخانه است. نکته‌ی حائز اهمیت درباره‌ی کاربری این برج آن است که میل بودن آن با پذیرش هیچ یک از دو فرضیه‌ی موجود منافاتی ندارد. گرچه از حیث ساختار، برج گنبد با بسیاری از میل‌ها نیز متفاوت است و هنوز علت ساخت آن به درستی مشخص نیست. فارغ از بحث‌های تاریخی پیرامون برج گنبد، آن چیزی که موجب امتیاز این بنای تاریخی شده است سازه‌ی بی‌نقص آن است که این برج را در زمره‌ی بهترین آثار مهندسی تاریخ بشر قرار داده است. این امتیاز در یک نظرسنجی بین‌المللی که بین معماران مشهور جهان برگزار شده به برج گنبد داده شده است. برجی که فقط از آجر ساخته شده و هیچ گونه استوارکننده‌ای ندارد و در طول عمر بیش از هزار ساله‌اش حتی با تحمل دو زمین‌لرزه‌ی شدیدتر از ۶ ریشتر، همچنان استوار و پابرجا است. این برج در طی عمر خود سه بار تعمیر و مرمت شده است. آخرین بار نیز در سال ۱۳۴۹ تعمیر اساسی آن انجام شد تا این شاهکار معماری حفظ شود و مصون بماند .در هنگام ساخت این بنا، به دلیل نبودن امکانات و تکنولوژی پیشرفته به جای چوب‌بست از کوبه و متراکم کردن خاک به دورِ نما به شکل مارپیچ و پله‌ای، تا انتهای آن استفاده شده است که بعد از اتمام بنا خاک‌ها را به صورت تپه در اطراف بنا پخش کرده‌اند. میل گنبد که در تاریخ ۱۵ دی ماه سال ۱۳۱۰ و به شماره‌ی ۸۶ در میان آثار ملی ایران به ثبت رسیده بود، پس از سال‌ها در همایش سی‌وششم یونسکو، در زمره‌ی میراث جهانی یونسکو نیز ثبت شد.بهار بهترین فصل پیشنهادی برای بازدید است.

۱۶-کاخ گلستان





راههای دسترسی: تهران خیابان خیابان پانزده خرداد، ضلع شمالی میدان ارگ، کاخ گلستان تاریخچه کاخ گلستان به زمان شاه عباس صفوی (۹۸۸ هق) برمی‌گردد .در روزگار کریمخان زند با و میان سال‌های ۱۱۷۳ تا ۱۱۸۰ هق با ساخت دیوانخانه‌ای ، محوطه فعلی کاخ شکل گرفته است. در زمان قاجاریه اینجا محل زندگی پادشاهان قاجار بوده و تاج گذاری شاهان قاجار و پهلوی در آنجا انجام می گردید. در یکشنبه دوم تیرماه ۱۳۹۲ خورشیدی برابر با ۲۳ ژوئن ۲۰۱۳ میلادی و ۱۴ شعبان ۱۴۳۴ قمری و در سی‌وهفتمین اجلاس سالانه کمیته میراث جهانی سازمان یونسکو در کامبوج کاخ گلستان در فهرست میراث جهانی این سازمان به ثبت رسید.

قسمتهای مختلف این کاخ عبارتند از:

شمس العماره: عمارتی پنج طبقه و ۳۵ متر ارتفاع که دو برج همسان دارد و در زمان ساخت بلندترین ساختمان آن دوره تهران بوده‌است و اولین ساختمانی که از فلز در سازه آن استفاده کرده‌اند. کلیه ستون‌های طبقات بالا و حفاظها چدنی هستند پیش از ساخته شدن سردر باغ ملی، این ساختمان به عنوان نماد شهر تهران شناخته می‌شد.

تالار سلام: یکی از اتاق‌های کاخ گلستان که محل تاجگذاری پهلوی دوم بوده و هم اکنون بعنوان موزه استفاده می گردد.

تالار آئینه: یکی از اتاق‌های کاخ گلستان در بالای سردر ورودی عمارت اصلی و در غرب تالار سلام واقع شده‌است.

ایوان تخت مرمر: قدیمی ترین بنای کاخ که عده ای ساخت آنرا به کریمخان نسبت می دهند و پادشاهان قاجار در نوروز مردم را بحضور می پذیرفتند، یکی از زیباترین متعلقات این ایوان ، تخت مرمر یا تخت سلیمانی است که در این ایوان قرار گرفته است. ساخت این ایوان را به کریمخان و حتی در دوره صفوی نسبت می دهند.

تخت مرمر:فتحعلی شاه در سال ۱۲۲۱به سبب دشواری جابجایی تخت طاووس، دستور داد تختی بسازند. تخت مرمر با ۶۵ قطعه مرمر زرد معادن یزد که بر دوش سه مجسمه دیو و شش فرشته و بر یازده ستون مارپیچی قرار دارد. بعضی از ستونها در زیر تخت و بقیه در کناره‌های تخت و هرکدام در پشت شیری قرار گرفته‌اند. بر روی سطح عمودی کنار دو پله جلو تخت، نقش دو اژدها و در دوسوی پله اول دو مجسمه شیر حجاری شده‌است. پس از انقلاب اسلامی سر یکی از فرشتگان حامل تخت به سرقت رفته‌است.

کاخ ابیض: در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، شاه سلطان عبدالحمید، پادشاه عثمانی مقداری اثاثیه ارزشمند و گرانبها برای شاه ایران فرستاده چون در آن هنگام تقریباً همه کاخها و تالارهای سلطنتی پر بود، از این رو ناصرالدین شاه تصمیم گرفت ، کاخ جدیدی بنا کند و هدایای سلطان را در آن جای دهد. در حال حاضر موزه است

خلوت کریمخانی: این بنا در سال۱۱۷۳ و در زمان کریمخان احداث شده است.تخت مرمر کوچکی نیز در اینجا وجود دارد و در اینجا ناصرالدین شاه قلیان میکشیده است ور حال حاضر سنگ قبر ناصرالدین شاه در اینجا قراردارد.همچنین تختی متعلق به فتحعلی شاه در اینجا قرار دارد.

عمارت بادگیر و حوض خانه بادگیر: ا به دستور فتحعلی شاه ساخته و در دوره ناصرالدین شاه بازسازی شد. برج‌های بادگیرآن تنها بادگیرهای معرق ایران می‌باشند

تالار عاج: از بناهای دوره ناصرالدین شاه است و در زمان وی هدایای پادشاهان دولت‌های خارجی نگهداری می‌شد. در زمان پهلوی محل پذیرایی و برپایی مهمانیهای رسمی دربار بود.بعضی میگویند اینجا سالن آج و گرسنگان به زبان ترکی است.

حوض خانه- تالار الماس- تالار برلیان

بدلیل سرپوشیده بودن همیشه فرصت و امکان بازدید فراهم است.

۱۷-شهر سوخته



عکس هایی از چشم مصنوعی



:

راههای دسترسی: شهر سوخته در ۵۶ کیلومتری جنوب زابل و ۱۶۰ کیلومتری شمال زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان و در حاشیه جاده زابل به زاهدان واقع شده است

شهر سوخته نام بقایای دولت شهری باستانی در که روی آبرفت‌های مصب رودخانه هیرمند به دریاچه هامون و زمانی در ساحل آن رودخانه بنا شده بود. دوره بنای این شهر بزرگ باعصر برنز تمدن جیرفت قارن است و ایرانیان در حدود ۶۰۰۰ سال پیش در این شهر زندگی می‌کرده‌اند. شهر سوخته ۲۸۰ هکتار وسعت دارد. این شهر دارای پنج قسمت اساسی بوده که شامل بخش مسکونی؛ بخش‌های مرکزی؛ منطقه صنعتی؛ بناهای یادمانی؛ و گورستان است که به صورت تپه‌های متوالی و چسبیده به هم واقع شده‌اند. بر اساس نظر متخصصان این شهر در سه هزار و ۲۰۰ سال قبل از میلاد پایه گذاری شده و مردم آن در چهار دوره بین سال های سه هزار و ۲۰۰ تا هزار و ۸۰۰ قبل از میلاد در آن سکونت داشته اند. به دلیل آتش سوزی در دو دوره زمانی بین سال های سه هزار و ۲۰۰ تا دو هزار و ۷۵۰ قبل از میلاد «شهر سوخته» نامیده می شود. این شهر از نادرترین شهرهای باستانی است که در آن، زنان عهده دار امور مالی خانواده شان بوده اند، بر مبنای یافته های باستان شناسان شهر سوخته ۱۵۱ هکتار وسعت دارد و بقایای آن نشان می دهد که این شهر دارای پنج بخش مسکونی واقع در شمال شرقی شهر سوخته، بخش های مرکزی، منطقه صنعتی، بناهای یادمانی و گورستان است که به صورت تپه های متوالی و چسبیده به هم واقع شده اند. در حفاری های اخیر شهر سوخته مشخص شد که با توجه به صنعتی بودن آن و وجود کارگاه های صنعتی ساخت سفال و جواهرات در این منطقه، ساکنان شهر سوخته از درختان موجود در طبیعت برای سوخت استفاده می کرده اند. برای نخستین بار در شهر سوخته یک چشم مصنوعی متعلق به چهار هزار و ۸۰۰ سال قبل کشف شد، این چشم مصنوعی متعلق به زنی ۲۵ تا ۳۰ساله بوده که در یکی از گور های شهر سوخته مدفون شده بود و چشم مصنوعی بر روی جمجمه او قرار داشته است چشم مصنوعی یافت شده در چشم چپ این زن کار گذاشته شده و با وجود گذشت زمان هنوز سالم مانده است. جنس این چشم مصنوعی یافت شده بطور کامل مشخص نشده اما به نظر می رسد در ساخت آن از قیر طبیعی مخلوط به نوعی چربی جانوری استفاده شده است. در روی این چشم مصنوعی ریزترین مویرگ های داخل چشم توسط مفتول های طلایی به قطر کمتر از نیم میلی متری طراحی شده و مردمک این چشم نیز در وسط طراحی شده و تعدادی خطوط موازی که تقریبا یک لوزی را تشکیل می دهند در پیرامون مردمک دیده می شود یکی از شگفت انگیزترین یافته های این شهر باستانی، پیدا شدن نشانه های کهن ترین جراحی مغز در آن است در این رابطه جمجمه ای از دختر دوازده یا سیزده ساله کشف شده که در چهار هزار و ۸۰۰ سال قبل پزشکان آن دیار برای درمان بیماری هیدروسفالی (جمع شدن مایع درجمجمه) بخشی از استخوان جمجمه او را برداشته و جراحی کردند و این دختر بچه نیز مدت ها بعد از این عمل زنده مانده است. در کاوش های انجام شده در شهر سوخته یک خط کش ساخته شده از چوب آبنوس کشف شده است. سرپرست گروه باستان شناسی شهرسوخته گفت: این خط کش به طول ۱۰ سانتیمتر با دقت نیم میلیمتری و از جنس چوب آبنوس است و کشف آن نشانگر این امر است که ساکنان این شهر باستانی پیشرفت های زیادی در زمینه علم ریاضیات داشته اند. از گور باستانی شماره ۷۶۱ در شهر سوخته کهن ترین تخته نرد جهان به همراه ۶۰ مهره پیدا شده است. این تخته نرد بسیار قدیمی تر از تخته نردی است که در گورستان سلطنتی «اور» در بین النهرین پیدا شده بود. باستان شناسان هنگام کاوش در یک گور پنج هزار ساله جامی را یافتند که نقش یک بُز و یک درخت روی آن دیده می شد، آن ها پس از بررسی این شی دریافتند نقش روی جام برخلاف دیگر آثار به دست آمده از محوطه های تاریخی شهر سوخته، تکراری هدفمند دارد، به گونه ای که حرکت یک بُز به سوی درخت را نشان می دهد. باستان شناسان با نزدیک کردن این تصاویر به یکدیگر موفق شدند نمونه ای ازیک تصویر متحرک را در قالب یک فیلم ۲۰ ثانیه ای به دست آورند با توجه به اینکه در شهر سوخته هیچ خطی یافت نشده نام واقعی این شهر نیز ناشناخته مانده است. در حال حاضر کمتر از ۵ درصد این شهر تاریخی کاوش شده که در این کاوش ها به شواهد خوبی از زندگی مردم پنج هزار سال قبل رسیده ایم. از کل پیکرک های حیوانی یافت شده در این منطقه تاریخی حدود ۹۰ درصد مربوط به پیکرک گاو است که نشاندهنده اعتقاد به برکت و نیز حاصلخیزی این منطقه است. مردم این شهر در آیین تدفین خود مردگان را به حالتی خاص به همراه خوراکی و گاه سکه و اشیا دفن کرده اند که این موضوع نیز نشانگر اعتقاد این مردم به زندگی پس از مرگ است. بهترین زمان سفر فصول غیر گرم سال می باشد.

۱۸- میمند شهر بابک





راههای دسترسی:کیلومتر ۳۰ جاده شهربابک به بندر عباس سمت چپ روستای صخره ای میمند

میمند شهر بابک روستایی صخره‌ای و دستکند با چند هزار سال قدمت یادآور ایامی است که انسان‌ها خدایان خود را بر فراز کوه‌ها جستجو می‌کردند و کوه نماد استواری، توان، پایداری و اراده شناخته می‌شد. این بنای دستکند باستانی، بی‌گمان از نخستین سکونتگاه‌های بشری در ایران به شمار می‌رود در رابطه با پیدایش سازه‌های زیرزمینی میمند دو نظریه مطرح شده است: نخست این که مجموعه میمند در قرون هشتم و هفتم پیش از میلاد همزمان با قوم ماد، که در غرب ایران آثار معماری صخره‌ای متعددی را به یادگار گذاشته‌اند، توسط گروهی از اقوام آریایی به وجود آمده است. این احتمال نیز وجود دارد که بناهای صخره‌ای میمند ناشی از اعتقادات آیین مهرپرستی است، زیرا یکی از ارکان این آیین مبتنی بر شکست ناپذیری و جاودانگی پدیده‌ها است و همین عقیده آن‌ها را به سوی تقدیس کوه‌ها کشانده است. معماران و حجاران میمندی نیز پیرو آیین مهرپرستی بوده‌اندو عقاید مربوط به آیین خود را در معماری سکونتگاه‌هایشان پیاده کرده‌اند. میمند شهر بابک احتمالاً متعلق به قرون دوم و سوم میلادی است. در زمان اشکانیان در بخش جنوبی کرمان قبایل کوچ نشین به هر سو کوچ می‌کردند. این قبیله‌ها در دوره اشکانیان به طور کامل جا به جا نشده بودند و در اواخر دوره اشکانیان و اوایل دوره ساسانیان نقاط خوش آب و هوا را برای سکونت انتخاب می‌کردند. وجود محلی موسوم به دژ میمند، با بیش از ۱۵۰ اتاق مدور سنگی با دخمه‌هایی برای قرار دادن اموات، به این نظریه قوت می‌بخشد. با توجه به موقعیت این استودان‌ها به نظر می‌رسد که گورستان یاد شده مربوط به دوران ساسانیان بوده است، چرا که طبق سنت آن زمان، دخمه‌ها در منطقه‌ای کوهستانی و به دور از شهر و محل سکونت ساخته شده بودند. علاوه بر نظریه‌های فوق و بر اساس سنگ نگاره‌ها و نقوش صخره‌ای موجود در این منطقه، با صحنه‌های شکار که دلالت بر زندگی اهالی گذشته منطقه می‌نماید، قدمت میمند به چند هزار سال پیش بر می‌گردد. مطالعات انجام شده بر سفال‌های کشف شده در این منطقه نیز نشان می‌دهند که نمونه‌های یافت شده مربوط به دوره‌های مختلفی از جمله اشکانی، ساسانی، و اسلامی هستند. میمند شهر بابک به دلیل استحکام دفاعی در طول تاریخ کمتر دستخوش تحولات کالبدی و اجتماعی شده است و بیشترین تغییر در آن مربوط به چند دهه اخیر است. آنچه مورد اهمیت است و بی شک بر نحوه شناخت میمند اثر گذاشته ساخت مسکن با از میان برداشتن انبوهی از خاک بدون نیاز به خشت و آجر و ملات است .به همین دلیل در هر یک از اتاق‌ها، تاقچه‌هایی در اندازه‌های گوناگون برای جای رختخواب، ظروف، صندوق، چراغ و ... کنده شده است. در این حالت، خانه‌ای به این سبک و سیاق دارای یک یا چند اتاق و اصطبل است و «کیچه» نام دارد. یک واحد یک ورودی مشترک دارد و طویله و اتاق نشیمن در دو سوی پاگرد قرار دارند. همه کیچه‌ها یک ساختار ندارند و از نظر اندازه و تعداد اتاق‌ها باهم متنفاوت هستند. جدا کردن اتاق از پستو یا پوشانیدن برخی از تاقچه‌ها با پرده‌های پارچه‌ای صورت می‌گیرد. کلیدون در دیوار کنار درب نصب می‌شود، کلید را در آن قرار می‌دهند تا زبانه پشت در قرار گیرد. درجه حرارت این اتاق‌ها حدود ۵ درجه متفاوت از بیرون است. بطور مثال در سال ۱۳۸۳ در بهمن ماه در حالی که در بیرون حرارت ۱۰ درجه سانتیگراد بود، در درون ۱۵ درجه و در خرداد ماه ۱۳۸۴ در حالی که بیرون ۲۴ درجه سانتیگراد بود، دمای درون کیچه‌ها ۱۸ درجه سانتیگراد بود. ایجاد اجاق و در زبان محلی دیدوُن در درون اتاق ها و سوزاندن هیزم طی سالیان متمادی در آن موجب سیاهی رنگ سقف و بدنه اتاق‌ها شده و برپا کردن آتش و تهیه غذا در درون اتاق‌ها باعث شده تا بدنه داخل اتاق‌ها ایزولاسیون شده و باعث عمر بیشتر اتاق‌ها شود. البته چون مدت‌هاست که در خیلی از اتاقها آتش افروخته نمی‌شود خاک سقف‌ها به تدریج دچار ریزش شده‌اند. اندازه این اتاق‌ها که البته از نظر هندسی منظم نیستند، متفاوت است و یک اتاق ۳×۴ به بلندی ۹۰/۱ تا ۱۰/۲ متر معمولی است و بزرگترین کیچه از ۹۰ متر مربع تجاوز نمی‌کند. روستای میمند شهربابک روی هم رفته دارای ۴۰۶ کیچه و ۲۵۶۰ اتاق است. ساکنان این روستا دارای آداب و رسوم خاص هستند و در زبان و گویش آن‌ها هنوز از کلمات پهلوی ساسانی استفاده می‌شود. روستای ۳ هزارساله میمند شهربابک تنها روستای تاریخی در جهان است که هنوز روابط سنتی زندگی در آن جریان دارد و می‌توان تعامل انسان و طبیعت در هزاره دوم میلادی را به خوبی در آن دید. روز شنبه ۱۳ تیرماه سال ۱۳۹۴ هجری شمسی مصادف با ۴ ژوئیه ۲۰۱۵ در سی و نهمین اجلاس میراث فرهنگی یونسکو پرونده منظر فرهنگی میمند شهربابک مورد بررسی قرار گرفت و با کسب اکثریت آراء به عنوان نوزدهمین اثر جهانی ایران در یونسکو به ثبت رسید . مهم‌ترین شاخصه این روستا در مقایسه با مواردی چون دهکده کاپادوکیه (Cappadocia)ترکیه مسکونی بودن واحدهای صخره‌ای میمند است به عبارت دیگر زندگی هنوز معنای خود را در میمند از دست نداده است. ساکنان روستای دستکند (صخره‌ای) سه هزار ساله میمند که به عنوان هفتمین منظر فرهنگی- طبیعی و تاریخی در جهان موفق به دریافت جایزه مرکوری شده است دارای آداب و رسوم خاص بوده و هنوز روابط سنتی زندگی در آن حفظ شده و در زبان و گویش نیز همچنان از کلمات پهلوی ساسانی استفاده می‌شود به نحوی که می‌توان تعامل انسان و طبیعت در هزاره دوم میلادی را به خوبی در آن دید.بهار بهترین فصل بازدید است.

۱۹- شوش





راههای دسترسی: شهر شوش(۳۶ کیلومتر پس از دزفول و ۱۱۵کیلومترقبل از اهواز)خیابان طالقانی

شوش شهری در جنوب غرب ایران و از کهن‌ترین شهرهای جهان ، تمدن ایلام و امپراتوری هخامنشی‌ها با ۶5 کیلومتر مربع مساحت بوده است.شهر باستانی شوش مرکز تمدن عیلام بوده که در ۱۵۰ کیلومتری شرق رود دجله در استان خوزستان واقع است. شوش از حدود ۲۷۰۰ قبل از میلاد پایتخت بوده و این پایتختی تا پایان امپراتوری هخامنشی ادامه می‌یابد که بالغ بر ۳۰۰۰ سال می‌شود. باستان‌شناسان فرانسوی در دوره قاجار نخستین کاوش‌ها را در این منطقه انجام دادند. بر اساس برآوردهای اولیه نزدیک به ۴۰۰ هکتار از این محوطه را به‌عنوان عرصه باستانی شوش تعیین کردند، اما در بررسی باستان‌شناسی کارشناسان میراث فرهنگی محوطه باستانی شوش به اضافه حریم آن تا ۸۰۰ هکتار افزایش یافت. منطقه باستانی شوش، محوطه وسیعی را از کل شهر شوش در برمی‌گیرد که بناها و سازه‌های معماری بسیار متنوعی پیش از تاریخ تا دوران اسلامی را در خود جای داده است. کاخ «آپادانا» یکی از باشکوه‌ترین کاخ‌های آن و از شهرت عالمگیر برخوردار است. کاخ آپادانا به دستور داریوش بزرگ پادشاه هخامنشی در حدود سال‌های ۵۲۱ تا ۵۱۵ پیش از میلاد در شوش روی آثار و بقایای عیلامی بنا شد. دیوارهای کاخ از خشت و ستون‌های آن از جنس سنگ است. کاخ داریوش دارای قسمت‌های مختلفی از جمله تالار بار عام، دروازه و کاخ پذیرایی و همچنین دارای سه حیاط مرکزی است. دیوارهای داخلی کاخ با آجر لعابدار منقوش با طرح‌های سربازان گارد جاویدان، شیر بالدار و نقش گل نیلوفر آبی مزین بوده‌اند که بقایای به‌جای‌مانده آنها در موزه‌های خارجی وداخلی نگهداری می‌شوند. ستون‌های سنگی این کاخ متشکل از چند قسمت زیرستون، پایه ستون، شالی‌ستون، ساقه ستون، گل ستون و سرستون است. سر ستون به شکل نیمه جلویی دو گاو که زانو زده و پشت به هم داده‌اند است. ستون‌ها و دیوارهای آپادانا ۲۲ متر ارتفاع داشتند، اما بلندی بقیه قسمت‌ها کمتر و سقف آن‌ها گهواره‌ای و از خشت ساخته شده است. از تزئینات کاخ اطلاعی در دست نیست، ولی کف بسیاری از قسمت‌ها از مصالحی ساخته شده که قرمز رنگ بوده است. بخش‌های مهمی از کاخ آپادانا در زمان اردشیر اول (۴۶۱ پیش از میلاد) دچار حریق شد که در زمان اردشیر دوم (۳۵۹ پیش از میلاد) بازسازی شد. آپادانا در حمله اسکندر مقدونی در حدود سال ۳۲۰ پیش از میلاد ویران شد. اولین حرکت‌های باستان‌شناسی در محوطه تاریخی شوش در سال ۱۸۵۱ توسط کنت لفتوس انگلیسی آغاز شد. مدتی بعد، ژان و مارسل دیولافوای فرانسوی فعالیت‌های او را ادامه داده و کارشان توسعه پیدا کرد .بعدها در دوران ثاجاریه «ژان ماری ژاک دو مورگان» فرانسوی جهت تحقیق و اکتشاف به شوش آمد. چون در این زمان آثار ارزشمندی از این منطقه کشف شد و امنیتی برای حفظ این آثار وجود نداشت، هیئت فرانسوی تصمیم به ساخت مکانی در این محوطه تاریخی برای نگهداری آثار تاریخی گرفت. در سال ۱۸۹۸ میلادی ژان ژاک دومورگان قلعه شوش را از آجرها و آثار بازمانده از بنای کاخ داریوش ساخت. برای این کار بلندترین نقطه تپه‌های شوش یعنی «آکروپل» انتخاب و قلعه‌ای به شکل قلعه‌های قرون وسطا و ذوزنقه‌ای شکل روی آن ساخته شد. معماری قلعه شوش شباهت بسیاری به زندان باستیل در فرانسه دارد. ساختمان این قلعه اغلب با خشت و بقایای باستانی آجرها و خشت‌های دوره‌های مختلف که در محوطه باستانی شوش باقی مانده بود بنا شد و در سال ۱۹۱۲ میلادی کار ساخت آن به پایان رسید. از این قلعه اکنون نیز به عنوان مرکز نگهداری و تحقیق آثار باستانی استفاده می‌شود. قلعه شوش مثل قلعه‌های قرون وسطی در اروپا از دو حیاط تشکیل شده که حیاط دوم آن مرتفع‌تر از حیاط اول است. در زیر حیاط دوم ۲ تالار (زیرزمین) تعبیه شده است. مصالح قلعه از خشت ساخته شده، اما روکشی از آجر روی این خشت‌ها قرار دارد که این آجرها مربوط به ادوار مختلف تاریخی است. عناصر تشکیل‌دهنده معماری قلعه شوش شامل طاق‌های رومی، درگاه‌های قوسی و تزیینات آجری است که از معماری ایرانی الهام و مایه گرفته‌اند. معماران اصلی این بنا دو تن از معماران دزفولی بوده‌اند از سال ۱۳۷۱ از قلعه شوش به‌عنوان نوعی موزه استفاده شده و اشیای تاریخی در آن نگهداری می‌شوند. قلعه شوش دارای اتاقی کوچک شیشه‌ای است که به کلاه فرنگی شهرت دارد. همچنین برج استوانه‌ای که در ضلع غربی بنا قرار دارد، مربعی شکل است و به‌عنوان کبوترخانه مورد استفاده قرار می‌گرفت. برج دیگر این بنا در وسط حیاط قرار گرفته است که به برج شمالی نیز شهرت دارد. شکل این برج به‌صورت دایره تعبیه شده است..موزه شوش در سال ۱۳۴۵ در جوار قلعه و محوطه باستانی شوش گشایش یافت. این موزه یکی از مهم‌ترین موزه‌های اشیای ایران باستان است و آثار با ارزشی از دوره های مختلف تاریخی دارد دیدن این موزه را به شما پیشنهاد میکنیم.

پس از بررسی پرونده ثبت جهانی محوطه باستانی شوش، این پرونده روز ۱۳ تیر ماه ۱۳۹۴ در نشست یونسکو در شهر «بن» آلمان به ثبت جهانی رسید. پرونده میراث فرهنگی شوش شامل کاخ شاوور، آپادانا، دروازه شرقی، هدیش، شهر پانزدهم، روستای هخامنشی، مسجد جامع شوش و مجموعه بناهای دوره اسلامی، تپه‌های آکروپول و قلعه فرانسوی‌ها است. قلعه شوش تکه‌ای از چغازتبیل و کاخ داریوش را در خود به امانت محفوظ داشته است. بهترین زمان سفر فصول غیر گرم سال می باشد.

۲۰-قنات ایرانی





راههای دسترسی: شهرهای گناباد،فردوس،مهریز ، زارچ، اراک،میمه، اردستان،جوپار، بم و بروات

قنات که توسط مقنیان ایرانی اختراع شده ، هزاران سال قدمت دارد. قدمت بسیاری از قناتهای ایران ، از پنج یا شش هزار سال متجاوز است و عمری برابر با تاریخ کهن ایران دارد. با وجود این که چندبن هزار سال از اختراع آن می‌گذرد، مع هذا هنوز هم این روش استفاده از آب ، در قسمت مهمی از روستاها و مناطق مسکونی و کشاورزی و دامداری کشور معمول و متداول است. قنات، ابتدا یک فن آبیاری نبوده، بلکه به طور کامل از تکنیک معدن نشأت گرفته و منظور از احداث آن جمع‌آوری آبهای زیرزمینی مزاحم (زه آبها) به هنگام حفر معادن بوده است.قنات یا کاریز راه‌آب یا کانالی است که در زیرِ زمین حفر شده، تا آب در آن برای رسیدن به سطح زمین جریان یابد. این جوی یا کانال در عمق زمین برای ارتباط دادنِ رشته‌چاه‌هایی است که از مادر چاه سرچشمه می‌گیرد. مادرچاه‌ها معمولاً یک چشمه زیرزمینی هستند. مظهر قنات جایی است که آب از دل قنات بیرون می‌آید و ظاهر می شود و می‌تواند برای آبیاری و دیگر مصارف مورد استفاده قرار بگیرد .قنات ، تشکیل شده از یک دهانه که روباز است و یک مجرای تونل مانند زیرزمینی و چندین چاه عمودی که مجرا یا کوره زیر زمینی را در فواصل مشخص با سطح زمین مرتبط می‌سازد. چاهها که به آنها در موقع حفر ، میله هم گفته می‌شود، علاوه بر مجاری انتقال مواد حفاری شده به خارج ، عمل تهویه کانال زیرزمینی را نیز انجام می‌دهد و راه ارتباطی برای لای‌روبی ، تعمیر و بازدید از داخل قنات نیز به شمار می‌رود. حفر قنات معمولا از مظهر ان که همان سطح زمین است و خشک می‌باشد، شروع و به مناطق آبده مادر چاه ، ختم می‌شود. طول یک رشته قنات که در میزان آبدهی آن نیز موثر است، نسبت به شرایط طبیعی متفاوت است. این شرایط بستگی به شیب زمین وعمیق مادر چاه دارد. از طرف دیگر هرچه سطح آب زیرزمینی پایینتر باشد، عمق مادر چاه بیشتر می‌شود .طویلترین قناتی که تاکنون در ایران حفر شده ، در حوالی گناباد از توابع خراسان است که ۷۰ کیلومتر طول آن است و عمیقترین مادر چاه قناتهای ایران به روایتی ۴۰۰ متر و به روایت دیگر ۳۵۰ متر عمق دارد و آن مربوط به قنات "قصبه" گناباد است. مهمترین عاملی که طول قنات را مشخص می‌کند، شیب زمین می‌باشد. هرچه شیب زمین کمتر باشد طول قنات بیشتر و هرچه شیب بیشتر باشد طول قنات کمتر خواهد بود. سیستم استخراج در قنات طوری است که آب بدون کمک و صرف هزینه فقط با استفاده از نیروی ثقل از زمین خارج می‌گردد. و ارزانتر تمام می‌شود. ایران دارای ۳۶۳۰۰ رشته قنات فعال با طول کلی ۲۷۴۰۰۰ کیلومتر است.بی بدیل بودن این قنات‌ها شامل فناوری‌های مرتبط با احداث آن‌ها با در نظر گرفتن ویژگی‌های منحصر به فردشان، مانند عمیق‌ترین، طولانی‌ترین، یا قدیمی‌ترین قنات ایران بوده‌است. این ۱۱ قنات شامل :قنات قصبه گناباد یا کیخسرو(در شهر گناباد قراردارد و کهن ترین و عمیق ترین قنات ایران با طول ۳۳ کیلومتر و عمق مادر چاه ۳۰۰ متر۴۲۷ حلقه چاه دورشته و دبی ۱۵۰ لیتر آب که می گویند جن ها آنرا حفر کرده اند) قنات بلده فردوس(در مسیر فردوس به گناباد قرار دارد، قناتی با ۲۷ رشته و دو دهنه چشمه)، قنات حسن‌آباد مشیر(در مهریز یزد قرار دارد با ۲۰۰ لیتر در ثانیه آب دهی و ۷۰ کیلومتر طول) و قنات باغ زارچ(واقع در زارچ یزد ،طولانی ترین قنات جهان با طول ۷۱ کیلومتر با ۲۱۱۵ حلقه چاههائی با مقطع مربع وسه شاخه که از زیر شهر یزد عبور می کند)، قنات ابراهیم‌آباد اراک(در روستای ابراهیم آباد از توابع مشک آباد اراک قرار دارد، دارای۳۱۱ حلقه چاه ، ۱۱ کیلومتر طول و سه رشته تنها قنات مخروطی و ۱۱۰ متر عمق مادر چاه) قنات مزدآباد(در میمه اصفهان و دومین قنات قدیمی کشوراست طول ۱۸کیلومتر عمق ۷۴ متری مادر چاه دو رشته سرد و گرم و دارای سد زیرزمینی که می توان در زمستان خروج آب را متوقف کرد) قنات عمومی وزوان(در میمه اصفهان است ،دارای سدی منحصر به فرد در زیر زمین به ارتفاع ۹ متر و طول آن در طولانی‌ترین بخش ۱.۵ متر، در کوتاه‌ترین قسمت ۱.۲ متر و ضخامت آن ۱.۵ متر است. روی دیوار سد پنج دریچه به فاصله‌های متفاوت یک تا ۱.۵ متر از یکدیگر تعبیه شده است و قنات در زمینی رسوبی وسنگی کنده شده است) قنات مون(در اردستان یزد قرار دارد عجیب‌ترین سازه قناتی دنیا شناخته می‌شود و مهم‌ترین علت آن این است که آب قنات رویی و آب قنات زیری روی همدیگر حرکت می‌کنند بدون اینکه آب قنات رویی در قنات زیرین نفوذی داشته باشد ۴ کیلومتر طول ۴۰ حلقه چاه و عمق مادر چاه۳۱ متر)، قنات گوهرریز جوپار(واقع در جوپار کرمان با ۳۵۵۶ متر طول و ۱۲۹ حلقه چاه و در شش رشته)، قناتهای دوقلو: قنات اکبرآباد بم(در روستای اکبرآباد از توابع بخش ریگان، شهرستان بم باطول ۱۱۰۰ متر و ، تعداد ۳۵ میله چاه) و قنات قاسم‌آباد بم(قنات قاسم‌آباد در روستای بروات از توابع بخش مرکزی، شهرستان طول آن ۲۳۰۰ متر است و تعداد ۵۰ میله چاه دارد. همچنین دبی این قنات ۱۳۹ لیتر بر ثانیه است). پرونده قنات های یازده گانه ایران در تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۹۵ در چهلمین اجلاس کمیته میراث جهانی در شهر استانبول ترکیه به عنوان ۲۰ امین اثر ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. بهترین زمان دیدن قنات زمان پر آبی آنهاست.

۲۱-یزد





راههای دسترسی: مرکز استان یزد شهر یزد می باشد و تقریبا در مرکز ایران قرار دارد

یزد یکی از کلانشهرهای ایران و مرکز استان و شهرستان یزد می باشد که در مرکز ایران در دره‌ای خشک و پهناور بین کوه‌های شیرکوه و خرانق واقع شده‌است. این شهر در سال ۱۳۹۶ ثبت جهانی شد. شهر یزد یکی از قطبهای پزشکی ایران به‌شمار می‌آید. یزد در دشت یزد ـ اردکان قرار گرفته‌است. نخستین صندوق امانات جهان ۱۷۰۰ سال پیش در حوضه تمدن این شهر بنا نهاده شده‌است. اوج آبادانی یزد، از سدهٔ «هشتم هجری» به بعد بوده و اتابکان یزد از مهم‌ترین عوامل پیشرفت این شهر در سده‌های گذشته به‌شمار می‌روند شهر یزد به دلیل معماری تاریخی ارزشمند و بافت سنتی دست نخورده‌اش در ۱۸ تیرماه سال ۱۳۹۶ در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. این شهر تاریخی به عنوان اولین شهر ایران و بیست و دومین اثر تاریخی کشور در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید.. بافت تاریخی شهر یزد یکی از اعجاب‌انگیزترین نمونه‌های میراث فرهنگی یک کشور است که هر گوشه از آن، اسراری برای کشف دارد.شهر تاریخی یزد منطقه ای وسیع و باستانی با پیشینه ای چندین هزار ساله است که گسترده ترین، اصولی ترین و بکرترین بافت تاریخی ایران و دومین بافت خشتی مسکونی دنیا به شمار می رودآثار گردشگری، تاریخی، طبیعی و میراث فرهنگی یزد از بهترین مقاصد گردشگری ایران و جهان هستند. ساختار تاریخی شهر، بادگیرها، سیستم قنات، کوچه ها و خانه های سنتی و خشتی، مناره ها وگنبدها از مهم ترین شاخصه های معماری شهر تاریخی یزد است. نزدیکی به جاده ی ابریشم، وجود بناهای تاریخی، آب انبارها، حمام ها، بازارها، مساجد، تکیه، زندان، حسینیه، عبادتگاه ها، باغ های قدیمی، معابد زرتشتیان، موزه ها و غیره از دیگر ویژگی های این شهر تاریخی به شمار می رود. شهر تاریخی یزد نیز که دارای سیستم قنات، خانه‌های سنتی،بازارها، حمام‌ها، مساجد، معبد زرتشتیان و باغ دولت آباد نیز به عنوان یک شهر تاریخی جزو میراث جهانی قرار گرفته است .مشخص‌ترین وجهه شهر، معماری خاص کویری آن است .بادگیرها، مناره‌ها و گنبدها مشخص‌ترین جنبه ظاهری معماری شهر است. در این سبک معماری، از بادگیر برای گرفتن جریان باد و خنک کردن فضای ساختمان به کار می‌رفته‌است .بافت و ساخت معماری ویژه منطقه یزد از بارزترین نمونه‌های معماری خاص اقلیم‌های گرم و خشک در جهان است. تناسب آن با نیازها و شرایط اقلیمی -فرهنگی مردم منطقه، گذشته از زیبایی خاص این معماری، از ویژگی‌های آن است .در مرکز هر محله، معمولاً حمام، بازارچه، آب انبار، مسجد، حسینیه، لرد، کارگاه‌های کوچک، جوی آب (برای دسترسی به قنات) قرار دارد که بسیاری از این امکانات هنوز پابرجا هستند پایه اصلی مسجد جامع یزد در عصر ساسانی بنا شد،بر روی یک آتشکده ساسانی .مسجد جامع عتیق با طرح شبستانی در عصر عمرولیث صفاری در سده سوم هجری قمری بنا شد مسجد جامع یزد، بنایی با قدمت ۹۰۰ ساله، باشکوه‌ترین و زیباترین بنای تاریخی استان یزد با بلندترین مناره در مرکز شهر یزد قرار دارد ..ارتفاع مناره‌های مسجد جامع،۵۲ متر و قطر آن ۸ متر است مسجد جامع فعلی یزد در طول صدسال ساخته شد و درواقع این مسجد ترکیبی از سه مسجد قدیمی در ادوار مختلف تاریخی است. مسجد جامع یزد در دوره قاجار به شکل امروزی درآمد. برای تهیه خاک کاشی‌ها و خاک مصالح مسجد جامع از خاک کربلا و گلاب استفاده شده است، این نکته‌ای است که بسیاری از یزدی‌ها به آن اشاره می‌کنند. در تزئینات بی‌نظیر کار شده در این مسجد از کاشیکاری و و طرح های نام علی)ع) و در جایی دیگه از نماد ایرانی آخشیج (چهار عنصر اصلی و گردونه مهر) به کار رفته است این نماد نماد مقدسی بوده که از ایران باستان در بناهای مهمی همچون تخت جمشید دیده می‌شود و تا کنون نیز باقی مانده است.دیدنیهای شهر یزد: مجموعه امیر چخماق، مسجد جامع یزد،کاروانسرای زین الدین،خانه لاری ها،باغ دولت آباد،حمام خان،دخمه زرتشیان،آب انبار شش بادگیر،آب انبار گیو،آتشکده ورهرام،حمام ابوالمعالی،آرامگاه سید شمس الدین،بقعه سید گل سرخ،بقعه دوازده امام،محله فهادان، میدان ساعت،بازار خان،موزه آب،موزه قصر آئینه، برج و بارو یزد،بازار حاجی قنبر، خانه رسولیان،خانه نواب وکیل،زندان سکندر یا مدرسه ضیائیه، کویر کاراکال، خانه آقازاده،کویر سیاه کوه،زورخانه صاحب الزمان، روستای خرانق و تک منار جنبان آن،قلعه سریزد، نارین قلعه،خانه کلاهدوزان،دامنه شیرکوه و..... بهترین زمان سفر فصول غیر گرم سال بالاخص بهار و پائیز می باشد.

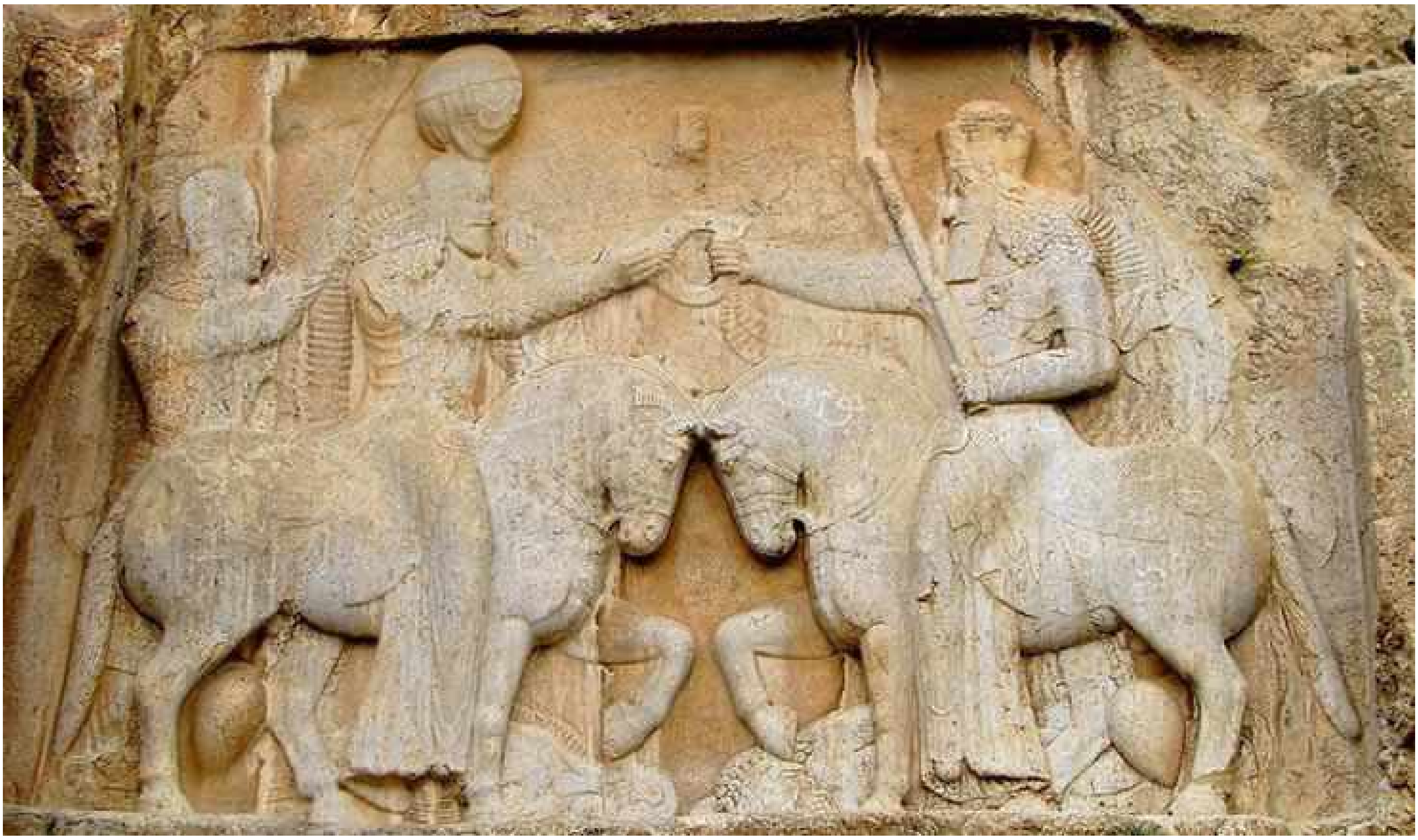
۲۲-چشم‌انداز باستان شناسی ساسانی فارس

















راههای دسترسی: استان فارس شهرهای: فیروزآباد- کازرون- سروستان

هشت سایت باستانی است که در سه منطقه باستانی، فیروزآباد، بیشاپور، سروستان در جنوب غربی استان فارس واقع شده‌اند. این آثار به اوائل و اواخر دوره شاهنشاهی ساسانی، که از ۲۲۴ تا ۶۵۸ بعد از میلاد، در سراسر این منطقه گسترش یافت، مربوط می‌شوند.

قلعه دختر فیروزآباد: در شش کیلومتری جاده فیروزآباد به شیراز در دامنه کوهی مشرف به جاده قرار دارد که پس از طی مسافتی حدود ۳۰۰ متر می‌توان به قلعه رسید. این قلعه تماماً از سنگ‌های درشت ساخته و سنگ‌های نما، تراشیده شده‌اند عظمت بنای این قلعه، مبهوت کننده‌است . در قسمتی از قلعه دهانه غاری دیده می‌شود که به قول بعضی از محلی‌ها این غار راهی به کاخ اردشیر بابکان در جلگه فیروزآباد داشته‌است.

سنگ نگاره پادشاهی اردشیر بابکان: این اثر مربوط به دوره ساسانیان است و در فیروزآباد، کیلومتر ۳ و ۵ جاده فیروزآباد به شیراز واقع شدهدر این سنگ‌نگاره اهورامزدا و اردشیر بابکان در مقابل هم ایستاده‌اند و اهورامزدا در حالی که حلقه پادشاهی را از روی محراب آتش به دست اردشیر می‌دهد، وی را به شاهی منصوب می‌نماید. در پشت سر اردشیر، ولیعهد شاپور و دو شاهزاده دیگر ایستاده‌اند. ابعاد: ۷ متر در ۷۰/۳ متر

سنگ نگاره پیروزی اردشیر بر اردوان: مربوط به دوره ساسانیان است و در فیروزآباد، کیلومتر ۳ و ۵ جاده فیروزآباد به شیراز واقع شده و در آن صحنه نبرد پیروزمندانه اردشیر بابکان با اردوان پنجم آخرین شاه اشکانی در سال ۲۲۴ حجاری گردیده‌است. این سنگ‌نگاره با هیجده متر طول و تقریباً چهار متر ارتفاع، بزرگترین سنگ نگاره بازمانده در ایران است. این اثر در شهرستان فیروزآباد و پیرامون رودخانه فیروزآباد و برفراز صخره‌ای قرار گرفته‌است و چندین سال پیش شمشیر حجاری شده آن به سرقت رفت.

اردشیر خوره (شهر گور): محلی باستانی است در شهرستان فیروزآباد، استان فارس .این شهر در اوایل قرن سوم میلادی به دستور اردشیر بابکان بنیاد شد. گور در زمان آبادانی خود، مرکز بخشی از ایالت فارس به نام کوره اردشیرخورّه بود .طرح و الگوی این شهر دایره‌ای شکل است و به قطر دو کیلومتر دارای چهار دروازه اصلی بوده و بناهای حکومتی و محل اقامت درباریان در آن قرار داشته‌است. شهر گور باستانی اکنون متروک مانده و شهر کنونی فیروزآباد در سه کیلومتری آن قرار دارد.

کاخ اردشیر بابکان: این کاخ در فیروزآباد قرار دارد این کاخ دارای تالارهای تو در تو است و با گذشت ۱۸۰۰ سال گچ‌بری بخش بالای دیوارهای درونی آن همچنان آسیب نادیده مانده‌است. در ضلع شرقی کاخ، چهار ساختمان گنبدی شکل عظیم وجود دارد، این گنبدها به وسیله فیل‌پوش بالا رفته که مشابه آن در قلعه دختر (قلعه اردشیر) دیده می‌شود

شهر بیشابور: در سال ۲۶۶ میلادی و به دستور شاپور اول پادشاه ساسانی و پس از پیروزی بر والرین امپراتور روم، وی دستور داد در ناحیه‌ای خوش آب و هوا بر سر راه تخت جمشید به تیسفون شهری بنا کنند.

پیکره شاپور یکم: در شش کیلومتری شهر باستانی بیشاپور، و در ۶ کیلومتری شهرستان کازرون در غاری وجود دارد که در آن. پیکره ای بسیار بزرگ به بلندای ۶/۷۰ متر و پهنای شانه بیش از ۲ متر از جنس استلاگمیت تراشیده شده است. در اثر زلزله این مجسمه فرو افتاد و در دهه ۴۰ ارتش مجسمه را بر پایه ای بتونی مجدداً قرار داده اند.

کاخ ساسانی سروستان: در ۹ کیلومتری جنوب شهر سروستان در شهرستان سروستان و محله تزنگ قرار داشته و کل مجموعه ۲۵ هکتار وسعت دارد. این کاخ از سنگ و گچ ساخته شده و ایوانی مربع شکل بخش مرکزی آن را تشکیل می‌دهد که دارای ۱۳ متر طول و عرض، و ۱۸ متر ارتفاع دارد. همچنین در مرکز و حیاط دارای گنبدی می‌باشد.

این آثار در جلسه ۳۰ ژوئن ۲۰۱۸ کمیته میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیدند. بهترین زمان سفر فصول غیر گرم سال می باشد.

بخش دوم

میراث طبیعی ثبت شده در یونسکو

۲۳-کویر لوت





راههای دسترسی: **دشت لوت محدوده‌ای است بین استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و کرمان.پیشنهاد می شود اولین بارمسیر کرمان سیرچ شهداد طی شود.**

دشت لوت دشتی بیابانی در جنوب شرقی ایران است. این دشت در جنوب شرق ایران با مساحتی بیش از ۴۰ هزار کیلومتر مربع ،حدود ۱۰ درصد از وسعت ایران را دربر گرفته‌است. کلمه لوت در زبان بلوچی به معنی لخت، تشنه، بی‌آب و علف و فاقد هرچیز است.بیابان لوت، بیست و هفتمین بیابان بزرگ جهان به‌شمار می‌رود. در بین عامه مردم و در بسیاری از خبرها به‌دلیل برخی مشابهت‌ها با دشت کویر، از عنوان «کویر لوت» استفاده می‌شود درحالی که استفاده از کویر برای لوت درست نیست و در پرونده ثبت جهانی لوت در یونسکو نیز عنوان «بیابان لوت» ثبت شده‌است نه «کویر لوت» زیرا دشت لوت بیابان است نه کویر و کویر بخش کوچکی از مساحت دشت لوت را تشکیل می‌دهد دشت لوت از جمله مناطق فراگرم و خشک جهان است. هسته آن در سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ گرم‌ترین نقطه بر سطح کره زمین شناخته شده است که بیشترین آن در سال ۲۰۰۵ با بیشینه دمای ۷۰/۷ درجه سانتیگراد ثبت گردیده‌است. دانشمندان علت گرمای بالای آن را رنگ تیره و خشکی سطح آن دانسته‌اند که موجب جذب گرمای خورشید می‌شود. در بسیاری از رسانه‌های ایرانی و خارجی در ۸۰ کیلومتری شمال شهداد (به‌عنوان گرم‌ترین نقطه لوت و دنیا معرفی شده‌است ولی گرم‌ترین نقطه زمین در بیابان لوت(چاله مرکزی لوت) در ۷۵ کیلومتری شمال شهر بم است و معرفی گندم بریان به‌عنوان گرم‌ترین نقطه لوت و کره زمین نادرستبوده و ریگ یلان گرمترین نقطه است.دشت لوت از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده‌است. طول آن از شمال به جنوب حدود ۹۰۰ کیلومتر و غرب به شرق حدود ۳۰۰ کیلومتر و تقریباً ده درصد کشور ایران است. بزرگ‌ترین ناحیه جمعیتی دشت لوت» شهداد «است که در گذشته‌های دور به آن خبیص می‌گفتند. دره سیرچ و ناحیه مسکونی آن به همین نام، یکی از زیباترین چشم‌اندازهای سر سبز حاشیه این دشت اسرار آمیز است. بلندترین،بزرگ‌ترین و طولانی ترین کلوت های جهان (شهر کلوخی). منطقه کلوت‌ها از دور به خرابه‌های شهری بزرگ می‌ماند که توصیف‌های گوناگون از آن شده‌است نظیر: شهر خیالی یا شهر لوت. مرتفع‌ترین هرم‌های ماسه‌ای دنیا در لوت ریگ یلان قرار دارد که محل تلاقی سه استان خراسان جنوبی و کرمان و سیستان و بلوچستان است.ارتفاع هرمهای ماسه ای در ریگ یلان گاه به ۴۸۰ الی ۵۰۰ متر هم می رسد.. ۴۰ مخروط آتشفشان کواترنر در سطح دشت لوت وجود دارد.یکی از بزرگ‌ترین نبکاهای جهان (تا ارتفاع ۱۲ متر) تپه‌های شنی پوشیده از گیاه (نبکاها) که یکی از شگفتی‌های همزیستی خاک و آب و گیاه است. این نبکاها به گلدان بیابان نیز نامیده شده‌اند.کویر پاشتری، سطح این نوع زمین‌ها اینطور به‌نظر می‌رسد که پس از بارندگی زیاد خیس شده و تعدادی شتر روی آن راه رفته‌اند.در پای کوه‌های مشرف به دشت بزرگ لوت، آثاری از سکونت انسان از هزاره چهارم پیش از میلاد مسیح مشاهده شده‌است.پهنه‌های وسیع ماسه و ریگ با طیف رنگی قهوه‌ای روشن تا خاکستری و سیاه نظیر »گدار باروت» که چون خاک آن سیاه و شبیه باروت است به این نام خوانده می‌شود. پهنه‌هایی به شکل چندضلعی‌های متعدد که حاصل قشر نمکی ضخیم و تبخیر شدید سطح زمین است.لوت جنوبی به لوت زنگی احمد مشهور است.(محلی در شمال بم و نرماشیر کرمان) که دیدنی است. در ۲۷ تیر ۱۳۹۵ با اجماع همه کشورهای عضو در کمیته میراث جهانی، بیابان لوت به عنوان نخستین اثر طبیعی ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار گرفت. این کویر بر اساس مصوبات امنیتی و ملاحظات ایمنی به سه بخش سبز (ورود آزاد)، نارنجی (نیازمند مجوز و با هماهنگی) و قرمز (ممنوعه) تقسیم شده و هرگونه ورود بدون مجوز به مناطق نارنجی و قرمز می‌تواند مخاطرات جدی برای امنیت گردشگران به دنبال داشته باشد. می گویند کسی از عرض این کویر به سلامت عبور نکرده است ریگ جن معروف به برمودای ایران شگفت‌انگیزترین اسرارآمیزترین و ترسناک‌ترین منطقه ایران است، این منطقه در جنوب سمنان، شرق دریاچه نمک، شمال انارک و غرب جندق قرار دارد.با باتلاق‌های سهمگین ،اتفاقات بی‌پاسخ و توجیه نشده بسیاری در این منطقه روی‌داده است در سال ۱۹۹۷ طلسم ریگ‌جن توسط علی پارسا، کویرشناس مقیم آمریکا به همراه آقای میران زاده، رئیس وقت پارک ملی کویر، با هواپیما برافراز ریگ جن رفتند .یک سال بعد، وی با ماشین وارد «ریگ جن» شد و بعدازآن بسیاری از کویرنوردان از «ریگ جن» گذشتند. صدایی که حرکت باد بر روی این تپه‌ها ایجاد می‌کرده قطعاً از عوامل مؤثر بر باور عمومی (صدای جن ها) و وجود قدرت‌های متافیزیکی در این منطقه است. اختلاف زیاد دمای شب و روز و خرد شدن سنگ‌ها در اثر این اختلاف فاحش که به (گریه سنگ) شهرت دارد نیز به همین عوامل متافیزیکی منسوب می‌شده است. از آن زمان تاکنون گروههای ماجراجوی دیگری از ریگ جن عبور کرده اند. بهترین زمان سفر فصول غیر گرم می باشد.

۲۴-جنگل های هیرکانی





راههای دسترسی:نوار شمالی کشور از آستارا در شمال استان گیلان تا گلیداغ در غرب استان گلستان

یک زیست‌منطقه در زیست‌بوم جنگل‌های مختلطِ پهن‌برگِ حاشیه جنوبی دریای خزر و کناره شمالی البرز به مساحت ۵۵۰۰۰ کیلومتر مربع و حدود ۷٪ مساحت ایران است که در کناره جنوبی و جنوب باختری دریای خزر در بخش‌هایی از ۵ استان شمالی ایران قرار گرفته و در دو کشورِ ایران و جمهوری آذربایجان است. این جنگل از منطقه پارک ملی هیرکان جمهوری آذربایجان آغاز و تا استان خراسان شمالی در ایران امتداد دارد. این جنگل با قدمت ۲۵ تا ۵۰ میلیون سال یکی از ارزشمندترین جنگل‌های جهان به‌شمار می‌آید و از آن به عنوان موزه طبیعی یاد می‌شود. در آن زمان بیشتر مناطق معتدل شمالی کره زمین را اینگونه جنگل‌ها پوشانده بودند. در عصر یخبندان این جنگل‌ها کوچکتر شدند اما با پایان عصر یخبندان دوباره گسترش یافتند.

در این جنگل‌ها بیش از ۳۲۰۰ گونه گیاهی، ۴۴ درصد آوندداران، ۵۸ گونه پرنده، ۵۸ گونه پستاندار از جمله پلنگ ایرانی زندگی می‌کنند. نزدیک هفت و نیم میلیون نفر در این جنگل‌ها زندگی می‌کنند. این منطقه شامل پارک ملی آبشوران،ذخیرگاه ایالتی قزل آقاج،پارک ملی هیرکان در کشور آذربایجان و ۱۲ منطقه :پارک ملی گلستان(قدیمی ترین و بزرگترین پارک طبیعی وثبت شده کشور که بیش از ۵۰ درصد از گونه‌های پستانداران کشور در این پارک زندگی می‌کنند) ، منطقه حفاظت شده جهان نما(سالم‌ترین و دست‌نخورده‌ترین جنگل‌های میان‌بند (محل زیست ببر و پلنگ ایرانی ،درجنگل‌های دامنه کوه شمال کشور در کردکوی گلستان) ، منطقه حفاظت شده البرز مرکزی(این منطقه بدلیل وضعیت طبیعی خود و نزدیکی به مراکز حکومتی مورد توجه حاکمان وقت بوده و بنا شدن قصر ها، تفرجگاهها و شکارگاههای غنی در این ناحیه از ویژگیهای آن است.) ،منطقه حفاظت شده لیسار(در منطقه تالش که دریاچه نئور در آن قرار دارد)،منطقه حفاظت شده سیاه کشیم (جنوبی ترین بخش تالاب انزلی، پناهگاه حیات وحش دودانگه و چهاردونگه(در ۹۵ کیلومتری جنوب ساری)، پناهگاه حیات وحش سمسکنده(جنوب شرقی ساری مرکز تکثیر و احیای مرال در شرایط نیمه اسارت با تغذیه دستی و انسانی)، شبه جزیره میانکاله نکا(سالم ترین و بکرترین ساحل دریای خزر که آسیب کمتری توسط بشر به آن وارد شده است)، پناهگاه حیات وحش دشت ناز(۲۹ کیلومتری ساری و محل تکثیر گوزن زرد ایرانی، پناهگاه حیات وحش سه کیله قسمت ده متری (معروف به خوفناک)، منطقه حفاظت شده خشکه داران(در تنکابن و جنگل جلگه‌ای و بکر از آخرین بازمانده‌های اکوسیستم‌های جنگلی جلگه‌ای شمال ایران) ، قسمتهای زیادی از منطقه هزارجریب نکا (شهرستان های بهشهر، نکاء، ساری و شرق سوادکوه))در ایران است..

در دهه‌های گذشته توسعه سریع عمرانی، چرای بی‌رویه، برداشت غیرقانونی از منابع جنگلی، ساخت‌وساز، تصرف غیرقانونی زمین‌ها، توسعه ناپایدار گردشگری، توسعه بی‌رویه کشاورزی، و آتش‌سوزی باعث تخریب این جنگل‌ها و از دست رفتن تنوع گیاهی و جانوری آن شده‌است. سازمان حفاظت محیط زیست ایران و برنامه عمران ملل متحد یک برنامه مشترک پنج ساله را برای حفظ تنوع زیستی این جنگل‌ها آغاز کرده‌اند.

در ۱۴ تیر ۱۳۹۸ این جنگل ها بعنوان بیست و چهارمین مورد از میراث تاریخی و طبیعی ایران در فهرست یونسکو پذیرفته شد.رفتن به جنگل در همه طول سال دیدنی و روح افزا است.

بخش سوم

مناطق

دیدنی ایران

۲۵-بیابان خور و بیابانک

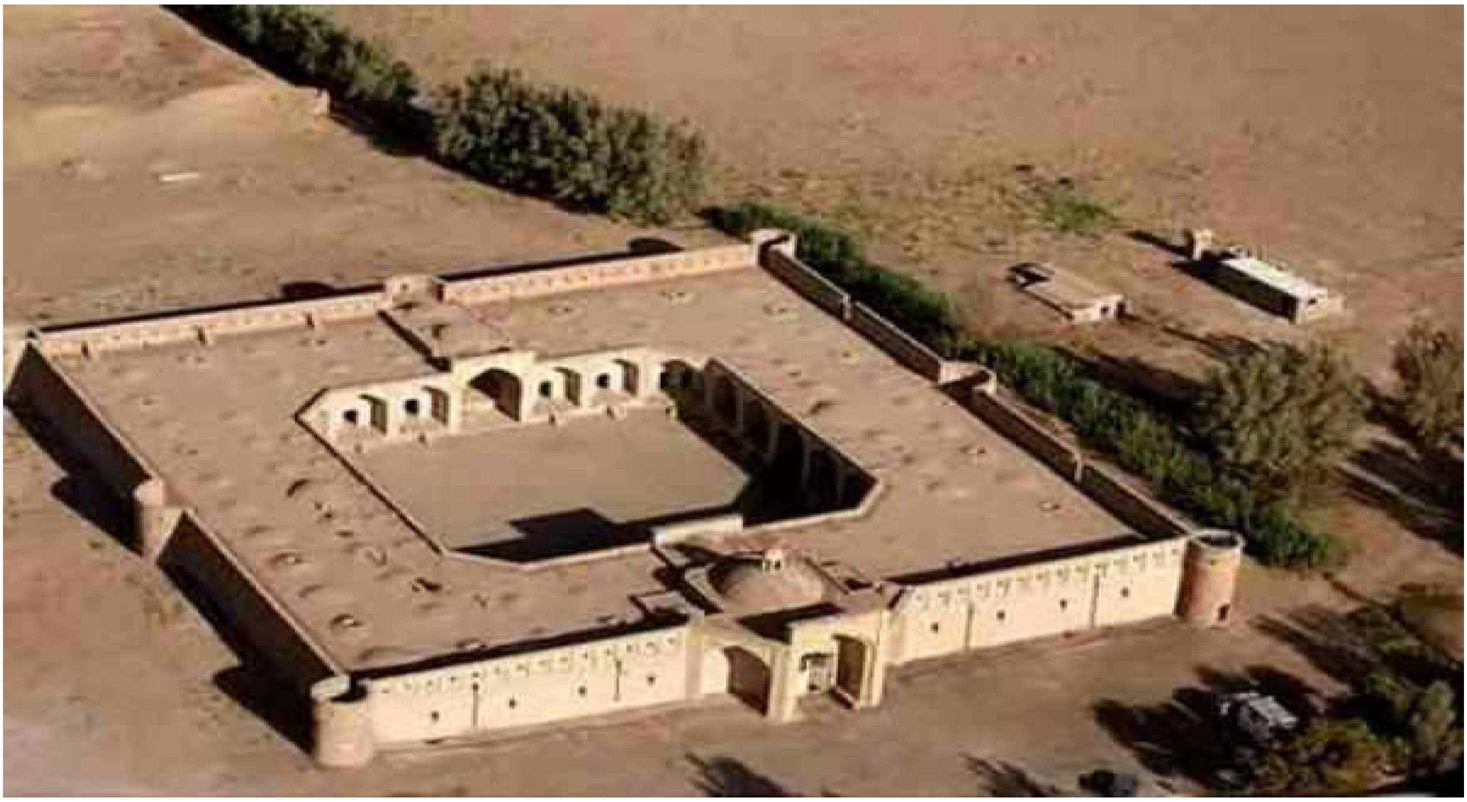




راههای دسترسی: در شرقی ترین نقطه استان اصفهان (۴۲۰ کیلومتری شهر اصفهان) واقع شده است.

در شهرستان خور و بیابانک ۱۲۶ آبادی بزرگ و کوچک وجود دارد .بیشتر روستاهای بخش خور به صورت متراکمند و اکثر خانه ها در کنار چشمه یا جویبار بنا شده اند. خانه های قدیمی این منطقه معمولا مصالحی از گل و خشت دارند، اگرچه در قسمت های مدرن تر خانه هایی به شکل امروزی نیز خواهید دید .مساحت زیادی از این منطقه شامل کویر است. شما می توانید، از رمل های زیبا تا قلعه های باستانی و جلوه های طبیعی شگفت انگیز طبیعی، رصد ستارگان ، آفرود و... لذت ببرید.. بعضی از دیدنیهای این منطقه یه شرح زیر می باشد: روستای مصردر ۴۵ کیلومتری شرق جندق و در ۶۰ کیلومتری شمال خور واقع شده است.فردی به نام یوسف این روستا را بنا کرده و برای آبیاری و زنده بودن آن تلاش زیادی کرده است. برای همین نام دیگر این روستا، مزرعه یا کلاته یوسف هم هست. نام قدیم اینجا چاه دراز بوده اما به درخواست خود یوسف، نام «مصر» که محل زندگی یوسف پیامبر بوده است، برای این روستا در نظر گرفته شده است. قلعه بیاضه ۵۳ کیلومتری خور و بیابانک در روستای بیاضه واقع شده است. با رفتن به روستای بیاضه، بنای چند طبقه ای خواهید دید که به ارگ بیاضه معروف است. دور تا دور این بنا خندق های عریض و عمیقی به طول ۷ تا ۱۳ متر به کار رفته که از ارگ در برابر دشمنان محافظت می کردند. قدمت این قلعه ی تاریخی ساخته شده از خشت و گل به دوران ساسانیان بازمیگردد که برای سال ها کارکرد دفاعی و همچنین مسکونی داشته است. قلعه تاریخی جندق در شهر جندق واقع شده است که قدمت آن به دوران ایلخانی و ساسانی بر میگردد. مساحت قلعه ۱ و نیم هکتار است و هنوز هم در جای جای این قلعه بزرگ افرادی ساکن هستند. با قدم زدن در کوچه پس کوچه هایی آن می توانید از خانه های قلعه، مسجد، حسینیه، حمام و همچنین خانه ی شاعر معروف کشورمان یغما جندقی دیدن کنید. قلعه جندق که با وجود قدمتش و عوامل طبیعی تخریب کننده، هنوز سرپاست در سال ۱۳۹۳ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید .برخی اعتقاد دارند که این قلعه زندان انوشیروان بوده است اما بافت و بزرگی آن این فرضیه را تا حدودی رد کرده است. در مرکز قلعه جندق به سراغ مسجدی بروید که نشان از اعتقاد ساکنین آنجا دارد. این مسجد دو شبستانه احتمالا در سال ۹۶۰ قمری ساخته شد تا جایی باشد که ساکنین قلعه بتوانند برای عبادت به آنجا بروند. شما با ورود به مسجد میدان بزرگی را خواهید دید. صحن مسجد به صورت مستطیل می باشد و در اطراف آن غرفه هایی با طاق های ظربی نمایان است..اگر با دیدن نخلستان و آسمان آبی دلگرم می شوید بهتر است از گرمه، یکی از مناطق زیبا و دیدنی این منطقه دیدن کنید. این روستا در مسیر جاده ابریشم قرار داشته که در آن قلعه ی کهنی نیز باقی مانده است. قلعه ی گرمه را به دوره ساسانیان نسبت می دهند که احتمالا هم کاربرد دفاعی و هم مسکونی داشته است. این روستا چشمه زیبایی هم دارد که با سوال به آن خواهید رسید.در غرب روستای خور و در کیلومتر ۱۷ روستایی وجود دارد که به روستای فرخی معروف است. در گذشته مردم خور و بیابانک این روستا را دارالامان می‌نامیدند. معروفیت این روستا به این نام به دلیل آن است که افرادی که از حاکمان ستمگر آن زمان شکایت داشتند به روستای فرخی می‌آمدند و نزد قاضی آن جا که شخصی دارای احترام بود، پناه می آوردند. چند بنای چهارطاقی در گورستان فرخی دیده می‌شوند که یکی از آنها به «پیر» معروف است. می گویند که حاج سید میرزا جندقی مجتهد مشهور خور و بیابانک در دوره قاجاریه دستور ساخت مسجد جامع فرخی را داده است. شبستان مسجد ۷ غرفه دارد که ۳ غرفه آن در ۵۰ سال اخیر به علت کمبود فضا ساخته شده است. مسجد دارای دو قسمت است که تا همین اواخر نیز در فصول مختلف از بخش مخصوص به همان فصل استفاده می کردند.در قسمت مرکز تا جنوبی کویر مرکزی ، دریاچه نمک شگفت انگیزی وجود دارد و شما می توانید چشم انداز زیبایی از افق با انعکاس آسمان روی دریاچه را ببینید. دریاچه نمک خور و بیابانک در فصول پر باران به صورت مخلوطی از گل و رس در می آید و در فصول خشک شبیه دریای سفیدی می شود برای دسترسی به دریاچه شما می توانید از مسیر آسفالت شهرستان خور به طبس بعد از مسافتی حدود ۵۰ کیلومتر به قسمت جنوبی دریاچه برسید. از آنجایی که زمین های اطراف دریاچه و گاهی خود دریاچه به صورت باتلاقی در می آیند، بهتر است از مسیرهای دیگر به آنجا نروید. بهترین زمان سفر فصول غیرگرم سال می باشد.

۲۶-کویر مرنجاب





راههای دسترسی: شهرستان آران و بیدگل در ۵ کیلومتری شمال کاشان پس از طی مسافتی در حدود ۵ کیلومتر در جاده آسفالته به سمت شمال به ۳ راهی کارخانه فولاد کویر میرسیم. از اینجا مسیر خاکی و اصلی مرنجاب در جهت شمال شرقی آغاز میگردد.

کویر مرنجاب در شمال شهرستان آران و بیدگل از توابع شهرستان کاشان در استان اصفهان قرار دارد. مرنجاب در اصل نام کاروانسرا و قناتی بوده است که در زمان شاه عباس صفوی بنا نهاده شد و پس از آن مناطق پیرامونی آن به کویر مرنجاب شهرت یافته است. در اصل منطقه مرنجاب جزیی از بیابان بند ریگ است و در شمال آن واقع شده است. این کویر از شمال به دریاچه نمک مسیله (آران و بیدگل) , از غرب به کویر مسیله و بیابان آب شیرین، از شرق به بیابان پشت ریگ و پارک ملی کویر و از جنوب به بیابان بندریگ و تپه های ماسه ای روان این بیابان و شهرستانهای آران و بیدگل و کاشان محدود می شود. ارتفاع متوسط کویر مرنجاب از سطح آبهای آزاد در حدود ۸۵۰ متر می باشد قسمت عمده این کویر پوشیده از تپه های شنی و ریگزار است . کویر مرنجاب از نظر پوشش گیاهی بسیار غنی است . عمده پوشش گیاهی منطقه شامل گیاهان شور پسند از جمله درختهای گز و تاق و بوته های قیچ است پوشش جانوری منطقه به دلیل وجود آب و غذای فراوان بسیار غنی است از جمله حیوانات موجود می توان به گرگ , شغال , کفتار , روباه شنی , گربه شن بزمجه , آفتاب پرست , انواع مارمولک , مار , عقرب , تیهو عقاب و شاهین اشاره کرد . در سالهای اخیر یک جفت پلنگ نیز در منطقه مرنجاب مشاهده شده است. جاده آران و بیدگل به مرنجاب و دستکن یکی از راههای ارتباطی بوده که اصفهان را به شهرهای کاشان، یزد، مشهد و تهران متصل می ساخته است. در زمان صفویه مسیر اصفهان(پایتخت) و مشهد از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. مسیر مرنجاب، اصفهان را از طریق کاشان به جاده سنگفرش اصفهان–مشهد متصل می ساخته است. این مسیر از گرمسار به طرف پایین منحرف شده و تا سیاهکوه ادامه می یابد و به جاده دستکن متصل می شود. دستکن در ادامه مسیر مرنجاب، محل انشعاب جاده ای بوده که کاشان را به گرمسار و ورامین مرتبط می ساخته و شاخه ای به طرف اردستان و شاخه ای به جانب یزد ادامه می یافته است. پس از ساخت کاروانسراها، تامین آب مورد نیاز آن از ملزومات بوده است. آب مرنجاب توسط یک قنات به طول ۲۵۰۰ متر از قسمت شمالی کاروانسرا و در زمینهای سست ماسه ای تامین گردیده است. کندن چاه های متعدد در این زمینهای ماسه ای به قدری مشقت بار بوده است که این منطقه به مرد رنج آب مشهور میگردد و در مرور زمان برای سادگی تلفظ به مرنجاب تغییر می یابد. در میانه مسیر جاده خاکی ۴۵کیلومتری، به شیب تندی میرسیم که به آن " خطب شکن" میگویند. پس از عبور از خطب شکن در سمت شرقی مسیر، نمکزاری قرار گرفته که به چاه کنجه معروف است. طول این کویر در حدود ۴ کیلومتر و عرض آن در حدود ۲ کیلومتر است. این کویر در چاله ای آبرفتی ما بین کویر مرنجاب و شهر آران واقع گردیده . پس از عبور از خطب شکن در سمت شرقی مسیر، نمکزاری قرار گرفته که به چاه کنجه معروف است. طول این کویر در حدود ۴ کیلومتر و عرض آن در حدود ۲ کیلومتر است. این کویر در چاله ای آبرفتی ما بین کویر مرنجاب و شهر آران واقع گردیده . در حاشیه کویر زمینهای پف کرده رسی به چشم می خورد . پس از خاکهای پف کرده نوار باریکی (حدودا ۵۰۰ متر) از حوزه خیس دور کویر را فرا گرفته و پس از آن قشر نمکی نا منظمی به چشم می خورد .در این کویر پلتفرمهای نمکی دیده نمی شود. این کویر حوزه آبریز رودخانه مشخصی نیست و از چشمه ای که در قسمت جنوب شرقی آن واقع شده به نام "چاه کنجه" تغذیه می شود. در ادامه مسیر مرنجاب پس از طی کردن مسافتی در حدود ۳۵ کیلومتر از جاده خاکی به دو راهی دریاچه نمک میرسیم. این جاده برای عبور ایمن کامیون های معدن نمک که در قسمت غربی این نمکزار قرار گرفته احداث گردیده است. دریاچه نمک دارای فرمی شبیه به مثلث است که که راس آن به سمت شمال است. قاعده آن در حدود ۶۵ کیلومتر و ارتفاع این مثلث ۶۰ کیلومتر است.زمین این دریاچه پوشیده از رسوبات نمک است که بر اثر انباشته شدن سیلابها و ابهای سطحی در طول قرنها پدید آمده است . عمق نمک این دریاچه بین ۵ تا ۵۴ متر متغیر است که توسط لایه های خاک رس از یکدیگر جدا شده اند و بر روی حجم وسیعی از آبهای زیرزمینی شور شناور است. با هر بار بارش و تبخیر آب در این دریاچه نمکهای موجود کرت بندی های زیبایی به شکل پلی گن تشکیل می دهند که دیدن مناظر آن خالی از لطف نیست. پس از ورود به دریاچه نمک، کوه کم ارتفاعی در دید شمال شرقی خودنمایی میکند که کاملا توسط قشر سفید نمک احاطه شده است.این جزیره معروف به سرگردان عاری از هرگونه پوشش گیاهی است. درباره دلایل ساخت قلعه و کاروانسرای(معروف به مرنجاب) در کنار دریاچه نمک، نقل است که شاه عباس با وجود ایجاد کاروانسرا و قلعه های متعدد در سراسر کشور، در این منطقه تأسیسات دفاعی تعبیه نکرده بود، چون تا آن زمان دشمنان به خاطر دریاچه نمک و گستره کویر، از این سوی به پایتخت هجوم نبرده بودند. حمله ازبکها و افغانها از طریق دریاچه نمک به کاشان که تا اصفهان پیش رفتند، شاه عباس را به صرافت انداخت تا در سال ۱۰۱۲ قمری سریعاً یک پایگاه نظامی در این منطقه ایجاد کند و جلوی تهدیدات را بگیرد. بالای کاروانسرا به شکل سنگرهای دیدبانی است و ذکر شده است که همیشه ۵۰۰ پاسدار مسلح در قلعه حضور داشتند و امنیت عبور کالا از چین به اروپا و بالعکس را در این منطقه تأمین می کردند. در فاصله ۴ کیلومتری شرق کاروانسرا چاه آب شیرینی قرار دارد که به چاه دستکن شهرت دارد. وجود آب شیرین در این چاه بدلیل وجود فیلترهای عظیم ماسه ای است که شورابه های زیزمینی را تصفیه کرده و آب نسبتا گوارایی با درصد نمک پایین در دسترس قرار میدهد. بهترین زمان سفر بهار و پائیز می باشد.

۲۷- دشت لار





راههای دسترسی: **دشت لار از ۵ مسیر قابل دسترسی است:۱-مسیر جاده هراز و پلور (بهترین مسیر) از بزرگراه بابایی وارد جاده هراز شوید. از رودهن و بومهن رد شوید. گردنه امامزاده هاشم را پشت سر بگذارید. بعد از مدتی دماوند را می‌بینید. حدود ۱۰ دقیقه که رانندگی کنید می‌رسید به پلور. در سمت چپ خود دنبال مجسمه طلائی کوهنورد بگردید. مسیر فرعی که مجسمه با دست خود نشان می‌دهد را در پیش بگیرید. مسیر فرعی را بدون پیچیدن به چپ و راست ادامه دهید تا بعد از حدود ربع ساعت برسید به محیط بانی سد لار ۲ -مسیر گردنه قوچ خانی: از رودهن و بعد از روستای آردینه رد شوید و نیم ساعت در جاده خاکی رانندگی کنید تا برسید به دشت لار. خوبی این مسیر این است که بعد از رسیدن، درست وسط دشت هستید. ۳ -مسیر گرمابدر: با ماشین تا فشم و روستای گرمابدر بروید. از محیط بانی تا گردنه خاتون بارگاه را یا پیاده بروید یا با ماشین عشایر. بعد از کمی پیاده‌روی به نزدیکی چشمه دوبرار می‌رسید. ۴ -مسیر افجه: برای طی این مسیر باید کوهنوردی کنید. این مسیر یک مسیر مالرو قدیمی است که از روستای افجه می‌گذرد ۵ -مسیر صعب العبور روستای امامه: این مسیر مورد استفاده مرتع‌داران بومی است.**

دشت لار که مدت‌هاست به پارک ملی لار تغییر نام داده، دشتی است بکر و پر شقایق. این دشت شقایق از تهران خیلی دور نیست (۷۰ کیلومتر) و همان‌طور که در نقشه زیر می‌بینید دقیقا کنار لواسان واقع شده است .در محدوده دشت لار منطقه مسکونی وجود ندارد اما محل رفت و آمد و ییلاق عشایر است. دشت لار به دلیل حیات وحش غنی از سال ۵۴ به پارک ملی لار تغییر نام داده و از سال ۶۱ به این سو به یک منطقه حفاظت شده تبدیل شد. از سال ۷۰ هم از ۱۵ خرداد تا ۱۵ شهریور منطقه شکار ممنوع اعلام شده است.دشت لار از شمال به کوه‌های شهرستان نور مازندران از شرق و شمال شرق به کوه دماوند، از جنوب شرق به ایرا، شهرستان دماوند و پلور مازندران از جنوب به افجه و امامه و لواسان بزرگ و از غرب به خاتون بارگاه و گرمابدر کشیده شده‌است. عنوان دشت لار در سال ۵۴ به عنوان پارک ملی لار تبدیل شد. وسعت لار در حدود ۷۳۵۰۰ هکتار است. کوه لار در همسایگی خاوری این دشت، بخشی از ارتفاعات البرز مرکزی است. رشته شمالی پس از تشکیل گردنه کهو (سفیدآب) در شمال قریه گرمابدر از توابع رودبار قصران به دو رشته شمال غربی و جنوب شرقی منشعب می‌شود که بخش شمال غربی آن با تشکیل قلل تخت خرس و سه سنگ، در جهت غرب امتداد می‌یابد و قله عظیم دماوند را پدیدمی‌آورد. بخش جنوب شرقی آن نیز پس از امتداد در دشت لار، قلل معروف هفت‌سران را به وجود می‌آورد. بخش جنوبی این کوه‌ها که همان خط الرأس اصلی است، در جنوب دشت لار امتداد دارد و پس از تشکیل قلل مهرچال، آتشکده، ریزان، سیاه چال و ماز در جهت شمال شرقی به کوه‌های خنسک و شادکوه متصل می‌شود. رود لار پس از سدلار در پلور به هراز می‌پیوندد. بخشی از آب سد لار از راه تونل آب بر کلان به تهران فرستاده می‌شود. اگر اهل کوهنوردی باشید دشت لار راست کار شماست. این منطقه بین کوه‌هایی احاطه شده است که مانند نگهبان از آن محافظ می‌کنند؛ کوه‌هایی مثل :کوه دماوند، کوه دیو آسیاب، کوه یخ کمر، کوه گل زرد، کوه پهنک، کوه زرشکی، کوه کمردشت، کوه نمک کوسر کوه سیاه چال، کوه آرو برارو، کوه اسب کلک، کوه کافر راه، کوه کبود .رودهای رود لار، رود دیو آسیاب، رود سفیدآب، رود ورارود، رود الرم، چهل بره، آب امام پهنک، آب سیاه چال در این منطقه جاری هستند. دشت لار پر است از گونه‌های جانوری. مهم‌ترین این جانوارن شاید ماهی قزل آلای خال قرمز باشد که هم در رودخانه و هم در سد لار یافت می‌شود. قزل آلای خال قرمز لار یکی از نادرترین آبزیان به شمار می‌رود.جانوران این دشت ماهی قزل آلای خال قرمز ماهی بومی کشور کانادا بوده که در دوران پهلوی جهت تکثیر به این دشت منتقل شده . افعی البرزی، افعی دماوندی، بزمجه، مارمولک، روباه، گرگ، خرس قهوه‌ای، پلنگ، گراز، کل و بزکوهی، قوچ و میش، آهو، موش صحرایی، قورباغه، لاک‌پشت، واشه، شهباز، عقاب، کبک، کبک دری، خفاش هستند. به جز قزل آلا، دشت لار پر است از انواع گونه‌های پرندگان. به طوری که صد گونه پرنده در این پارک ملی یافت می‌شود. از مهم‌ترین گونه پرندگان دشت لار، عقاب طلایی است که در ایران فقط در این ناحیه زندگی می‌کند. زندگی عشایر از دیگر دیدنی‌های جذاب دشت لار است. عشایر دشت لار از شهرهای ورامین و پیشوا در استان تهران هستند و دشت لار ییلاق تابستانی‌شان است. آبشار سفید آب دشت لار یکی از جاهای دیدنی دشت لار است. این آبشار از طریق روستای ایرا یک مسیر ماشین رو دارد؛ یک جای خوب برای گذران تعطیلات خانوادگی. بهترین زمان بازدید و سفر به دشت لار از ۱۵ خرداد تا ۱۵ شهریور هر سال است .چرا که در دیگر ایام سال به علت زاد و ولد حیوانات، عبور وسایل نقلیه موتوری ممنوع است. البته اگر با پیاده‌روی مشکلی نداشته باشید، برای ورود به دشت در دیگر ایام سال باید وسیله خود را در محیط بانی پارک کرده و تا دشت را پیاده بروید .از محیط بانی تا سد لار دو کیلومتری راه است. ۵ کیلومتر تا رودخانه دلیچای و ۱۰ کیلومتر هم تا رودخانه سفید آب طی می‌کنید. از سفید آب هم ۲۰ کیلومتر را که پیاده بروید می‌رسید به پست تفرجگاهی انتهای سد. این نکته را در نظر بگیرید که در دشت لار آنتن موبایل وجود ندارد. اگر تابستان به اینجا می‌روید، یادتان باشد که از سایه خبری نیست. پس کلاه لبه دار و کرم ضد آفتاب حتما به کارتان می‌آید. آب آشامیدنی در دشت وجود ندارد. حتما با خود آب ببرید. به دلیل وجود انواع مار سمی توقف شبانه توصیه نمی‌شود. در هر صورت پوشش مناسب در ناحیه پا ضروری است. قبل از سفر اطلاعات لازم را از اداره پارک ملی لار کسب کنید. شماره تماس اداره ۴۳۳۴۲۴۴۱ -۰۱۱ است.

۲۸- پارک ملی تندوره





راههای دسترسی: ورودی شمالی:شهرستان درگز- از نوخندان تا زیارتگاه بابانستان به طول ۱۲ کیلومتر- ورودی جنوبی: قریه اینچه کیکانلو تا پاسگاه شکر آب به طول ۱۰ کیلومتر- ورودی شرقی: از درگز تا پاسگاه چهلمیر به طول ۳۰ کیلومتر

پارک ملی تندوره که یکی از گسترده ترین مناطق تحت حفاظت کشورمان می باشد، در شمال خراسان رضوی و در شهرستان درگز واقع شده است. پارک ملی تندوره که زمانی تفرجگاه و محل تفریح مردم شهرستان درگز و شهرستان قوچان بود، از زیباترین و عمیق‌ترین دره‌های ژرف و پر شیب و تپه ماهورها بهره مند می‌باشد و از بهترین زیستگاهای جانوران وحشی به ویژه پلنگ ایرانی ،قوچ و میش اوریال می‌باشد ، چنانچه صبح زود یا غروب در این منطقه باشید گله‌های کل و بز را می‌توانید ببینید که در حال چرا می‌باشند. به طور دقیق تر باید بگوییم که این پارک در حوزه آبریز کشف رود و هریرود قرار گرفته است. موقعیت جغرافیایی این پارک سبب شده که جانوران وحشی بتوانند به راحتی در میان دره ها و تپه های آن ادامه حیات دهند.
این پارک از یک سو بر روی ارتفاعات کپه داغ قرار گرفته و از سوی دیگر در جوار جلگه پست درگز و کویر قره قوم قرار دارد که همین امر دلیلی بر تنوع آب و هوایی این پارک شده است؛ گردشگران در قسمت های جنوبی پارک شاهد آب و هوای سرد و مرطوب هستند در حالی که اگر به قسمت های شمالی پارک بروند، شاهد آب و هوایی گرم می باشند .مرتفع ترین نقطه پارک در بخش جنوبی دارای ارتفاع ۲۵۸۶ متری بوده و پست ترین نقطه آن نیز در بخش شمالی قرار دارد که ۸۸۴ متر می باشد. این پارک از تعداد زیادی کوه مرتفع و متصل به هم ایجاد شده و رشته کوه مشخصی ندارد. از ۷ گونه گربه سان ایرانی موجود تعداد ۵ گونه در این منطقه وجود دارد که شامل گربه جنگلی، سیاه گوش اوراسیا، پلنگ ایرانی، گربه پالاس و گربه دشتی می باشند. از دیگر حیواناتی که در بخش های مختلف پارک ملی تندوره دیده می شود می توان به بز، کل، بز وحشی، روباه قرمز، خرگوش بدون دم، قوچ و میش اوریال، گراز، گرگ، سمور سنگی، گوسفندان وحشی، شغال، رودک، کفتار و تشی اشاره کرد. خزندگانی که در این پارک زیست می کنند شامل ۶ گونه سوسمار و لاک پشت، ۴ گونه مار نیمه سمی، ۹ گونه مار غیر سمی و ۵ گونه مار سمی می شوند. برخی دیگر از خزندگان هم در این مکان حضور دارند که در خطر انقراض هستند؛ قرقاول بال سفید، کفچه مار، هما و دال از این دسته می باشند.
همان گونه که می دانید پرندگان برای ادامه حیات خود نواحی پست یا اطراف چشمه ها و حاشیه پارک را ترجیح می دهند. در این پارک زیبا هم می توانید گونه های بی شمار پرندگانی نظیر: عقاب دشتی، سهره سینه سرخ، هدهد، کورکور، جغد، سارگپه پابلند، زردپره مزرعه، عقاب شاهی، توکای سیاه، قرقاول، کبک، تیهو، عقای طلایی، الیکایی، کرکس، کلاغ ابلق، لیل، هما، کلاغ گردن بور، کوکر، کبوتر چاهی، بلدرچین معمولی، شبگرد بلوچی، مرغ حق، سار، زاغی، بادخورک کوهی، یاکریم، قمری، بادخورک معمولی، سسک، زنبورخور معمولی، قرقی، دم جنبانک ابلق، چکاوک طوقی، چکاوک آسمانی، چکاوک شاخ دار، دلیجه، سنگ چشم دم سرخ و پیت خاکی را مشاهده نمایید .
این منطقه را می توان بهشت گیاهان دارویی نامید به گونه ای که اغلب پژوهش ها و تحقیق ها در زمینه گونه های گیاهی در این مکان انجام می شود. وجود درختان و درختچه ها در نقاط مختلف پارک، سبب تلطیف هوا نیز شده است. تا به امروز حدود ۴۰۰ گونه گیاه در این مکان شناسایی شده که بخش چشمگیری از آن ها را گیاهان دارویی تشکیل می دهند. بخش قابل توجهی از منابع آبی این پارک را ۳۱ چشمه و ۸ چاه موجود در آن تامین می کنند. مهم ترین چشمه های موجود در این منطقه عبارت اند از: چرلاق، قره لوکه، رف سو، چهلمیر، ادانه، باش تپه، رجبه، مدخان، بید، تندوره، ادانه و توغی که بیشترین میزان آب را چشمه های چرلاق و چهل میر دارا هستند. بهترین زمان سفر فصول غیر سرد سال بالاخص بهار می باشد.

۲۹-دریاچه سد دز(شهیون)





راههای دسترسی: خوزستان– دزفول ۲۳ کیلومتری شمال شرق اندیمشک- از دزفول تا شهیون حدود ۷۵ کیلومتر راه آسفالته وجود دارد

یکی زیباترین دریاچه‌های ایران در ۱۵ کیلومتری شهر دزفول قرار گرفته و دریاچه سد دز یا شهیون نام دارد. هر ساله گردشگران پرشماری از اقصی‌نقاط کشور از این دریاچه‌ی بسیار زیبا بازدید می‌کنند. این سد در حال حاضر جز ۵۰ سد مرتفع جهان به شمار می‌آید که ۲۰۳ متر ارتفاع دارد. قدمت آن هم به ۵۰ سال پیش برمی‌گردد. دریاچه‌ی پشت دز یا شهیون در منطقه‌ی شهیون استان خوزستان واقع است. این دریاچه در ۲۳ کیلومتری شمال‌شرق اندیمشک و پشت دو کوه شاداب و تنگوان در کنار روستای پامنار قرار دارد. منطقه‌ی شهیون با مساحت تقریبی ۳۰ کیلومتر مربع یکی از توابع شهرستان دزفول به‌شمار می‌آید که فاصله‌اش با آن تقریباً ۷۵کیلومتر راه آسفالته است. البته تعدادی جاده‌ی فرعی و خاکی نیز وجود دارد تا روستاییان اطراف راحت‌تر به این منطقه دسترسی داشته باشند .دریاچه‌ی سد دز حدود ۶۰۰۰ هکتار مساحت دارد و عمق آن در برخی از قسمت به ۵۰ متر نیز نزدیک می‌شود. البته این عمق با توجه به میزان بارش‌های سالانه، متغیر می‌باشد. یکی دیگر از جلوه‌های زیبایی این منطقه، وجود دره‌های سرسبز و زیبا در پیرامون آن و شمال آغاجاری است که مناظری تماشایی به وجود آورده است. در منطقه‌ی دریاچه شهیون قلوه‌سنگ‌های ریز و درشت بسیار زیبایی را می‌توان مشاهده کرد که با لباسی از ماسه و شن پوشانده شده‌اند. منطقه‌ی دریاچه شهیون به نوعی ادامه رشته‌کوه‌های زاگرس به شمار می‌آید که با نزدیک شدن به مرکز منطقه، تپه ماهورها، صخره‌ها و تخته‌سنگ‌های ماسه‌ای ایجاد می‌گردد. وجود کوه‌پایه‌ها، چشمه‌های پر آب و دره‌های آبرفتی زیبایی این منطقه را چندبرابر کرده است. آب و هوای منطقه‌ی دریاچه شهیون به دلیل نزدیکی به کوه‌های زاگرس در شمال و جلگه گرم خوزستان در جنوب بسیار مطبوع و متنوع می‌باشد. البته وزش باد هم به معتدل بودن هوا در چهار فصل سال به خصوص تابستان کمک زیادی کرده است آب دریاچه سد دز از ارتفاعات اراک و الیگودرز سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از کوه‌های زاگرس و دریافت ریزآبه‌های متعدد، به این دریاچه می‌رسد .رودخانه‌ای که به دریاچه شهیون ریخته می‌شود شامل ۲ شاخه‌ی اصلی با نام‌های سزار و بختیاری است. رود سزار در شمال‌ترین قسمت حوزه، جریان دارد و متشکل از ۳ شاخه‌ی ماربره، تیره و سبزه می‌باشد. رود بختیار نیز دومین سرشاخه‌ی اصلی رودخانه‌ی دز به‌شمار می‌آید که در ۴۰ کیلومتری پیوند سرخاب به رود سزار اتصال می‌یابد.. حیات وحش بسیار عجیب و جالب توجهی در مراتع اطراف این دریاچه وجود دارد و در آن حیواناتی مانند روباه، خرگوش و پرندگانی همچون کبک، پرندگان دریایی و تیهو را می‌توان مشاهده کرد و از جلوه‌های استثنایی خداوند متعال لذت برد .جالب است بدانید که حتی در برخی از مناطق صعب‌العبور امکان دیدن پلنگ نیز وجود دارد. همچنین تعدادی جزیره بزرگ و کوچک در این منطقه سر از آب بیرون درآورده‌اند که انبوهی از درختان کُنار و بادام کوهی در آن‌ها قابل مشاهده است و زیبایی منطقه را چندین برابر کرده‌اند. از دیگر درختان موجود در این جزیره‌ها که همچون نگینی درخشان در وسط آب، خودنمایی می‌کنند می‌توان به کلخنگ و بدی اشاره نمود. به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب و مسطح بودن زمین جزیره، مراکز تفریحی و اقامتی زیادی در این منطقه ساخته شده است. لذا مسافرانی که به این منطقه می‌روند نباید نگرانی زیادی بابت استراحت و اقامت خود داشته باشند. یکی از شیرین‌ترین تفریح‌ها در این دریاچه، ماهیگیری است که البته صرفاً در برخی از فصل‌های سال امکان‌پذیر می‌باشد. تفریحات دیگری مانند قایقی‌رانی، شنا، اسکی روی آب، پرش از روی صخره نیز در منطقه طرفداران بسیاری دارند . عده‌ای هم منطقه‌ای مناسب برای برپایی بساط پیک‌نیک خود می‌دانند و برای گردش و لذت بردن از هوای مطبوع، پای به این مکان می‌گذارند. جاذبه‌های اطراف این دریاچه آنقدر دیدنی و جذاب است که دوست ندارید بازدید از این منطقه به پایان برسد، رای دسترسی دریاچه شهیون دزفول باید ابتدا به جاده شهیون تا رسیدن به جاده ی انحرافی دریاچه، مسیری را که تا پای دریاچه به شکل آسفالته است را طی کنید. برای گردشگران در دریاچه ی شهیون پارکینگی مناسب به همراه تعداد زیادی قایق فراهم شده است که می توانند موجب لذت بردن شما از دریاچه ی شهیون دزفول باشند. برای این که بخواهید به منطقه سرسبز و پوشیده از درختان نخل هم دسترسی پیدا کنید باید تقریبا یک ساعت پیاده روی کنید. در این محل چشمه‌ای وجود دارد که از بالای کوه جاری شده و در بخش پایین نیز منظره چشم نوازی را به دریاچه داده است. درختان خرمایی در بخشی از محوطه وجود دارند که پنجاه سال قبل به زیر آب رفته بودند ولی در حال حاضر یکی دو سال است که سر از آب بیرون آورده اند.تقریبا در تمام طول سال میتوان بازدید داشت اما ممکن است در تمام طول سال همه خدمات در دسترس نباشد.

۳۰-اندیکا





راههای دسترسی: این شهرستان در شمال شرقی استان خوزستان قرار دارد. از شمال غرب به لالی از جانب شمال به سردشت دزفول از طرف شمال و شمال شرق به استان چهارمحال و بختیاری از مشرق به ایذه و از جنوب به مسجدسلیمان محدود می‌شود.

شهرستان اندیکا یکی از شهرستان‌های بختیاری نشین استان خوزستان است. مرکز آن شهر قلعه خواجه است. در سال ۱۳۶۸ مرکز بخش اندیکا از روستای لالی به روستای قلعه خواجه انتقال یافته‌بود. و تا آن موقع جزئ توابع مسجد سلیمان بود. در گذشته در زبان بومی آن را اندکو (اندی+کوه) می‌گفتند که اندی در زبان لری به معنای شگفتی و «کو» همان «کوه» می‌باشد یعنی سرزمین کوه‌های شگفت .همانگونه که می‌دانیم ساکنین میان رودان عیلامیان را مردمان ساکن کوه‌های بلند می‌دانستند و معنای عیلام از نظر آنان به‌طور خاص اشاره به ساکنین کوه‌های بلند (خوزستان) دارد، همچنین این شهرستان را (ان +ده +گا) به معنی »دهگاه» و محل نگهداری انبار غله هم گفته‌اند. این مکان از نخستین مکان‌های اسکان قوم لر در جنوب غرب ایران بود که آثار نخستین معماری پارسی (سنگ چین بدون ملات) در قلعه بردی اندیکا نمایان است. آب و هوای خوب و دو سد مسجد سلیمان (گدار لندر) و شهید عباسپور و همچنین جاده مسجدسلیمان شهرکرد از پتانسیل‌های این شهرستان هستند. از مهمترین آثار بصری این شهرستان می توان به قلاع باستانی همچون (قلعه بردی،قلعه لیت،دژملکان،قلعه ارکی شلا، قلعه دلی محمدحسین خان، قلعه دزورا، قلعه خواجه و..) کتیبه های نقوش برجسته ایلیمایی همچون(نگارکندهای تنگ بتا ،کتیبه نگین، کتیبه چلو،نقش برجسته سوزتینا ، نقش برجسته موری ، نقش برجسته تاراز، نقش بر جسته سوسن سرخاب،)بقاع متبرکه (شاهزاده عبدا..،بابازاهد،بویر،صالح ابراهیم،شیخ احمد،سلطان ابراهیم،بابا احمد ، امیرالمومنین ،ممی هموم ، آقا سلیمان و...) و آثار شاخص دیگری همچون پل نگین، بند قلعه خواجه،بند آبزالو و ... اشاره کرد. نقوش برجسته تنگ بتا، یکی از مهمترین مفاخر ایران و از معدود نقوش برجسته و کتیبه های به خط الیماییید است. قدمت این نقوش برجسته ۲۲۰۰سال می باشد. این اثر گرانسنگ در دامنه ی کوه دلا قرار گرفته است. دارای مسیر کوهستانی و صعود به صورت کوهپیمایی آرام با همراهی راهنمایان محلی امکان پذیر است .ازجاذبه های جانبی آن کوه باشکوه دلا ، اشراف به دشت زیبای شیمبار، جنگل های متراکم بلوط ، انواع بوته زارها و سبزه زارهای بهاری می توان اشاره کرد. قلعه بردی که گیرشمن باستان شناس شهیرفرانسوی ضمن بررسی علمی این اثر آنرا یکی از مهمترین تختگاه های اوایل هخامنشی دانسته و معتقد بود که زادگاه کوروش می باشد به تعبیری از نخستین الگوهای معماری هخامنشی به شمار می رود و دارای وجه اشتراکات هنر معماری هخامنشی همچون ایجاد یک تراس مصنوعی در دامنه کوه، ایجاد سایه روشن با تغییرات ساده درنما، استفاده غالب از سنگ و استقرار فضاهای همچون کاخ ،معبد و ... بر روی تراس از ویژگی های بارز بنا به شمار می رود. نقش برجسته موری در مسیر تاراز و دامنه شرقی این کوه قرار گرفته است. نقش سه فرد که در یک تابلو حجاری شده است. قدمت دژاسدخان یا دژملکان به دوران ساسانیان برمی گردد. دژ اسد خان جایگاهی ویژه در بین بختیاری ها دارد.که بر روی یک سازه صخره ای بنا شده است .ودسترسی به آن دشوار است. قلعه در دو طبقه ساخته شده است. دارای چندین آب انبار،اصطبل،چشمه وزمین زراعی و..است. چهارطاقی یا آتشکده سیم بند سالم ترین ومقاوم ترین آتشکده موجود در خوزستان است. این بنا به شکل مکعب است که از طرفین دارای ورودی های هلالی شکل است .حالت بزرگی وعظمت بنا ناشی از عناصر متشکل وتوازن ترکیب بنا است. متاسفانه قسمت گنبد بنا فروریخته اما هنوز ابهت وشکوه خود را حفظ نموده است. بنا به صورت خشکه چین می باشد و با پشت بندهایی تقویت شده است. و به شکل ماهرانه ای در عین سادگی پرداخته وساخته شده است. در بررسی های اخیر کاربری تقویمی آن به اثبات رسیده است. اثر برروی جاده آسفالته در مسیر منتهی به روستای امیرالمومنین (ع)قرار گرفته است. به جرأت می توان گفت پل نگین یکی از شاهکارهای مهندسی باستان است و قدمت آن به۲۲۰۰ سال پیش بر می گردد. این پل سر ریز آب تالاب شیمبار را به شالیزارهای شلا منتهی می کرد. پل دریک سازه صخره ای بدون استفاده از هیچ گونه مصالح فقط با حفاری صخره به طول ۲۵۰متر در جهت غرب به شرق با ارتفاع حدود ۶متر وعرض ۳-۴ متر ایجاد شده است. در پایین دست پل آسیاب های زیبا و آبشار پل نگین وجود دارد که جزء عرصه اثر محسوب می شود. صدها دست کندصخره ای در اندیکا موسوم به استودان یا بردگوری وجود دارد .تراکم و تعداد زیاد این اثر دراندیکا نسبت به شهرهای دیگر کشور بی نظیر است.از دیدگاه بومی کاربری این نوع فضا فقط برای محافظت از کهنسالان وناتوانان از عمل کوچ بوده است. از دیدگاه علمی این برداشت نادرست است .دخمه یا استودان(استخوان دان)کاربری تدفینی داشته است.زرتشتیان برای عناصراربعه(آب،خاک،هوا و آتش)حرمت زیادی قائل بودند.آنان مردگان خود را نمی سوزاندند و در زمین دفن نمی کردند بلکه آنان را دخمه های محصور رها می کردند و پس از چند وقت استخوان های مردگان را به این بردگوری ها یا استودان ها منتقل می کردند. قدمت این آثار به دورهٔ ساسانیان برمی گردد. جزیره کوشک در پشت سد شهید عباسپور یکی از زیباترین جزایر کشور به دلیل وجود طبیعت بکر، پوشش گیاهی متنوع، چمن‌زارها، گل‌های رنگارنگ و درختان متنوع میوه می باشد. گردشگران برای حضور در جزیره‌ی کوشک باید از جاده‌ی شهرستان مسجد سلیمان به سمت شهرستان اندیکا حرکت کرد. پس از رسیدن به اندیکا به سمت دریاچه سد شهید عباسپور بروند و جزیره‌ی کوشک در دل آن قرار دارد. انجام فعالیت‌هایی از جمله کوه‌نوردی، صخره‌نوردی، غارنوردی، قایق‌سواری، دوچرخه‌سواری و پیاده‌روی در طبیعت بکر آنجا بسیار لذت بخش و آرامش دهنده است. بهترین زمان سفر بهار می باشد.

۳۱- جنگل ابر





راههای دسترسی: خودتان را باید به شاهرود یا بسطام برسانید. از شاهرود به سمت آزاد شهر بروید. بعد از ۱۸ کیلومتر به روستای نو خرقان می‌رسید. بعد از این روستا در ابتدای روستای ابر قرار دارید.

جنگل ابردر منطقه البرز شرقی و در شهرستان شاهرود، بخش بسطام و دهستان خرقان (شاهرود)واقع شده و تقریباً مرز استان سمنان و استان گلستان است.جنگل ابر شاهرود شاهرود قسمتی از قدیمی‌ترین و زیباترین جنگلهای هیرکانی است با گونه‌های گیاهی و جانوری نادر، یکی از زیباترین نقاط ایران و شمال شرق کشور می‌باشد. این جنگل با ۳۵ هزار هکتار وسعت در ادامه جنگل‌های سرسبز شمال کشور به دلیل این که در اغلب مواقع فضای این جنگل را اقیانوسی از ابر فراگرفته به این نام مشهور است. در این جنگل ابرها آنقدر به درخت‌ها نزدیک اند که به‌نظر می‌رسد جنگل بر روی ابرها سوار است و می‌توان در میان ابرها گشت و گذار کرد و به باور بسیاری از گردشگران یکی از زیباترین چشم‌اندازهای طبیعت ایران محسوب می‌شود. جنگل ابر به سه دلیل اهمیت دارد: ۱-قسمتی از جنگل‌های باستانی هیرکانی است و گیاهان دارویی کم‌نظیری دارد۲- اکوتن این ناحیه دارای اهمیت است؛ یعنی مرز میان‌بند بین دو اکوسیستم منطقه نیمه بیابانی و جنگلی است. به‌طوری‌که می‌توان در جنگل‌های این ناحیه درختان سوزنی‌برگ را در کنار درختان پهن‌برگ دید که این امر در گونه‌های جانوری هم تأثیرگذار بوده‌است. ۳- جغرافیای خاص منطقه که دو منطقه کم ارتفاع و بلند را در کنار هم قرار داده‌است دارای اهمیت است؛ به‌طوری‌که شاهد تشکیل اقیانوس ابر در این منطقه هستیم که پدیده کم‌نظیری در دنیا محسوب می‌شود. افزون بر زیبایی طبیعی، مشخصات کم‌نظیری مانند وجود گونه‌های متفاوت گیاهان چوبی به همراه گونه‌های گیاهی بسیار نادری مانند راش، بلوط، توسکا، نارون، گیلاس وحشی، بارانک، سرخدار، نمدار و مانند آن‌ها این قابلیت را پدیدآورده که این اراضی همچون موزه‌ای زنده برای جذب گردشگران داخلی و خارجی مورد استفاده قرار بگیرد. بخشی از گردشگران خارجی این منطقه، گیاه‌شناسانی هستند که برای دیدن گونه‌های نادر گیاهی موجود در جنگل‌های هیرکانی به ایران می‌آیند و دسته دوم، گردشگران عمومی هستند که اغلب از کشورهای آسیای میانه و خاورمیانه می‌آیند. جنگل ابر درمحلی واقع است که از ضخامت کوه‌های البرز کاسته می‌شود و ابرهای گرفتار در پشت این دیواره از لابه‌لای دره‌ها به سمت جنوب سرازیر می‌شوند؛ به همین خاطر تقریباً از بعدازظهر تا نیمه‌های شب با سرد شدن هوا چنان می‌نماید که جنگل به روی ابرها سوار شده‌است. مجاورت دو ناحیه کم فشار و پرفشار (دشت گرگان و منطقه ابر) باعث شده هر وقت زمین انرژی می‌گیرد ابرها جابه‌جا شوند و به‌نظر برسد که ابرها از آسمان به زمین می‌آیند. این اتفاق منطقه ابر را دگرگون کرده‌است. وجود ۸۵ نوع گونه گیاه مانند راش، بلوط، ممرز افرا، شیردار، توسکا، آزاد داغداغان، گونه‌های کلاه میر حسن، چوبک، اسپرس، دم روباهی، آویشن و شبدر به همراه گونه‌های گیاهی نادر مانند نارون، بارانک، سرخدار و مانند آن‌ها جنگل ابر را به موزه‌ای طبیعی تبدیل کرده‌است. آب و هوای خاص این جنگل، درختان متفاوتی را در خود پرورش داده که برخی از این درخت‌ها با شکل خاص خود روی زمین خزیده‌اند و منظره زیبایی پدیدآورده‌اند. جنگل ابر یکی از بانک‌های گیاهان دارویی سرشار در کشور شناسایی شده‌است، که همه ساله مشتاقان و علاقه مندان زیادی را از گوشه کنار جهان به سوی خود دعوت می‌کند .در قسمت‌های جنوبی جنگل، یعنی قسمتی که به روستاها نزدیک‌تر است پوشش گیاهی تنک دیده می‌شود. در عمق جنگل تپه‌های پرشیبی وجود دارد که سراسر پوشیده از درختان بلند است. مشهورترین درخت منطقه اورس است. درختی با ریشه‌های بلند که روی زمین می‌خزد. مناطق ابتدایی جنگل ابر ییلاق چوپانان گلستانی است، اما در عمق جنگل اثری از انسان دیده نمی‌شود. از گونه‌های جانوری این منطقه می‌توان خرس قهوه‌ای، گرگ، پلنگ، خوک وحشی، شغال، روباه، خرگوش کل و بز، شوکا و مار و از پرندگان کبک، کبوتر جنگلی، بلدرچین، عقاب جنگلی، کرکس، شاهین، فاخته و قرقاول را نام برد. جنگل ابر، دو آبشار معروف شرشر و آلوچال دارد. رسیدن به اولی مخصوص کوهنوردان حرفه‌ایست، ولی با حدود ۶۴ کیلومتر پیاده روی در دل جنگل میتوان به دومی رسید. آلوچال از دو آبشار تشکیل شده که روی هم می‌ریزند. این آبشار ۲۵ متر ارتفاع دارد. راه رسیدن به آن هم از منطقه‌ای تماشایی به اسم دالان بهشت می‌گذرد. در حاشیه شمال غرب روستای ابر، جاده‌ای خاکیست که در انتها به روستای شیرین آباد می‌رسد و با در پیش گرفتن ادامه مسیر، کوه رستم پیش رویتان است. در کنار این کوه مسیری پایکوبی شده وجود دارد. در این راه به حرکتتان ادامه بدهید تا به دالان بهشت برسید. در ادامه مسیر به یک فرعی می‌رسید. آبشار آلوچال اَبر در فاصله یک ساعته از ابتدای این جاده فرعی است. دو چشمه ترش و قطری هم در جنگل وجود دارد که کمپ کردن در کنار اولی متداول‌تر است. این جنگل ۱۱۴اُمین اثر طبیعی است که توسط سازمان میراث فرهنگی در ۲۰ بهمن ۱۳۸۹ در فهرست میراث طبیعی ایران قرار گرفت. در جلسه شورای عالی محیط زیست در ۲۹ بهمن سال ۱۳۹۳ جنگل ابر منطقه حفاظت شده اعلام شد و در فهرست مناطق چهارگانه سازمان حفاظت از محیط زیست درآمد. جنگل ابر را در روستای فیلبند (یا بقول محلی ها فیلبن)هم می توان دید. فیلبند به دلیل سوز و سرما و بارش برف شدید، در طی مدت زمستان از سکنه خالی است. مسیر رفتن به فیلبند: جاده هراز نرسیده به آمل ۲ کیلومتر مانده به آخرین تونل سمت راست جاده تابلوی روستای چلاو را مشاهده خواهید کرد که با پشت سر گذاشتن این روستا اول به روستای فیلبند خواهید بهترین زمان سفر به جنگل ابر شاهرود اواخر فروردین ماه تا اواخر خرداد ماه است. ولی قبل از رفتن به آن باید هواشناسی را هم چک کرد. اگر هوای علی آباد کتول در استان گلستان ابری و بارانی باشد و هوای شاهرود صاف و آفتابی، میتوان به دیدن ابرها امیدوار بود. از ظهر تا نیمه های شب ابرها پدیدار می‌شوند.

۳۲- منطقه حفاظت شدهٔ بهشت گمشده





راههای دسترسی: شیراز- جاده‌ی شیراز به یاسوج، بعد از روستای گویم و شهر آسپاس، به دوراهی می‌رسید. راه مستقیم به سمت یاسوج می‌رود، اما شما سمت چپ را در پیش بگیرید که جاده‌ی مرودشت است. مسیر باصفایی در انتظارتان است. در این راه از کنار سد درودزن می‌گذرید و به کامفیروز می‌رسید. تابلوی راهنمایی به سمت کامفیروز و دشت گمشده وجود دارد. پیش از ورود به تنگ باستانک، یک پارکینگ وجود دارد که ماشینتان را می‌توانید انجا بگذارید و پیاده به مسیر ادامه بدهید.

هشت گمشده منطقه‌ای خوش آب و هوا و سرسبز در در بخش کامفیروز شهرستان مرودشت است. نام اصلی این مکان تنگ بستانک بوده‌است که اکنون به بهشت گمشده مشهور شده‌است منطقه حفاظت شده تنگ بستانک با مساحت ۱۵۳۲۴ هکتار در شمال غربی استان فارس و در فاصله ۱۲۰ کیلومتری شهر شیراز و در فاصله ۱۰۰ کیلومتری شهر مرودشت در بخش کامفیروز واقع گردیده‌است. تنگ بستانک منطقه‌ای است عمدتاً کوهستانی با پوششی جنگلی اقلیم منطقه ایرانی تورانی بوده و دارای تابستان‌هایی خشک و زمستان‌هایی سرد؛ با ریزش برف و یخبندان است. میانگین درجه حرارت بین ۱۶-۱۴ درجه و متوسط بارندگی ۴۲/۴۷۹ میلی‌متر است. مسیر دسترسی به تنگ بستانک از میان روستاهای بیضا و کامفیروز گذر می کند و دریاچه سد درودزن و جنگل‌های انبوه بلوط نیز در این مسیر هستند. از ورودی تنگه کوچه باغی نسبتاً وسیع در پیچ و تاب رودخانه‌ای زیبا تا محل آبشار تنگ بستانک ادامه می‌یابد و اینجاست که انبوهی از جنگل چنار در تنگه‌ای نه چندان باریک به همراه پیچ و تاب روسوباتی از جنس آهک یکی از شگفت‌انگیزترین چهره‌های طبیعت را به نمایش می‌گذارد. امتداد این مسیر پیاده‌رو از بستر رودخانه تا روستایی بکر در نقطه ای دور از ذهن زیبایی و جذابیت این منطقه را تکمیل می‌کند.تنگ بستانک درگذشته بیشتر شهرت محلی داشت و منطقه ییلاقی بخش‌های کامفیروز و بیضا محسوب می‌گردید. در گذشته مهم‌ترین سودمندی آن برای روستاه‌های پایین دست استفاده از منابع آب برای مصرف شرب، کشاورزی و گردشگری موردی جوامع محلی بوده‌است وتا اواخر دهه ۵۰ برای شهرنشینان نامی ناآشنا بوده و کمتر مورد استفاده گردشگری فشرده قرار گرفته‌است، اما از اوائل دهه ۶۰ این منطقه به‌تدریج توسط گروه‌های کوهنوردی و گردشگران طبیعت معرفی گردید و به لحاظ زیبایی‌های خیره‌کننده و چشم‌انداز طبیعی منحصربه‌فرد، توسط بازدیدکنندگان علاقه‌مند، بهشت گمشده نام‌گذاری گردید. در حال حاضر در حدود ۶ ماه از سال در فصول بهار و تابستان منطقه مورد استفاده بازدیدکنندگان قرار می‌گیرد و در چهار ماه اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد بیشترین بازدیدکنندگان به منطقه مراجعه می‌کنند. موقعیت جغرافیایی تنگ بستانک در مجمو عه شبکه گردشگری محور شمال و شمال غرب و امکان ارتباط جاده‌ای آن با یادمان‌های تاریخی تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد از یک طرف و چشم‌اندازهای طبیعی آبشار مارگون و تنگ براق از طرف دیگر اهمیت ویژه‌ای را برای این مجموعه از بعد توسعه اکوتوریسم ایجاد می‌کند. در کمتر منطقه‌ای این همه منظره چشم‌نواز در یک جا جمع شده. از روستاهای بیضا و کامفیروز که بگذرید، کوچه باغ‌ها و کشتزارها را هم که پشت سر بگذارید، منظره‌های تماشایی شروع می‌شوند. دریاچه سد درودزن، جنگل‌های بلوط، روستاهای دیدنی و شالیزارهای سرسبز، گردشگران زیادی را در روزهای تعطیل راهی این منطقه می‌کند. بعد از پشت سر گذاشتن همه اینها به آبشار تنگ بستانک نزدیک می‌شوید، جایی که هم خوش آب و هواست و هم سرسبز و پردار ودرخت. آبشارهای کوتاه در کنار درخت‌های سربه فلک کشیده و بلند خستگی راه را از تنتان بیرون می‌کند. پوشش گیاهی این تنگه متنوع است. تا دلتان بخواهد درخت‌های بلوط، چنار، گردو، پسته و بادام کوهی در بهشت گمشده هست. زرشک، شیرخشت، خار شتر، آویش شیرازی، شیرین بیان و گون هم در این محدوده پیدا می‌شوند. تنوع جانوری هم در این منطقه زیاد است؛ قوچ، بز وحشی، خرس قهوه‌ای، سمور، سنجاب ایرانی، خرگوش، روباه، میش، کبک و پرندگان شکاری، حیات وحش این منطقه را متنوع کرده. به گفته محلی ها حجم آب زمانی خیلی بالا بوده و کل بستر را را می‌گرفته، اما به مرور زمان از حجم‌اش کاسته شده. در طول مسیر دو لوله فلزی ۶ اینچ هم وجود دارد که آب به وسیله آنها از سرچشمه تنگ بستانک به روستاهای پایین دست منتقل می‌شود. بعد از ۳ کیلومتر به سرچشمه می رسید. جایی که آب فراوان است و برای کمپ کردن مناسب. اینجا به یک دو راهی برمی‌خورید. سمت راست تقریبا تنگه تمام می‌شود و در دامنه‌ها به باغ‌های سیب و گردو و بعد خانه‌های روستای جیدرزار (Jiderzar)می‌رسید. راه سمت چپ ادامه تنگه است و بعد استخری هویدا می‌شود. اینجا به استخر ۹ متری معروف است و عمقش حدود ۳ متر به نظر می‌رسد. این استخر زیر یک طاق سنگی قرار گرفته و همین باعث زیبایی‌اش شده است. جایی با درخت‌های چنار و گردو زیاد و همه اینها که تمام شود جنگل بلوط هویدا می‌شود. یک ویژگی خوب این منطقه ییلاقی نزدیکی‌اش به چند جاذبه گردشگری مهم است .رود کر، بزرگترین رود استان فارس که در بهار خیلی تماشایی ست و سد دوردزن هم در مسیرش قرار دارد، از جاذبه های نزدیک است. فاصله تنگ بستانک تا تخت جمشید ۲ساعت، تا نقش رستم یک ساعت و ۵۰ دقیقه، تا آبشار مارگون دو ساعت و ۴۰ دقیقه، و تا تنگ براق یک ساعت و ربع است. تنگه بهشت گمشده در منطقه‌ای کوهستانی قرار دارد به همین دلیل در تابستان‌ها هوای خشک و زمستان‌ها آب و هوای سرد و برفی دارد. بنابراین، بهترین زمان سفر به تنگ باستانک از اردیبهشت تا آخر مرداد ماه است.

۳۳- منطقهٔ حفاظت شدهٔ ارسباران



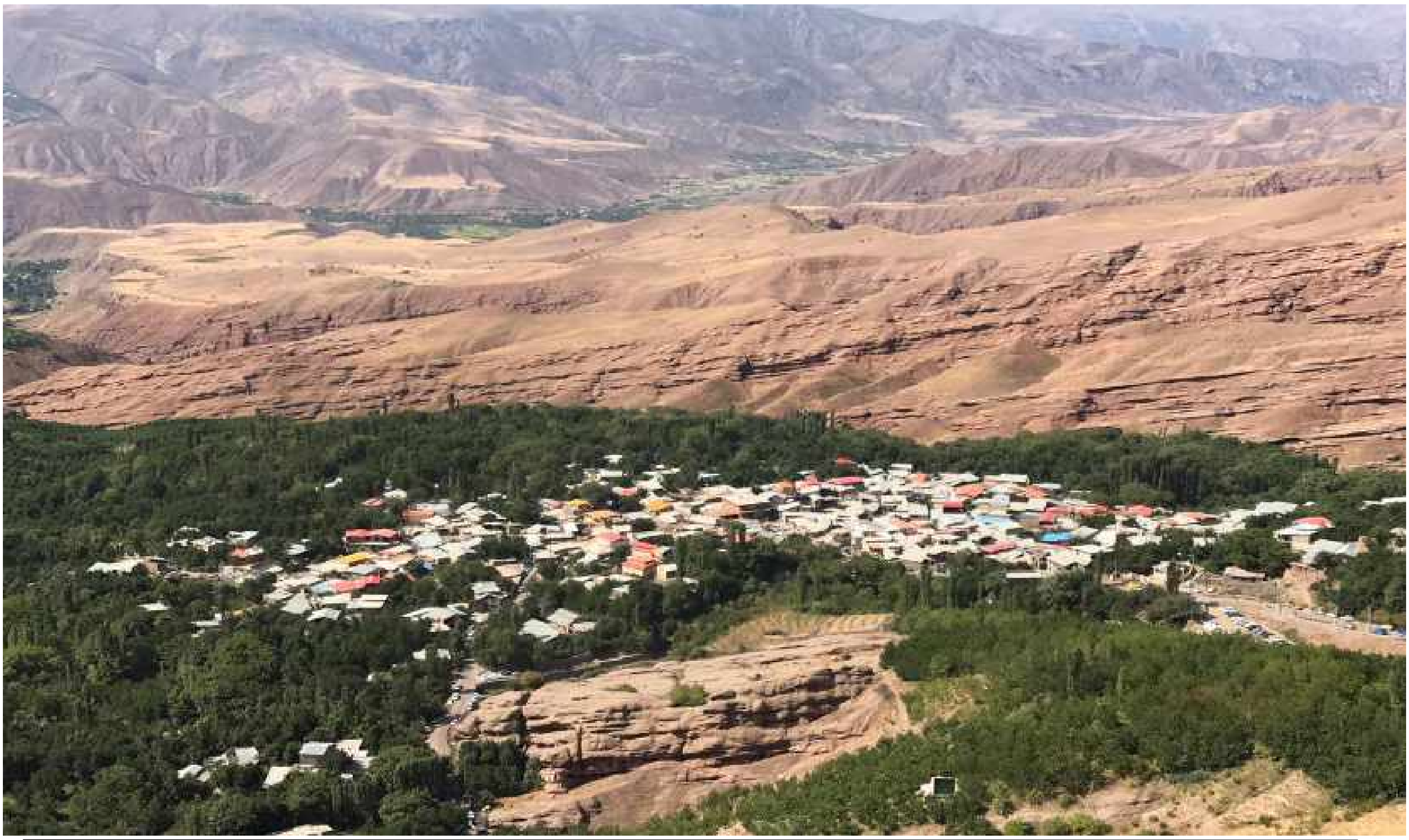


راههای دسترسی: ۱. جاده تبریز اهر کلیبر، ۲. جاده مشگین‌شهر به کلیبر، ۳. جاده جلفا به خمارلو، ۴. پارس آباد به اسکانلو.

جنگل‌های شمال غرب ایران در ساحل رودخانه ارس که به قره داغ هم معروف است مشابهت‌هایی هم با زاگرس و ناحیه هیرکانی دارد و هم به منطقه قفقاز شبیه است. قله‌های صخره‌ای و مرتفع در کنار جنگل‌های ممرز و بلوط و طغال اخته و مناطق پست ساحل ارس اکوسیستم خاصی را به وجود آورده است. در مناطق جنگلی ارسباران که در اطراف کلیبر و در روستاهای اسکلو وینق و مناطق آینالو و قلعه درسی مجتمع شده‌اند، می‌توان گونه‌هایی هم‌چون: جی‌جاق، کوکوی خالدار، سنگ چشم سرحنایی،سهره سرسیاه، توکای سیاه را مشاهده کرد هم چنین در نواحی کوهستانی‌تر که از درختچه‌ها و گیاهان بالشتکی پوشیده‌اند گونه‌های ارزشمندی هم‌چون: سیاه خروس، لاچین کبک، چیل و عقاب مارخور زندگی می‌کنند. آنزا و نوجه ده از جمله این مناطق هستند. با وجود سرمای به نسبت زیاد منطقه در زمستان اکثر گونه‌های منطقه در مناطق کم ارتفاع به زندگی‌شان در ارسباران ادامه می‌دهند. بهترین زمان برای بازدید از این تالاب فصل پاییز در ماه آبان است. مهمترین و کمیاب ترین گونه جانوری شناخته شده جنگلهای ارسباران نوعی پرنده نادر به نام «سیاه خروس قفقازی» است که این منطقه یکی از معدود زیستگاه های آن به‌حساب می آید. قرقاول ارسبارانی و مارال دو گونه دیگر در معرض خطر انقراض این منطقه هستند که نسل در خطر آنها با برنامه های حفاظتی احیاء و جمعیت آنها در حال حاضر آمار مطلوبی دارد. پارک ملی ارسباران دارای تنوع گونه های گیاهی و زیستگاه های جنگلی منحصر به فرد بوده و تاکنون بیش از ۱,۰۰۰ گونه گیاهی در این منطقه شناسایی شده است. قبلا به ارسباران قره داغ و قره جه داغ میگفتند و این اسم را به خاطر کثرت کوه‌های این ناحیه به آن داده بودند. قبلاها وسعت جنگل بیش از چیزی بود که اکنون می‌بینیم اما در حال حاضر به دلیل تخریب جنگل ها، این منطقه تنها به سه شهر کلیبر، ورزقان و اهر محدود شده است. جنگل های ارسباران یکی از بکرترین و انبوه ترین جنگل های ایران است .این جنگل‌ها بازمانده جنگل های میلیون ساله هیرکانی هستند که از دوره سوم زمین‌شناسی باقی‌مانده‌اند. تنوع حیات وحش این منطقه آنقدر بالاست که به آن موزه حیات وحش ایران می‌گویند. بخش‌های جنوبی این منطقه بیشتر مرتع است و بخش‌های جنگلی در ارتفاع کمتر از ۸۰۰ متر قرار گرفته‌اند. در کنار تنوع جانوری، تنوع گیاهی این منطقه هم کم نیست. ۱۵ درصد از گونه‌های گیاهی ایران مختص این ناحیه است. بلوط، کیکم، سماق، زرشک، انار وحشی، سیب وحشی، گلابی وحشی و بوته‌های تمشک و زغال‌اخته و در کل هزار و ۴۰۰ گونه گیاهی و قارچی در این ناحیه وجود دارد. خرداد که بروید زغال اخته‌ها رسیده‌اند و اواسط تابستان را اگر برای سفر انتخاب کنید، می‌توانید طعم ترش قره قورت‌ها را بچشید. هوای ارسباران خنک است. اینطور معروف است که دمای هوای تبریز را چک کنید و دمای هوا هرچه قدر بود، دمای هوای کلیبر و ارسباران ۱۰ درجه از آن خنک‌تر است، انقدر که در روزهای داغ تابستان دلت می‌خواهد کمی از هوای خنک اینجا را با خودت ببری. اگر با خودروی شخصی میروید، از همان ابتدای ورودی تبریز تابلوهایی به سمت اهر و کلیبر وجود دارد. کلیبر شهری‌ست سرسبز با دامنه‌های مه گرفته. این شهر که به پایگاه بابک خرمدین هم معروف است، پوشیده از جنگل و مرتع است .داخل شهر می‌شود جاهایی مثل مسجد جامع را دید. پل خدا آفرین یکی دیگر از جاهای دیدنی کلیبر است. به تازگی، از داخل شهر کلیبر راهی به سمت جانانلو کشیده شده که مردم و گردشگران از آن مسیر به سمت رود ارس و مرزهای آذربایجان و ارمنستان می روند. در این مسیر و در فاصله ۵ کیلومتری، کاروانسرایی به نام شاه عباسی وجود دارد که چندان بزرگ نیست. اما دیدنش هم خالی از لطف نیست. اما مشهورترین جاذبه های گردشگری کلیبر، قلعه بابک، آینالو و مکیدی دره‌سی است. قلعه بابک در زمان ساسانیان ساخته شده و اسمش را از بابک خرمدین، رهبر مبارزان با خلیفه عباسی گرفته. این دژ تاریخی در ارتفاعات ارسباران واقع شده و کافیست سه کیلومتر از کلیبر به سمت جنوب غربی خارج شوید تا به دره سی، یکی از زیباترین دره‌های ایران برسید. کمی بعد از اینکه دره‌سی را پشت سر گذاشتید، به کمپ قلعه بابک و هتل بابک می‌رسید. از آنجا می‌توانید با جیپ به اول مسیر پیاده‌روی بروید. در ۴۵ کیلومتری کلیبر و در بخش خداآفرین، منطقه حفاظت شده آینالو قرار گرفته. دورتادور این منطقه که هنوز دست نخورده مانده است را برای حفاظت از مارال‌ها و آهوها سیم کشیده‌اند. این منطقه پراست از مراتع و جنگل‌های سرسبز. در این منطقه امکاناتی برای گردشگران نیز وجود دارد که از جمله آنها کانکس‌های اقامتی رایگان است. عمارت آینالو، به جا مانده از دوره قاجار یکی از جاذبه های این منطقه است. اگر مسیر دره قلعه بابک را همین طور به سمت غرب بروید به پارک جنگلی مکیدی می‌رسید. مکیدی تا چند سال پیش جنگلی بکر و دست نخورده و پر از درختان فندق و خرگوش بود، اما با ساخته شدن آلاچیق و بوفه و پارکینگ از آن بکری سال‌های قبل کمتر در آن خبری هست.پارک ملی ارسباران با وسعت ۸,۹۴۱ هکتار بخشی از منطقه حفاظت شده ارسباران در شهرستانهای کلیبر و خدا آفرین در استان آذربایجان شرقی است که از سال ۱۳۴۶ به عنوان منطقه ممنوعه شکار و در سال ۱۳۵۲ به عنوان منطقه حفاظت شده ارسباران و از سال ۱۳۵۵ به عنوان ذخیرگاه زیستکره تحت مدیریت قرار گرفته است و پس از قابلیت سنجی طی مصوبه شماره ۳۷۰ شورای عالی محیط زیست (کمیسیون زیر بنائی دولت) مورخ ۱۳۹۱/۲/۳۱ به پارک ملی ارتقا می یابد. بهترین زمان سفر فصول غیر سرد سال بالاخص اردیبهشت و خرداد ماه می باشد.

۳۴-الموت





راههای دسترسی: این عرصه در منطقه کوهستانی بین استان های مازندران، تهران، بخش مرکزی قزوین و رودبار شهرستان واقع شده است. راه های ارتباطی منطقه، جاده آسفالت قزوین- الموت، جاده خاکی اکبرآباد و جاده بهرام آباد است که عمده ترین تردد از مسیر جاده قزوین – الموت است. بعد از طی فاصله ۱۳۵ کیلومتری بزرگراه تهران ـ قزوین به میدان ورودی استان قزوین (میدان مینودر) می‌رسید. در این میدان تابلوهای راهنما شما را به سمت الموت راهنمایی می‌کند.

الموت یکی از مکان‌های مهمی است که علاوه بر جاذبه‌های طبیعی، بخشی از اتفاقات تاریخی کشورمان را روایت می‌کند. الموت منطقه‌ای در میان کوه‌های البرز و در استان قزوین است. شاید اگر دژهای الموت و لمبسر در این منطقه وجود داشتند، امروز الموت این‌قدر شناخته شده نبود و کمتر کسی به آن سفر می‌کرد آلموت نام منطقه ای در استان قزوین است که خود متشکل از دو بخش الموت غربی و الموت شرقی در رشته کوه های البرز، واقع در شمال شرقی یکی از بخش های شهرستان قزوین در استان قزوین، جنوب مازندران و گیلان، باختر طالقان و خاور رودبار زیتون قرار دارد. عمده شهرت این منطقه به علت وجود دو دژ الموت و لمبسر در آن است. برای رفتن به الموت قبل از این‌که به قزوین برسید، باید وارد مسیر دیگری شوید. این مسیر تا قلعه تاریخی الموت حدود ۲/۵ ساعت فاصله دارد. وقتی وارد این مسیر می‌شوید، زیبایی کوهستان و جاده آن‌قدر شما را مسحور می‌کند که ناچار هستید در میان راه توقف کنید و ساعاتی را در دل طبیعت سپری نمایید. در مسیر پر پیچ و تاب الموت نزدیک به پانصد روستا وجود دارد. این روستاها بسیار کوچک هستند و برای رفتن به آن‌ها باید وارد راه‌های فرعی شوید .روستایی به نام معلم کلایه در این مسیر قرار دارد که نسبت به دیگر روستاها بزرگ‌تر است و بیشتر مسافران ملزومات خویش را از این روستا تهیه می‌کنند .روستای معلم کلایه تا قلعه حسن صباح حدود سی دقیقه فاصله دارد. شهرت منطقه الموت به خاطر وجود دو قلعه تاریخی است که قدمت یکی به قرن سوم هجری قمری و دیگری به دوران ساسانیان باز می‌گردد. این دو قلعه در زمان حسن صباح توسط وی و طرفدارانش به عنوان پایگاهی نظامی مورد استفاده قرار گرفتند. قلعه الموت مقر اصلی حسن صباح، بنیانگذار فرقه اسماعیلیه بوده است. این دژ در شمال شرقی روستای قصر خان و بر روی تپه‌ای قرار گرفته که حدود ۲۱۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. در برخی نوشتارهای تاریخی آمده است که قلعه شبیه به یک شتر خوابیده می‌باشد. شیب تند قلعه و دره‌های عمیق و پرتگاه‌های خطرناکی که اطراف قلعه را فرا گرفته‌اند از مهم‌ترین عوامل عدم دسترسی راحت به قلعه الموت بوده‌اند. به همین دلیل این دژ مناسب‌ترین پایگاه برای پنهان شدن طرفداران فرقه اسماعیلی از دیست دشمنان بوده است. صخره‌های اطراف قلعه الموت خاکستری و سرخ‌رنگ هستند و ابهت قلعه را دو چندان کرده‌اند. باقی‌مانده بنا در سال ۱۳۸۱ در لیست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. اصلی‌ترین پایگاه اسماعیلیان بعد از قلعه الموت، دژ لمسر بوده است. این دژ که در دوره ساسانی ساخته شده، در قسمت الموت غربی قرار دارد. بعد از تسلط حسن صباح بر روی دژ لمسر، وی کیابزرگ‌امید را حاکم این قلعه کرد. لمسر به معنی روی بوته است. قلعه لمسر با شهر رازمیان حدود سه کیلومتر فاصله دارد. قلعه در جایی بنا شده که وجود دره‌های عمیق و ترسناک نینه رود و لمه دسترسی به آن را تقریبا غیر ممکن کرده است. ورود به دژ فقط از طریق دروازه‌های شمالی و جنوبی ممکن است. به همین دلیل دژ لمسر کاملا فتح نشدنی به نظر می‌رسد و پایگاه اصلی دفاع از الموت در مقابل هجوم از سمت غرب بوده است. منطقه حفاظت شده الموت از نظر تنوع حیات وحش و غنای ساختارهای طبیعی در استان قزوین و در کشور منحصر به فرد است. این منطقه با مساحت ۱۱۸ هزار هکتار از مناطق شکار و تیراندازی ممنوع استان قزوین است که دارای مراتع مناسب، زیستگاه های صخره ای و پوشش جنگلی می باشد. منطقه الموت به دلیل کوهستانی بودن و ویژگی های خاص خود، زیستگاه گونه های مختلفی از حیات وحش مانند کل و بز کوهی، سیاه گوش، گرگ، گراز، پلنگ، خرس قهوه ای، خرگوش، جوجه تیغی، روباه، شغال، انواع پرندگان همچون عقاب، هما، کبک، کبک دَری، تیهو، کبوترسانان، لاشخور و گنجشک سانان (سهره، بلبل) می باشد. انواع مارمولک ها، مارها، لاک پشت ها از خزندگان این منطقه و وزغ و قورباغه از دوزیستان آن به شمار می روند. در زیستگاه های آبی منطقه حفاظت شده الموت ماهی سفید رودخانه ای، زردپر و قزل آلا ساکن می باشند. ۳ جنگل پهن برگ بلوط (ذخیره گاه جنگلی) و انواع گونه های دارویی در طارم سفلی و جنگل ارس و ۲۵۰ گونه دارویی و معطر در الموت وجود دارد. درخت چنار خونبار زر آباد ، غار حاجت خانه اکوجان ، آرامگاه های سنگی شاه کوه و حسن آباد و بیش از ۳۰ بنای مذهبی تاریخی دیگر را نیز باید به آثار تاریخی و جاذبه های گردشگری الموت افزود. سایر جاذبه های این منطقه عبارتند از: قلعه الموت، قلعه نویزر شاه، قلعه لمبسر، قلعه شیرکوه ، آرامگاه سنگی حسن آباد و کاروانسرای سنگی پیچ بن ، دریاچه اوان، غار ولی غار حاجت خانه، غار سفید آب سرچشمه خار رود، سرچشمه نینه رود. برای سفر به الموت اواخر بهار و تابستان را انتخاب کنید. زیرا این منطقه کوهستانی در فصول سرد برای سفر مناسب نیستند. البته شب‌های تابستان هم در این منطقه بسیار خنک است و شاید نیاز به یک دست لباس گرم داشته باشید. اگر به سمت الموت رفتید، دیدن این دریاچه زیبا را از دست ندهید .دریاچه اوان یکی از بی‌نظیرترین مناظر آرام و درخشان را به چشمان شما هدیه می‌کند. آبشار ورچر حدود سی متر ارتفاع دارد و در روستای رزجرد قرار گرفته است. ورچر در دل صخره‌هایی سخت جای گرفته که از روی آن روانه دره‌ای عمیق می‌شود .مسیر دسترسی به این آبشار کمی دشوار است و در بخشی از راه باید مسیرهای خاکی را طی نمایید. بهترین زمان سفر اردیبهشت تا آبان ماه می باشد.

۳۵- اورامانات





راههای دسترسی: اگر قصد دارید از سنندج به اورامان بروید، از تهران وارد اتوبان ساوه به سمت همدان شوید، بعد از همدان به سنندج بروید و از سنندج به سمت مریوان راهی شوید، در این جاده بعد از ۱۵ کیلومتر خروجی نودشه و پاوه را میبینید. وارد آن شده پس از ۳۵ کیلومتر خروجی جاده اورامان در سمت چپ شما مشخص است. به آن وارد شوید، بعد از ۱۰ کیلومتر به روستای اورامان می‌رسید. اما از کرمانشاه به سمت سنندج، در مسیر بعد از پلیس راه، وقتی تابلوهای روانسر و پاوه را دیدید، به سمت چپ بپیچید. بعد از حدود ۱۵ کیلومتر از پاوه به یک دوراهی می رسید، دوراهی نو سود و نودشه. شما مسیر نودشه را انتخاب کنید. حدود ۳۰ کیلومتر پس ازنودشه، خروجی اورامان در سمت راست شماست.

اورامانات یا هورامانات منطقه ای وسیع در جنوب استان کردستان است که تا مریوان ۷۵ کیلومتر و تا سنندج ۱۷۰ کیلومتر فاصله دارد. اورامانات آنقدر پهناور است که اورامان تخت تنها بخش کوچکی از آن را تشکیل داده است. این منطقه در دل کوه های سر به فلک کشیده زاگرس قرار دارد که از جنوب غربی به ارتفاعات اورامان تخت و از شرق به ارتفاعات کوسالان منتهی می شود. ، بنا بر اعتقاد مردم محلی اورامان در گذشته، شهر بسیار بزرگ و پرجمعیتی بوده طوری که پایتخت قلمرو اورامی ها بوده است به همین دلیل آن را اورامان تخت می‌نامند اما شاید قرار گرفتن این ناحیه در دره ای مقابل ارتفاعات تخت دلیل دیگری برای این نامگذاری باشد. در این منطقه آتشکده های فراوانی پیدا شده که نشان می‌دهد مردم این ناحیه قبل از اسلام از دین زرتشت پیروی می کرده‌اند. باستان شناسان در غارهای شانیدر و بیستون که از غارهای مهم این منطقه هستند، اجاق، وسایل انسان های نخستین و اسکلت انسان های نئاندرتان)یعنی انسان هایی که قامتی کوتاه، سری بزرگ و بینی کوچکی داشتند اما بسیار پر زور بودند) یافته‌اند که نشان دهنده‌ی زندگی ۴۰ هزار ساله‌ی مردم این منطقه است.ر وستای شگفت انگیز اورامان به سبب سیستم پلکانی خانه‌ها که پشت بام یک خانه حیاط خانه دیگر یا قسمتی از محل گذر است و از این نظر به روستای ماسوله گیلان شباهت زیادی دارد، به روستای هزار ماسوله معروف است. اورامان در قلب کوهستان قرار گرفته و همین امر سبب شده که سنگ ماده‌ی اصلی در ساخت خانه های این روستا باشد. به این شیوه‌ی ساخت یعنی استفاده از سنگ برای ساخت خانه‌ها و عدم استفاده از ملات خشکه چین می گویند.بهترین زمان سفر به این منطقه اردیبهشت تا آخر تابستان است. در منطقه اورامان حدودا ۵۴۰ خانواده زندگی می‌کنند که به زبان هورامی حرف می‌زنند و دارای لباس و آداب و رسوم خاص خود می‌باشند. لباس محلی مردان اورامی چوخه، پانتول، هلکی شال، دستار، فرنجی و کله بال است و زنان اورامی از جانی، کلنجه، شال، کلاه و کلله به عنوان لباس محلی استفاده می‌کنند . مردمان اورامان از کرک نوعی بز به نام "مه ریز" که پشم بسیار لطیفی دارد شال‌هایی می‌بافند که این شال قسمتی از لباس مردان اورامانی است.. موسیقی در فرهنگ مردم اورامان جایگاه ویژه‌ای دارد البته موسیقی اصیل و سنتی خودشان همچون چیله و کنالیل، در ضمن پایکوبی‌های گروهی جزء لاینفک زندگی مردمان کرد خصوصا اورامانی هاست. مردم فرهنگ‌مدار اورامان آداب و رسوم و آئین‌های منحصربفرد و زیبایی دارند که یکی از مهمترین آنها مراسم پیر شالیار(کومسای) است. این مراسم دوبار در سال یکبار در نیمه اردیبهشت و بار دیگر در نیمه بهمن انجام می شود. تاریخچه این مراسم به سالهای بسیار دور برمی گردد، زمانی که پیر شالیار در این منطقه زندگی می‌کرده . نام پیر شالیار سید مصطفی بود. وی از مریدان عبدالقادر گیلانی بوده است. از جمله‌ی کرامات او شفا دادن شاه بهار خاتون دختر پادشاه بخاراست. داستان این است که شاه بهار خاتون کر و لال بود، پس از اینکه همه‌ی اطبا از درمان او ناتوان شدند و آوازه پیر شالیار به گوش پادشاه بخارا رسید، او دخترش را نزد پیر شالیار آورد و سید مصطفی توانست دختر او را شفا دهد، پادشاه هم دخترش را به عقد او در آورد. همه ساله در نیمه اردیبهشت و نیمه بهمن مردم دیار اورامان سالگرد این ازدواج را جشن می گیرند. این مراسم سه روز طول می کشد. در روز اول تعدادی از اهالی، دام‌هایی را که برای قربانی نذر کرده‌اند به خانه پیر شالیار می‌برند. مقداری از این گوشت به عنوان تبرک به خانواده‌ها داده شده از بقیه آن غذای رسمی این مراسم یعنی آش جو یا هولوشینه تشی می‌پزند. مردم سه روز صبح تا شب در نزدیکی خانه پیر شالیار می‌نوازند، می‌رقصند، شاد هستند و از این غذای محلی نوش جان می کنند و در پایان روز سوم مراسم را با دعا تمام می‌نمایند. همه ساله گردشگران زیادی از سراسر ایران و جهان برای دیدن مراسم پیر شالیار به اورامان می روند. تعداد تماشاگران این مراسم در سال ۹۵ حدود ۸ هزار نفر بوده است. ضمن اینکه جاده‌های منتهی به این روستا به دلیل داشتن پیچ و خم زیاد و دره‌های عمیق، سبب می شود شما از همان ابتدا مطمئن شوید که بهترین مکان را برای گشت و گذار انتخاب کرده‌اید. دیگر جاذبه ی طبیعی اورامان، دریاچه زریبار یا زریوار است که در واقع یک تالاب بین المللی است و از هیچ رودی سرچشمه نمی‌گیرد. آب این تالاب، شیرین است و با وجود اینکه نکته‌های ناشناخته زیادی در مورد آن برای محققان وجود دارد، اما یکی از منحصر بفردترین تالاب‌های آب شیرین جهان می‌باشد. اگر به اورامان سفر کردید، به هیچ وجه روستای نگل که در ۲۵ کیلومتری سرو آباد قرار گرفته و در آن قرآنی وجود دارد که به قرآن نگل معروف است و متعلق به قرن پنجم هجری می باشد را از دست ندهید. اگر هنگام پیاده روی از روستا خارج شوید بعد از حدود ۴ کیلومتر به روستای بلبر وآبشار زیبا و خاطره انگیزش می رسید . اما اورامان به غیر از جاذبه‌های طبیعی، مکان‌های تاریخی زیادی هم در خود جای داده است، از جمله: مقبره و خانه پیر شالیار، مسجد حضرت عبدالله که از سنگ و چوب گردو ساخته شده ضمن اینکه شما می‌توانید در صورتی که از سنندج به اورامان می روید، مکان های تاریخی سنندج مثل مسجد جامع، عمارت خانه کرد، حمام خان، بازار سر پوشیده و حمام شیشه ای را هم ببینید. بهترین زمان سفربهمن و اردیبهشت هنگام برگزاری مراسم پیر شالیار است.

۳۶- دیلمان





راههای دسترسی: از شهر رشت مسیری ۴۲ کیلومتری را به سمت لاهیجان بروید، از آنجا پس از ۱۵ کیلومتر به سیاهکل می رسید. از سیاهکل مسیری پرپیچ و خم و ۴۵ کیلومتری در پیش رو دارید که شما را به دیلمان می رساند.

دیلمان منطقه‌ای جلگه‌ای در استان گیلان است. این ییلاق در شرق گیلان و در نزدیک شهر سیاهکل قرار دارد. سیاهکل شهری جلگه‌ای در ۱۵ کیلومتری لاهیجان است که از شمال و شمال شرقی به لاهیجان، از شرق به لنگرود، از جنوب شرقی به املش و رودسر، از جنوب غربی به رودبار و از غرب به رشت می‌رسد. ارتفاع دیلمان بیشتر از ۲ هزار متر از سطح دریاست و برای رسیدن به آن باید از جاده‌ای جنگلی عبور کنید. نام دیلمان ترکیبی است از سه پاره واژه دیل و ام و ان. دیل به معنی جایی است که در آن دام نگه می‌دارند و ام پسوند نمایشگر ارتفاع و بلندی است و ان پسوند مکان. در نتیجه معنی این ترکیب جای بلند نگهدارندگاه دام است و در حقیقت دیلمان سرزمین بلندی است که در آن دامداری می‌گردد. می‌گویند دیلمان مرتفع‌ترین ییلاق استان گیلان است. از نظر تاریخ سکونت، دیلمان یکی از قدیمی‌ترین سکونت‌گاه‌های بشر در ایران به شمار می‌آید، به طوری که آثار زندگی غارنشینی و ابزار و ظروف مسی و مفرغی و سفالی نشان می‌دهد از ۲ هزار سال پیش از میلاد مسیح در این منطقه زندگی وجود داشته است. این منطقه تابستان‌هایی خنک و زمستان‌هایی سرد دارد. به طور کلی، به دلیل آب و هوای خنک این منطقه سفر به آن از اواسط بهار شروع می‌شود و تا اواخر تابستان ادامه دارد. برخی از دیدنیهای این منطقه عبارتند از: کاروانسرای تی تی خانم کاروانسرای تی‌تی‌خانم یکی از جالب‌ترین بناهای این منطقه است. قدمت این کاروانسرا به دوره صفویه برمی‌گردد. گفته می‌شود که یکی از عمه‌های سلاطین صفوی به نام تی‌تی می‌خواست که کاروانسرایی ساخته و به نامش زده شود .درنتیجه کاروانسرای تی‌تی خانم ساخته شد. تی‌تی در زبان گیلکی به معنا شکوفه درختان است. کاروانسرای تی‌تی تا چندسال پیش محلی برای نگهداری و چرای دام بودکارونسرای تی‌تی در ابتدای جاده سیاهکل به دیلمان قرار دارد. می‌توانید این کاروانسرا را در دوراهی رودخانه باباکوه و میثم‌رود پیدا کنید. آبشار لونک: این آبشار زیبا و درختان سرسبز اطرافش، دل هر مسافری را می‌برد و هر گردشگر را مجبور می‌کند که راهش را به سمتش کج کند. آبشار لونک یکی از مناطق طبیعی شلوغ و پررفت‌وآمد منطقه است. برای رسیدن به این آبشار باید ۲۲ کیلومتر از جاده را جلو بروید.چشمه و جنگل لاریخانی: جنگل لاریخانی در ۵کیلومتری دیلمان قرار دارد. این جنگل یکی از محبوب‌ترین جنگل‌های ایران است. طبیعت زیبا و چشم‌نواز جنگل لاریخانی مسافران بسیاری را به این نقطه می‌کشاند. در دل جنگل لاریخانی، چشمه آب معدنی لاریخانی هم قرار دارد که سر زدن به آن خالی از لطف نیستروستای اسپیلی: نرسیده به منطقه دیلمان است. روستایی زیبا با مزارع دوست‌داشتنی شالی و مردم مهمان‌نواز و مهربان. می‌توانید مواد غذایی موردنیازتان را از این روستا تهیه کنید. مخصوصا اگر روزهای دوشنبه و یا پنجشنبه گذارتان به این روستا خورد، بازار روز اسپیلی هم جای جالبی برای تماشا و خرید مایحتاج به حساب می‌آید. پیر کوه: پیرکوه در ۲۰ کیلومتری دیلمان واقع شده است. این روستا با شرایط خاص و آب‌وهوایی خود، یکی از زیباترین روستاهای اطراف دیلمان به حساب می‌آید .پیرکوه از آنجاهایی است که به هیچ وجه نمی‌توان وضع هوای آن را پیش‌بینی کرد. پس اگر قصد کردید به آنجا سر بزنید، لباس گرم و بارانی با خودتان داشته باشید.کوه درفک: یکی دیگر از ییلاق‌های زیبا و چشم‌نواز سیاهکل که بالاتر از دیلمان قرار دارد، روستای درفک است. این منطقه با داشتن غارهای تاریخی زیاد و طبیعت زیبا، یکی از مناطق مستعد و زیبا برای کمپ زدن است. برای رسیدن به درفک باید ۲۵ کیلومتر از سیاهکل دور شوید. موزه مردم شناسی دیلمان: حمام میربلوک عضدی، یکی از بناهای معروف دیگر دیلمان است که اگر به مردم‌شناسی و آشنایی با فرهنگ بومی و محلی علاقه دارید، جای بسیار جذابی برای دیدن به حساب می‌آید. این بنا، ۵۰۰ سال قدمت دارد. در سالهای گذشته حمام دیلمان توسط سازمان میراث فرهنگی خریداری شد و به موزه‌ای برای آشنایی با فرهنگ و سنت‌های مردم منطقه تبدیل شد.قلعه و برج گرماور: بر دهانه کوه گرماور قرار گرفته است. ساخت این قلعه به دوره قبل از اسلام برمی‌گردد و طوری طراحی شده است که دسترسی به برج‌هایآن امکان‌پذیر نباشد درواقع ساخت این قلعه بر لبه کوه و خندق‌های اطراف آن باعث شده است تا دسترسی به آن بسیار سخت باشد.دشت سوسن چلچراغ: جنوب دیلمان، روستای داماش، میزبان دشتی پر از گل است که مشابه آن را فقط در عکس‌ها دیده‌ایم. دشت سوسن چلچراغ، از زیباترین جاذبه‌های دیلمان است. این دشت پر از گل در خردادماه به بار می‌نشینند تا دل هر گردشگر را ببرد. سوسن چلچراغ جزو کمیاب‌ترین گونه‌های گل در جهان است و به عنوان سمبل ایران شناخته می‌شود. مردم روستای داماش میزبان رویش یکی از کمیاب‌ترین گل‌های جهان هستند.دشت شقایق: ۶کیلومتری غرب دیلمان و روستای پس کوه ،دشت گل‌های شقایق وحشی در خرداد ماه جاذبه گردشگری این روستا است.بهار تا پائیز اینجا دیدنی است و توصیه میشود.

۳۷-ترکمن صحرا(خالد نبی)





راههای دسترسی:استان گلستان :شهرهای گنبد کاوس علی آباد و...

منطقه ای زیبا و بکر در شمال شرقی ایران عزیزمان به نام ترکمن صحرا وجود دارد که بخش های زیادی از استان های گلستان و خراسان شمالی را در بر می گیرد، از جمله شهرهایی که جزئی از منطقه ترکمن صحرا هستند نیز عبارت از گنبدکاووس، بندر ترکمن، کلاله، آق قلا، مراوه تپه، کلاله، سیمین شهر، گمش تپه، نگین شهر، انبار آلوم می باشند. این منطقه از لحاظ آب و هوایی، پوشش گیاهی، خاک و زندگی جانوری از سایر مناطق شمال کشور (گیلان و مازندران) متمایز است .جانوران این منطقه از انواع جانوران منطقه نیمه بیابانی تا جنگلی (طوقه جانوری پاله آرکتیک) است .قدیمی‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی منطقه شمال سفالینه‌ها و دست ساخته‌های بشر، پیشینه سکونت و زیست در این منطقه را به بیش از هفت هزار سال پیش می‌رساند.ترکمن صحرا بدلیل وسعت زیادش دارای دریا، جنگل، کوهستان، دریاچه، رودخانه، آبشار، گل افشان ، بناهای دیدنی و....بسیاری است. از جمله مناطق دیدنی ترکمن صحرا می توان به دیدنیهای زیر اشاره کرد:گنبد قابوس: بلندترین برج آجری جهان به شمار می‌رود که از سده‌ی چهارم هجری به جا مانده. این برج در شهر گنبد کاووس واقع شده است. زیارتگاه خالد نبی: در منطقه‌ای کوهستانی در شمال شرق شهر گنبد کاووس بر فراز قله‌ی کوه گوگجه داغ قرار گرفته است. راه رسیدن به این منطقه از سمت کلاله و تمرقره قوزی است. در نزدیکی مقبره‌ی خالد نبی، گورستان عظیمی متشکل از ۶۰۰ قبر وجود دارد. به دلیل خاص بودن منظره، این گورستان یکی از جاذبه‌های گردشگری منطقه به شمار می‌رود. سنگ قبرهای این گورستان به شکل استوانه‌ای و کله قوچی هستند و ارتفاع برخی از آن‌ها به دو متر هم می‌رسد. تاریخچه‌ی این قبرستان به دوره‌ی پارینه سنگی می‌رسد و قدمت آن حدود هزار سال است. مطابق با افسانه هایی که وجود دارد برخی از این پیکره های سنگی دشمنان خالد نبی بوده اند که گرفتار خشم خداوند شده و به شکل سنگ در آمده اند. برخی روایت‌ها هم می‌گویند خالد بن سنان (آخرین پیامبر و مبلغ مسیحیت) از دست قوم خورشید به قله کوه گوگجه داغ پناه می‌آورد و با یارانش به خواست خداوند به شکل سنگ در می‌آیند تا اسیر دشمنان نشوند. اکنون این محل به عنوان یک اثر ملی نیز به ثبت رسیده است. متاسفانه طی سال‌های اخیر صدمات زیادی به این تندیس‌های تاریخی وارد شده است. بقعه چوپان آتا: این بقعه به صورت بنایی ساده، مسقف با پلان چهار ضلعی است؛ که در هر ضلع آن یک پنجره با طاق هلالی می‌باشد. پنجره شمالی تبدیل به مدخل شده‌است. گنبد بقعه فلزی و به صورت نوک تیز شش ضلعی در مرکز سقف ساخته شده‌است هزار دره نام منطقه‌ای بسیار زیبا است که ظاهری عجیب و باورنکردنی دارد؛ منطقه‌ای وسیع که به جای دشت‌های پهناور، تپه‌ها و دره‌های بی‌شماری سرتاسر آن را فرا گرفته. به طوری که تا چشم کار می‌کند، کوه و دره‌های یک‌شکل دیده می‌شود. هزار دره شامل حدود ۱۷ قله است که بیشتر از ۳۶۰۰ متر ارتفاع دارند. بلندترین قله‌ی منطقه‌ی هزار دره، ۳۸۷۴ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. پل آجری تاریخی آق قلا ؛ پلی که در دوران صفویه روی رودخانه‌ی گرگان ساخته شده است. بقعه عالم بابا: یک بنای ساده چهار ضلعی است که در هر ضلع آن یک پنجره وجود دارد. پنجره ضلع جنوبی آن تبدیل به مدخل و در ورودی با طاق هلالی شده‌است. سقف و گنبد این بقعه نیز مشابه گنبد بقعه چوپان آتا است. بیش از ۶۰ آبشار کوچک و بزرگ از جمله آبشار شیرآباد، لوه، کبودوال، گلستان، باران کوه، زیارت ، دوآب و شادان (۷ طبقه) در جای جای این استان قرار دارند اما معروفترین آنها آبشار کبودوال است که تنها آبشار تمام خزه ای ایران بوده و به فاصله ی ۵ کیلومتری از مرکز شهر و در جهت جنوب شرقی شهرستان علی‌آباد کتول از توابع استان گلستان قرار دارد. گل فشان اینچه :در این مکان هم گل فشان می بینید و هم نمکزار و کمتر فعالیت می کند آدرس۲۶کیلومتری شمال آق قلا .گل افشان قارنیارقیکی(شکم پاره) از تفرجگاه های مردم شهر گمیشان است و دو ویژگی دارد. یکی اینکه اگر بر روی گل و لای حاصل از آن فندک و آتش بگیرید، شاهد آتش گرفتن این گل ها خواهید بود و دیگر اینکه بخشی از دیوار دفاعی تاریخی گرگان از این مکان می گذرد. آدرس: ۱۸ کیلومتری شمال غربی آق قلا، مجاور روستای سقرتپه. گل فشان گوبکلجه شامل پنج چاله مخروطی شکل و هنوز فعال است آدرس شمال تپه گوبکلجه، حاشیه شرقی جاده صوفی کم به اینچه برون . گل فشان نفتیجه در نزدیکی شهر گمیشان واقع شده و بوی نفت می دهد. این روزها حوضچه نفتلیجه تغییر رنگ داده و به رنگ بنفش درآمده است، موضوعی که فرایند وجود ید در اعماق دشت های گلستان را اثبات می کند. گل افشان فیروز شاه در در شرق جاده اینچه برون به گرگان و نزدیک تالاب آلاگل. برای بازدید از مناطقی مثل خالد نبی و هزار دره بهتر است در ماه‌های فروردین و اردیبهشت به ترکمن صحرا سفر کرد. به دلیل صعب‌العبور بودن، فقط در این ماه‌ها می‌توان راحت در جاده‌های این مسیر تردد کرد. اما سایر مناطق در فصل‌های بهار، تابستان و پائیز زیبایی فوق‌العاده‌ای دارند.

۳۸-جنت رودبار





راههای دسترسی: تنها راه رفتن و جاده دسترسی به جنت رودبار، یک جاده بن بست است. مسیر مسافرت به ابتدای جاده جنت رودبار از طریق رامسر یا روستای هریس در میانه جاده رامسر به تنکابن در استان مازندران است.

در شهرستان رامسر ، دهستان سر سبز و زیبای جنت رودبار که در مسیر جنگل انبوه و پر از درخت دالیخانی قرار دارد دارای روستاهای متعدد و زیبایی است که هر کدام برای خود جاذبه های گردشگری زیبایی دارد. مرکز دهستان جنت رودبار که همان روستای جنت رودبار است و از مهم ترین جاذبه های گردشگری رامسر محسوب می شود در میانه دو کوه و در دشتی کنار یک رودخانه قرار داشته که آب این رود از چشمه های کوه لپاسر و گیاش سرچشمه می گیرد و با به هم پیوستن چند رود دیگر به رودخانه چالکرود و در آخر به دریای مازندارن سرازیر می شود. این منطقه دارای آبشارهای بسیار زیبایی می باشد که می توان آبشار سیاسرت ، آبشار ریش بزار ، آبشار هیسیان ، آبشار خشکا ، آبشار چاردر ، آبشار آزارک و آبشار حسینیه از این نمونه ها بر شمرد. همچنین در این منطقه رودخانه ایی زیبا به نام چالکرود با طول ۴۰ کیلومتر وجود دارد که از دامنه شرقی کوه سماسوس سرچشمه می گیرد و پس از گذر از کوه ها ، جنگل ها و دره ها و پس از مخلوط شدن با رودخانه های لاک تراشان ، ارمو و جالیسان به دریای خزر ختم می شود.

از ییلاق های شگفت انگیز و فوق العاده جذاب این منطقه می توان به اکراسر ، نمکدره ، چاک ، ایزکی ، چرته و جیرود اشاره کرد که از مناطق بسیار زیبا و بکر با آب و هوای دلنشین هستند که رامسر را به بهشت گمشده ملقب کرده اند . این مناطق در فصل های بهار و تابستان میزبان تعداد کثیری از علاقه مندان و گردشگران از داخل و خارج کشور می باشد .۲۵۰ هکتار از اراضی شهرستان رامسر به عنوان عروس شهرهای ایران زمین به کشت گل گاو زبان اختصاص دارد که نوع مرغوب و بیشتر آن در روستای جنت رودبار تولید می شود هر زمان مهمان روستای جنت رودبار در حوالی شهر رامسر بودید حتماً سری هم به مزارع چشم‌نواز و خوش‌عطر گل گاوزبان بزنید. همچنین شاید جالب باشد بدانید که در هر سال در این روستای دلبرانه جشنواره‌ای مخصوص به گل گاوزبان برگزار می‌شود. زمان برگزاری این جشنواره مصادف است با زمان برداشت محصول در هر سال در اردیبهشت ماه، زمانی که محصول سال برداشت می‌شود این جشنوارهٔ بی‌نظیر برگزار می‌شود. از زیبایی های نادر جنت رودبار روز های مه آلودش است که با زمین گیر شدن مه به وجود میاد اگر در چنین روزهایی در این منطقه باشید شاهد صحنه هایی شگفت انگیز ار طبیعت خواهید بود. جنت رودبار رامسر از آب و هوایی کوهستانی برخوردار است .همان طور که از آب و هوای کوهستانی انتظار می‌رود، آب و هوا در این منطقه سرد است بارش برف و باران بیش از سایر مناطق به چشم می‌خورد. البته این سرما و سردی کوهستانی در فصل سرد زمستان به اوج خود می‌رسد و در عوض در طول فصل گرم تابستان سبب می‌شود این منطقه از هوایی دلپذیر و لذت‌بخش برخوردار باشد و نسیمی خوش به استقبال مهمانان روستا بشتابد. اگر در فصل تابستان به این روستای دلبرانه سفر کنید روزهایی گرم و آفتابی را تجربه خواهید کرد و به محض تاریک‌شدن هوا و غروب خورشید دمای هوا به صورت محسوسی پایین خواهد آمد. بنابراین هر زمان مهمان روستای جنت رودبار بودید حتماً همراه خود لباس گرم و سرد مناسب داشته باشید. جنگل دالخانی، روستای ییلاقی گرسماسر، نمک دره و جنت رودبار از بهترین جاذبه های دیدنی اینجاست. فاصله زمانی رامسر تا روستای جنت رودبار با ماشین سواری بیش از ۱.۵ ساعت است. برای این مسیر تقریبا ۵۵ کیلومتر را باید طی کنید.

ییلاق های جنت رودبار مانند اکراسر، چاک، چرته، نمکدره، ایزکی و جیررود مناطقی بسیار زیبا بوده و آب و هوای دلنشینی دارند. از دیگر آبشارهای نام برده شده از منطقه جنت رودبار همچنین می توان به آبشار آزارک، آبشار حسینیه، آبشار چاردر، آبشار خشکا، آبشار ریش بزار و آبشار هیسیان اشاره کرد. آب و هوای جنت رودبار خنک و منطقه در زمستان برفگیر است. هوای جنت رودبار در تابستان عالی و در فصول معتدل شامل بهار و اوایل پاییز خوب است. حتی زمستان با وجود سرمایش، فصل مناظر برفی و سپید است اما منطقه صعب العبور می شود و برای سفر مناسب نیست.

۳۹-جنگلهای دوهزار و سه هزار تنکابن





راههای دسترسی: راه اصلی رسیدن به جنگل‌های دوهزار از تهران، جاده چالوس و بعد هم شهر تنکابن (شهسوار) بخش خرم‌آباد قلعه گردن است .از خرم‌آباد هر نقطه‌ای را که برای ورود به جنگل انتخاب کنید، باید ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر ماشین‌سواری کنید تا به ورودی جنگل برسید. دوراهی شما را به دوهزار یا سه هزار می رساند راه دیگر از قزوین سپس الموت و روستای گرمارود تا جاده سه هزار است که دارای جاده ای خاکی است و برای ماشین های سواری توصیه نمی شود.

این جنگل ها با چشم اندازی بدیع، چمنزارها، جنگل های مرتفع، جلگه ای و رودخانه پر آب، یک مجموعه بی نظیر طبیعی را فراهم کرده تا مشتاقان طبیعت، منطقه ای بسیار خاص و رویایی را تجربه کنند. وجود آب گوارای روان و آب و هوای مطبوع و طبیعتی بکر و آرامش رویایی این جنگل را به یکی از مکانهای دیدنی شمال ایران بدل کرده است. درختانی بلند و سربه فلک کشیده که با آسمان پیوند خورده، صدای پرندگان و طنین نوک زدن دارکوب به تنه‌ی درختان، و مه غلیظی که گهگاهی کل جنگل‌های دوهزار و سه هزار تنکابن را فرا می‌گیرید مکانی مرموز و زیبا را خلق کرده که نباید دیدن آن را از دست داد. این جنگل‌ها در کنار شهر تنکابن قرار گرفته است. برخی معتقدند که ارتفاع این جنگل‌ها وجه تسمیه‌ی آن‌هاست. جنگل‌های دو هزار، دو هزار متر و جنگل‌های سه هزار، سه هزار متر از سطح آب‌های آزاد ارتفاع دارند. برخی دیگر نیز معتقدند وجود دو رودخانه در دو هزار و سه رودخانه در سه هزار علت این نامگذاری است. چرا که در زبان مازندرانی کلمه هراز برای رودخانه استفاده می‌شود و به مرور زمان این کلمه تبدیل به هزار شده است و نام جنگل‌ها به دو هزار سه هزار تغییر کرده است. این رودخانه‌ها هم مانند تمام رودهای مازندران، به دریای خزر وصل می‌شوند. این منطقه دارای پوشش گیاهی مانند راش، ون، چنار و هیرکانی است که از درختان بومی مازندران هستند. در سه هزار، دره‌ای زیبا با پوشش گیاهی بکر و سرسبز وجود دارد که رودخانه‌های سه هزار از آن می‌گذرند. قله سیالان، جنگل‌های زیبا هیرکانی، رودخانه چشمه کیله، دشت زیبای دریاسر، آبگرم‌های سه هزار ساله و فلکده از مناطق طبیعی، آثار تاریخی ثبتی مسجد و حمام تاریخی امیر اسعد در روستای بالا اشتوج، روستای زیبای مران، نوشا از مناطق تاریخی و بکر این منطقه هستند. در زمستان به علت بارش برف عبور و مرور کمی سخت است اگر اهل منطقه نباشید سفر در زمستان از این جاده توصیه نمیشود. اما در بهار، تابستان و اوایل پاییز بسیار جاده زیبایی است.روستاهای منطقه سه هزار به دو دسته جنگلی و کوهستانی تقسیم می شود . بازدید از هر کدام از این روستاهای منطقه زیبایی خاص خودش را دارد. ابتدای مسیر آسفالته بوده و در اواسط هم بر پیچ و خم جاده افزون شده و هم ناهمواریها و عملیات جاده سازی و تعمیرات به چشم می خورد.در طول کل مسیر آب شرب به وفور یافت می شود و همچنین تا آخرین روستا منطقه یعنی درجان میتوان برخی مایحتاج را فراهم کرد.در این جاده ماهی سرا و مرکز پرورش ماهی نیز وجود دارد. عسل محله آخرین نقطه‌ای است که می‌شود با ماشین به آنجا رسید. از عسل محله نزدیک به دو ساعت باید پیاده‌روی کنید تا به دریاسر برسید. در اینجا جنگل تمام می شود و به دشتی وسیع خواهید رسید که در تابستان آب و هوای بسیار مطبوعی دارد .وجود کوه‌های زیبای تنگ لات‌خان بن، سیاه‌کل و کل تلا، همچنین چشمه‌ها و رودهای پرآب، دریاسر را به یکی از جاذبه‌های گردشگری، تبدیل کرده است. این دشت پر از درخت‌های ازگیل و آلوچه جنگلی است که می‌توانید در فصل میوه از آن‌ها برای خودتان بچینید. بهتر است کمی در دریاسر استراحت کنید. بعد از دریاسر حدود یک ساعت مسیر پیش روی شما است تا به منطقه «هرسنگ» برسید. سپس به هرسنگ می رسید اینجا منطقه پرآبی است و چشمه‌های زیادی از آن عبور می‌کند. بعد از هرسنگ وارد جنگل می‌شوید. اگر قصد رفتن به قله سیالان را ندارید بهتر است از همین جا برگردید چون باید سه ساعت در مسیری جنگلی راه بروید که تقریبا تمام مسیر سربالایی و شیبدار است. بعد از آن به راه‌گردان خواهید رسید. پس از آن به گوسفند سرای وینی رسیده و باید شب مانی کنید. اینجا گوسفندسرای چوپانان الموتی است، می‌توانید در نزدیکی محلی که ییلاق این دامداران است، شب را صبح کنید. آن بالا هوا بسیار سرد است. حتی در تابستان هم در این منطقه می‌شود برف دید. از اینجا تا خود قله سیالان حدود چهار تا پنج ساعت راه است و بیشتر مسیر سربالایی است و شیب آن در مناطقی بیشتر و در مناطقی کمتر می‌شود. در راه احتمالا از دریاآب که دریاچه‌ای فصلی در پای قله سیالان است هم عبور خواهید کرد. به قله که برسید، بهترین زمان برای جنگل‌نوردی در این جنگل‌ها که خیلی از مناطق آنها هنوز بکر مانده، اواخر شهریور تا اوایل آذرماه است.البته در تابستان نیز شب مانی در این جنگل ها خالی از لطف نبوده و از هوای لطیف آن می توان بهره مند شد.

۴۰-شیمبار





راههای دسترسی: مهم‌ترین راه دسترسی به منطقه، مسیر جدیدالاحداث مسجدسلیمان به شهرکرد است که در حال حاضر تا ابتدای منطقه به‌صورت آسفالت شده است و داخل منطقه نیز در حال زیرسازی و آسفالت‌کاری است. داخل منطقه، راه‌های شنی روستای وجود دارد. مسیر دیگری از بخش اندیکا به سمت بخش بازفت امتداد دارد و از وسط منطقه می‌گذرد. بخشی از این مسیر آسفالت و قسمت‌هایی از آن شنی است.

این منطقه گردشگری در مرز استان خوزستان و چهارمحال و بختیاری و در ۱۰۰ کیلومتری مسجد سلیمان و ۲۲۵ کیلومتری اهواز قرار دارد. از توابع بخش چلو شهرستان اندیکا است .دشت شیمبار از شرق به کوه دِمِه و از جنوب غرب به چال مَنار و از جنوب به کوه قلندر و کوه دِلا و از شمال شرق به منطقه للروکُتُک و کوه‌های بلند و پر برف کینو و لیله متصل است.دشت زیبای شیمبار(شیرین بهار) از یک طرف در دامنه‌ی کوه دلا قرار دارد. چشمه‌های متعدد، آبشارهای زیبا، شط شیمبار و جنگل‌های پوشیده از درختان بلوط، بادام، بوته‌های وحشی، انواع قارچ و مرکبات، انگور کوهی، توت، انار و سیب، از جلوه‌های بی‌نظیر طبیعت در این منطقه هستند. اکثر مردم این سرزمین از ایل موری و گمار می‌باشند.از دیدنی‌های دشت شیمبار کوه قلندران است که درگذشته پناهگاهی برای یاغی‌ها و مخالفین حکومت‌های وقت بود.دشت پر از انگورهای یاقوتی است که مالک خصوصی ندارد.از طرف دیگر، کوه‌های سر به فلک کشیده‌ی این منطقه که پوشیده از گل‌ها و بوته‌های متنوع هستند، بهترین انتخاب برای کوه‌نوردی هستند. حیات وحش این دشت نیز جالب توجه است و به زیبایی طبیعی این منطقه افزوده است. شط شیمبار که در این دشت جریان دارد، زیبایی آن را دوچندان کرده است. چشمه‌های زیادی نیز در گوشه وکنار دشت وجود دارند. در گذشته انواع خرس، گرگ، کفتار، گله‌های گراز و پرندگان شکاری مانند عقاب و کرکس در این منطقه زندگی می‌کردند به نحوی که هر کسی جرات وارد شدن به قلب جنگل شیمبار را نداشت. امروزه به‌دلیل شکار غیرقانونی، چرخه‌ی اکوسیستم این منطقه با مشکل مواجه شده است. مردمان شیمبار و اطراف آن، ایلات کوه‌نشین بختیاری هستند که قرن‌ها به دامداری و کشاورزی در این منطقه مشغول هستند. این عشایر صنایع دستی و تولیدات دامی متعددی دارند از جمله چوقابافی، گلیم‌بافی، قالی‌بافی، لباس‌های محلی، پنیر محلی، کره محلی، روغن محلی، کشک، قارا، عسل و نان تیری. شیمبار در مسیر اصلی کوچ عشایر بختیاری از مناطق گرمسیری خوزستان به سوی کوهرنگ و زرد کوه و مناطق سردسیری در چهارمحال و بختیاری است. کتیبه‌ها و آثار باستانی متعدد، خبر از قدمت این منطقه می‌دهند که به دوران اشکانیان برمی‌گردد. سنگ‌نگاره‌های تنگ بتا یکی از این آثار باستانی است. تنگ بتا با ۱۲ نقش برجسته‌ی هشت‌ونیم متری و یک نقش ۱۴۰ سانتی‌متری در ارتفاعات کوه دلا در شهرستان اندیکا قرار دارد. طبق بررسی‌هایی که باستان‌شناسان در دوره‌های مختلف در این منطقه داشته‌اند، در اندیکای خوزستان نزدیک به ۷۰۰ محوطه و بنای تاریخی و باستانی، شناسایی شده است. تنگ بتا از متفاوت‌ترین نقش برجسته‌های خوزستان است که با درنظرگرفتن نوع پوشش و آرایش موی سر این سنگ‌نگاره‌ها، می‌توان تخمین زد که هم‌زمان با دوره‌ی اشکانیان و مربوط‌به الیمائیدها (حکومت محلی هم‌زمان با اشکانیان که اندیکا جزئی از قلمرو آن‌ها محسوب می‌شده است) هستند .تنگ بتا در سال ۱۳۸۹ به شماره‌ی ۲۵۹۸۹ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده و شامل دو بخش است. یک تابلو که نقش یک نفر روی آن حجاری شده و در تابلوی دیگر ۱۲ نقش برجسته‌ی دیگر وجود دارد. در این نقش برجسته‌ی ۱۲ نفری، ۹ نفر هم‌قد و در بخش دیگر، سه نفر قامت کوتاه‌تری دارند. در میانه‌ی نقش این ۱۲ انسان، کتیبه، گرز و پایه‌ی آتش‌دان دیده می‌شود. بر سر دو نفر از آن‌ها تاجی قرار دارد که این دو نفر را از سایر ممتاز و جدا می‌کند و به نظر می‌رسد که ملکه و همسر شاه باشند. حالت افراد به نحوی است که گویی در حال انجام مراسم مذهبی هستند. انواع بردگوری (استودان): ایرانیان دوران باستان به دلیل اعتقاد داشتن به قداست خاک که یکی از عناصر چهارگانه خلقت می باشد، پاک بودن آن را ضروری می دانستند لذا از تماس اجساد مردگان با خاک به شدت پرهیز می کردند به همین منظور مردگان خود را در هوای آزاد قرار می دادند تا گوشت آنها طعمه جانوران و پرندگان شود و بعد از مدتی که تنها استخوانهای مرده باقی می ماند آنها را درون استودان ها قرار می دادند این استودانها در دل کوه و یا در دل سنگهائی که به صورت مجزا در جاهای مختلف پراکنده بودند کنده می شده اند بعضی از این بردگوریها (استودانها) در جاهای دیگر به همراه نقش برجسته هستند.از میان سایر جاذبه‌های طبیعی و تاریخی این منطقه می‌توان تالاب گندیکال، رودخانه‌ی شیمبار، آبشار پل نگین، دشت جنگلی جلگه شیمبار، پل نگین مربوط به دوره اشکانیان، بقایای آسیاب‌های آبی تنگ سنان، قلعه دختر، کوه قلندرون، قلعه کله قندی، قلعه آهنگری، امامزاده صالح ابراهیم در دامنه کوه دمه، امامزاده بابا زاهد، امامزاده محمد ابن حمام در ضلع شرقی شیمبار و شیرهای سنگی و کهریزهای عهدکهن را می‌توان نام برد. آبشار دیدنی شیمبار با ارتفاع بیش از ۵۰ متر در منطقه‌ای صعب‌العبور قرار گرفته است به نحوی که دسترسی به آن بسیار مشکل است و به همین دلیل، مناطق اطراف آن کاملا دست‌نخورده و بکر باقی مانده است. تالاب شیمبار در منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی شیمبار و در امتداد رشته‌کوه های زاگرس قرار دارد. این تالاب به دلیل قرار گرفتن در ارتفاعات استان خوزستان تحت تاثیر آب‌وهوای کوهستان است و آب‌وهوایی معتدل و بارش فراوان باران به ویژه در پاییز و زمستان دارد. گونه‌های بسیاری از پرندگان مانند پلیکان، چلچله، کشیمیان و... در این تالاب زندگی می‌کنند. بهترین زمان برای دیدن این منطقه بهار است .

۴۱- آبشار شوی





راههای دسترسی: برای رسیدن به آبشار دو راه وجود دارد: ۱- آبشار شوی در شمال شرق دزفول و جنوب خرم‌آباد است. از دزفول ۲ ساعت و نیم و از خرم‌آباد ۴ ساعت و نیم تا این آبشار راه است. باید از دزفول در جاده شهیون حرکیت کنیم. در ۵ کیلومتری منطقه‌ای معروف به نان پیر یا گوشه، مسیری ماشین‌رو وجود دارد که تا نزدیکی آبشار می‌رود. در انتهای مسیر ماشین را پارک و ۲ساعت تا آبشار پیاده‌روی یا کوه‌نوردی می‌کنیم.۲- از طریق راه آهن و ایستگاه تله‌زنگ است. این مسیر کمی کوتاه‌تر است. فاصله ایستگاه تا آبشار ۱۰ کیلومتر است و از لحاظ دسترسی مسیری سخت‌تر خواهد بود .زیرا کوهپیمایی و راهپیمایی بسیاری دارد. همین امر سبب می‌شود، که مسیر دوم برای افراد کم توان مسیر مناسبی نباشد. بعضی از مسافران هم از مسیر اندیمشک-درود خودشان را به این ایستگاه می‌رسانند. سه ساعت بعد از ایستگاه درود ما به ایستگاه تله‌زنگ می‌رسیم.

آبشار شِوی بزرگ‌ترین آبشار طبیعی خاورمیانه و یکی از زیباترین آبشارهای ایران است. آبشار شوی که در نزدیکی کوه سالن و فاصله ۶۵ کیلومتری از مرکز بخش شهیون و ۱۱۰ کیلومتری مرکز شهرستان دزفول قرار دارد فاصله این آبشار از دزفول ۲ ساعت و نیم و از خرم آباد ۴ ساعت و نیم راه است. سرچشمه این آبشار از کوهی با نام چورویک بوده و پس از بیرون آمدن از درون غاری جاری شده و از صخره هایی بلند به پایین سرازیر می‌شود. ارتفاع آبشار ۸۵ متر و عرض آن متغیر و در زمانهای کم آبی و پر آبی و تغییر فصول بین ۴۵ تا ۷۰ متر است. آب آن پس از عبور از کوه‌ها و دره‌ها، به رود دز و نهایتاً به دریاچه سد دزِ در استان خوزستان می‌ریزد. از آنجایی که شوی در نزدیکی مرز بین خوزستان و لرستان قرار دارد برخی از مردم لرستان بر این باورند که این آبشار متعلق به استان لرستان است. وجود دهستانی به نام شوی در اطراف آبشار سبب نامگذاری آن به این اسم شده است. در زبان محلی شوی معنی لطافت می‌دهد. البته در برخی جاها به دلیل نزدیکی آبشار شوی به ایستگاه راه آهن تله زنگ از آن به نام آبشار تله زنگ هم یاد می‌شود. جاندارانی همچون کل بز، پلنگ، خرس و سمندر ایرانی بخش مهمی از زیستگاه اطراف آبشار را تشکیل می‌دهند. اگر بخواهیم از مهم‌ترین گونه‌های گیاهی که اطراف این منطقه رشد کرده‌اند نام ببریم، باید به درختانی همچون بید، انجیر، مو، زبان‌گنجشگ، افرا، کیکم و بلوط اشاره کنیم. همچنین می‌توان روی دیواره‌های صخره‌ای که آبشار از آن سقوط می‌کند و در زیر آن رویش گیاهی به نام سیاه‌وشان را مشاهده کرد که خاصیت دارویی فوق العاده‌ای دارد. بد نیست بدانید این گیاه برای درمان بیماری‌هایی مانند زردی یا یرقان و کمک به دفع راحت سنگ‌های کلیوی بسیار مفید است. در نزدیکی آبشار شوی آبشار دیگری وجود دارد که اغلب با عنوان آبشار شوی دوم یا آبشار سنگ مار از آن یاد می‌شود. این آبشار با پیاده‌روی حدود نیم ساعت از آبشار اصلی فاصله دارد اما مطمئن باشید پیمودن این راه ارزشش را دارد که با چشم اندازی کاملا متفاوت از آبشار اصلی روبرو خواهید شد. دسترسی نه چندان آسان به این آبشار تا حد مطلوبی باعث بکر ماندن آن شده است و همین مورد لذت دیدن آن را دوچندان می‌کند.

اگر راه دوم را برای رفتن به این آبشار زیبا انتخاب کرده اید باید بدانید مسیر قطار در ارتفاعات اشترانکوه از جاده بسیار زیبایی می‌گذرد که شاید تا به حال دست کسی به آنها نرسیده باشد. بهتر است از قبل بلیط مان را کنار پنجره رزرو کنیم تا حسرت چیزی را نخوریم. بعد از ارتفاعات از کنار رود سزار می‌گذریم. خوشبختانه تقریبا در تمام روزهای هفته قطار از سمت تهران به اهواز و بالعکس وجود دارد، ولی بهتر است یکی از روزهای اول بهاری را برای دیدن این بهشت انتخاب کنید قطار معمولا در ساعت یک صبح به ایستگاه تله زنگ می‌رسد. خود روستا هم دیدنی و زیباست. راه دسترسی به این منطقه فقط همین قطار بوده و به همین دلیل در آن هیچ خودرویی دیده نمی‌شود. بسیاری از مسافران شب تا سحر را در مسجد روستا استراحت می‌کنند و به خاطر اینکه گرمازده نشوند قبل از طلوع خورشید به سمت آبشار به راه می‌افتند. ۴ تا ۵ ساعت تا شوی پیاده راه است. در مسیر هم باید از دل یک رودخانه بگذرید، ولی اگر رودخانه پرآب باشد نباید این ریسک را بکنید. بعد از رودخانه‌نوردی هم نوبت به کوهنوردی می‌رسد .حدود یک ساعت و نیم کوه‌نوردی سختی پیش رو دارید و سر انجام بعد از این سختی‌ها، آبشار روی زیبای خودش را به شما نشان می‌دهد.

این آبشار در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۹۳ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران و اولین اثر طبیعی ملی استان خوزستان به ثبت رسیده‌است. آبشار شوی از نظر مکانی درست در قسمت ابتدایی استان خوستان قرار گرفته و همین امر سبب گرم بودن آب و هوای این منطقه می‌شود. برای جلوگیری از گرمازدگی و داشتن آب و هوایی خوش به هنگام بازدید بهتر است، در اواخر فصل زمستان و اوایل بهار خصوصاً فروردین ماه به اینجا سفر کنید که هوای بهاری طراوات و سرسبزی بیشتری به این منطقه بخشیده‌است. به عبارتی بهترین ماه برای سفر به آبشار شوی، ماههای اسفند و فروردین خواهد بود. در این دوماه منطقه هم از لحاظ آب و هوایی و هم از لحاظ حجم آب آبشار بهترین زمان است. اگر مایل بودید می‌توانید شب را در اطراف آبشار چادر بزنید اما حتما به تجهیزات مربوط به سفر توجه کافی را داشته باشید. همچنین خودتان را برای بارش‌های شدید فصل بهار آماده کنید.

۴۲- آبشار لاتون





راههای دسترسی: اتوبان تهران – رشت را به سمت تالش ادامه می‌دهید. از تالش تا لندویل کمتر از یک ساعت راه دارید. از لوندویل جاده فرعی به سمت جنوب را دنبال کنید و به روستای کوته کومه برسید. فاصله لوندویل تا آبشار لاتون حدود ۱۴ کیلومتر است. تقریبا نصف این مسیر یعنی تا روستای «کوته کومه» آسفالت شده و بقیه آن تا حدود ۱ کیلومتری آبشار خاکی است. بعد از آن هم مسیر کوتاهی باید بین جنگل پیاده رفت تا به پایین آبشار رسید.تا روستا ۱۵ دقیقه راه است و به آن که رسیدید باید پیاده‌روی کنید یا از نیسان ها و ماشین های روستائیان با پرداخت کرایه استفاده کنید.. مسیر کمی سربالایی و مسافت آن حدود ۶ کیلومتر است. از تهران تا لوندویل بیشتر از ۶ و نیم ساعت فاصله است. مسیر دوم از روستای سوها در استان اردبیل است. از شهر اردبیل یا نمین باید به شهر آبی‌بیگلو بروید و بعد از پشت سر گذاشتن سه روستا که میان مزارع هستند در نهایت به سوها می‌رسید. بعد از سوها تا دریاچه‌ای به همین نام جاده خاکی به طول ۳ کیلومتر هست که می‌توانید با کمک خودروی اهالی روستا بروید. از دریاچه سوها تا آبشار لاتون روستا یا دهکده‌ای نیست و فقط یک استراحتگاه کلبه‌ای وجود دارد.

این آبشار از دامنه‌های شرق کوه اسپیناس» اسپینه» سرچشمه گرفته و به رودخانه لوندویل که با طول ۱۷ کیلومتر خود نیز از کوه اسپیناس «اسپینه» سرچشمه گرفته سرازیر می‌شود و با شیب تندی به سمت کوته کومه و لوندویل حرکت کرده و در آخر وارد دریای کاسپین می‌شود .مسیر صعود آبشار تپه‌هایی جنگلی و بسیار زیباست که در طول مسیر چشمه‌های فراوانی با آبی خنک و نوشیدنی دیده می‌شود. آبشار از فاصله ۶۰۰ متری قابل رویت است. در حاشیه آبشار یکی از زیباترین جنگل‌های متراکم بکر و دست‌نخورده گیلان با انبوهی از درختان آلو، به، گلابی، گردو، فندق و سیب وحشی وجود دارد که در ۹ ماه از سال سرسبزی و زیبایی خود را حفظ می‌کند. پیاده‌روی در دل جنگل‌های گیلان، در حالی‌که درختان فندق، ازگیل، گردو و گلابی دورتادورتان را گرفته‌اند، خستگی‌تان را کمتر می‌کند. بعد از جنگل‌پیمایی، به کوه و تپه می‌رسید. از کوه‌های سرسبز می‌گذرید و وارد مرتع می‌شوید. در بخش‌هایی از مسیر اگر رودخانه‌ها کم‌آب باشند، از عرض رودخانه می‌گذرید .درغیراین‌صورت، راه جنگل را ادامه می‌دهید. بهترین حالت این است که از راهنمای محلی کمک بگیرید یا از نقشه کمک بگیرید. چند ساعت راهپیمایی و کوه‌پیمایی شما را به نقطه‌ای می‌رساند که کم‌کم صدای آبشار به‌گوش می‌رسد. خوشبختانه نزدیک آبشار لاتون، سرویس بهداشتی، بوفه و اتاق برای کرایه هم هست. در طول مسیر و در مسیر صعود به آبشار لاتون به روستای قدیمی آسیو شوان می‌رسیم که تقریباً خالی از سکنه است اما چند کافه مانند کلبه عمو یدالله دارد که برای رفع خستگی و خوردن چای می‌شود رویشان حساب کرد. به زبان تالشی، آسیو به معنی آسیاب و شوان به معنی کنار رودخانه می‌باشد. در پای آبشار دره عمیقی وجود دارد که آب آبشار لاتون به آن می‌ریزد. بنابراین، لازم است به آبشار که رسیدید، مراقب باشید. ارتفاع تقریبی آبشار لاتون ۱۰۵ متر است که به نظر خیلی ها لحاظ بلندی، مرتفع‌ترین آبشار ایران به حساب می‌آید اما اینطور نیست. علاوه بر آبشار اصلی، آبشاری دیگر در ۱۰ متری آن قرار دارد که ۶۵ متر ارتفاع دارد و سرریز آب آن نسبت به آبشار اصلی بیشتر و پر عرض تر است. در بالا دست آبشار بزرگ لاتون، سه حوض بزرگ طبیعی با سه آبشار ۱۰ متری وجود دارد. از تنوع جانوری اطراف آبشار نیز می‌توان به گرگ، گراز، خرس (نادر)، جوجه تیغی، اسب، گاو، و... اشاره کرد. از دیدنیهای نزدیک و اطراف اینجا می توان به نقاط زیر اشاره کرد:روستای کوته کومه چشمه آب گرم و استخری دارد که میتوانید در آنها دوش بگیرید. اگر اهل کوهنوردی حرفه‌ای باشید، می‌توانید در دامنه کوه اسپیناس که آبشار لاتون از آن سرچشمه می‌گیرد، کوهنوردی کنید. در مسیر پیاده روی از دریاچه سوها هم خواهید گذشت. دریاچه سوها در فاصله ۱۵ کیلومتری آبشار قرار دارد و یکی از قشنگترین هاست. شما از مراتع و چمن ها و پرچین ها خواهید گذشت. از آنجایی که آبشار در ۱۵ کیلومتری آستاراست پس قبل از رفتن به آن میتوان سری هم به بازارچه‌های ساحلی آستارا بزنید.این آبشار در سال ۱۳۹۹ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. در همه فصل‌های سال می‌شود به تماشای آبشار لاتون رفت، نمی‌شود گفت برگ‌های نارنجی پاییز زیباترند یا سبزی درختان در فصل گرما. البته نیمه زمستان را برای این سفر توصیه نمی‌کنیم. پیشنهاد ما اوایل بهار (فروردین و اردیبهشت) است. زمانی که هوا معتدل است و هنوز گرما و شرجی هوا آدم را از پای درنمی‌آورد.

۴۳- آبشارنوژیان





راههای دسترسی: فاصله آبشار نوژیان از پلیس راه سه‌راهی خرم‌آباد-بروجرد-دورود، ۵۲ کیلومتر است. اگر از پلیس راه در جاده‌ی کمربندی خرم‌آباد حرکت کنید، پس از طی ۱۴ کیلومتر، تابلوی آبشار نوژیان را در سمت راست جاده خواهید دید. از این سه راهی به‌سمت چپ بپیچید. حال وارد جاده‌ای کوهستانی و زیبا می‌شوید که در میان جنگل‌های بلوط قرار گرفته است. از ابتدای سه‌راهی تا آبشار دقیقا ۳۸ کیلومتر راه است که ۳۲ کیلومتر آن آسفالت و شش کیلومتر آخر خاکی است، البته این مسیر ۶ کیلومتری شوسه قابل طی کردن با ماشین است. اما باید حسابی مراقب باشید، چون علائم راهنمایی و رانندگی هشداردهنده و گاردریل در آن وجود ندارد و پیچ‌های تندی هم منتظر شما هستند. اما اگر عجله ندارید، حتما با آرامش رانندگی و سعی کنید تا حد امکان مسیر را پیاده طی کنید تا از زیبایی‌های راه لذت ببرید.

حدود ۵۰ آبشار در استان لرستان که سومین استان پر آب کشور محسوب می شود، وجود دارد و آبشار نوژیان بین‌شان یکی از قشنگترین‌هاست؛ آبشاری بلندبالا که خیلی‌ها برای جمع کردن گیاه‌های دارویی به آن سر می‌زنند.. شاید مسیر رسیدن به آبشار طولانی باشد، اما از پیاده‌روی در میان کوه و جنگل خسته نمی‌شوید. نوژیان که بلندترین آبشار استان به شمار می‌رود، در منطقه بکری قرار گرفته. برای دیدن آبشار نوژیان باید به دل جنگل نوژیان بروید؛ بنابراین، هم در این تفرجگاه جنگلی تفریح می‌کنید و هم یکی از بلندترین آبشارهای ایران را می‌بینید.گردشگاه جنگلی نوژیان بالای کوه تاف قرار دارد. آبشار نوژیان ششمین آبشار بلند ایران در استان لرستان واقع شده‌است. این آبشار در ۳۸ کیلومتری جنوب شرقی خرم‌آباد) بخش پاپی (به ارتفاع ۹۰ متر و عرض تاج ۵ متر است. در کوه تاف انواع گیاهان دارویی می‌رویند و دارای طبیعتی زیبا و دیدنی است. مردم و گردشگران زیادی برای تماشای این آبشار و برای جمع‌آوری گیاهان دارویی به این ناحیه می‌آیند. راه ارتباطی آن از طریق خرم‌آباد به گردنه نوژیان جاده آسفالته یا از راه‌آهن به ایستگاه کشور و از آن طرف هم با پای پیاده حدود ۲ ساعت پیاده‌روی به سمت آبشار است اینجا یک آبشار دو تکه است، تکه بالایی آن یک حوضچه دارد که از آبتنی توی آن شگفت زده می شید. روی آب دراز می‌کشید و آبشار رویتان می‌ریزد. البته اگر سرمای آب را بتوانید تحمل کنید. برای رفتن به قسمت بالایی هم باید خیلی مراقب باشید. تفرجگاه جنگلی نوژان که آبشار در دل آن قرار گرفته، خیلی دیدنی‌ست و برای پیک‌نیک یک روزه می‌توانید رویش حساب کنید. البته در این محدوده بکر چیزی شبیه به رستوران، فروشگاه یا پمپ بنزین نمی‌بینید. پس وسایل لازم را همرا خودتان ببرید و باک بنزین را هم پر کنید. کمی که از آبشار پایین بیایید، حوضچه‌های پرورش ماهی را می‌بینید. این منطقه چند رودخانه دارد که از آب چشمه‌ها تامین می‌شوند و به رودخانه سزار می‌ریزند. آب اینجا باعث شده ماهی‌های قزل آلای چاق و چله‌ای پرورش پیدا کنند. پس از دیدن آبشار نوژیان، هیجان‌انگیزترین کاری که می‌توانید بکنید، گشت و گذار در دل کوه تاف است. در دامنه‌های این کوه گیاه‌های دارویی زیادی هم رشد می‌کند. آبشار وارک هم همان نزدیکی‌ست. در جاده کمربندی خرم‌آباد به یک سه راهی می‌رسید که سمت چپ به آبشار نوژیان می‌رود و از غرب به آبشار وارک می‌رسید .از ما می‌شنوید حیف است تا نوژیان بروید، فقط ۹ دقیقه با آبشار وارک فاصله داشته باشید و سری به آن نزنید. این آبشار دوقلوست و در بلندترین قسمت، ارتفاع آن به ۵۷ متر می‌رسد. اطراف این آبشار پر از درخت‌های گلابی و زالزالک است نزدیک‌ترین شهر به آبشار نوژیان خرم‌آباد است که حدود یک ساعت از آن فاصله دارد. اگر زمان کافی داشته باشید، می‌توانید چند ساعتی در خرم‌آباد باشید و جاهای دیدنی این شهر را هم ببینید.آبشار نوژیان چهل و ششمین اثر ملی است که توسط سازمان میراث فرهنگی در ۲۷ اسفند ۱۳۸۷ در فهرست میراث طبیعی ایران قرار گرفت. ین آبشار در فصلی قشنگی‌های خاص خودش را دارد. دسترسی به این آبشار از طریق مسیر الیگودرز به شول‌آباد امکان‌پذیر است.بهترین راه رسیدن به آبشار چکان از طریق جاده مورزرین- شول‌آباد و بهارکار است. راه دیگر از طریق خرم‌آباد، سپیددشت، شول‌آباد می‌باشد. پیشنهاد ما اول بهار تا اول تابستان است که آبشار در پرآب‌ترین وضعیت خود قرار دارد. اگر سفرتان را به آخر تابستان موکول کنید، احتمال این‌که با آبشاری کم‌آب مواجه شوید، زیاد است.

۴۴- آبشار وروار



راههای دسترسی: جنوب استان کرمان جیرفت ۴۰ کیلومتری شرق شهرستان عنبرآباد در روستای رودفرق قرار دارد. پس از رسیدن به جیرفت از جاده جیرفت – کهنوج عبور کنید و از دو راهی جهادآباد حدود ۲۰کیلومتر به سمت مردهک و روستای رود فرق بروید.

جنوب استان کرمان مملو از جاذبه‌های طبیعی دیدنی و شگفت‌انگیز است. وجود ده‌ها رودخانه بزرگ پرآب و دائمی نظیر «هلیل رود» و سد بزرگی که برروی آن بسته شده، باعث شده تا این منطقه به عنوان بزرگ‌ترین گلخانه طبیعی جهان شناخته شود. طبیعت شگفت‌انگیز دیدنی جنوب استان کرمان گردشگران زیادی را به خود جلب می‌کند. آبشار وروار یکی از دیدنی‌های اعجاب‌انگیز و فوق‌العاده دیدنی این خطه از ایران است.این آبشار بلندترین آبشار ایران و خاورمیانه محسوب می شود. که در رشته کوه جبال بارز قرار دارد. ارتفاع این آبشار۱۷۶متر است و آب آن از کوه علم‌شاه (با ارتفاع ۳۷۴۰متر بلندترین قله جبال بارز) سرچشمه می‌گیرد. رشته کوه جبال بارز با درازای ۲۵۰ کیلومتر، طولانی‌ترین رشته کوه در جنوب شرقی ایران است. اکثر مردم بدلیل عدم شناخت وآشنایی با این آبشار بلندترین آبشار ایران را لاتون می دانند ،حال آنکه ارتفاع آبشار لاتون تنها ۱۰۵ متر می باشد. همچنین آبشار پیران یا ریجاب سرپل ذهاب در مجموع از سه پله تشکیل و جمع کل ارتفاع پله ها حدود ۱۵۰ متر و بلندترین پله که پله دوم است حدود ۱۰۰ متر ارتفاع دارد. رسیدن به آبشار چندان آسان نیست. رود فرق در دهانه خروجی آب رودخانه ای قرار دارد که از منطقه جبالبارز جنوبی و خصوصا قله علم شاه سرچشمه می گیرد و از آبشار سرازیر می شود فاصله روستای رود فرق تا آبشار حدودا ۱۰ کیلومتر است که کوههای دو طرف رودخانه با شیب بسیار تندی که دارند مانع از عبور می شوند و تنها راه عبور از مسیر رودخانه است که آن هم به دلیل شیب بسیار تند و ناهموار و وجود سنگهای گرانیت بسیار بزرگ که در بعضی از مسیرها طوری بر روی هم قرار گرفته اند که اگر شیئی از دست بیفتد پیدا کردن آن ناممکن است سبب کندی حرکت می شود و به همین دلیل طی کردن این مسافت ۱۰ کیلومتری حدود سه الی چهارساعت طول می کشد.برپایه‌ی آنچه که در تارنمای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان آمده است، اگر بلندی آبشار را از جای زاویه‌ی شکست آن در بالاترین جا تا سطح حوضچه‌ی آبشار در دید بگیریم، بلندی آن حدود۱۵۰ متر خواهد بود. درست است که جبال بارز پوشیده از جنگل است، اما جنگل‌های گستره‌ی علم‌شاه، انبوه‌تر و پُربارتر به چشم می‌آید. همه‌ی زیبایی و شکوه آبشار به کنار؛ از جنگل‌های پوشیده از درختان بلند، باغ‌های آن گستره، دشت‌های گل نرگس و گونه‌های پُرشمار پرندگان آن نیز باید یاد کرد. هنگام پیمودن راه برای رسیدن به آبشار وروار، آبشارهای «دو قلو» و «تخت» را هم می‌توان دید. در بالای آبشار وروار نیز پهنه‌ای هست که به آن «وود «می‌گویند. آبشار وروار و گستره‌ی پیرامون آن، جایی چشمگیر است و دربردارنده‌ی یادمان‌های تاریخی. قلعه‌سنگی «سموران» قلعه فرق و قلعه سالار رضا سازه‌های تاریخی آنجا هستند هرچند اکنون تنها پی‌ها و دیوارهایی از آنها به جا مانده است، اما در دوره‌ی شکوه خود دژهای مستحکم و شناخته شده بوده ساخت آنها به دوران باستانی ایران بازمی‌گردد.

۴۵- کویر حاج علیقلی





راههای دسترسی: برای رسیدن به این منطقه زیبا باید از تهران به سمت مشهد حرکت کنید. پس از رسیدن به دامغان در کمربندی دامغان جاده‌ای فرعی وجود دارد که به سمت جنوب می‌رود و نام آن به معلمان شهرت دارد. پس از رسیدن به روستای صلح‌آباد روبروی پمپ بنزین مسیر روستای خورزان وجود دارد که وارد آن می‌شوید و پس از طی مسافتی از یک جاده خاکی به دریاچه نمک می‌رسیم. برای پیدا کردن این مسیر خاکی بهتر است حتما از محلی‌ها راهنمایی بگیرید .

کویر حاج علی‌قلی (کویر دامغان، کویر چاه جم)کویر و نمکزاری در جنوب شرقی دامغان است. گستره این کویر از کوه آهواند در شرق تا روستای حسن آباد در غرب است. کوه‌های ترکمن‌گدار، خرس و دولت‌دیار در کرانه جنوبی، و کوه پنج و سرخ‌کوه در کرانه جنوب غربی این کویر جای‌دارند .این کویر با مساحت ۲۳۹۱ کیلومتر مربع دارای ٪۴۷ پهنه رسی، ٪۳۴ پهنه باتلاقی و ٪۱۹ آن نیز نمکزار است. عمیق‌ترین منطقه این کویر در قسمت مرکزی و جنوب شرقی قرار دارد و معروفترین رود آن رود فصلی کر است که از جنوب غرب به سوی دریاچه نمک آنجا سرازیر می‌شود. زمین‌های این کویر پوشیده از پلتفرم‌های نمکی چندوجهی است و زمین‌های اطراف آن باتلاقی با درصد چسبندگی متوسط می‌باشند. از کویرهای نزدیک به این منطقه می‌توان به دق بیارجمند در فاصله ۶۰ کیلومتری در شرق و دشت کویر(کویر بزرگ)در فاصله ۱۰۰ کیلومتری در جنوب نام برد. برای دسترسی به این کویر زیبا می توانید از دامغان به سمت اصفهان حرکت کرده و پس از پیمودن حدود ۳۵ کیلومتر به روستای حسن آباد برسید و سپس مسیر روستای خورزان را در پیش بگیرید که پس از طی ۶ کیلومتر به خورزان خواهید رسید. ترجیحا از این روستا آب و مواد خوراکی تهیه کرده و مسیر خود را به سمت جنوب شرق ادامه دهید .از خورزان که بگذرید کم کم جنس و رنگ خاک ،حال و هوای دیگری به خود می گیرند و املاح نمک را می توانید از لابه لای خاک ببینید. پس از طی مسیری حدود یک و نیم کیلومتر و گذر از جاده ای نمکی و رُسی وارد کویر حاج علی قلی می شوید جایی که تا چشم کار می کند نمک است و کویر نمکی.

بهترین و راحت‌ترین راه سفر به این منطقه زیبا، همراه شدن با افرادی است که به این منطقه آشنایی کامل داشته باشند. دریاچه نمک حاج‌علی‌قلی زیبایی و آرامش کویر را دو چندان کرده است. به گونه‌ای که اگر به آنجا سفر کنید قطعا با هر سلیقه‌ای جوابگوی‌تان خواهد بود .می‌توانید ساعت‌ها در آنجا قدم بزنید و گوشه‌ای از آرامش کویر را از آن خود کنید. اگر اهل عکاسی هم باشید می‌توانید در تلالو سفید نمک‌ها که بازتاب خوبی از نور را به شما خواهد داد به ثبت عکس‌های زیبا بپردازید. اگر کمی خوش‌شانس باشید و در هنگام بارش باران به آنجا برسید می‌توانید از پدیده آینه‌ای شدن زمین مسرور شوید. با توجه به کویری بودن این منطقه گیاهان شورپسند و در برخی نقاط درختچه تاغ را خواهیم دید. نکته‌ای که راجع به بافت تشکیل دهنده کویر وجود دارد جنس خاص آن است که در حالت خشکی بسیار سخت بوده و در زمستان و بهار که خیس می‌شوند بسیار لیز است. با توجه به کویری بودن این منطقه، بهترین زمان برای سفر به این منطقه در پاییز، زمستان و اوایل بهار است. کویر با توجه به فصلی که به آن سفر می‌کنید در طول روز ،گرمای دلنشین و گاه طاقت فرسا و پس از غروب سرمای خنک و البته گاهی سوزناک خواهد داشت. اختلاف دما در روز و هنگام غروب بسیار زیاد است و لازم است آمادگی آن را داشته باشید. در فصول غیر گرم به اینجا سفر کنید.

۴۶-دالاهو





راههای دسترسی:از کرمانشاه به سمت غرب بروید ۱۵ کیلومتر که به سمت سر پل ذهاب بروید جاده‌ای در سمت راست می‌بینید که شما را به دالاهوی زیبا می‌رساند .

دالاهو در واقع نام کوهی است که در آن عقاب و آهوان بسیاری زندگی می‌کردند. جالب است بدانید عقاب در گویش کردی دال خوانده می‌شود و از تلفیق دال و آهو نام این کوه به دست آمده است. شهرستان دالاهو با داشتن آب و هوای بی‌نظیر، آب‌های خروشان و آثار تاریخی مختلف منحصر به فرد شده است. در سفر به دالاهو، صلابت کوها شما را به وجد می‌آورد و از باستانی‌ترین آثار دیدن خواهید کرد. کرند غرب مرکز شهرستان دالاهو است. کوه ریجاب هم در این منطقه قرار دارد که کوهی زیبا با دامنه‌های سرسبز است و جویبارهای فراوانی در پایین آن جریان دارند. چند چشمه‌ی زلال آب در کوه ریجاب وجود دارد که در پایین کوه به جویبارها می‌پیوندند و بعد از آن به رودخانه الوند می‌ریزند. سرابها و رودخانه‌هایی مانندسراب خروشان شالان یا همان ریجاب ، سراب کرند غرب، رشمینه قورچی باشی ، سفرشاه از رودهای این منطقه هستند.این منطقه دیدنیهای زیادی دارد که به تعدادی از آنها در این منطقه و اطراف آن اشاره میکنیم: منطقه ریجاب: ریجاب منطقه‌ای گردشگری و تفریحی سرسبز و پر آب است. نام ریجاب از واژه کردی "ریژآو" به معنای آب ریز گرفته شده است؛ چراکه در این منطقه از دالاهو آبشارهای کوچک و بزرگی وجود دارد که از کوه دالاهو سرچشمه گرفته‌اند. صدای گوش‌نواز این آبشارها آرامشی وصف نشدنی بر این منطقه حاکم کرده است .رودخانه‌ی الوند از این منطقه عبور می‌کند و زیبایی و لطافت ریجاب را چند برابر کرده است. آبشار پیران:در روستای شالان قرار دارد آبشار پیران که به آبشار ریجاب نیز مشهور است، بلندترین آبشار این شهرستان است که ارتفاع حدود ۱۰۰ متری دارد و از سه طبقه تشکیل شده است. ارتفاع طبقه‌های اول و دوم بیشتر از طبقه‌ی پایینی آن است. آبشار پیران در لیست میراث طبیعی کشور نیز ثبت شده است . دره سرخه دیزه: از توابع شهرستان دالاهو، در ۲۵ کیلومتری شهر سرپل ذهاب، ۳۰ کیلومتری کرند غرب و ۱۲۵ کیلومتری کرمانشاه قرار دارد. سرخه دیزه دارای یکی از زیباترین دره‌های استان کرمانشاه است که پوشیده از درختان بلوط، ارجن و ون است که در فصول مختلف سال به ویژه بهار و تابستان از زیبایی فوق العاده‌ای برخوردار است. در روستای سرخه دیزه بقایای قلعه عظیمی از روزگار ساسانیان برجاست که از قلوه سنگ و ملاط ساخته شده ودو نوع آجر با دو رنگ نخودی و قرمز در ساخت آن به کار برده شده است. طاق گرا : معروف به طاق شیرین در گردنه پاتاق، بنایی است که با بلوک‌های سنگی ساخته شده است و قدمت آن به زمان ساسانیان می‌رسد. طاق‌گرا، یکی از سالم‌ترین آثار باستانی به جامانده از دوره باستان است و در مورد کاربردهای آن ابهامات مختلفی وجود دارد.بعضی می گویند این طاق عظیم در آن دوران به عنوان مکانی برای استراحت افرادی که در سفر بودند، کاربرد داشته است. عده ای نیز آنرا توقفگاه موکب شاهی و عده ای دیگر علامت سرمدی ایالت ماد از ایالت اشکانیان تصور کرده اند. قلعه یزدگرد: این قلعه‌ی باستانی و باشکوه در میان جنگل‌های بلوط اطراف دالاهو قرار دارد و متعلق به دوره ساسانیان است. مردم اعتقاد دارند که قلعه‌ی یزدگرد محل اختفای پادشاه ایران یزدگرد و دخترش شهربانو بوده است. این قلعه خیلی بزرگ نیست اما ساختمانی محکم دارد و بر کوهی بلند ساخته شده است. در بخش شمال غربی قلعه یک آسیاب بادی قرار دارد. مقبره بابا یادگار: این مقبره مکان مقدسی است که در دل طبیعت زیبای ریجاب واقع شده است. و زیارتگاه‌های پیروان اهل حق است.هر سال مراسم آیینی مختلفی در مقبره بابایادگار برگزار می‌شود. برای رسیدن به این مقبره اندکی پیاده‌روی در میان دهات خوش و آب و هوای ریجاب خواهید داشت و از درختان کهنسال و چشمه‌های جوشان دیدن خواهید کرد. گور دخمه دکان داود: درست در ۳ کیلومتری جنوب غربی سر پل ذهاب، منطقه‌ایست که به زمان مادها و هخامنشان برمی‌گردد وسالانه گردشگران بی‌شماری را به سمت خود می‌کشاند. عمارت چهار قابی: چهارقابی، آتشکده‌ای مربوط به دوره ساسانی‌ست که در شهر مرزی قصرشیرین ساخته شده است. این آتشکده مربعی شکل، سقفی گنبدی دارد. جالب است بدانیم چهارقابی، یکی از بناهای تقویمی ایران بوده و برای تشخیص فصل‌ها از آن استفاده می‌شده. سنگ نگاره آنوبانی نی: در نزدیکی سر پل ذهاب، نقش برجسته‌ای از زمان پیش از آریایی‌ها و ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد به یادگار مانده است که بر روی صخره‌ای به اسم میان‌کل نقش بسته است.مسجد عبدالله ابن عمر: این بنا علی الظاهر از بناهای قبل از اسلام بوده ، که پس از ظهور اسلام در ایران به مسجد تبدیل شده است ، اهالی منطقه بنای مسجد را به عبدالله بن عمر فرزند خلیفه دوم نسبت می دهند و به همین نام نیز معروف شده است و قدمت آن را همزمان با دوران ساخت مسجد تاریخانه دامغان و حتی قدیمی تر از آن گفته می شود محراب و منبر این مسجد بعداً به مسجد اضافه شده است.آتشکده قلعه داور: مربوط به دوره ساسانیان است و در شهرستان دالاهو، بخش مرکزی، دهستان بان زرده، در میان بافت روستای زرده بالا واقع شده و این اثر در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۸۶ با شماره ثبت ۲۱۸۰۳ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. مقبره ابو دجانه : برای اهل تسنن متبرک و محترم است، او یکی از یاران پیامبر(صل الله علیه و آله) بوده که در جنگهای اُحد، بدر و دیگر غزوات نبی اکرم(صلی الله علیه و آله) حضور داشته و در جنگ یمامه با مسیلمه کذاب به درجه شهادت رسید. علاوه بر موارد یادشده اماکن زیارتی مانند پیر موسی، بنیامین، سید رزاوه، مرقد شاه تیمور و مرقد سید حیدر حیدری نیز در دالاهو و روستاهای آن وجود دارند . دالاهو یکی از اماکن مقدس اهل حق و یارسان هم هست. آب و هوای دالاهو معتدل مایل به سرد است و گردشگران از ماه اردیبهشت تا پایان شهریور را بهترین زمان برای سفر به دالاهو و روستاهای اطراف آن می‌دانند؛ با این حال می توان گفت که در فصل بهار هنوز دالاهو آب و هوای سردی دارد.

۴۷-طالقان





راههای دسترسی: کیلومتر ۵۰ اتوبان کرج قزوین نرسیده به آبیک پس از عبور از منطقه زیاران به طالقان می رسید.

طالقان نام شهرستانی زیبا در منطقه ای ییلاقی در استان البرز به مرکزیت «شهرک» است که از شمال به مازندران و الموت و از جنوب به ساوجبلاغ و فشگلدره می‌رسد و حدود ۱۲۰ کیلومتر با شهر تهران فاصله دارد. طالقان منطقه ای است که از به هم پیوستن چهار محله بنام‌های شهرک، گلینک، کولج و پردسر تشکیل شده‌است. طالقان به داشتن دومین قله بلند کشور(علم کوه)مراتع سرسبز،حیات وحش و پوشش گیاهی متنوع، داشتن دریاچه، آبشار و طبیعت چشم‌نواز و روستاهای زیاد مشهور است . روستاهای اوریزان یا آب ریزان، روستای میر، روستای میناوند، روستای فشندک، روستای دیزان و روستای کرکبود ازجمله ۸۰ روستای دیدنی و سرسبز منطقه هستند. جلال‌آل‌احمد، آیت‌اله طالقانی و برادران امیدوار (اولین جهانگردان ایرانی) در روستاهای طالقان چشم به جهان گشوده‌اند. طالقان درمیان دره قرار گرفته و یکی از جذابیت‌های معروف آن آبشارهایش است، مانند آبشار شله بن، آبشار کرکبود، آبشار سوهان، آبشار خرس چر، آبشار آسکان، آبشار وارکش و آبشار فصلی میلین.مهمترین دیدنی های منطقه عبارتند از: دریاچه و سد طالقان: سد طالقان بر روی رود شاهرود ساخته شده است؛ رودی که از کوه‌های استان مازندران سرچشمه می‌گیرد و از دره طالقان هم عبور می‌کند. دریاچه سد طالقان یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های این شهر محسوب می‌شود. به واسطه شرایط محیطی، اطراف این سد می‌توان چمنزارهای متعددی را پیدا کرد که برای پیک‌نیک و گردش بسیار مناسب هستند. همچنین علاقه‌مندان به ماهی‌گیری می‌توانند ماهی‌هایی همچون کپور، زردپر و قزل‌آلای رنگین‌گمان را در این منطقه صید کنند. آبشار روستای اورازاندر: در فاصله ۱۲ کیلومتری شمال طالقان قرار گرفته و با چشمه‌ها و آبشارهای که همیشه پر از آب هستند، شهرت دارد. برای رفتن به اورازان باید مسیر فرعی روستای گوران-اورازان را در پیش گیرید. جالب است بدانید این شهر زادگاه نویسنده مشهور ایرانی، جلال آل احمد نیز هست . همچنین در روستای اورازان، بسیاری از آبشارهای زیبای طالقان مثل آبشار حیاط، آبشار خشکه چال، آبشار سرخ بند آبشار وری ید و آبشار سیاه بند جا خوش کرده‌اند. آبشار کرکبود: این آبشار بسیار زیبا که در نزدیکی روستای کرکبود در ۱۴ کیلومتری طالقان واقع شده، این آبشار فقط ۵ متر ارتفاع دارد، اما حجم و سرعت بالای جریان آب سبب شده تا «کرکبود» در میان صخره‌هایی با ارتفاع ۳۰ تا ۵۰ متر، بسیار باعظمت به نظر رسد. آبشار سوهان(چره): در ارتفاعات روستای سوهان، یکی دیگر از بهترین جاهای دیدنی طالقان یعنی آبشار سوهان که مجموعا از شش آبشار مختلف تشکیل شده و بلندترین آبشار آن با نام «چُره» شناخته می‌شود، جا خوش کرده است. این آبشار در ۲۵ کیلومتری شهرک طالقان و نزدیکی روستای سوهان واقع است.. «سوهان» از آبشارهای همیشه پرآب طالقان محسوب می‌شود. آبشار شله بن: آبشار شله بن یکی از محبوب‌ترین جاهای دیدنی طالقان است. طبیعت بکر، مهم‌ترین مشخصه این آبشار محسوب می‌شود. آبشار شله بن که در فاصله ۱۰ کیلومتری شمال طالقان واقع شده، از قله‌های خسبان سرچشمه می‌گیرد و در ادامه، رودخانه‌ای به همین نام را نیز شکل می‌دهد. این آبشار زیبا مجموعا از سه طبقه تشکیل شده است که برای رسیدن به بالاترین بخش باید از گذرگاه‌های روستای و کوچه‌باغ‌های بسیار زیبا عبور کنید. روستای میر: این روستای سرسبز در ۴۰ کیلومتری جنوب طالقان واقع شده و به خاطر طبیعت بکر، زیستگاه بسیاری از گونه‌های جانوری است. روستای دیزان: ازویژگی بارز این روستا، محیط ناب و آرام‌بخش آن است .ارژنگ دره: یکی از مشهورترین و قدیمی‌ترین جاهای دیدنی طالقان در روستایی به نام «میناوند» است که تاریخچه آن به قرن ششم هجری می‌رسد. این قلعه زیبا در سال ۵۴۴ هجری، به دستور «امیر کیا محمد بزرگ امید» به منظور جلوگیری از حمله‌های احتمالی دشمنان در دوره اسماعیلیان احداث شد و امروزه تنها بخشی از این بنای کهن و بسیار قدیمی به جای مانده است. پیش‌تر این قلعه با نام‌های دیگری مثل «قلادوش» و «دل جنگ» هم شناخته می‌شده است. کتیبه گردنه عسلک : لوحی از دوره قاجار است که با نام «سنگ‌نبشه گردنه عسلک» شناخته می‌شود. متاسفانه اطلاعات زیادی در مورد این لوح در دست نیست . ظاهرا کتیبه به دستور شخصی به نام «ایوب میردفتر» در زمان پادشاهی ناصرالدین‌شاه و حواشی مربوط به ساخت یک نهر آب مربوط می‌شود. برای دیدن این لوح قدیمی باید به روستای »گراب» در ۳ کیلومتری جنوب غرب گردنه عسلک بروید. امامزاده قاضی میرسعید: در شهرستان ساوجبلاغ بخش طالقان واقع شده و محبوبیت زیادی میان اهالی محلی دارد. حضرت قاضی از نوادگان امام محمدباقر (ع) بوده است که به خاطر قضاوت‌های عادلانه در زمان صفویه، مردم چنین لقبی را به او داده‌اند. برگزاری پرشور مراسم عزاداری اباعبدالله در روزهای تاسوعا و عاشورا در این امامزاده، یکی از دلایل شهرت آن هستند. جالب است بدانید این مکان متبرکه در سال ۱۳۸۱ به عنوان یکی از آثار ملی به ثبت رسیده است. برای بازدید از آستان امامزاده قاضی میرسعید باید به روستای حسنجون و سید آباد در طالقان بروید. خانه آیت الله طالقانی: خانه یکی از مبارزان اثرگذار در دوران پهلوی با برخورداری از معماری سنتی مربوط به دوره قاجاریه، از خشت و گل ساخته شده و در روستای گیلرد طالقان قرار دارد.امامزاده هارون: در روستای «جوستان» و شمال رودخانه شاهرود است که به یکی از فرزندان امام موسی کاظم (ع) تعلق دارد. اگرچه این فرد بزرگوار برادر امام رضا (ع) و حضرت معصومه (ع) است، اما بارگاه بسیار کوچکی دارد و در گذشته شاه طهماسب اول و شاه عباس اول، بقعه این امامزاده را تعمیر کرده‌اند و سنگ مرمر سفیدی از دوران صفویه روی دیوار ورودی نآن صب شده است. غار پنجعلی: غاری بسیار بزرگ در ضلع شمالی روستای میناوند در جنوب روستای باریکان که گفته می‌شود قدمتی سه‌هزار ساله دارد! این غار دو ورودی بزرگ دارد و عمق فضای داخلی آن به ۶ متر می‌رسد. نام غار پنجعلی در لیست آثار تاریخی کشور ثبت شده است. دیدن از منطقه طالقان در فصول مختلف جاذبه و زیبائی های خاص خود را دارد اما اگر سرمائی هستید در زمستان به آنجا نروید.

۴۸-کال جنی





راههای دسترسی: این دره در ۳۵ کیلومتری شمال شهرستان طبس و در اطراف روستای ازمیغان قراردارد. برای رسیدن به کال جنی از طریق جاده شمالی شهر و بعد از عبور از کنار فرودگاه طبس از سمت راست یا همان شرق جاده (دو راهی استخر شاعر) از جاده اصلی خارج شده و و طی حدود ۵کیلومتر جاده خاکی به سه نخل سربریده می رسیم و آنها را رد کرده و به یک سنگچین می رسیم که دره نمایان می شود. برای ورود به دره دو راه وجود دارد هم میتوان از کنار سنگچین وارد دره شد و هم میتوان راه را تا انتهای جاده و تا کوه ادامه داد و از همانجا وارد دره شد. راه دوم شیب کمتری دارد

کال اصطلاحی است که به دره یا مسیر ایجاد شده به وسیله سیلاب‌ها و جریان آب اطلاق می‌شود .کال جنی دره ای بسیار قدیمی در استان خراسان جنوبی (شهر طبس) است که از دوره ساسانیان تاکنون در این مرز و بوم باقی مانده است. کال جنی یا دره جن‌ها دره‌ای است که در شمال طبس و در اطراف روستای ازمیغان و در امتداد خروجی قناتی که در نزدیکی آن قرار دارد واقع شده است. یک دره خاموش، خنک و آبدار در دل پهنه‌ای داغ و تب‌دار که آثار حیات در آن دست‌کم به دوران امپراتوری ساسانی بازمی‌گردد. دره‌ای زیبا و حیرت‌انگیز که بومیان قدیمی آن را دره جن‌ها نامیده‌اند و آن را خوف‌انگیز و محل زندگی ارواح و جن‌ها می‌دانستند. اینجا از نظر بومیان این منطقه با تمامی اراضی دیگر فرق دارد و دلیلشان هم آب روانی است که در آن وجود دارد. حوضچه هایی با عمق ۱/۱۵متر که برای آب تنی در روزهای گرم تابستان یک گزینه بی نقص است. نقش و نگارهای روی دیواره‌های بلند به ما می‌گویند که این دره در طول هزاران سال و در اثر فرسایش و حضور سیلاب به وجود آمده است. شاید در روزگارانی رودخانه‌ای خروشان از اینجا گذر می‌کرده است. این دره عمیق گاهی شکل U به خود می‌گیرد و در جایی دیگر مانند V به نظر می‌رسد. بالای سرت را که نگاه کنی تنها ذره‌ای از آسمان را در فاصله دو دیواره بلند می‌بینی و در جاهایی به دلیل نزدیک شدن دو دیواره به یکدیگر از این تصویر هم خبری نیست. اینجا با همه جای بیابان‌های اطرافش فرق می‌کند. اینجا آب عنصری نایاب نیست و در جای‌جای آن مشاهده می‌شود. آبشارهای کوچکی در اینجا هستند که محلی‌ها به آن‌ها شُلَن می‌گویند. حوضچه‌هایی هم تشکیل شده که تا ۱/۵ متر عمق دارند و جای خوبی برای تن به آب زدن و خنک شدن در گرمای این سرزمین است. در این محل فرسایش آب به اوج خود رسیده و نقوش و برجستگی‌ها و خلل و فرج عجیبی را در کف رودخانه ایجاد کرده است. بعد از این منطقه دیگر دره خشک و بی‌آب و علف می‌شود. آب به داخل قنات هدایت شده و دره بی‌نصیب از آب. کمی دیگر در مسیر دره به راه خود ادامه می‌دهیم که در دیواره دره حفراتی نگاه ما را متوجه خود می‌سازد. شاید در نگاه اول احساس کنیم که این‌ها نیز حاصل فرسایش طبیعت باشد اما با کمی کنکاش می‌یابیم که این‌ها ساخته دست بشر است. در مورد علت پیدایش آن، دو نظریه وجود دارد. نظریه اول بیان می‌کند که سالیان بسیار دور، زرتشتی‌های منطقه، برای فرار از دست سپاه اعراب، به این صخره‌ها پناه بردند تا بتوانند در این منطقه استتار کنند. اما نظریه دوم می‌گوید که این مناطق، محل چله‌نشینی زرتشیتی‌ها بوده است. در ارتفاع دو متری از سطح زمین چاه ورودی قرار دارد که با کمک یک همراه می‌توان به درون آن رفت و سپس از این چاه که حدود هفت تا هشت متر ارتفاع دارد و به‌وسیله جای دست‌ها و حفرات بدنه آن بالا می‌رویم و به تالاری برمی‌خوریم. در دو طرف این تالار دو دالان قرار دارد و هر کدام شامل چندین اتاق است. همه این‌ها به‌وسیله بشر و در دل دیواره این دره عجیب پدید آمده است. هنوز می‌توان رد تیشه معماران آن را بر در و دیوار اتاقک‌ها مشاهده نمود. طبق نظر کارشناس سازمان میراث فرهنگی تاریخ بنای این مکان به دوره ساسانیان برمی‌گردد و به نظر می‌رسد محل چله‌نشینی یکتاپرستان بوده است. اگر مسیر دره را باز هم به سمت انتهای دره ادامه دهیم به یک محل دیگر این‌چنینی برمی‌خوریم که بر اثر فرسایش سیلاب‌های موسمی، چاه و محل دسترسی از پایین دره به اتاقک‌های آن از بین رفته و دسترسی به آن را از راه پایین دره غیرممکن کرده است. در سال ۱۳۸۰ یک مربی صخره‌نوردی از فدراسیون کوهنوردی از بالای دره و به‌وسیله ایجاد کارگاه فرود به داخل آن رفته و مشاهدات وی حاکی از شباهت این محل با اتاقک‌های قبلی بوده است. به دلیل ساختار خاصی که این دره دارد، وقتی باد در آن می وزد، باعث تولید صداهای عجیب و غریب می شود و به همین دلیل این تصور به وجود می آید که موجودات دیگری در آن زندگی می کنند. کال جنی شامل یک کال اصلی و کال‌های فرعی است. کال اصلی از نخلستان آغاز شده و به روستای ازمیغان می‌رسد. آب جریان یافته در کال اصلی که سر راهش گیاهان سبز را به جرعه‌ای آب مهمان می‌کند از چشمه ازمیغان آغاز می‌شود .این آب در ادامه مسیرش وارد کانالی که به قنات می‌رسد شده و کال را ترک می‌کند. شگفتی‌های بی‌نظیر و وجود گبرها از همین مکان آغاز می‌شود. وجود تونل‌ها و خانه‌هایی به نام خانه گبرها در دل دیواره‌ها که برای سکنی زرتشتیان زمان خود ساخته شده است از دیگر جذابیت‌های این دره است. ساخت این تونل‌ها و حفرها احتمالا به زمان ساسانیان بازمی‌گردد. این حفره‌ها و تونل‌ها در دامنه جداره‌های این دره قرار گرفته‌اند. مسیر دسترسی به این حفره‌ها بسیار دشوار است. در مسیر این حفره‌ها تونل‌هایی دیده می‌شد که احتمالا راه‌های ارتباطی آن‌ها با هم بوده است .نخلستانی که خودبه‌خود در دل این بیابان روییده است از جذابیت‌هایی است که نمی‌توان به راحتی از کنارش گذشت. سیاری از طبیعت‌شناسان معتقدند کال جنی، شکل کوچک شده گرند کنیون در یوتا، واقع در ایالات متحده است. مخصوصا این شباهت با قسمتی به نام دره بلوجان این پارک ملی، شباهت زیادی دارد برای دیدن چنین دره ای حتما" به صورت گروهی سفر کنید حتی اگر به جن و ازمابهتران هم اعتقادی نداشته باشید. با توجه به نوع آب و هوای منطقه طبس بیشتر فصول پاییز و زمستان و بهار برای گردشگری در منطقه طبس و بویژه این منطقه توصیه می‌گردد. به این ترتیب که در زمانی که شهرهای شمالی و غربی با سرمای و برف روبرو هستند، شما در این منطقه گرمایی مطلوب را خواهید داشت.

بخش چهارم

شهرها و روستاهای دیدنی ایران

۴۹-جواهر ده





راههای دسترسی:از جاده چالوس یه نوشهر و سپس به سمت رامسر بروید وپس از گذر از آن و بازار این شهرستان به یک سه راهی به نام فلسطین می رسید که در جنوب رامسر قرار دارد، در فاصله۲۷ کیلومتری ودر دامنه کوههای مرتفع سماموس به جواهر ده می رسید .

این روستای زیبا در که به دالان بهشتی در عروس شهرهای ایران در رامسر معروف است، در حقیقت یک مسیر افسونگر است که می تواند هوش از سفر هر بازدیدکننده ای ببرد. لازم به ذکر است که بگوییم مسیر دسترسی به آن با تلاش مهندسان آلمانی در سال ۱۳۵۰ ساخته شده و مسیر آن با پیچ های جالبی که دارد، سبب می شود شما تا پایان مسیر به هیچ وجه خسته نشوید. اگر می خواهید یکی از مناطق ایران که اقیانوس ابر معروف است را مشاهده کنید، روستای جواهرده یکی از آن ها است. در صورتی که در زمان مناسبی به سمت این روستا بروید در انبوهی از ابرها غرق خواهید شد. این ابرهای کنجکاو در بامدادان و عصرگاهان به کوچه ها، مغازه ها و خانه های مردم این روستا سرک می کشد و حال و هوای منطقه ی را تغییر می دهد. جاذبه های دیدنی بسیاری دارد که برای جنگل نوردان و طبیعت گردان حرفه ای و گاها نیمه حرفه ای می تواند گزینه ی بسیار خوبی باشد. این زیبایی ها در تمام طول مسیر وجود دارند و شما را تا رسیدن به روستا همراهی می کنند: آبشارهای دائمی و فصلی: در طول مسیر جاده ی جواهرده، آبشارهای فصلی و دایمی بسیاری وجود دارد که سبب جذابیت مسیر شده است، اگر خواستید می توانید چند دقیقه ای دم یکی از آبشارها بایستید و از مناظر ناب آن نهایت لذت را ببرید. یکی از آبشارهای زیبای این منطقه صفارود نام دارد و در ۱۵ کیلومتری این جاده قرار گرفته است. در کنار این آبشار آلاچیق هایی فراهم آورده شده که در آن می توانید به استراحت بپردازید. حتی دکه هایی هم در آن وجود دارد که به فروش سوغاتی و صنایع دستی شمال ایران می پردازند. به غیر از آبشار صفارود چندین جشمه دیگر به نام های سلیمان، برشی و کوه کنین وجود دارد که هر کدام می تواند آب آشامیدنی بخشی از روستای جواهرده در رامسر را تامین کنند.در زمان های گذشته اهالی این روستا آب این چشمه را به داخل جواهرده هدایت کرده اند تا منبع آبی روستا باشد. جنگل صفا رود و چشمه های اب معدنی: یک بوستان جنگلی هم در فاصله ۹ کیلومتری جاده جواهرده وجود دارد که پیشنهاد می کنیم حتما به سمت آن بروید. درون این جنگل صدای آرومی از آب روان به گوش می رسد که دلیل آن هم وجود رودخانه صفارود می باشدکه از سرچشمه های شرقی کوه سماموس مسیر خود را آغاز می کند و با عبور از روستای جواهرده، تنگ دره و صیقل محله به سمت دریاچه خزر می رود. در بخشی از این پارک جنگلی، چشمه ای وجود دارد که مردم محلی از آب آن برای نوشیدن استفاده می کنند، اگر خواستید می توانید آبی که از این چشمه ها می جوشد را میل کنید. دریاچه قو: این دریاچه در حقیقت با توسعه برکه کوچکی درست شده که با تلاش در بخش خصوصی نیز تشکیل شده است. در حال حاضر این دریاچه یک دریاچه مصنوعی است که هدف جذب مسافر نیز توسعه داده شده است. به منظور دسترسی به این دریاچه در روستای جواهرده می بایست حدود ۲–۵ کیلومتر یک مسیر پرپیچ و خم خاکی را طی کنید تا به این دریاچه برسید. برای استراحت و سپری کردن روزتان در روستای جواهرده کنار دریاچه قو یکی از بهترین مکان ها است چرا که آلاچیق هایی در کنار دریاچه فراهم آورده شده که می توانید اگر چادر ندارید به درون آن ها بروید. همچنین برای سرگرمی قایق های پدالی هم در این منطقه در نظر گرفته شده است که می توانید از آن ها برای سرگرم شدن خودتان استفاده کنید. جنگل نوردی وقله های روستای جواهرده: زمانی که در مسیر جاده روستای جواهرده در رامسر پیش میروید تا به خوده روستا برسید رفته رفته از پوشش گیاهی انبوهی که در این منطقه وجود دارد کاسته می شود و بر مراتع و چمنزارهای آن نیز افزوده می شود. قله های سرخ تله (بخش شرقی قله سماموس)، واژک سه براره رژه (رجه) و قله سماموس، بلندترین قله رامسر، با گردن‌هایی افراشته، از دیدنی‌های جواهرده هستند. مسجد آدینه: این مسجد قدیمی ۷۰۰ ساله چندین بار توسط بلایای طبیعی آسیب دید؛ اما اصلی ترین آسیب در سال های اخیر به دلیل برخورد صاعقه با درخت زبان گنجشکِ کنار آن و آتش سوزی کل مسجد، به آن وارد شد. در حال حاضر ساختمان مسجد آدینه بعد از اینکه دوبار در آتش سوزی مجدد بازسازی شده و در ورودی روستای جواهرده پذیرای مسافران و مردم می شود.این مسجد ۷۰۰ سال پیش به همت "شل شریف" از بزرگان جواهرده برپا شد و نام او را در میان مردم روستا جاودانه کرد. در مسجد تاریخی آدینه در رامسر جشن های مذهبی و سنتی گلکاری دیوارهای مسجد آدینه با نام قدیمی "دزگا مزگتی "جز یکی از رسم هایی بوده که مردم از گوشه و کنار مازندران، گیلان و الموت در جواهرده کنار هم می آیند و از احوال یکدیگر باخبر می شوند.به غیر از مسجد آدینه، مقبره شاه یحیی در چکاد قله سماموس از مکان هایی است که مردم برای برآورده شدن نذر و نیاز خود به آن مراجعه می کنند و آرامش، روزی و حل مشکلات شان را از خدای خود می خواهند.گورهای تاریخی گبری: گورهای تاریخی گبری در این روستا وجود دارد که دو تا سه هزار سال هر کدام قدمت دارند و مربوط به دوره هخامنشیان و زرتشتیان می شود. این گورهای تاریخی به شکل سرداب یا خمره ای ساخته شده است و گنجینه هایی از زندگی روزمره یا اشیا گرانقیمت مردم آن زمان را در خود جای داده است. این موضوع نشان دهنده ی اعتقاد مردمان آن زمان به رستاخیز بوده است. جواهرده دارای تقویم گالشی است. در این تقویم ماه‌های سال به ترتیب عبارت‌اند از: «اول ماه»، «مردال ماه»، «ده ماه»، «ورفه ماه»، «اسفندار ماه»، «نوروز ماه»، «کرچه ماه«، »ارکه ماه»، «تیرماه»، «سیه ماه»، «شرر ماه» و «امیرماه». بهترین زمان رفتن به جواهرده در اواخر بهار و تابستان است که هوای معتدل و سردی در این منطقه حکم فرماست، متوسط دمای هوا هم بین ۱۰ تا ۱۲ درجه سانتیگراد است. در این زمان برف ها آب شده اند و سرسبزی منطقه به اوج خودش می رسد.

۵۰-چمستان



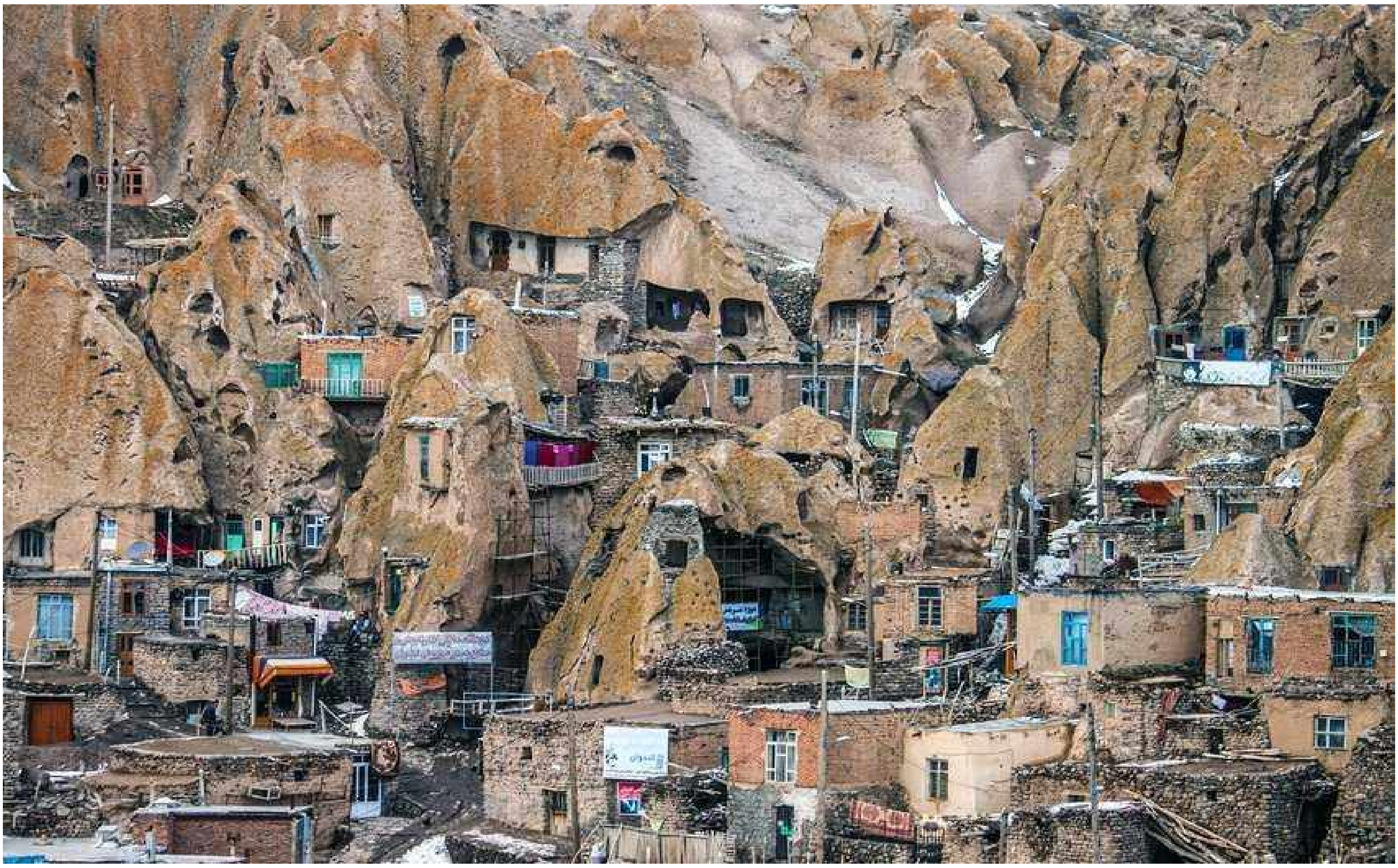


راههای دسترسی: چمستان در بین شهرهای نور، آمل و محمود آباد واقع شده، فاصله این شهر تا تهران در حدود ۱۸۰ کیلومتر، تا شهر ۲۲ کیلومتر، ۱۲ کیلومتر با جاده آسفالته شهر نور و 100کیلومتری ساری مرکز استان مازندران است.

منطقه ای که از شمال و غرب به شهر نور، از جنوب به بخش بلده و کوهپایه‌های البرز و از شرق به آمل منتهی می‌شود، دو رود وازرود و لاویج در دو طرف شهر، چمستان را احاطه کرده‌اند، منطقه‌ای با طبیعت بکر و عالی که زیبایی و خرمی برخی مناطق آن گفتنی نیست. این منطقه به دلیل وجود جنگل، نزدیکی به دریا، آب و هوای خنک‌تر در مناطق کوهستانی و ظاهر و طبیعت سرسبزی که از منبع غنی جنگل‌ها و درخت تا دریا و کوه و کوهپایه دارد طیف وسیعی از سلایق مختلف را در کنار هم جمع کرده است. چمستان در بین کوه و دریا و جنگل احاطه شده است، کوه‌های میرخمند – واز - لاویج- طارم- رودبارک –گزناسرا و برخی دیگر کوه‌ها از مناطقی هستند که در بین رشته کوه سر به فلک کشیده البرز و در منطقه چمستان واقع شده‌اند، یک منطقه تمام عیار از تجمیع بیشتر آفریده‌های زیبای خداوند، دشت و کوه و جنگل و دریا است. دریاچه سد الیمالات در این منطقه واقع شده است. از جاده چمستان حدود ۳ کیلومتر که به سمت نور حرکت کردید. با ترکیب یک دریاچه با انبوه درختان و جنگل سر سبز روبرو خواهید شد. دریاچه الیمالات در واقع حاصل یک سد خاکی است که در دل جنگل بوجود آمده است. بعد از حدود ده دقیقه پیاده‌روی به سمت جنوبی روستای کارگرکلا دریاچه زیبای تفریحی سد الیمالات را مشاهده خواهید کرد. امکاناتی از جمله رستوران، قایق‌سواری و ماهگیری نیز برای لذت بردن هر چه بیشتر شما فراهم شده است..روستای گزناسرا: اینجا یک روستای سرسبز و زیبا بوده که دلیل این سرسبزی وجود آب‌های زیر زمینی نزدیک به سطح زمین است، در حقیقت در این منطقه حفر تنها یک چاه چند متری شما را به آب می‌رساند ولی در کل کمبود آب در آن منطقه هست و با وجود چند چشمه هنوز هم آب کافی برای آن وجود ندارد، شاید به این دلیل که شیب منطقه و بلندی آن باعث شده تا آب‌های زیرزمینی زیادی در عمق آن موجود نباشد و این آب اکثراً در دره‌های سطحی در حرکت و روان به سمت پائین است. از دیدنی‌های این روستا جنگل پنسا، اتراجار «افراجار»، چمازچال «سرخس‌های کرفی» است که پوشش گیاهی آن قدمتی بسیار بالا و به دوران ماقبل تاریخ برمی‌گردد. قلقلک چشمه (چشمه‌هایی که به قول معروف قل قل در حال جوشیدن هستند) ، قله مرتفع گنج کول (گنج کوه) و مقبره آقابالا شاه (پارسی) در بالای قله از دیگر اماکن زیبا و دیدنی این منطقه هستند.این روستا با توجه به آب و هوای بسیار سرد و ارتفاع زیادی که از سطح دریا دارد برای تمام فصل‌ها مناسب نیست ولی جاذبه‌های دیدنی و گردشگری‌های زیبایی در همین خطه کوهستانی شهر نور منطقه چمستان هست که باعث شادی شما می‌شود.جنگل واز: یک جنگل با درختان بلند بلوط، افرا، راش و ... که پائیزی پر از رنگ و زیبایی و تابستانی خنک در زیر سایه درختان باستانی با ۸۰ کیلومتر طول را آماده یک سفر پرخاطره کرده است. پارک کشپل: یکی از پارک‌های قرار گرفته در میانه راه شهر چمستان و لاویج است. در فاصله ۲ کیلومتر از مرکز شهر، جنگلی شگفت‌انگیز به بزرگی ۷ هکتار که از شمال به شهرستان چمستان مازندران و نور و از جنوب به کوه‌های لاویج ختم می‌شود. درختان درهم تنیده و گره‌خورده توسکا، انجیر و افرا زیبایی خاصی به این جنگل بخشیده است. مثل اینکه یک قسمت از بهشت در این پارک جنگلی قرار دارد تا شما یک پیک نیک عالی و به‌یادماندنی را تجربه کنید. ده‌ها چشمه در این پارک جنگلی وجود دارد که هر کدام را می‌توان به عنوان یک جاذبه گردشگری مهم به حساب آورد. روستای ییلاقی لاویج در ۱۷ کیلومتری جنوب شهر چمستان مازندران قرار دارد .روستای بی‌نظیری که در دل دره‌ای جنگلی با چشمه آبگرم و طبیعتی چشم‌نواز در انتظار گردشگران است. چشمه آب گرم لاویج خواص درمانی فراوانی دارد همچنین امکانات رفاهی برای اقامت مسافران فراهم است. بد نیست بدانید اکثر مردم محلی روستای لاویج از طریق تولید عسل طبیعی امرار معاش می‌کنند. هنگامی که از پارک جنگلی کشپل عبور کنید، اندکی با روستای لاویج فاصله خواهید داشت. چشمه‌های آبگرم طبیعی را می‌توان هدیه‌ای از جانب خداوند دانست؛ در حقیقت آن‌ها به دلیل حجم بالای گوگرد و املاح معدنی که دارند، می‌توانند در درمان بسیاری از بیماری‌ها تاثیرگذار باشند و همین مسئله باعث شده است در سال، علاقه‌مندان و گردشگران زیادی وارد این روستا شوند، در مرکز روستای لاویج سنگ بزرگی قرار دارد که در اثر عوامل فرسایشی طبیعی به شکل فیلی بزرگ (بعد از گذر از آب گرم لاویج با حداقل ده دقیقه پیاده روی می توانید از فیل سنگی هم دیدن نمایید)دیده می شود. افسانه جالبی در مورد این فیل سنگی در میان مردم محلی لاویج شنیده می‌شود. افسانه از این قرار است که روزی فیلی سیاه به روستای لاویج حمله می‌کند و باعث آزار و اذیت مردم محلی می‌شود که امام حسن مجتبی (ع) که به این دیار سفر کرده بود با عصای خود اشاره به این فیل می‌کند و تبدیل به سنگ می‌شود.روستی جوربند: این روستا دارای آب آشامیدنی باکیفیتی بوده که از چشمه‌های اطراف آن تامین می‌شود. تمام این چشمه‌ها دارای املاح معدنی هستند و می‌توانند خواص بسیار خوبی برای سلامتی داشته باشند. وجود این همه زیبایی و نعمت خدادادی در روستای جوربند باعث شده تا به یک قطب گردشگری تبدیل شود. بهترین فصل سفر به این شهر توریستی، بهار و تابستان است، البته سفر کردن به چمستان در سایر فصل‌ها هم می‌تواند زیبایی و جذابیت خاص خود را داشته باشد و به همین علت، می‌توان در صورت مساعد بودن آب‌وهوا، فصل پاییز و زمستان را هم برای سفر انتخاب کرد.

۵۱-کندوان

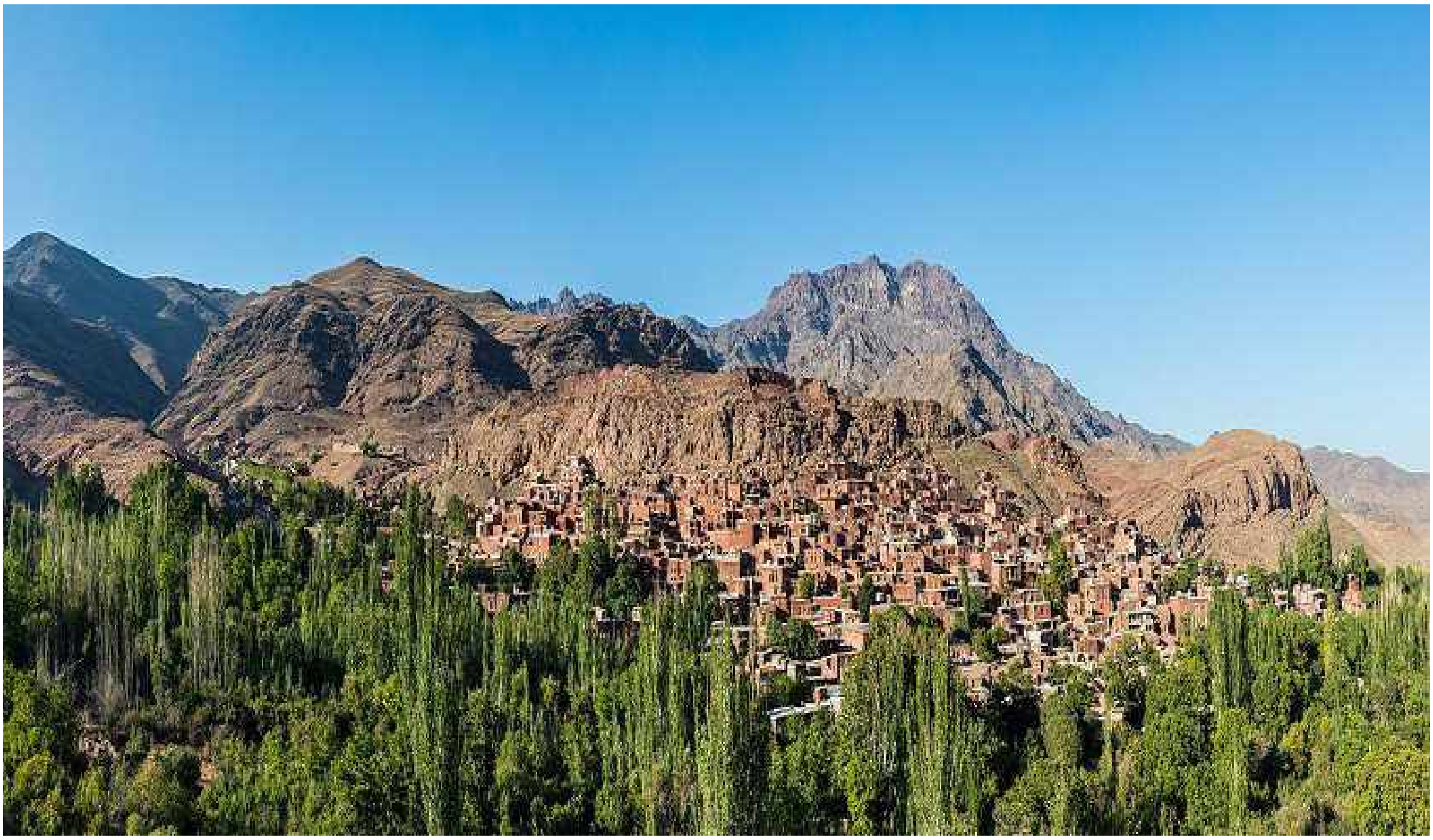


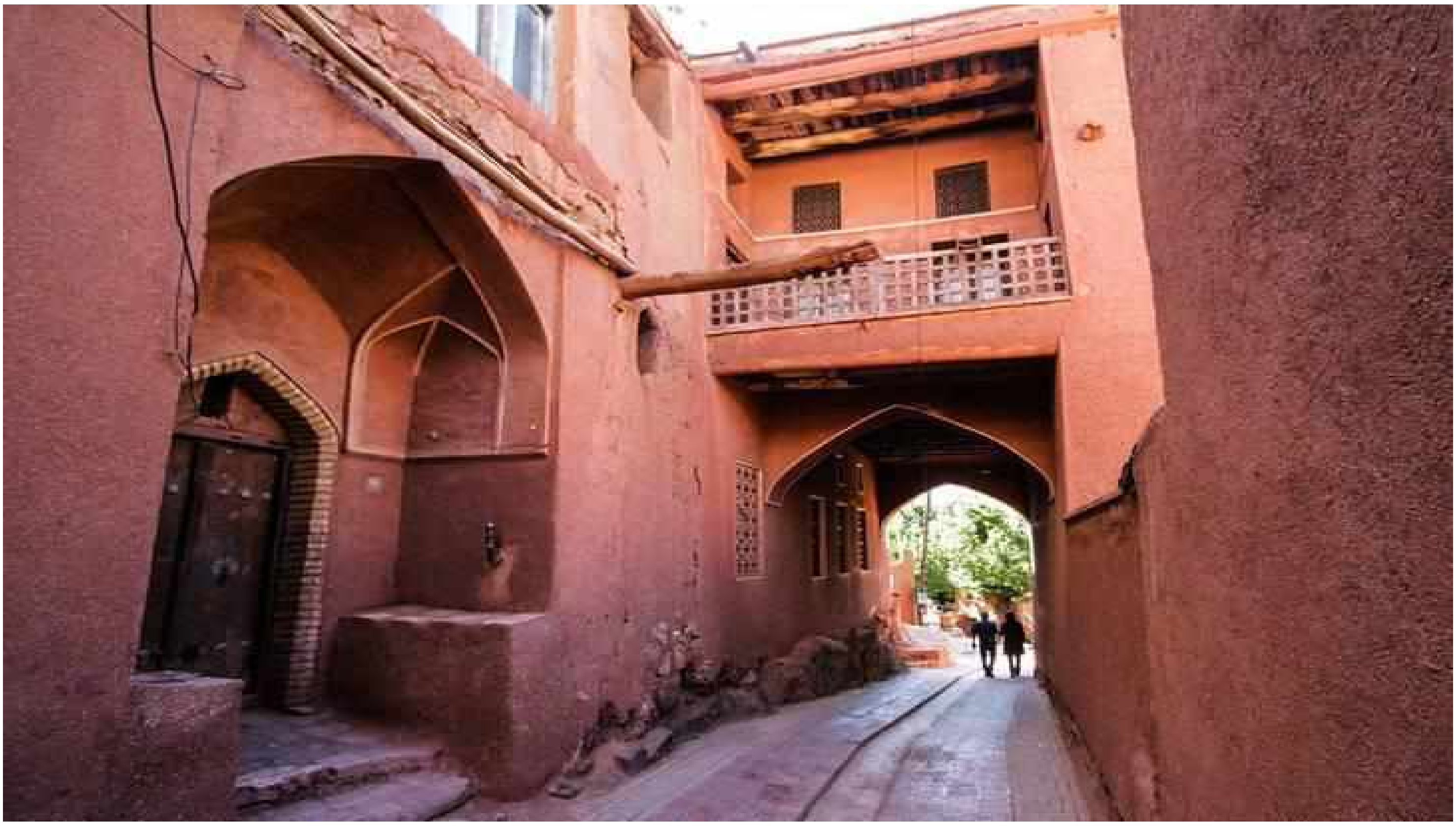


راههای دسترسی: برای رفتن به روستای کندوان از تبریز باید به سمت سردرود رفته و قبل از پلیس راه تبریز آذرشهر از سمت راست و روی پل به خیابان سهند و بسوی اسکو بروید. مسیر جاده را از سمت اسکو به جنوب این شهر شروع کنید و راه خیابان چایکنار را در پیش بگیرید. از شهر اسفنجان که گذشتید به یک دوراهی در ۷ کیلومتری جاده می‌رسید. راهی که در سمت چپ قرار دارد و شما را به روستای کندوان می‌رساند.

این روستا در ۶۰ کیلومتری جنوب غربی تبریز واقع شده و یکی از روستاهای دهستان سهند از توابع شهر اسکوست. فاصله اسکو تا کندوان ۲۰ کیلومتر بیشتر نیست و از آنجایی که به همراه روستای میمند تنها روستاهای صخره‌ای جهان هستند که هنوز زندگی در آنها جریان دارد، سالانه گردشگران زیادی راهی‌اش می‌شوند. البته در جهان سه روستای اینچنینی وجود دارد که یکی در ترکیه و دیگری در امریکاست.این روستا که برخی قدمتش را ۷ هزار سال می‌دانند، در دل کوه سلطان داغی قرار دارد. ارتفاع روستا از سطح دریا ۲۲۰۰ متر است و رودخانه کندوان در امتدادش جریان دارد. زیبایی‌های اینجا باعث شده جزو آثار ملی نیز به ثبت برسد. روستای کندوان که به دلیل گدازه‌ها و مواد مذاب به جا مانده از دل آتشفشان و همچنین دخالت آدم‌ها در طی سال‌ها به این شکل و شمایل درآمده، روستایی مخلوطی شکل است که به خاطر کله قندی بودن و شباهت خانه‌هایش به کندوی عسل به این نام معروف شده. سازه‌های سنگی با شکل‌های افقی، ستونی، مخروطی و هرمی شکل که بعد از عقب نشینی حوضه دریاچه کندوان سر از خاک برآوردند، نمای اولیه روستای کندوان هم نمایان شد. مخروط ها بعد از اینکه از دل آب بیرون آمدند، به صورت پله پله تا بالای کوه را پوشاندند. این مخروط های نرم در دوره‌های نخستین زمین شناسی، زمانی که هنوز پوسته زمین سرد نشده بود، در اثر جابه جایی کوه ها و فشارهای ناشی از این موضوع به صورت طبقه طبقه از محیط اطرافشان جدا شدند و فرم گرفتند. این شکل‌ها که از جنس خاکسترهای آتشفشانی بودند، حالت نرمشان را به مرور زمان تا اندازه‌ای حفظ کردند، به صورتی که به راحتی با ضربه‌ای ساده، سایش باد و بارش برف و باران تغییر حالت می‌دادند. اینطوری بود که طبقات، پله‌های روستا و لایه‌های کله قندی (که به آن کران نیز می‌گویند) کم کم به شکل امروزی درآمدند و مناسب برای کار دست ادم‌ها و ساخت خانه شدند. معماری روستا یکی از شگفتی‌هایش است. اینجا روستایی سنگی و صخره‌ایست. قطره دیوارها بسیار نازک و حدود ۲ متر است از اینروست که داخل خانه‌ها در تابستان‌ها خیلی خنک است و زمستان‌ها هم به طور طبیعی گرم می‌ماند. ارتفاع این توده‌ه صخره‌ای در حدود ۴۰ متر است و بیشتر لایه‌های کله قندی یا همان کران‌ها به ۴ طبقه می‌رسند. این طبقات از هم مستقلند و برای رسیدن به طبقات بالایی پله‌هایی از خود کران به وجود آمده. نورگیرها در طبقات بالایی قرار دارند و جنسشان چوبی یا شیشه‌ایست. کندوان تبریز، روستایی تاریخی‌ست. برخی عمر آن را ۶ هزار سال تخمین می‌زنند و برخی دیگر تاریخ آن را مربوط به ۳ هزار سال پیش می‌دانند. تاریخ سکونت آن را نیز به قرن هفتم هجری هجوم مغول‌ها نسبت می‌دهند. روایت‌هایی مبنی بر سکونت عشایر در این منطقه به عنوان ساکنان اولیه در دسترس است .آنها از حفره‌ها به عنوان اقامتگاه موقتی استفاده می‌کردند. روایت دیگر در مورد مردم روستای حیله ور است. این روستا در ۲ کیلومتری کندوان قرار داشته و مردم آن از دست مغول‌ها فرار کرده و به کندوان پناه برده‌اند. یک عده هم ساکنان اولیه را جنگجویانی میدانند که در حال گذر از این منطقه آن را برای دفاع و استفاده نظامی مناسب دیده‌اند. و اما روایت دیگری هم وجود دارد که ساکنان اولیه را مهاجران دریاچه ارومیه می‌داند که از دست ایلامی‌ها و مارهایشان در جنگ ایلام و آشور فرار کرده و به این منطقه آمده بودند. در کندوان آب و برق هست. این روستا دو مسجد بزرگ و کوچک، به اضافه مدرسه، پارک تفریحی، مغازه‌های فروش سوغات، بوفه و رستوران دارد. مشهورترین سوغات کندوان عسل است. زردآلو و آلبالو، خشکبار، آلوچه، لواشک،گلیم و جاجیم و دست بافته‌های اینجا هم معروف است. آب معدنی کندوان که در تبریز هم آن را می‌فروشند برای درمان بیماری‌های کلیوی مناسب است و از چند شیر آب در داخل روستا قابل آشامیدن است. تا اردیبهشت و اوایل خرداد هنوز این منطقه به دلیل کوهستانی بودنش سرد است، بنابراین بهترین فصل سفر تابستان تا اواخر شهریور است. پاییز و زمستان‌های این منطقه به سرد و سخت بودن مشهور است.

۵۲-ابیانه





راههای دسترسی: این روستا، هم از طریق جاده کاشان – نطنز و هم از اتوبان کاشان – اصفهان قابلیت دسترسی دارد. از دو راهی مسیر کاشان به نطنز تا ابیانه حدود ۲۲ کیلومتر فاصله است

روستای ابیانه در دهستان برزرود شهرستان نطنز از توابع استان اصفهان قرار دارد. این روستا در۸۸کیلومتری کاشان(حدود یک ساعت با ماشین) و۳۵ کیلومتری شمال غربی نطنز(حدود چهل و پنج دقیقه با ماشین)و۱۰۷ کیلومتری اصفهان،(حدود یک ساعت و نیم با ماشین)، در دامنه کوه کرکس قرار دارد. این روستا یکی از بلندترین نقاط مسکونی در ایران با ارتفاع از سطح دریا ۲۲۲۲ متر می‌باشد. به اعتبار معماری بومی و بناهای تاریخی پُرتنوع آن، از روستاهای مشهور ایران است. ابیانه با آب و هوای گرم و خشک است. این روستا در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۵۴ با شماره ثبت ۱۰۸۸ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌است. در زبان محلی به ابیانه ویونا (Viuna)می‌گویند .وی (Vi)به معنای بید و ویانه (Viyane)به‌معنای بیدستان است. ابیانه در گذشته بیدستان بوده‌اس در طول زمان ویونا به ابیانه دگرگون شده‌است. مدرکی که دقیقاً قدمت زمانی ابیانه را معلوم کند در دست نیست؛ ولی پیشینه هزار و پانصد ساله را برای آن تخمین می‌زنند و آن را از کهن‌ترین زیست‌گاه‌های انسانی در حاشیه دشت کویر ایران می‌دانند. آثار و بناهای تاریخی که در ابیانه وجود دارد مربوط به دوره‌های ساسانی، سلجوقی، صفوی و قاجار است. این آثار نشان‌دهنده قدمت تاریخی این زیست‌گاه انسانی است. ابیانه در نگاه نخست، روستایی چند طبقه به‌نظر می‌آید که در بعضی موارد تا چهار طبقه آن را می‌توان مشاهده کرد. اتاق‌ها به پنجره‌های چوبی ارسی مانند مجهزهستند و اغلب دارای ایوان‌ها و طارمی‌های چوبی پیش آمده مشرف بر کوچه‌های تنگ و تاریک‌اند که خود به صورت مناظر جالبی درآمده‌است. نمای خارجی خانه‌ها، با خاک سرخی که معدن آن در مجاورت روستا قرار دارد پوشیده شده‌است. از خانه های قدیمی ابیانه نیز می توان به خانه غلام نادر شاه و خانه نایب حسین کاشانی اشاره نمود. از آنجا که در دامنه‌های شیب‌دار فضای کافی برای ساختن خانه‌های موردنیاز وجود ندارد در این روستا چنین رسم شده‌است که هر خانواده انبار غار مانندی در تپه‌های یک کیلومتری روستا، در کنار جاده و نرسیده به ابیانه، ایجاد نماید. این غارها که در دل تپه‌ها حفر شده‌اند و از بیرون تنها درهای کوتاه و محقر آن نمایان است برای نگهداری دام و نیز آذوقه زمستانی و اشیاء غیرضروری مورد استفاده قرار می‌گیرد. ردم ابیانه به‌سبب کوهستانی بودن منطقه و دور بودن محل آن‌ها از مراکز پرجمعیت و راه‌های ارتباطی، قرن‌ها در انزوا زیسته و در نتیجه بسیاری از آداب و رسوم قومی و سنتی و از جمله زبان و لهجه قدیم خود را حفظ کرده‌اند .زبان مردم ابیانه از زبان‌های ایرانی شمال غربی که البته در طول زمان دچار تغییر و تحولات زیادی شده و اکنون فقط تعداد کمی از واژه‌های اصیل پهلوی در گویش آنان شنیده می‌شود. پوشش سنتی، هنوز هم میان آن‌ها رواج دارد و در حفظ آن تأکید و تعصب از خود نشان می‌دهند. در مردان شلوار گشاد و درازی از پارچه سیاه (دوید یا همان دبیت، شلوار مردان بختیاری) و در زن‌ها، پیراهن بلندی از پارچه‌های گل‌دار و رنگارنگ است. زن‌های ابیانه معمولاً چارقدهای سفیدرنگی بر سر دارند. قدیمی‌ترین اثر تاریخی ابیانه آتشکده‌ای است که مانند دیگر بناهای دِه در سراشیبی قرار گرفته‌است. آتشکده ابیانه را نمونه‌ای از معابد زرتشتی دانسته‌اند که در جوامع کوهستانی ساخته می‌شد. ابیانه سه قلعه دارد که عبارتند از:۱- پال همونه یا تخت‌هامان که در جنوب غربی ابیانه قرار دارد و متعلق به محله بالا و یوسمون است. این قلعه حدود ۲۰۰ سال پیش‌ساخته شده و سند ساخت آن نیز موجود است. در این سند سهم افراد در ساخت قلعه مشخص شده‌است. ۲- هرده که در شمال شرقی روستا قرار دارد و به محله هرده تعلق دارد.۳- پاله که در شمال غربی روستا قرار دارد و به محله پل تعلق دارد. این قلعه‌ها مربوط به دوره‌های یاغیگری بوده که مردم برای حفظ امنیت خود در مقابل یاغی‌های محلی ساخته‌اند و در آن به نوبت کشیک می‌داده‌اند. ابیانه دو زیارتگاه و یازده مسجد دارد: زیارتگاه هینزا این زیارتگاه در جنوب شرقی ابیانه در دره باریکی قرار دارد. در دل صخره‌های این دره، تو رفتگی وجود دارد که ساختمان امامزاده در جلوی آن ساخته شده‌است، و تو رفتگی نیز همانند غاری، جزیی از ساختمان زیارتگاه شده‌است . ظاهراً این زیارتگاه مربوط به بی بی زبیده خاتون، بنت موسی بن جعفر است .اهالی عنوان می‌کنند که بی بی زبیده خاتون تحت تعقیب بوده و مردم ابیانه وی رادر این اتاقک پناه داده، سپس به روستای هنجن برده‌اند. در هنجن نیز زیارتگاه بزرگی متعلق به ایشان ساخته شده‌است. زیارتگاه هینزا در واقع گذرگاه بی‌بی زبیده خاتون است. برخی نیز عنوان کردند که این زیارتگاه مربوط به زمان آناهیتا است. طبق باور مردم این مکان معجزه نما است و در آن مراسم خاصی برگزار می‌شود. زیارتگاه شاهزاده یحیی و شاهزاده عیسی این زیارتگاه که در شرق ابیانه در محله هرده قرار دارد، بقعه شاهزاده یحیی و شاهزاده عیسی، فرزندان امام موسی بن جعفر است و برخلاف ساختمان‌های روستا دارای حیاط مرکزی است و آب‌نمای بزرگی که از شاخه اصلی نهر روستا سیراب می‌شود در وسط آن قرار دارد. این زیارتگاه گنبد هشت ضلعی باکاشی کاری فیروزه‌ای دارد. رواق حرم منقش به کتیبه‌هایی است که اخیراً مرمت شده‌است .ایوان جنوبی آن به تپه جنوبی ابیانه مشرف است. در ضریح زیارتگاه نوشته‌ای وجود ندارد؛ ولی در سقف بنا تاریخ‌های مرمت بنا و اشعار و آیاتی نوشته شده‌است. عنوان می‌شود که در پشت تخته‌های سقف قیمت انواع غلات، چون جو و گندم در زمان گذشته را نوشته‌اند. منبری چوبی و قدیمی نیز در ایوان جنوبی زیارتگاه قرار دارد. این زیارتگاه در سال ۱۳۸۶ توسط اهالی ابیانه بازسازی شده‌است. یکی از این مساجد قدیمی به نام مسجد جامع ابیانه (ملقب به میان‌ده) با تاریخ ساخت۴۷۷هجری قمری است. تمام فصول سال برای سفر به ابیانه مناسب است اما ما اواخر فروردین تا خرداد ماه را پیشنهاد می کنیم .

۵۳-ماخونیک





راههای دسترسی: در فاصله ۱۴۲ کیلومتری شهرستان بیرجند و در فاصله ۷۸ کیلومتری شرقی شهر سربیشه در مسیر جاده سربیشه به روستای دُرُح قرار دارد.

ماخونیک روستایی است که در دهستان دُرُح بخش مرکزی شهرستان سربیشه استان خراسان جنوبی واقع شده‌است. یکی از هفت روستای شگفت‌انگیز جهان می‌باشد و به لحاظ شهرت آن به شهر» لی‌لی‌پوت‌ها«، جذابیت‌های حیرت‌انگیزی که دارد. جلگه ماخونیک را ۱۲ روستا از جمله ماخونیک، کفاز، چاپانسر، توتک، سفالبند، سولابست، لجونگ، کلاته‌بلاوچ، دامدامه، میش‌نو، خارستو و جلارو تشکیل می‌دهد. لازم به ذکر است که این روستا بزرگترین روستای این منطقه بشمار می‌آید و حدود نیم ساعت تا افغانستان فاصله دارد. مردم ماخونیک اصالتاً افغانی می‌باشند که در چند قرن پیش از افغانستان کوچ کرده‌اند و ماخونیک را جهت زندگی برگزیده‌اند. مردم منطقه ماخونیک مسلمان، دارای مذهب اهل تسنن (حنفی) و پیرو ابوحنیفه نعمان بن ثابت از ائمه چهارگانه اهل سنت است، که با زبان فارسی و با لهجه خاص محل تکلم می‌کنند. جاذبه این روستا این است که در گذشته اهالی آن کوتاه‌قد بوده و به زحمت قدشان از۱/۴۰ متر تجاوز می‌کرد و به دلیل بهبود تغذیه و ازدواج با نژادهای دیگر در گذر زمان قد اهالی روستا بلندتر شده است. مردم ماخونیک تا ۵۰ سال پیش، چای نمی‌نوشیدند، شکار نمی‌کردند و اصلاً گوشت هم نمی‌خوردند و هنوز سیگار نمی‌کشند. مردم ماخونیک این قبیل کارها را گناه می‌دانستند . ورود تلویزیون به این روستا به معنای ورود شیطان بود و اهالی تا چند سال پیش به تلویزیون می‌گفتند شیطان .آن‌ها هرگز اجازه نمی‌دادند کودکان پای صفحه تلویزیون بنشینند و جادو شوند.درباره این روستا هیچ سابقه تاریخی مکتوبی وجود ندارد .در برخی اسناد قدیمی که تاریخ نگارش آن‌ها به ۳۰۰ سال قبل می‌رسد، نام روستا مادخنیک ذکر شده‌است .گفته می‌شود در گذشته عده‌ای مأموران دولتی به این روستا آمده و اهالی به گرمی از آن‌ها استقبال نکرده‌اند و با آن‌ها برخورد سردی داشته‌اند و آن‌ها این نام را برای روستا انتخاب کرده‌اند. برخی می‌گویند به دلیل وجود شکافی در کوه نزدیک روستا به آنجا ماده ماخونیک گفته می‌شده که به مرور زمان به ماخونیک تغییر نام یافته‌است. ساکنان روستا در ابتدا دامدار و کوچ‌نشین بوده‌اند و در دوره‌های بعد در منطقه ماخونیک و به ویژه در روستای ماخونیک سکونت گزیده‌اند،علاوه بر این تعدادی از اهالی در معادن سنگ کار می‌کنند و تعدادی دیگر نیز قالیبافی می‌کنند و این صنعت از عمده صنایع دستی روستا به‌شمار می‌رود . وجود سنگ‌نگاره‌ای در نزدیکی قنات ماخونیک که نقش‌های چوپانی و بسیار قدیمی بر روی آن نقش بسته نیز گواهی بر قدمت سکونت در ماخونیک است. بافت مسکونی روستا در دامنه تپه و خانه‌ها به‌طور فشرده‌به‌هم و در گودی زمین ساخته شده‌اند. خانه‌ها شکل هندسی خاصی ندارند.کف خانه حدود یک متر از سطح زمین پایین‌تر است و دارای یک درب کوتاه چوبی است. برای رفتن به داخل خانه باید دولا شده و به زحمت خود را داخل خانه کرد .اغلب یکی دو پله درگاهی را به کف خانه متصل می‌کنند. به علت آنکه هوای این ناحیه سرد می‌باشد، مردم خانه‌ها را کوچک و کم‌ارتفاع می‌ساختند تا گرم شدن خانه راحت‌تر صورت گیرد. خانه‌های روستا بسیار کوچک بوده و فقط دارای یک اتاق ده یا دوازده متری هستند. خانه‌ها با سنگ و خاک ساخته شده و سقف‌شان با شاخ و برگ درختان پوشیده شده است و بجز درب ورودی کوتاه هیچ منفذی به بیرون ندارند. در بافت قدیم روستا خانه‌ها خیلی محقر، بدون حیاط و ایوان چسبیده به هم هستند. دیدن این سبک معماری انسان را شگفت زده می‌کند.هر خانه دارای فضاهایی همچون کندیک) Kandik مخزن نگهداری گندم و جو)، کرشک) Koresk اجاق گلی برای طبخ غذا(، طاق و طاقچه است. باید دانست عمده مصالح به کار رفته در مسکن روستا شامل سنگ، چوب و هیزم است. یکی از نقاط دیدنی روستای ماخونیک برج سنگی آن است که این برج در طبقات بالای روستا ساخته شده، به طوری که به اطراف روستا اشراف دارد، از این برج جهت دیده بانی استفاده می کردند تا در صورت حمله‌ی احتمالی دشمن، به همه‌ی اهالی روستا اطلاع دهند. قد اکثر مردم روستا حدود ۱۴۰ سانتیمتر که از حد متوسط پایین‌تر است. از دلایل کوتاه بودن قد مردم روستا ازدواج فامیلی و نوع تغذیه را می‌توان نام برد. روستا در ۳۰ سال گذشته هیچ راه ارتباطی نداشته است و مرد تعاملی با دنیای اطراف خود انجام نداده‌اند. طراحی لباس مردان و زنان در روستای ماخونیک با هم بسیار تفاوت دارد. در گذشته مردم لباس خود را با کرباس می‌بافتند.مردم لباس‌های بسیار ژنده و مندرس به تن می‌کردند و اهالی از پوشیدن چنین لباس‌هایی اصلا خجالت نمی‌کشیدند. کف کفش اهالی روستا از جنس چوبی بود که از ۳۰ سال گذشته تغییر کرده است. همچنین در قدیم مردم روستا از ظروف سفالی که ساخت دست خودشان بود استفاده می‌کردند. ولی با تعامل با شهر افراد جوان اشتیاقی به استفاده از این ظروف را ندارند. پیشنهاد میکنم بدلیل گرمای هوا در فصول غیر گرم به اینجا سفر کنید.

۵۴-کاشان



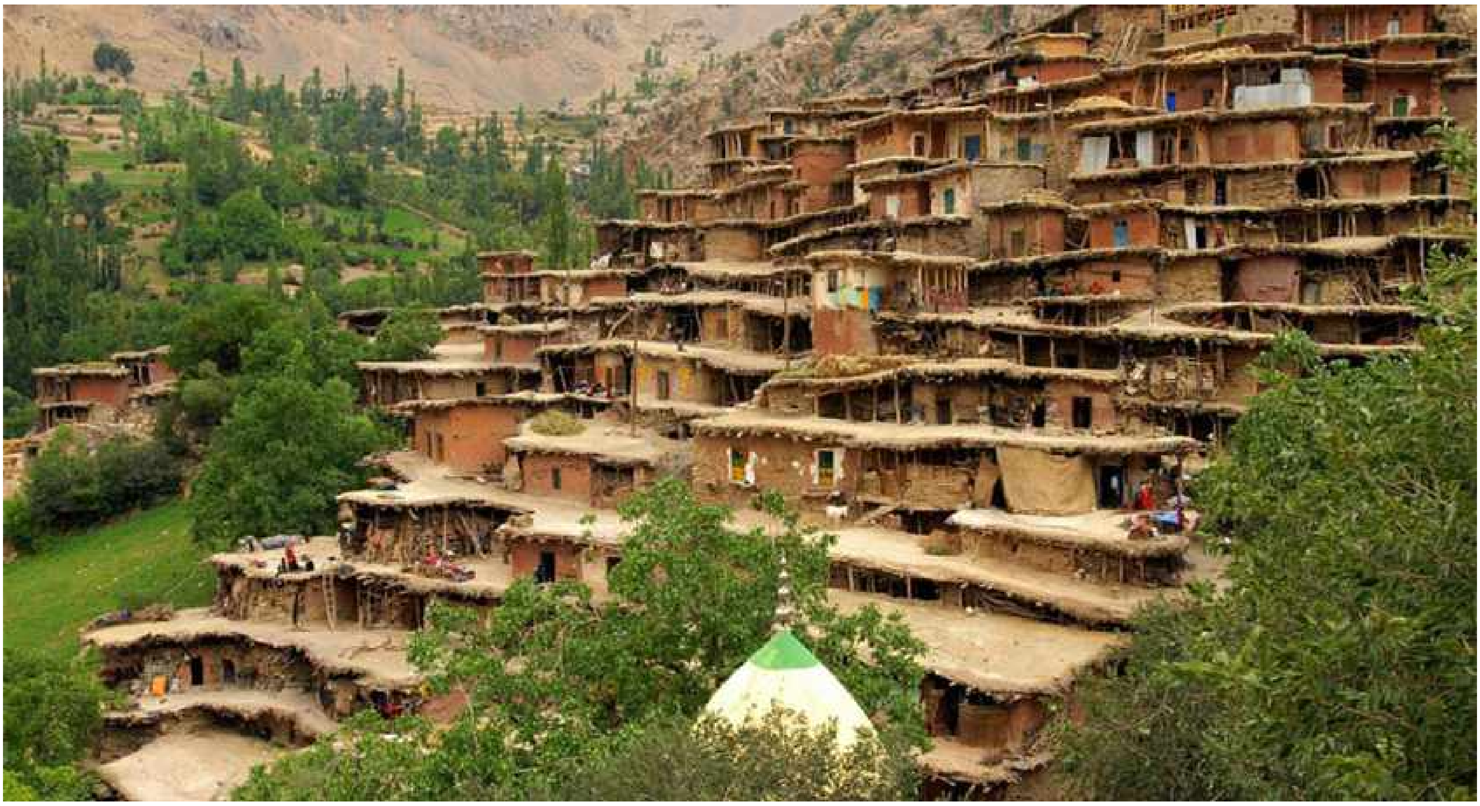


دسترسی ها:از اتوبان تهران قم به طرف آنش هر بروید سپس از اتوبان قم کاشان تا مقصد به مسیر ادامه دهید(۱۱۰ کیلومتر بعد از قم و ۲۱۸کیلومتر قبل از اصفهان)

شهری تاریخی در استان اصفهان که بزرگترین و پرجمعیت‌ترین شهرستان پس از مرکز استان اصفهان می‌باشد. از جمله نام های قدیمی این شهر می توان به مواردی از قبیل کاسیان، چهل حصاران، کی آشیان و کاه افشان اشاره کرد .این شهر زادگاه یکی از کهن‌ترین تمدن‌های جهان در منطقه ای بنام سیلک با قدمتی بیش از هشت هزار سال است.کاشان بیست و هشتمین شهر پرجمعیت ایران است. این شهر اولین تمدن یکجا نشینی و شهر نشینی را دارد. کاشان مهد تمدن و فرهنگ سنتی ایران است. این شهر دارای بیش از هشت هزار سال قدمت شهرنشینی و یکی از زیباترین شهرهای ایران است.و دارای روستاهای تاریخی و زیبا با آب و هوای ییلاقی مانند روستاهای زیبا و تاریخی قهرود و ابیانه میباشد. اقلیم این شهر که دارای دو بخش کوهستانی و کویریست آن را به یکی از سکونتگاه‌های مهم در ایران بدل ساخته‌است. آداب و رسوم گلاب‌گیری و قالی‌شویان از مراسم سنتی این شهر است که سالانه بازدیدکنندگان زیادی را به خود اختصاص می‌دهد. مراسم گلاب‌گیری معمولاً از اوایل اردیبهشت ماه شروع شده و مراسم قالی‌شویان در مهرماه هر سال در کاشان برگزار می‌گردد. از مناطق کویری کاشان می‌توان نوش آباد، سفیدشهر و... را نام برد. از مناطق کوهستانی کاشان نیز می‌توان قمصر، نیاسر، برزک و... را عنوان کرد. اسحق آباد (ساق‌آباد) روستایی بکر و زیبا در نزدیکی نیاسر مکان مناسب و خوش آب و هوایی برای کوه‌نوردی است .کویر مرنجاب نیز از دیگر جاذبه‌های اطراف کاشان می‌باشد. کاشان همانند دیگر شهرهای قدیمی ایران معماری سنتی شهری‌اش را تا اوایل قرن بیستم حفظ کرده بود، این چینش سنتی که در دوره‌های سلجوقی و صفوی شکل گرفته بود و تا دوران قاجار ادامه یافته بود، در دوره پهلوی و به ویژه نیمه دوم قرن بیستم به شدت تغییر یافت. شهر قدیمی کاشان را دیواری بلند محصور می‌کرده و رفت‌وآمد به درون شهر توسط چند دروازه صورت می‌گرفته‌است. فضای درون شهر مانند دیگر شهرهای دوران میانه اسلامی به چهار قسمت ارگ، مدارس، بازار و محلات تقسیم می‌شده‌است .قلعه جلالی (ارگ حکومتی کاشان) که در زمان سلطان ملکشاه سلجوقی ساخته شده بود، در طول قرن هجده و نوزده میلادی از میان رفته در حالی که برج‌ها، دروازه‌ها و دیواره‌های شهر در سراسر قرن نوزدهم باقی‌مانده بودند .بازار کاشان در مرکز این شهر واقع شده‌است و دیگر فضاهای شهری در دو طرف آن قرار گرفته‌اند، این بازار در دوره صفویه رونق فراوانی داشته‌است که البته در دوره قاجار میزان قابل ملاحظه‌ای از آن رونق کاسته شده. افزوده‌های جدیدتر بازار شامل تیمچه امین‌الدوله، دو مدرسه و یک مسجد است. در کاشان هزار و هفتصد بنای تاریخی شناسایی شده که از این تعداد سیصد و سیزده مورد ثبت ملی و یک مورد ثبت جهانی شده است. از بناهای تاریخی مهم کاشان که هنوز استوار مانده‌اند یا آثارشان پابرجاست می‌توان مقبره ابولؤلؤ، خانه بروجردی، خانه طباطبایی ها، خانه عباسیان، مناره زین‌الدین، آرامگاه سلطان عطابخش، مسجد عمادی(مسجد میرعماد)، مسجد جامع، مدرسه سلطانی، مسجد آقابزرگ، قلعه جلالی، حمام سلطان امیراحمد و کاروان سرای امین الدوله اشاره کرد، در همه این بناها ویژگی‌های معماری مشابه دیده می‌شود، جز مناره زین الدین که در این زمینه یکتا است. کاشان حداقل نوزده عمارت تاریخی دارد که به خوبی محفوظ مانده‌اند. این عمارت‌ها عناصر عمومی خانه‌های سنتی کاشان را دارا می‌باشند، اما نسبت به آن‌ها دارای فضاهای بزرگتر، معماری ماهرانه تر و عناصر مجلل تری هستند. از معروف‌ترین این عمارت‌ها می‌توان به خانه بروجردی‌ها، خانه بنی کاظمی و خانه مرتضوی اشاره کرد .باغ فین از معروف‌ترین فضاهای سبز کاشان است و از مهم‌ترین نمونه‌های باغ‌های ایرانی است که هنوز زنده و پابرجاست، وجود عناصر آب و درخت که عناصری پویا هستند در کنار ابنیه که عناصر ثابت معماری هستند، هویتی زنده به این اثر فرهنگی و تاریخی بخشیده‌است. این باغ در مقایسه با بسیاری از باغ‌های ایرانی مشابه، باغ فین با آب قابل توجهی مشروب می‌شود. ین مجموعه که در کنار میدان نقش‌جهان و کاخ چهلستون، بیشترین بازدیدکننده و گردشگر استان اصفهان را به سوی خود جلب می‌نماید، برخی منابع تاریخی قدمت این باغ را به دوران سلطنت آل‌بویه می‌رسانند در حالی که ساختمان باغ فین فعلی به دوران شاه عباس بزرگ نسبت داده شده.میراث فرهنگی ایران طراح باغ را غیاث‌الدین جمشید کاشانی می‌داند و منابع دانشگاهی طراح باغ را شیخ بهایی معرفی می‌کنند. باغ فین همان جایی است که به دستور ناصرالدین‌شاه، در سال ۱۸۵۲ میلادی صدراعظم معروف ایران امیرکبیر را در حمام آن به قتل رساندند. شهر زیرزمینی نوش آباد در زیر زمین ساخت شده است که عمق قسمت های مختلف آن بین ۴ تا ۱۸ متر است. در این شهر زیرزمینی کانال های متعددی وجود دارد که قسمت های مختلف آن را به یکدیگر متصل می کند. بسیاری از باستان شناسان معتقدند که این شهر برای دفاع در مقابل حملات دشمنان خارجی ساخته شده است و در واقع یک قلعه زیرزمینی نظامی است. آتشکده نیاسر یکی دیگر از جاذبه های گردشگری تاریخی شهر کاشان می باشد که قدمت آن مربوط به دوران ساسانیان و محل برگزاری آئین های مذهبی بوده است. غار نیاسر یک جاذبه گردشگری بسیار زیبای طبیعی دیگر در شهر کاشان است، این غار در نزدیکی روستای نیاسر در شهر کاشان واقع شده است و برخی از باستان شناسان قدمت آن را حدود ۲ هزار سال پیش بینی کرده اند. در این غار تونل های سنگی و پیچ در پیچی وجود دارد که به زیبایی این غار افزوده است.شهر کاشان خواهر خوانده شهرهای زیر است: بوخوم آلمان- اومئو سوئد- کازانلاک بلغارستان و سبزوار پیشنهاد می شود برای دیدن این شهر زیبا اواخر فروردین و اوایل اردیبهشت تشریف ببرید تا هم در مراسم گلاب گیری شرکت کنید و هم گرمای هوا شما را آزرده نکنند. البته اوائل مهر تا اوایل آبان نیز هوا برای سفر به اینجا مطلوب و قابل تحمل است.

۵۵-ماسوله

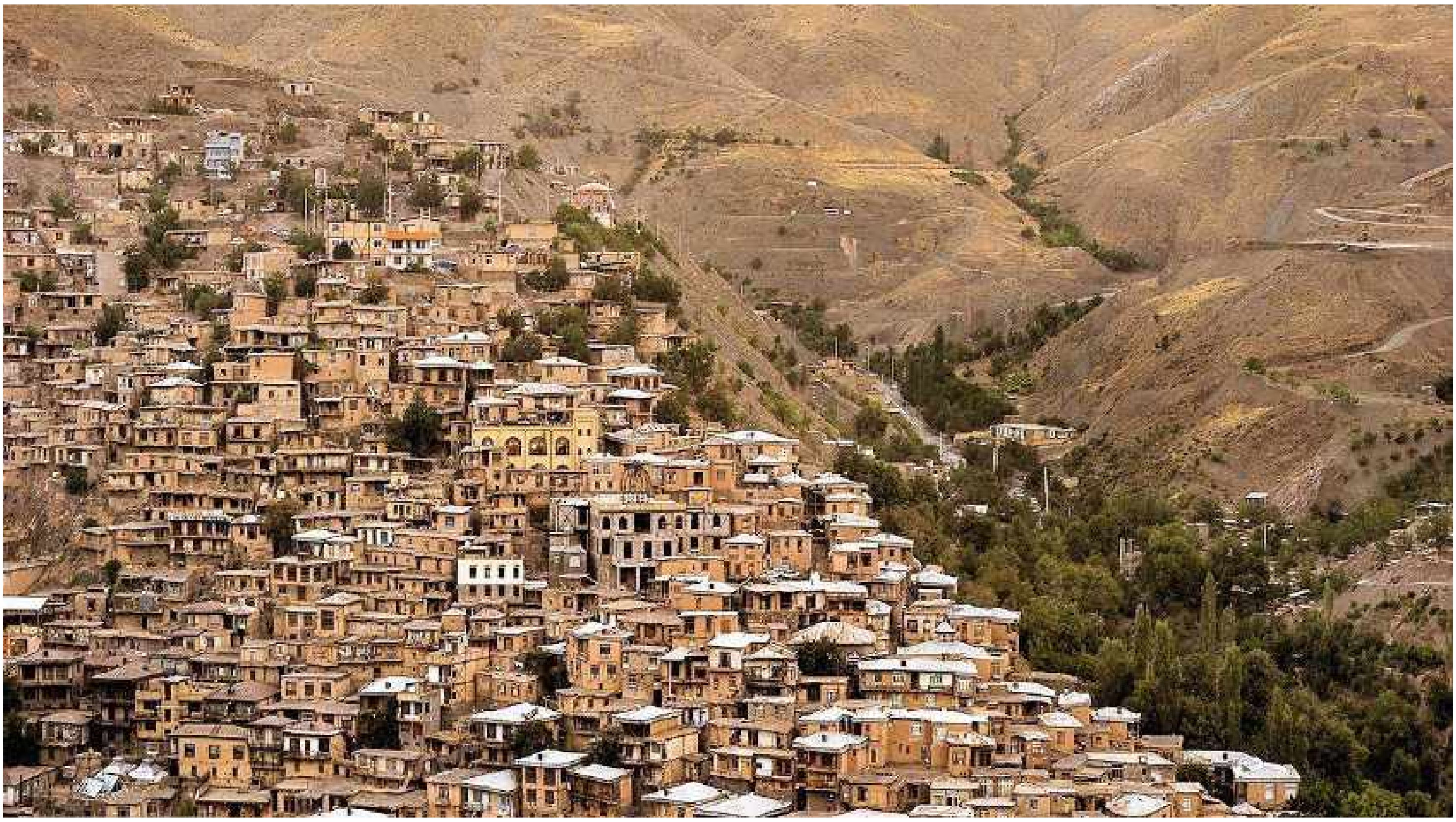




راههای دسترسی: **ماسوله در جنوب غربی استان گیلان در بخش سردار جنگل فومن۶۰ کیلومتری شهر رشت، ۳۶ کیلومتری شهر فومن و ۲۰ کیلومتری شهر ماکلوان واقع است.**

حدود سده‌ی هشتم هجری (قرن ۱۴ میلادی) مردم کهنه ماسوله که در ۸ کیلومتری شمال‌غرب این شهر واقع است به همراه مردمانی از نقاط مختلف سرزمین گسترده ایران به نقطه‌ای که هم اکنون به‌عنوان شهر نو ماسوله شناخته می‌شود کوچ کردند. این مردم فلزکاران و چرم کاران خوبی بودند . ماسوله به دنبال احداث جاده‌ی ارتباطی جدید بین گیلان و آذربایجان و نیز قحطی سال ۱۳۲۰ بیشتر جمعیت خود را از دست داد. کاروان‌سراهای شاهراه ارتباطی شمال و آذربایجان و بازار داد و ستد و صنایع فلزی و چرم آن نیز از رونق افتاد. در پی آن اکثر مردم متمول ماسوله به پایتخت و سایر شهرهای بزرگ یا به خارج از کشور مهاجرت کردند .اکنون سنگ دیوار بناهای کهنه ماسوله در ۸ کیلومتری ماسوله نو به چشم می‌خورد.زیبا ترین روستای پلکانی ایران که اکنون نام شهر به خود گرفته ، به‌عنوان یک اثر ملی در سال ۱۳۵۴ شمسی به شماره‌ی ۱۰۹۰ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. ماسوله در منتهی‌الیه منطقه‌ی مرطوب خزری، واقع در دره‌ی رودخانه‌ای قرار دارد که سرچشمه‌های آن نزدیک دومین قله‌ی بلند کوه‌های طالش (ماسوله داغ با ارتقاع ۳۰۵۰ متر) است. ارتفاع آن از سطح دریای آزاد ۱۰۵۰ متر و اختلاف بین پایین‌ترین و بالاترین نقطه‌ی این شهر کوهستانی بیش از ۱۲۰ متر است یعنی اگر بخواهید از پایین ترین نقطه این شهر تا بالاترین و آخرین خانه این منطقه بروید باید ارتفاعی ۱۲۰ متری را بالا بروید. شهر ماسوله، آمیزه‌ای از فرهنگ‌های سه‌گانه‌ی طالشی، ترکی و گیلکی و طبیعت‌های سه‌گانه‌ی جنگلی، مرتعی و کوهستانی است. همین امر، فرهنگ و معماری متفاوت ماسوله را ایجاد کرده است. ماسوله، بازاری در چهار طبقه دارد که هر چهار محله به طور مستقل به بافت بازار شهر ارتباط دارند. در حال حاضر در ماسوله بیش از ۳۵۰ واحد مسکونی وجود دارد که در گذشته (حدود صد سال پیش)، این تعداد به ۶۰۰ واحد می‌رسید .وجود بیش از ۱۲۰ واحد تجاری در محدوده‌ی بازار آن، بیش از ۶ کاروان‌سرا، دو حمام قدیمی، بیش از ۳۳ چشمه‌ی عمومی، ده مسجد و پنج امام‌زاده حاکی از رونق و شکوفایی این شهر در دوره‌های اخیر است. ماسوله دارای معماری منحصربه‌فردی است. محوطه‌ی جلوی خانه‌ها و پشت بام‌ها هر دو به عنوان پیاده‌رو استفاده می‌شوند. بافت معماری ماسوله در دوران زندیه شکل گرفته است و خیابان‌های کوچک و پله‌های بسیار، به هیچ وسیله‌ی نقلیه موتوری اجازه ورود نمی‌دهد. معماری ماسوله در یک جمله توصیف می‌شود :حیاط ساختمان بالایی پشت بام ساختمان پایینی است. تعداد طبقات ساختمان‌ها معمولا تا دو طبقه می‌رسد. زبان اصلی مردم ماسوله، به روایت خود ماسوله‌ای‌ها موسلی (moosli) است؛ که بسیار شبیه زبان تالشی، زبان مردم غرب گیلان و جنوب جمهوری آذربایجان است .تالشی نام یکی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است و همچنین به فردی که گویشور آن زبان باشد می‌گویند. زبان تالشی از خانواده زبان‌های کناره دریای خزر و به زبان تاتی نزدیک می‌باشد اما در عین حال متفاوت از هم می‌باشند. تالشی همچنین هم‌ریشه با دیگر زبان‌های کرانه خزر همچون گیلکی و مازندرانی است ولی با آن‌ها تفاوتی آشکار دارد .تات‌ها و تالش‌ها و مازندرانی‌ها و گیلک‌ها به زبان‌هایی سخن می‌گویند که در بسیاری موارد با زبان فارسی تفاوت داشته و با مادی و پارتی و اوستایی مشابهت دارد. زبان تالشی مشابهت با زبان‌های اوستایی و کردی دارد.همچنین این زبان به زبان آذری باستان نزدیک است .زبان تالشی از زبان‌های ایرانی شمال غربی محسوب می‌شود که با زبان مادی، پارتی و اوستایی و نیز با زبان آذری باستان - و نه ترکی ـ شباهت بسیاری دار..بازارماسوله آبشار ماسوله ییلاقات زیبا و بلندترین کوه استان از جمله دیدنیهای این محل استاین شهر هم‌اکنون در برابر مسائلی مانند ریزش سنگ، سیل، رانش زمین، زمین‌لرزه، تصرف به منظور توسعه عمرانی و انسانی و تخریب و... حفاظت می‌شود؛ و در صف انتظار جهت ثبت به عنوان میراث جهانی برای حفاظت بیشتر قرار دارد. ثبت جهانی ماسوله از سال ۹۰ در دستور کار قرار گرفت، اما نبود مدیریت یکپارچه شهری و وجود ۱۱ ساختمان اداره برق، آب و فاضلاب، مخابرات، هواشناسی، تعاونی صنایع دستی، درمانگاه، دو واحد تجاری، دو واحد مسکونی در حریم فضای سبز مانعی بر سر راه جهانی شدن ماسوله شده‌است. اگرچه از سال ۷۶ نواحی پایین دست بافت تاریخی ماسوله در حریم فضای سبز قرار گرفت و ساخت و ساز در آن ممنوع شد، اما مشکل ۱۱ ساختمان ناهمگون که در این قسمت این شهر تاریخی قرار دارد تاکنون حل نشده‌است. رودخانه پر آبی در اطراف ماسوله در جریان است که به ماسوله رودخان شهرت دارد و در کنار این آبشاری دیدنی با ارتفاعی در حدود ۲۰ متر قرار دارد، مسافران در این شهر ساعات خوشی را در کنار مناظر این رود و آبشار به تفریح میگذرانند. آبشارهای فراوانی در ماسوله وجود دارد که یکی از زیباترین آن ها آبشار کوشم است که در ارتفاعات این منطقه و انتهای دره جنگلی ماسوله واقع شده است. این آبشار که ارتفاعی ۳۰ متری دارد را میتوانید پس از حدود یک ساعت پیاده روی در شیب ملایمی از کوه مشاهده کنید و از مسیر زیبا که چند آبشار کوچک نیز در آن پدید آمده است لذت ببرید. خرم بو، توریشوم و لارچشمه از دیگر آبشارهای دیدنی در ماسوله اند که بازدید از آن ها خالی از لطف نیست.یکی دیگر از جاذبه های طبیعی در ماسوله پارک جنگلی این شهر است که هوای خنک و طبیعت بکر آن روح هر آدمی را به جد وامیدارد. گیاهان دارویی، درختانی نظیر راش و فندق جزئی از طبیعت این پارک هستند. مسافران میتوانند از آلاچیق ها و رستوران های این پارک نیز استفاده کنند. . ماسوله در تمامی فصول دیدنی است و در هر فصل جلوه ای زیباتر از فصول دیگر دارد. این شهر در زمره سرسبز ترین و خوش آب و هوا ترین شهرهای شمال کشور قرار بگیرد. در بیشتر روزها هوای مه آلود در ماسوله حاکم است این شهر تابستان هایی خنک و زمستان هایی پر برف دارد از این رو اگر قصد سفر به ماسوله را دارید بهترین زمان سفر از اواسط فصل بهار تا اوایل پاییز است.

۵۶-کنگ





راههای دسترسی: به مشهد بروید سپس به شهر طرقبه رفته و از طریق کمربندی آن وارد جاده روستای نغندر شوید. از این روستا نیز عبور کنید تا به آخرین روستای این جاده، یعنی روستای پلکانی کنگ برسید.

روستای پلکانی کنگ در یکی از دامنه‌های شمال شرقی ارتفاعات قله بینالود با ارتفاع ۳۲۱۱متر قرار دارد و ماسوله‌ای دیگر را از دوران قبل از اسلام به نمایش می‌گذارد.کنگ در ۱۹ کیلومتری غرب طرقبه و ۲۹ کیلومتری مشهد قرار دارد و آخرین روستا در محور دره رودخانه کنگ می‌باشد که از طریق یک جاده آسفالته در محور مشهد طرقبه نغندر به روستای نغندر و سپس شهر طرقبه و از آنجا به شهر مشهد مرتبط می‌شود. معماری و سبک ساخت خانه ها در این روستا، دقیقا همانند معماری روستای ماسوله گیلان، به شکل پلکانی است. پشت بام هر خانه، حیاط خانه دیگریست .همانند بسیاری از روستاهای کشور، مصالح مورد استفاده در خانه های این روستا، سنگ، خشت و چوب می باشد که بر روی آن لایه ای زخیم از کاهگل کشیده شده است. وستای کنگ قدمت زیادی دارد. قدمتی فراتر از اسلام و مربوط به دوران باستان .در واقع قبل از اسلام، این روستا محلی برای توقف کاروانیان و استراحت آنان در مسیر طوس به نیشابور بوده. این روستای باستانی در گذشته هایی دور به قدری شهرت داشته است که نام آن در کتب تاریخی بسیاری، از جمله مهم ترین کتب دینی آئین زرتشت مثل اوستا و بند هشن، متون دوره ساسانی و همچنین شاهنامه فردوسی به چشم می خورد.کنگ به دلیل وجود کوه‌های مرتفع درختان فراوان و نوزیدن بادهای خشک از آب و هوای معتدل برخوردار است. این روستا در دهستان جاغرق قرار دارد. کنگ در لغت دو معنا دارد: پرنده ای قوی پنجه که در مناطق کوهستانی زندگی می کند و در معنی دیگر از آن به عنوان دژی مستحکم تعبیر شده است. کوه‌ها و ارتفاعات و چشم‌اندازهای زیبای کنگ یکی از جاذبه‌های طبیعی و دیدنی حومه مشهد به شمار می رود که برای فعالیت‌های تفریحی و ورزشی مناسب است .کنگ به دلیل چشم اندازهای کوهستانی زیبا و وجود چشمه ها و درختان گوناگون بر دامنه کوهپایه های آن، بسیار مورد علاقه کوهنوردان می باشد. به دلیل استقرار سکونت گاه های آن بر روی کوهپایه ، با عنوان روستایی پلکانی و ماسوله ای خراسان شناخته شده که این موضوع نقش بسزایی در جذب توریسم خارجی داشته است. شیوه استقرار خانه ها با توجه به اقلیم، جهت باد و جهت تابش خورشید در راستای شمال شرقی – جنوب غربی است که صرفه جویی در مصرف انرژی را در پی دارد. روستای تاریخی کنگ به دلیل وضعیت خاص جغرافیایی منطقه و به دلیل وجود کوههای مرتفع و درختان فراوان و عدم وزش بادهای خشک، از آب و هوای معتدلی برخوردار است. از دیگر جاذبه های تاریخی این روستا می توان به رباط پای کوه کنگ یا رباط شاه عباسی در انتهای دره کنگ و بر روی دامنه ای مشرف به رودخانه کنگ اشاره کرد. رباط شاه عباسی در زیرزمین کنده شده و سقف آن ، هم تراز با شیب دامنه کوه است و بنا به گفته مردم روستا، روزگاری راه قدیم نیشابور به مشهد از کنار این رباط عبور می کرده است. در دل این منطقه تاریخی، رودخانه پرآب کنگ در کنار درختان میوه ، چشم انداز بی نظیری را ایجاد کرده و ارتفاعات، باغ سرسبز و حاشیه رودخانه یکی از مهمترین ظرفیت های این منطقه محسوب می شود و این منطقه به درختان میوه اش معروف است. چشم انداز این باغ ها در فصول بهار، تابستان و پاییز بسیار تماشایی است و باعث جذب گردشگران بسیاری در طول سال می شود. روستای کنگ جزئی از بخش طرقبه است و برای رسیدن به آن باید راه آسفالته طرقبه – نغندر را پشت سر گذاشت. گورستان کنگ که بر روی تپه مشرف به روستا واقع شده ، دارای سنگ قبرهای با ارزشی است و به عنوان یکی دیگر از جاذبه های تاریخی این روستا شناخته می شود. اکثر سنگ قبرها از جنس شیست است و بر روی هر قبر، دو سنگ قبر قلوه ای شکل قرار داده شده است. تاریخ قبرها بیشتر به هجری قمری است و علامت مخصوص هر متوفی به شکلهای گوناگون از جمله شانه و صورت بر روی آنها حک شده است. به دلیل قرارگیری در دامنه کوه بینالود، در پاییز و زمستان هوای این منطقه سرد است. بنابراین بهترین زمان سفر به این روستا، فصول بهار و تابستان می باشد.

۵۷-بندرکنگ



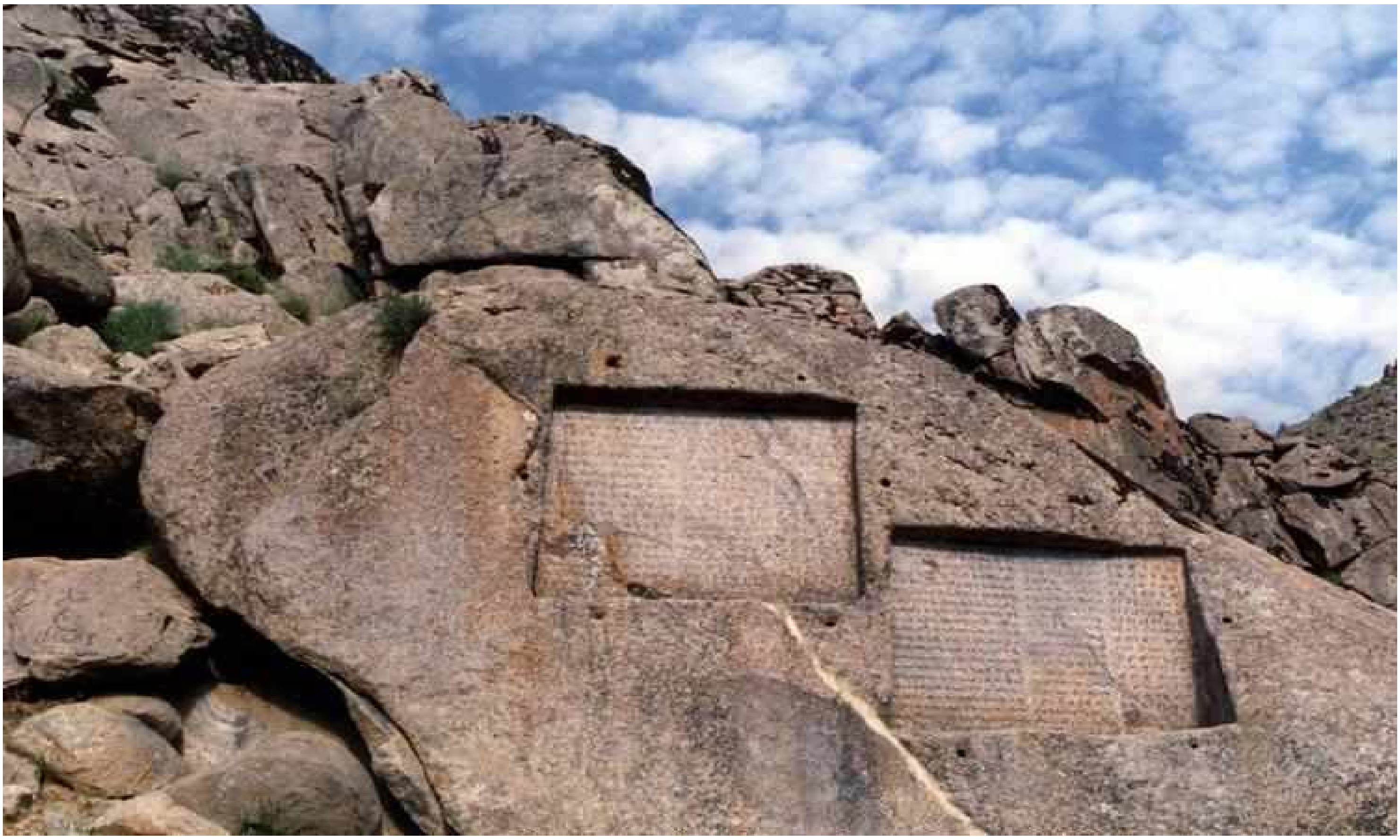


راههای دسترسی: در ۵ کیلومتری شهرستان بندرلنگه قرار دارد .از بندرعباس تا کنگ حدود ۱۶۵ کیلومتر حدود ۲/۵ ساعت است.

این بندر تاریخی و زیبا در استان هرمزگان قرار گرفته و از قدیمی ترین بندرهای ایران است که دارای جاذبه های گردشگری بی نظیری است چرا که توانسته تاکنون بافت تاریخی خود را کاملا حفظ کند. .شهر تاریخی بندر کنگ در حاشیه خلیج فارس یکی از ارزشمند ترین هسته های شکل گیری زندگی جمعی در ایران به شمار می رود.قدمت این هسته تاریخی به بیش از ۱۰۰۰ سال می رسد و در طول تاریخ بارها دچار تخریب و احیای مجدد شده است. آنچه امروز از این هسته تاریخی به جای مانده بندری زیبا با معماری منحصر به فرد است که با وجود تمام آسیب های وارد آمده در طول تاریخ,انسجام و هویت بافت تاریخی آن حفظ شده و مانند نگینی در حاشیه خلیج فارس خود نمایی می کند. در کنگ تعداد زیادی مسجد و مغازه های گوناگون وجود دارد، بیشتر اهالی بندر کنگ به زبان فارسی صحبت می کنند ولی نوشته‌هایشان به زبان عربی می نویسند. در زمان های دور همانطور که می دانید منطقه ی جنوبی ایران تحت تصرف پرتغالی ها بوده و بر مناطق اطراف آن تسلط کامل داشته اند و در آن دوران بند کنگ یکی از مراکز مهم در دولت پرتغال به شمار می رفته و انبوهی از کشتی های بزرگ پرتغالی در آب های بندر کنگ لنگر می انداخته اند. یک قلعه بزرگ به عنوان مرکز حکومت در آنجا وجود داشت که اکنون نیز آثاری از آن در کنار دریا در زمان جزر آب دیده می‌شود. فاصله ی بندرکنگ تا بندرعباس حدود ۱۶۵ کیلومتر است. بندر گنگ دارای مساحتی برابر با ۵ کیلومترمربع می باشد. این شهر آب و هوایی بسیار گرم و مرطوب دارد همان‌طور که از نام این شهر بر می‌آید، بندرکنگ یک بندر است و در نزدیکی دریا قرار دارد. این بندر جنوبی ایران در گذشته این شهر مکانی برای تجار بود و کشتی‌های بزرگی نیز در آن پهلو می‌گرفتند که از آن‌ها برای تجارت به هند، بصره، ممباسا و کشورهای آفریقایی استفاده می‌شد. تجار این منطقه خرما، الورد، المستکی، جوز، لوز و سجاده به کشورهای مقصد می‌بردند و از آنجا نیز چوب، چای و پارچه وارد می‌کردند. اکثر تاجرهایی که به این بندر می آمدند تا تجارت کنند در این شهر خانه ای برای خود می ساختند که در بالا همه آن ها بادگیرهای زیبایی وجود دارد و در حال حاضر برخی از آن ها باقی مانده و به عنوان جاذبه ی گردشگری برشمرده می شود. قلعه لشتیان یکی دیگر از قلعه هایی است که در این منطقه وجود دارد و گفته می‌شود راهی زیرزمینی بین آن و قلعه پرتغالی‌ها وجود داشته است و از این مسیر برای رفتن به قلعه دیگر یا رساندن تجهیزات در هنگام جنگ استفاده می‌شد. برای اینکه بخواهید در این شهر بندری به گشت و گذار بپردازید باید بدانید که تقریبا ۵۶ هکتار از آن را بافت های تاریخی در بر گرفته است. در این منطقه می توانید با توجه به شرایط آب و هوایی که دارد بادگیرها و منظره های زیبایی از دریا در این شهر قابل تماشا است که هر کدام می توانند تجربیات سفری عالی را برای شما به ارمغان بیاورند. از دیگر جاذبه های گردشگری این منطقه می‌توان به قلعه لشتان، موزه مردم شناسی، موزه شخصی محمد ابراهیمی، مجسمه لنج مسی: از سال ۱۲۷۳ تاکنون لنجی شخصی در بندر کنگ ساخته شده است که حدود ۷۰۰ تن ظرفیت داشته است. این لنج ابعاد بسیار بزرگی داشته و بخش زیادی از آن در زیر آب قرار گرفته است و همین بخش را نیز با ورق‌های مسی پوشانده اند. این لنج مسی برای مقاصد تجاری مورد استفاده قرار می‌گرفت و ۶۰ نفر سرنشین و ۲ ناخدا داشت که وسایل مختلف را به آفریقا، هندوستان، پاکستان و یمن حمل می‌کرد. در سال ۱۳۲۲ یک هواپیمای ژاپنی از این لنج فیلم برداری می کند و پس از آن زیردریایی این کشور به لنج حمله می برد و آن را بین می برد. در حال حاضر در همان بخشی که این لنج ساخته شده بود، تندیسی از آن را به یاد قربانیان آن حمله ساخته‌اند که نمادی از حدود ۱۱۳ سال پیش است. پارک جنگی، خانه هنرمندان، خانه صنایع دستی، قلعه پرتغالی‌ها، خانه گلبتان: یکی دیگر از جاذبه های گردشگری که در جنوب ایران قرار دارد خانه گلبتان است که از دوران قاجار تاکنون در این منطقه وجود دارد. این خانه در حیاط مرکزی شهر تشکیل شده که اتاق های زیادی دورتادور آن را فرا گرفته است همچنین چندین بادگیر در آن هم در آن وجود دارد، این خانه بسیار زیباست و طاق‌ها و گچبری‌های آن نیز بر این زیبایی می‌افزایند. لازم به ذکر است که خانه گلبتان در سوم اسفند ماه ۱۳۷۷ با شماره ثبت ۲۲۲۹ به عنوان اثر ملی ایران ثبت شد. برج مدور، برکه پنج تا، برکه دریا دولت: در بندر کنگ در جنوب ایران مردم محلی این منطقه به برکه ای که در آن وجود دارد برکه دریا می گویند و این آب انبار را که محلی برای جمع آوری آب به صورت دایره ای است را برکه ی دریا دولت می نامند. قطر این برکه ۲۸ متر است و عمق آن ۱۴ متر است. نیمی از این آب انبار دارای سقف است اما به دلیل بزرگی، نیمه ی دیگر آن سقف ندارد. انتخاب نام دریا دولت نیز برای این آب انبار از بزرگی آن نشات می‌گیرد. بازار ماهی فروشان و جنگل‌های حفاظت شده آکاسیاتورتلیس اشاره کرد. پیشنهاد می کنیم که حتما در فصل های بهار ،پاییز و زمستان به اینجا بروید.

۵۸-همدان





راههای دسترسی: شهری در غرب ایران و در سر راه کرمانشاه

این شهرسردسیر در دامنه‌ی کوه الوند واقع شده و در گذشته اسامی مختلفی مثل اَمدانه، هگمتانه، اکباتان، آمدانه، آنادانا و ...نامیده می شده است و نام همدان ظاهرا برگرفته از آمدانه یا آمادای به معنی محل تجمع و سکونت مادها می باشد. همدان اولین پایتخت نخستین شاهنشاهی ایران، مادها و قدیمی ترین شهر ایران بدست دیا آکو پادشاه ماد ها که در حدود ۷۰۰ سال قبل از میلاد مسیح زندگی می کرده ساخته شده است. همچنین در روزگار هخامنشیان ، اشکانیان ، ساسانیان ، آل بویه و سلجوقیان نیز یکی از پایتخت‌های کشور بوده‌است. در سال ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ای همدان را «پایتخت تاریخ و تمدن ایران» اعلام کرد. قله‌ی الوند که در فهرست میراث طبیعی ایران ثبت شده، معروف‌ترین کوه همدان است. برخی از دیدنیهای این شهر عبارتند از: غار علیصدر: معروف‌ترین غار آبی ایران که در فهرست میراث طبیعی ایران به ثبت رسیده در تابستان‌ها هوایی خنک دارد و در زمستان‌ها گرم است. این غار به گفته بسیاری طولانی ترین مسیر قایقرانی درون غار در جهان را دارد و در حدود ۷۵ کیلومتری شمال غربی شهر همدان در شهرستان کبودرآهنگ است.آرامگاه ابوعلی سینا: یکی دیگر از معروف ترین جاذبه های گردشگری همدان آرامگاه طبیب و فیلسوف مشهور ایرانی یعنی شیخ الرئیس بوعلی سینا است که به نماد و سمبل شهر همدان تبدیل شده است .آرامگاه ابوعلی سینا در مرکز شهر همدان و در وسطِ میدانی به همین نام قرار گرفته و مسافران در مسیر بازدید از جاذبه های دیگر می توانند از این آرامگاه زیبا و سرسبز هم دیدن کنند.آرامگاه باباطاهر: که به باباطاهر عریان معروف است یکی دیگر از جاذبه های گردشگری همدان است که در میدانی مستطیل شکل و سرسبز و مشجر در شمال غربی شهر قرار گرفته است. باباطاهر یکی از شعرا و عرفای بزرگ قرن چهار و پنجم است و امروزه دوبیتی های مشهورش که با لهجه لکی سروده زبانزد خاص و عام است. گنبد هشت ضلعی و فیروزه ای بسیار زیبای این آرامگاه در سال ۱۳۴۴ ساخته شده و ترکیبی هنرمندانه از معماری های قرن هفت و هشت و معماری مدرن است. کتیبه های گنج نامه: کتیبه ها یا سنگ نبشته های گنجنامه دو لوح سنگی به جا مانده از دوران داریوش و خشایارشای هخامنشی است که در یک از صخره های کوهستان الوند در منطقه گنجنامه حکاکی شده است. این کتیبه ها را شاید بتوان مهم ترین دلیل برای شهرت و معروفیت این منطقه دانست. این کتیبه ها در سه ستون ۲۰ سطری و به زبان های پارسی باستان، بابلی و عیلامی نوشته شده اند. آبشار گنج نامه: آبشار گنجنامه در مسیر صعود به قله الوند و در نزدیکی کتیبه های باستانی قرار گرفته است و ۱۲ متر ارتفاع دارد. این آبشار در فصل بهار و تابستان باعث خنک شدن و تلطیف هوا می شود و در زمستان ها هم کل این آبشار به قندیل های کوچک و بزرگ بسیار زیبایی تبدیل می شود . تپه هگمتانه: هگمتانه پایتخت پادشاهی مادها و بعدها پایتخت تابستانی هخامنشیان بوده و در کتب یونانی از آن به اکباتان نام برده شده است. شهر هگمتانه نخستین پایتخت ایران بوده و یکی از معدود شهرهای کهن باستانی است که هنوز هم مهم و پابرجا باقی مانده است. تپه هگمتانه در قسمت شمالی و در بافت قدیمی و بازار همدان، در انتهای خیابان اکباتان قرار گرفته و شهری زیرزمینی به قدمت سه هزار سال را در خود جای داده است. کاوش های باستان شناسی مختلف که در طول سالیان مختلف انجام شده ابعاد بیشتری از این شهر بزرگ و باستانی را کشف کرده و آثار و اشیاء به دست آمده از این حفاری ها در موزه هگمتانه در معرض نمایش عموم قرار دارند که می توانید از آن ها دیدن کنید. کلیسای گریگوری استفان: اگر به دیدن تپه هگمتانه رفتید در انتهای محوطه به کلیسایی قدیمی به نام کلیسای گریگوری استپان یا استفان قرار گرفته است. این کلیسا در محله قدیم ارامنه قرار دارد که امروزه بخشی از مجموعه و محوطه تاریخی هگمتانه به شمار می رود. گنبد علویان: در نزدیکی میدان امامزاده عبدالله قرار گرفته و یکی از شاهکارهای معماری و تاریخی دوره سلجوقیان است. این گنبد توسط خاندان علویان و در ابتدا به عنوان مسجد ساخته شده و بعدها قسمت سرداب این بنا به مقبره خاندان تبدیل شده است. گنبد علویان در مسیر آرامگاه باباطاهر و تپه تاریخی هگمتانه قرار دارد و به دلیل موقعیت و دسترسی آسانش بازدیدکنندگان زیادی را به سمت خود جذب می کند. مقبره ایستر و مردخای: دومین محل مورد احترام یهودیان جهان ،این آرامگاه محل دفن ملکه استر، همسر خشایارشا و عموی او مردخای است که نقش مهمی در حفظ جان یهودیان و جلوگیری از نسل کشی آن ها داشته است . حمام قلعه: به سبک معماری ایرانی اسلامی ساخته شده است. اکنون به موزه و بخشی از آن به رستوران سنتی تبدیل شده و در مرکز شهر همدان و در یکی از محله های قدیمی به نام قاشق تراشان قرار گرفته است . میدان امام خمینی: میدان اصلی و مرکزی شهر همدان میدان امام نام دارد که به دلیل نقشه و طراحی منحصر به فردش شهرتی جهانی دارد. اینجا توسط مهندسی آلمانی به نام کارل فریش طراحی و اجرا شده و برخلاف تمام میادین شهری، به جای ۴ خیابان از ۶ خیابان تشکیل می شود که در امتداد نقشه شهری با یکدیگر مرتبط می شوند.مجسمه شیر سنگی: به سنگ شیر هم شهرت دارد یک تندیس سنگی به شکل شیر است که امروزه در گوشه ای از میدان سنگ شیر قرار گرفته است. تا قبل از حمله اعراب به ایران این تندیس شیر به همراه قرینه اش در دروازه شهر همدان قرار گرفته بود و اعراب هنگام فتح همدان آن را باب الاسد به معنای دروازه شیر نامیدند .برج قربان: محل دفن حسن بن عطار حافظ ابوالعلا همدانی و گروهی از امرای سلجوقی است که در حد فاصل خیابان شهید مدنی و خیابان طالقانی همدان قرار گرفته است و به دلیل معماری آجری و خاصش شهرت زیادی دارد .بازار سنتی همدان،آرامگاه عین‌القضات، مسجد جامع ،موزه تاریخ طبیعی ،تپه های عباس آباد، باغ عمارت نظری ، روستای وَرکانه ،پیست اسکی الوند،سد اکباتان،دهکده تفریحی گردشگری گنج نامه ، خانه شهبازیان،حمام امیر افخم و...می‌تواند در لیست بازدید شما جا بگیرد. اگر از سرما فراری هستید، بهترین زمان سفر به همدان از اردیبهشت تا انتهای شهریور است.

۵۹- کرمان





راههای دسترسی:شهری تقریبا در جنوب ایران و پس از شهرهای یزد و رفسنجان

کرمان در گذشته اسامی مختلفی مثل کارمانیا ،کارمانا،کرمانیا، گواشیر،کجاران و ...نامیده می شده است. و به دلیل موقعیت خاص تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی خود همیشه به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز گردشگری و توریستی ایران مطرح بوده و پنجمین شهر تاریخی ایران است.برخی از دیدنیهای این شهر عبارتند از: حمام گنجعلی خان: گنجعلی خان فرد مهمی بود و از سال ۹۷۵ تا ۱۰۰۴ شمسی (همزمان با حکومت شاه عباس صفوی) حاکم شهر کرمان بود. او برای رفاه مردم شهر سازه های زیادی را بنا کرد که حمام نیز یکی از آن ها است .این مورد از جاذبه های کرمان حدود ۱۱۰۰۰ متر مربع وسعت دارد و شامل بخش های مختلفی از جمله حمام، مسجد، آب انبار، گرم خانه و ... می شود. با توجه به اهمیت تاریخی و ویژگی های معماری سازه در تاریخ اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۷، نامش در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید. جالب است بدانید که تا قرن اخیر و سال ۱۳۱۶ مردم برای استحمام به این جا مراجعه می کردند سرانجام در سال ۱۳۴۷ مورد بازسازی قرار گرفت و به موزه مردم شناسی تبدیل شد. بازار وکیل: این قسمت از بازار توسط اسماعیل خان وکیل الملک (پسر فتحعلی خان نوری) ساخته شده است. او پیشکار شاهزاده (ولیعهد محمد میرزا) بود و یکی از بزرگ ترین تاجران شهر کرمان. مجموعه وکیل که دارای کاروان سرای وکیل، بازار وکیل، حمام وکیل، مسجد وکیل و آب انبار وکیل است تنها بخشی از سازه های اوست. بازار وکیل دارای تمامی پارامترهای بازاری ایرانی است و یکی از دیدنی ترین بخش های بازار کرمان است.گنبد جبلیه: گنبد جبلیه یکی از اسرار آمیزترین جاذبه های کرمان است و هنوز سرگذشت آن مشخص نیست. برخی می گویند که در اواخر دوره ساسانی احداث شده و در اوایل دوران پس از اسلام مرمت گردیده است، گروهی دیگر آن را به سلجوقیان نسبت می دهند. علاوه بر تاریخ نا معلوم کاربری اولیه گنبد جبلیه هم بر ما روشن نیست و معلوم نیست که ابتدا آتشکده بوده یا مقبره بزرگان دین زرتشت و روایت دیگری نیز می گوید سید محمد تباشیری در آن دفن شده است. در هر حال گنبد جبلیه به گنبد گبری نیز معروف است و در سال ۱۳۸۳ تبدیل به موزه سنگ شد. باغ فتح آباد: از جاذبه های کرمان که متعلق به دوران قاجاریان است می توان به باغ عمارت فتح آباد یا بیگلر بیگی اشاره کرد. فاصله آن تا مرکز شهر ۲۵ کیلومتر بوده و در سال ۱۳۸۱ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید. در توضیحات آن لازم است بگوییم که وسعت باغ ۱۳ هکتار است که ۱۵۰۰ مترش را ساختمانی به سبک ایرانی اروپایی ساخته اند. انعکاس ساختمان در حوض زیبای جلویش بسیار با شکوه است و می توانید عکس های زیبایی را این جا بگیرید. از بخش های مختلف آن می توان به ساختمان اصلی اشاره کرد که دو طبقه است و دارای طاق نماهایی در اطراف می باشد، برای ساختش از خشت خام و ملات استفاده شده است. موزه حکام کرمان، اتاق نقاشی، عمارت چهار فصل و زمین های کشت داروهای گیاهی از بخش ها دیگر این جاذبه هستند. بازار کرمان: یکی از مهم ترین جاذبه های کرمان یا هر شهر و کشوری که به سفر می کنیم بازار است. محلی که می توان با فرهنگ مردم منطقه بیشتر آشنا شد و صنایع دستی آن ها را تهیه کرد تا همیشه یادگاری از این سفر داشته باشیم یا آن ها را به عنوان سوغاتی به دوستان و آشنایان مان هدیه دهیم. بازار کرمان علاوه بر ویژگی های بالا نوعی جاذبه تاریخی نیز محسوب می شود. تاریخ ساخت قسمت عمده آن به قرن هشتم باز می گردد و در فهرست آثار ملی کشور نیز ثبت شده است. این جا طولانی ترین راسته بازار ایران است و می توانید ساعت ها در کوچه و پس کوچه هایش گردش کنید. بیش از ۶۰ درصد دیدنی های شهر به نحوی به بازار متصل شده اند. باغ هرندی: این مورد از جاذبه های کرمان در سال ۱۲۹۰ قمری توسط محمد رضا خان عدل السلطان از نظامیان رده بالای کرمان ساخته شد. ۲۳ سال بعد ابوالقاسم هرندی باغ ۲۵ هزار متری را به مبلغ ۴۰ هزار تومان خریداری کرد. رضاخان در مسیر سفر تبعیدی خود چند روزی را این جا توقف کرد که از دلایل شهرتش شد. سال ها بعد یعنی سال ۵۴ مالک باغ را به وزارت فرهنگ و هنر اهدا کرد. مدتی از آن برای ساختمان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهر استفاده می شد و اما در حال حاضر دو موزه سازهای سنتی و باستان شناسی در طبقات اول و دوم عمارت ساخته شده اند. مانند دیگر دیدنی های شهر ،باغ هرندی هم سال ۱۳۵۴ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید. موزه مردم شناسی زرتشتیان : این جا تنها موزه مردم شناسی زرتشتیان در سراسر جهان بوده و در سال ۱۳۸۰ ساخته شده است. تا قبل از آن بنای مجموعه آتشکده ای متعلق به منزل مسکونی جهانگیر اشیدری (ساخته شده در سال ۱۳۰۳ خورشیدی) بود. موزه در حال حاضر ۸ هزار متر مربع وسعت دارد و دارای بخش های مختلفی از جمله سالن کنفرانس، ساختمان آموزشی، سالن اجتماعات، کتابخانه، مرکز کامپیوتری و مرکز پشتیبانی است. داخل مجموعه اشیایی متعلق به زرتشتیان با قدمت حدود ۲۰۰ سال نگهداری می شوند. علی رغم این که نامش در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده در حال حاضر در شرایط خوبی نگهداری نمی شود. مسجد جامع کرمان: که با اسم مسجد جامع مظفری نیز شناخته می شود بیش از ۷۰۰ سال قدمت دارد .طبق اسناد موجود مسجد خارج شهر ساخته شده بود و با گذشت سال ها و بزرگ تر شدن منطقه شهری داخل شهر قرار گرفته است. نام مظفری برگفته از مبارزات محمد مظفری میبدی با قوم جرمان اوغان است. او نذر کرده بود که اگر زنده ماند مسجدی را به یادگار بسازد. مسجدی چهار ایوانی با کاشی کاری هایی تماشایی. در طول صده های گذشته مسجد بارها خسارت دیده و بازسازی شده است اما آثار عمده به جا مانده بر روی دیوارهای آن متعلق به شاهرخ در زمان شاه عباس صفوی و تقی خان درانی در دوران زندیه است. در سال ۱۳۱۵ نام این مورد از جاذبه های کرمان در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید. مسجد ملک،یخچال زریسف،تخت دریا قلی بیک،باغ شازده ماهان، قبرشاه نعمت الله ولی ،ارگ راین، ارگ بم، کلوت ها،سرو سیرچ و... از جاذبه های دیگر و دیدنی کرمان و اطراف آن هستند. بهتر است در فصول غیر گرم و ترجیحاً در بهار به کرمان و اطراف ان سفر کنید.

۶۰- بسطام ، خرقان(شاهرود)

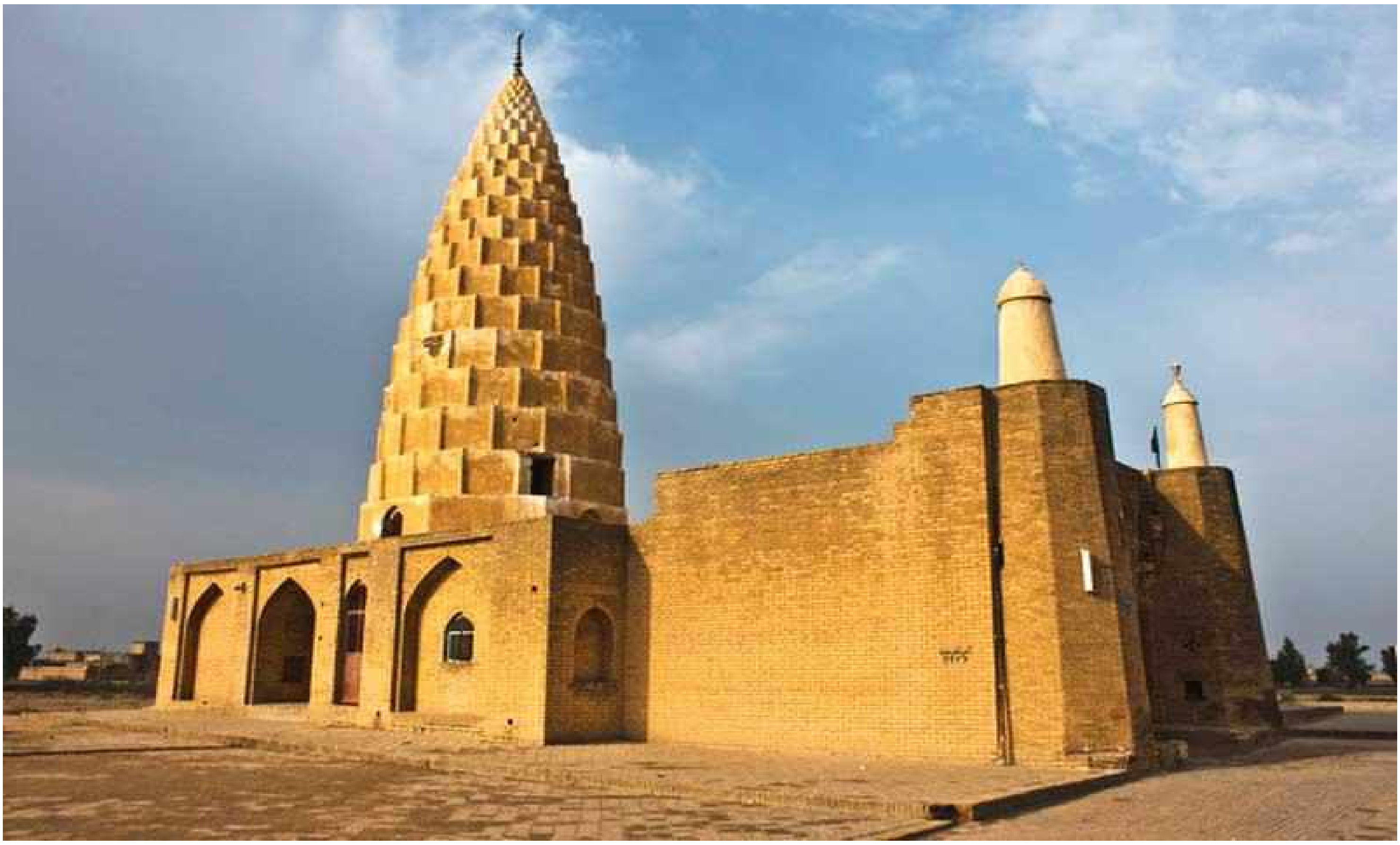




راههای دسترسی:بسطام در۶ کیلومتری و خرقان در ۲۳ کیلومتری شمال شرقی شاهرود قرار دارند

قدمت بسطام به ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد که این تاریخ را هم از آثار یافت شده در تپه معروف سنگ چخماق در شمال بسطام تخمین زده‌اند. در گذشته این شهر دو رشته قنات داشته که آب قنات ها شیرین و گوارا بوده‌اند ولی قنات صادق خان که قدمتش به ۵۰۰ سال می‌رسد از اهمیتی بسیاری برخوردار است. سطام شهری با چنارهای تنومند و باغ‌های مصفا است که علاوه بر دیدنی‌های تاریخی، جاذبه‌های طبیعی بسیاری نیز دارد. آب و هوای بسطام در تابستان خنک و در زمستان سرد و خشک است. بسطام از یک سو با کوه‌های شاهوار همسایه است که این بخش از شهر زمستان‌های سردی دارد و از طرف دیگر با کویر طلاقی دارد که این قسمت از شهر آب و هوای کوهپایه‌ای و بسیار مطبوعی دارد. این شهر علاوه بر آب و هوای مطبوعی که دارد، به دلیل اینکه زادگاه و آرامگاه یکی از عارفان بزرگ ایران به نام بایزید بسطامی است، در میان مقاصد محبوب گردشگران عرفانی قرار گرفته است. مجموعه آرامگاه بایزید بسطامی مجموعه زیبا و وسیعی است که از دوران سلجوقیه باقی مانده است. بایزید بسطامی یکی از بزرگ مردان عرفان است که در شرح احوالش، بزرگان و شخصیت‌های بسیاری گفته و نوشته‌اند. بایزید از عارفان قرن دوم و سوم هجری بوده و پدرش از زرتشتیان بسطام بوده که بعد به اسلام روی آورده است. گفته می‌شود بعد از دفن بایزید در این محل در قرن سوم هجری، تا قرن هشتم هجری هیچ بنایی بر روی آرامگاه بنا نشده است. در قرن هشتم هجری غازان خان دستور می‌دهد که همزمان با بنای بقعه‌ای برای مزار امامزاده محمد، بقعه‌ای نیز برای آرامگاه بایزید ساخته شود تا بازمانده جسد وی بدان جا منتقل شود که این انتقال به دلایل نامعلوم صورت نگرفته است. در نزدیکی مجموعه تاریخی بسطام و در قسمت جنوبی آن مسجد جامع قرار دارد .این مسجد نیز توسط غازان خان در قرن هشتم هجری ساخته شده است. مسجد دارای صحن مستطیل شکل روباز و دو شبستان زمستانی و تابستانی است. ضلع جنوبی صحن روباز دارای سه دهنه است که بوسیله درگاه هایی با طاق‌های دالره تیزه دار به هم مربوط می‌شوند. بر ایوان مرکزی محراب گچبری زیبایی دیده می‌شود که دارای کتیبه‌های قرآنی است. در قسمت جنوبی مجموعه بایزید بسطامی آرامگاه یکی از فرزندان امام صادق (ع (واقع شده است. بنای اولیه این بقعه مربوط به دوران غازان‌خان است، ولی بنا در دوران الجایتو تعمیر و مرمت شده است. ایوان امامزاده بلند و دارای تزئینات آجری فوق العاده زیبایی در نمای خارجی و همچنین دری از چوب مشبک ساده است. در قسمت بالای ایوان کتیبه‌ای با گچبری‌های ظریف و یک ردیف مقرنس ساده به چشم می‌خورد. سقف ایوان نیم‌گنبد است که از دو گوشواره تشکیل شده و شامل نقاشی‌هایی به شکل ستاره‌های شش پر است. در مجموعه آرامگاه بایزید بسطامی و در جنوب شرقی مسجد جامع بسطام برج کاشانه واقع شده که ارتفاع آن از داخل ۲۴ متر و از بیرون ۲۰ متر است و شکل خارجی آن ۳۰ ضلعی لبه دار و تا زیر گنبد ادامه پیدا می‌کند. در اطراف و سردر دالان کوچکی که شبستان مسجد را به در ورودی برج متصل می‌سازد، آیه الکرسی و حدیثی از پیامبر گچبری شده است. فضای داخلی برج ده ضلعی است که برروی آن‌ها طاق نماهای تزیینی کم عمقی کار شده است. در قسمت بالای برج بر دو حاشیه از آجرهای بزرگ نوشته‌ای به خط کوفی دیده می‌شود. در بخش گنبد داخلی آجرچینی و بندکشی بسیار استادانه و ظریفی اجرا شده است. کی از زیباترین مدارس علمیه استان سمنان را می‌توانید در بسطام ببینید .مدرسه شاهرخیه در شرق مجموعه و به صورت دو طبقه با ۲۸ حجره و معماری بسیار زیبایی احداث گردیده است. به دلیل اینکه این مدرسه در دوران شاهرخ تیموری ساخته شده، به نام وی شهرت یافته است. مدرسه دارای صحن مستطیل شکلی است که دارای حجره‌هایی در اطراف آن می‌باشد .جلوی تمام حجره‌ها ایوان وجود دارد که در فصل تابستان از آن برای تدریس و بحث استفاده می‌شده است. در طبقه دوم بین ایوان‌ها درگاهی وجود دارد که تمام ایوان‌ها را به هم متصل می‌کند. نمای شمالی مسجد دارای سه در بلند با طاق جناغی است. در طرفین سردر، دو طاق‌نمای عمیق به چشم می‌خورد که طاق نمای سمت چپ دارای مقرنس‌های گچی جالبی است. حمام تاریخی بسطام در ضلع جنوب شرقی مدرسه‌ی شاهرخیه واقع شده است. این بنا که در دوران قاجار احداث شده، همان طرح معمول حمام‌های قاجاری در آن اجرا شده است. سربینه مفصل حمام در پس دالان واقع شده است. مهمترین آثار دیدنی قلعه نو خرقان آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی، کهنه قلعه (ساسانی) ، قلعه شهر آباد (کاروانسرا – قاجار)، برج و باروی قلعه نو (قاجار)، یخدان‌ها (قاجار) تپه کولی می باشند. آرامگاه ابوالحسن خرقانی مربوط به سده ۵ هـق است. مجموعه آرامگاه با توپوگرافی جالب به صورت باغ ایرانی است و نهر آبی از کنار آن روان است و در کنار آن مکانی برای استراحت گردشگران در نظر گرفته‌اند. ساختمان آرامگاه از آجر ساده و لعابدار است. روی قبر خرقانی یک قطعه سنگ مرمر است که اشعاری بر آن حک شده‌است. در کنار این آرامگاه مسجدی بوده‌است که برابر نوشته برخی از مؤلفان دارای گنبدی مخروطی شکل و آراسته به کاشی‌های زیبا و نیز دو محراب بوده‌است. هم‌اکنون از مسجد و گنبد یاد شده فقط یکی از دو محراب آن باقی مانده‌است که بر خلاف مسجدهای دیگر این نواحی رو به باختر است. محراب مذکور دارای گچبری‌های زیبا و استادانه است. چندی پیش از انقلاب اسلامی با نظر اداره کل باستان‌شناسی در اطراف محراب یادشده و بر پایه آن مسجدی بنا شده‌است که اکنون نیایشگاه زائران ابوالحسن خرقانی و مورد استفاده آن‌ها هنگام توقف در آن مکان است. این اثر در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۴۶ با شماره ثبت ۶۴۵ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌است. بسطام و خرقان روزگاری یکی از مهمترین مراکز عرفان اسلامی بوده و امروزه جزو مقاصد محبوب در میان گردشگران علاقمند به عرفان هستند. در کتاب منتهی الارب در وصف بسطام این‌گونه آمده است که: در آن شهر کسی را درد چشم و عشق عارض نشود و اگر عاشق وارد آن شهر گردد از عشق تسلی یابد. سفر به بسطام به منظور سفر روح و جسم می‌تواند پیشنهاد خوبی در فصل بهار و تابستان باشد.

۶۱- دزفول و بافت قدیمی آن

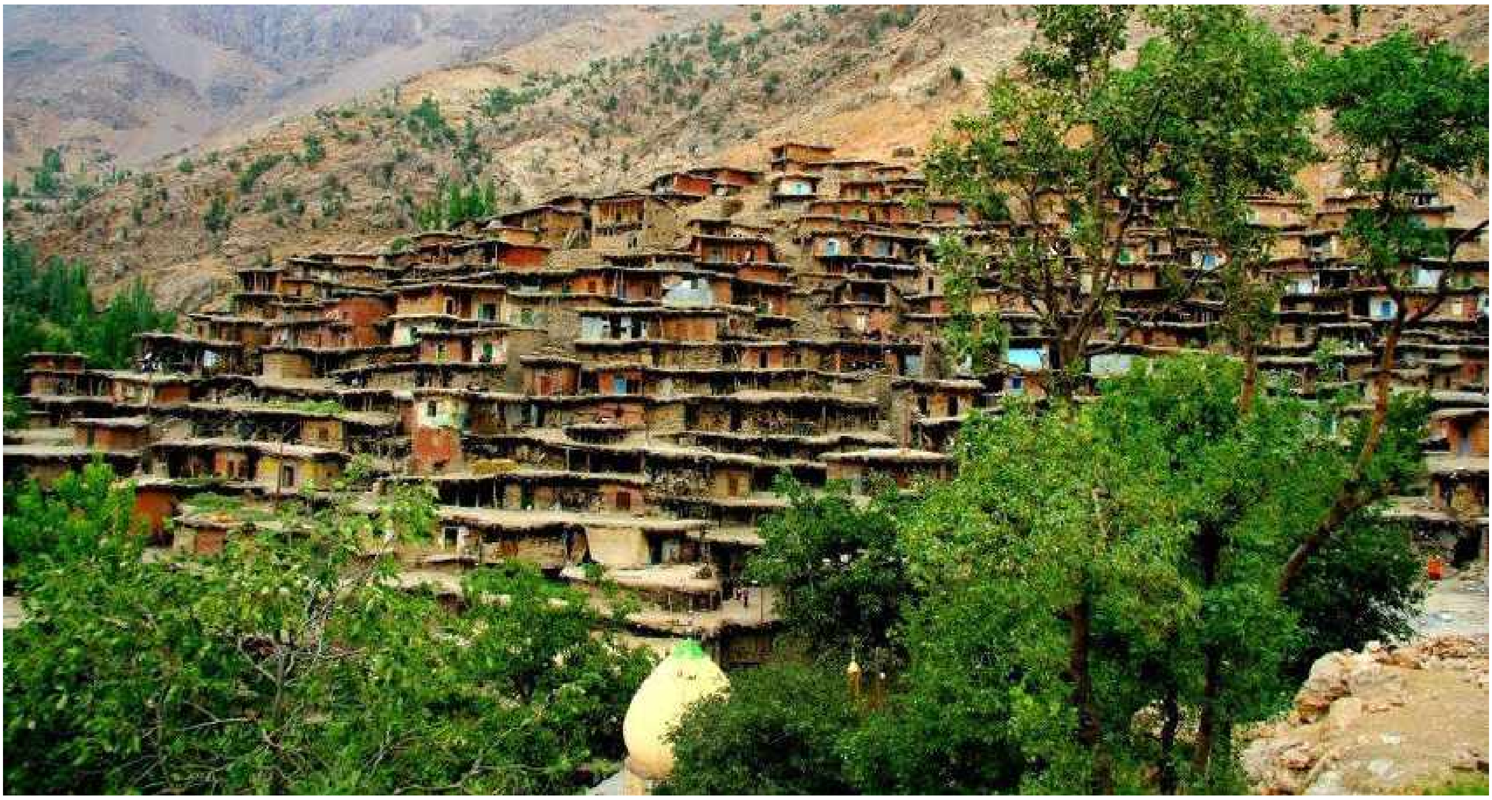




راههای دسترسی : شهری تقریبا در جنوب غرب ایران

دزفول از کهن‌ترین شهرهای جهان و دومین شهر بزرگ استان خوزستان است.بافت تاریخی دزفول یکی از معدود بافت‌های تاریخی ارزشمند کشور محسوب می‌شود که با وجود همه تغییرات فرهنگی در نحوه معیشت، زندگی و معماری شهرها هنوز هم به دلیل اصالت و ریشه‌دار بودن ارزش‌هایش تا حدود زیادی هویت خود را حفظ کرده است. این بافت با ساختی آجری، کوچه هایی کم عرض ، وجود شوادان ها و نحوه ی همجواری با رود دز، متناسب با آب و هوای دزفول شکل گرفته است. در محدوده ۲۴۰ هکتاری بافت تاریخی دزفول، بیش از ۱۱۳ اثر ثبت شده ملی شده است . این آثار شامل مساجد، حمام‌ها، خانه‌ها وگذرهای تاریخی هستند که قرن‌ها هویت اصیل معماری سنتی و ایرانی را در خود جای داده اند. به خاطر داشتن هویت معماری مخصوص به شهر دزفول، از آن به عنوان موزه ی آجری ایران یاد می شود. متاسفانه بافت قدیم و تاریخی دزفول حال ویرانی و نابودی است. از طرفی دیگر جریان داشتن رودخانه دز از میان شهر، چشم‌اندازهای بی‌نظیری خلق کرده و این شهر را به یکی از جذاب‌ترین شهرهای ایران تبدیل کرده است. آبشار شِوی با ۸۵ متر ارتفاع بزرگ‌ترین آبشار خاورمیانه است. آسیاب های آبی دزفول، مجموعه‌ای از سازه‌های آبی در بستر رودخانه دز است که در گذشته به‌عنوان بند و آسیاب کاربرد داشته است و عمده قدمت آن‌ها به دوره تاریخی صفویه و قاجاریه برمی‌گردد. آرامگاه یعقوب لیث صفاری، بنایی چهار طاقی با گنبدی مخروطی شکل است که در روستای اسلام‌آباد در جاده ۱۲ کیلومتری دزفول به شوشتر نزدیک به محوطه باستانی جندی شاپور واقع شده است. درحاشیه رود دز تفریحگاه‌های ساحلی زیادی قرار گرفته که محبوب‌ترین آن‌ها تفریحگاه کله علی است که دارای امکانات رفاهی و تفریحی مناسبی برای گردشگران است. دره کوه خرسون، دره‌ای شگفت‌انگیز و عجیب است که انگار از داخل فیلم‌های سینمایی بیرون آمده است. با برداشتن هر قدم در این دره اسرارآمیز جلوه‌های خارق‌العاده و متفاوتی در جلوی چشمانتان نمایان می‌شوند. گاه راه عبور در این دره آن‌قدر باریک می‌شود که تنها امکان عبور یک نفر وجود دارد. قدمت شهر باستانی چغامیش به حدود ۵۰ قرن پیش از میلاد به دوران پیش از اختراع خط بازمی‌گردد. در چغامیش بود که برای اولین بار در ایران خط و کتابت ظهور کرد. تپه‌های ارزشمند و باستانی چغامیش گنجینه تمدن‌های زیادی از جمله ساسانیان، پارتیان، عیلامیان است که در حال حاضر در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است .مقبره علی صفوی معروف به «سلطان علی سیاهپوش» یا «پیر رودبند»، نوه «شیخ صفی الدین اردبیلی» و پدربزرگ «شاه اسماعیل صفوی» است که در قدیم به دزفول سفر کرده و با انجام کراماتی مردم دزفول را به آیین تشیع دعوت کرده است. امروزه مزار او تبدیل به یکی از مکان‌های زیارتی دزفول شده است. قلعه شاداب یکی از بزرگ‌ترین قلعه‌های طبیعی ایران در دل کوه است که ۱۰ کیلومتر طول و ۴ کیلومتر عرض دارد و با بسیاری از بناهای دیگر که نام قلعه به خود دارند، متفاوت است. دیواره این قلعه در دوره چهارم زمین‌شناسی در اثر ریزش یکپارچه و عمودی دیواره‌های بنا و همچنین فرسایش ناشی از طغیان رودخانه به وجود آمده‌اند. دریاچه شهیون مطمئنا یکی از زیباترین دریاچه‌هایی خواهد بود که در عمرتان در ایران و کل دنیا خواهید دید. این دریاچه فوق‌العاده دیدنی پشت دو کوه شاداب و تنگوان پدید آمده و چشم‌انداز بی‌نظیری را برای منطقه شهیون به ارمغان آورده است. خانه تاریخی سوزنگر یادگاری به‌جای مانده از دوران قاجاریه و یکی از جاذبه‌های تاریخی دزفول در محله قلعه است. بنای این خانه تاریخی از آجر ساخته شده است و معمار هنرمند و ماهر آن با تراشیدن آجرها در اندازه و شکل‌های مختلف ترکیبی بی‌نظیری خلق کرده است که شاید نمونه آن را کمتر دیده باشید. بازار کهنه یا قدیم دزفول از چهار بخش بازار آهنگران، بازار بزازان، بازار خرده‌فروشان و بازار خراطان تشکیل شده است. در میان بازار، کاروانسرایی تاریخی قرار گرفته است که بسیار دیدنی است. همچنین قدیمی‌ترین بنای موجود در بازار بقعه شیخ اسماعیل قصر است که قدمت آن به قرن ششم هجری می‌رسد .سید محمد سبز قبا از اولاد«امام موسی ابن جعفر» است که آرامگاه او در مرکز شهر دزفول قرار دارد. اصل بنای بقعه سبز قبا متعلق به دوره تیموری و سلجوقی است که در عصر جدید به‌شکل جدید تغییر و توسعه یافته و گنبد زیبایی نیز برای آن ساخته شده است. حمام کرناسیون یکی از بناهای دوره قاجاریه است که پس از بازسازی در سال ۱۳۸۵ به‌عنوان موزه مردم‌شناسی دزفول تغییر کاربری داده است و در آن می‌توان با انواع مشاغل قدیم در دزفول آشنا شد.. کت‌های دزفول خنک کننده‌های دست‌ساز انسان‌های کهن هستند که به‌صورت حفره‌های غار مانند در کنار رودخانه دزفول حفر شده‌اند. این کت‌ها از جاهای دیدنی دزفول در روزهای گرم سال برای فرار از گرمای خوزستان در جوار رود جاری و زلال دز است . خانه تاریخی تیزنو در محله قلعه بنا شده و نمونه کاملی از معماری خانه‌های دزفولی را به نمایش می‌گذارد. خانه تاریخی تیزنو یادگاری به جای مانده از دوران صفویه است که در زمان قاجار و پهلوی نیز تغییراتی در آن صورت گرفته است بقعه محمد بن جعفر طیار، یادگاری به جای مانده از دوره تیموریان است و یکی از مهم‌ترین زیارتگاه‌های دزفول محسوب می‌شود که در فاصله ۵ کیلومتری آن قرار گرفته است. جعفر طیار پسر عموی «امام علی» و داماد وی یعنی همسر «ام کلثوم» است..روستای لیوس- صوفی احمد- روستای نورآباد- آرامگاه حزقیل نبی از پیامبران بنی اسرائیل- روستای پامنار-پل قدیم دزفول- مسجد جامع دزفول-آرامگاه ظهیرالاسل- بقعه شاه رکن الدین- چال کندی- دریاچه میانه- دره توبیرون-آبشار شوی و.. از دیدنیهای دیگر این شهر هستند. پیشنهاد میشود در بهار و ماه های غیر گرم به این شهر سفر کنید.

۶۲- سرآقا سید



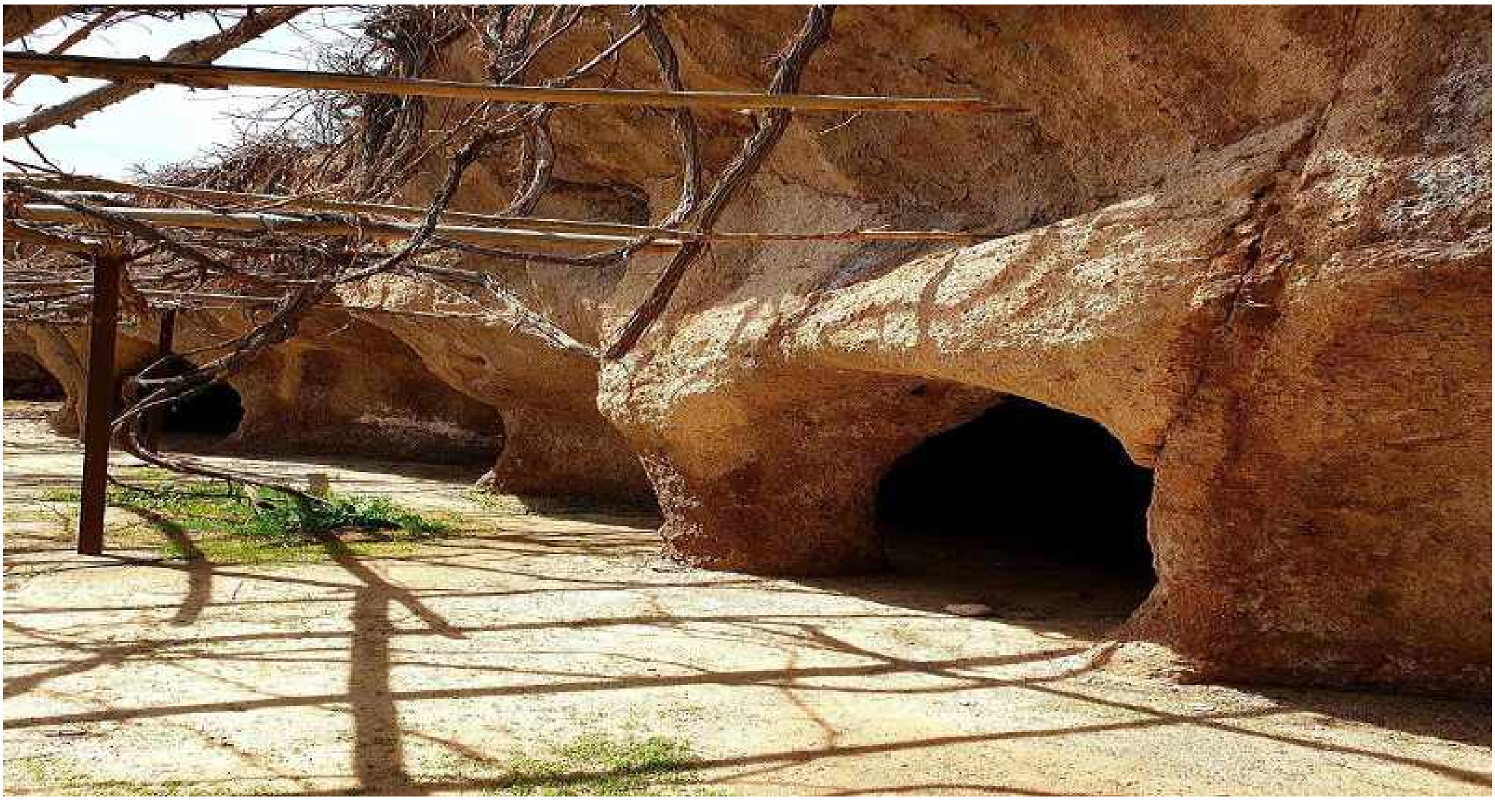


راههای دسترسی: در ۱۴۰ کیلومتری شهرکرد و ۴۵ کیلومتری شمال کوهرنگ

تنها روستای پلکانی ایران ماسوله نیست. از شهرکرد که دو ساعت و نیم در ماشین بنشینیم به روستای سر آقاسید می‌رسیم. سرآقاسید، کوهستانی‌ست و بعد از گذر از جاده‌های پیچ‌درپیچ نمایان می‌شود. برای رسیدن به آن باید کوهرنگ را به سمت شمال برویم. سفرمان از شهر چلگردم در مرکز شهرستان کوهرنگ به سمت غرب شروع می‌شود. بعد از روستای سنگی شیخ علیخان، جاده آسفالته تمام می‌شود. با شروع جاده خاکی پرپیچ‌وخم چشممان به غار یخی چما و قله زردکوه می‌افتد. پس از ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر رانندگی، روستای سر آقا سید از پشت کوه‌ها خودش را به ما نشان می‌دهد. سر آقاسید در ارتفاع ۲۵۰۰ متر از سطح دریا و در یکی از دامنه‌های قله هفت تنان جا خوش کرده و خانه‌هایش از خشت و چوب ساخته شده. پشت‌بام یک خانه، حیاط خانه دیگر است و پنجره خانه را که باز کنیم، طبیعت سرسبز کوه‌ها به چشممان می‌خورد و امامزاده سرآقا سید عیسی. اما همه خانه‌ها هم از نعمت وجود پنجره برخوردار نیستند و روشنایی تنها از در عبور می‌کند. از شجره‌نامه‌ها اینطور برمی‌آید که عمر روستا به ۶۰۰ سال پیش می‌رسد و اسم روستا از امامزاده سرآقاسید عیسی که در روستاست، گرفته شده. برخی می‌گویند در قدیم، آنهایی که برای زیارت امامزاده به آن می‌رفتند، می‌گفتند می‌رویم سر مزار آقاسید عیسی، برای همین هم روستا به این اسم معروف شده. بعضی‌ها هم معتقدند چون خانه‌های روستا بالای سر امامزاده قرار گرفته به آن سرآقا سید می‌گویند؛ یعنی روستا، بالای سر امامزاده است. روستای سرآقا سید، یکی از عجیب‌ترین روستاهای ایران **و محل ییلاق عشایر است. بهار و تابستان‌ها این روستا سرزنده‌تر از همیشه می‌شود و شور زندگی در آن جریان دارد. ولی زمستان که از راه برسد، دیگر خبری از جمعیت بهار و تابستان نیست و بیشتری‌ها به مناطق دیگر کوچ می‌کنند. در سرآقاسید، خبری از امکانات و زندگی شهری نیست. اینجا فقط برق دارد، نه خبری از مدرسه هست، نه از درمانگاه مجهز و نه حتی جاده. بنابراین اگر می‌خواهی از زندگی شهری دور شوی، یکی از جاها می‌تواند رفتن به همین روستا باشد. سرآقا سید پر از درخت‌های بلوط و گردوست و جز امامزاده سرآقا سید و باغ‌های میوه و کوچه‌پس‌کوچه‌های روستا، می‌توان در بیرون از آن و ۴۰ کیلومتری‌اش به آبشار شیخ علی خان رسید. در همان نزدیکی غار یخی چما هم قرار گرفته .برای رسیدن به این غار باید از رودخانه عبور کنیم، رودخانه‌ای که دمای آبش چندان با ما مهربان نیست. زن‌ها با نخ‌های پشمی رنگارنگ قالی، گلیم و جاجیم و نمد می‌بافند و با موی بز سیاه چادر درست می‌کنند. صدای زنگوله بزها در کوه‌ها شنیده می‌شود و زن و مرد در کنار هم کار می‌کنند و در کنار دامداری و کشاورزی از حوضچه‌های کوچک روستا نمک استخراج می‌کنند.**

یک عَلَم داخل امامزاده اینجا هست که مردم روستا می‌گویند موقع جنگیدن و دعوت مردم به اسلام، در دستان سید آقا عیسی بوده. اعتقاد به این علم تا حدی است که در مواقعی مثل خشکسالی، برای رفع آن در جاهای مختلف چرخانده می‌شود. نشانه‌ای به شکل ۸ روی کوه خیمه و روبه‌روی روستا وجود دارد که مردم معتقدند نشانه‌ای از قبله است و آقا سیدعیسی با پرتاب نیزه آن را به مردم نشان داده. چشمه‌ای در همین کوه به اسم مراد چشمه هم وجود دارد. مردم معتقدند اگر کسی نیت پاک داشته باشد و دستش را در آب آن فرو ببرد، نشانه‌ای برای برآورده شدن آرزویش توی دستش می‌آید. نشانه‌ای مثل سنگ ریزه، برگ، گل سر و یا هر چیز دیگری که تعبیر خاصی در آن است. همچنین مردم روستا در چشمه خدر لباس نمی‌شویند، چون معتقدند این چشمه متعلق به حضرت خضر بوده است. برای رفتن به اینجا از اواخر بهار تا اوایل پائیز پیشنهاد می شود.

۶۳- تمین



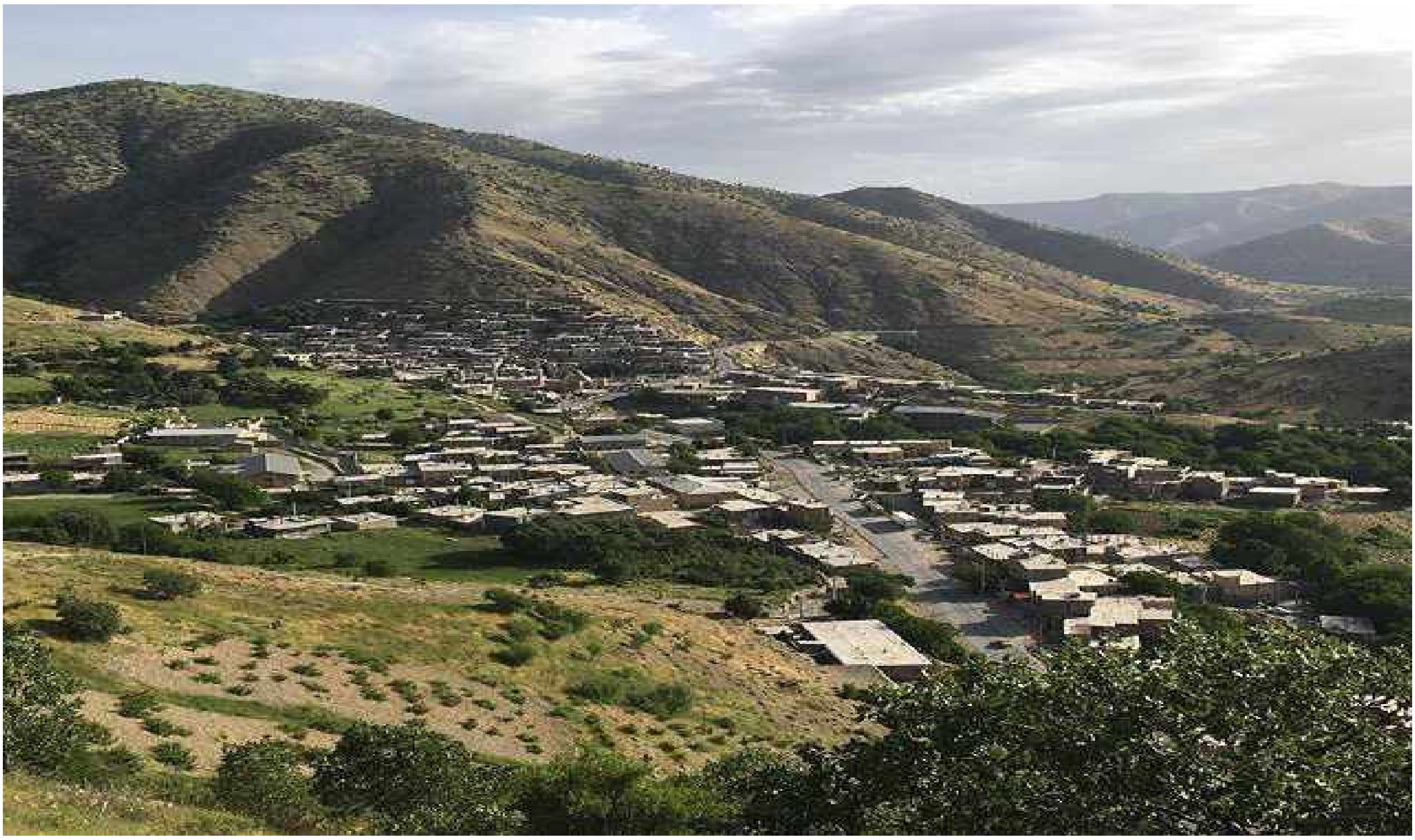


راههای دسترسی: ۶۵ کیلومتری جنوب غربی میرجاوه

این روستا یکی از منحصر به فردترین مناطقی است که در شهرستان تفتان قرار دارد .روستای تمین در سیستان و بلوچستان بهشتی در دل کویر است و یکی از زیباترین روستاهایی است که در قسمت شمالی قله تفتان و بالاتر از روستای بسیار زیبا و دیدنی لادیز قرار دارد. این روستا سه قسمت دارد که شامل جش، روپس، تمین بالا، تمین مرکزی و تمین پایین می شود و هر کدام از آن ها در فاصله ۳۰۰ متری از هم واقع شده اند. برای مردمی که در اطراف آتشفشان نیمه فعال تفتان زندگی می کنند شهرستان تفتان بسیار حائز اهمیت است. این قله یکی از قله های بسیار مرتفع ایران به شمار می رود و همین سبب شده که آب و هوای سیستان و بلوچستان متنوع باشد و در کنار تنوع آب و هوایی پوشش گیاهی مختلفی هم در این منطقه وجود دارد سبب جذب مردم به این منطقه شده است. در چندین هزار سال پیش آثاری از پیشینیان ما در اطراف تفتان یافت شده است که همین نشان دهنده تمدن طولانی این خطه از ایران می باشد. روستای تمین در سیستان و بلوچستان هم تحت تأثیر آن دارای آثاری از قبیل تپه های باستانی قبرستان باستانی، چله خانه، معماری صخره ایی آسیاب های آبی، قلعه ها و قبرستان هفتاد ملأ، کوره های ذوب فلز در نواحی مختلف و غارهای باستانی است که تمام این آثار بیانگر تمدنی عظیم در این روستا و سایر روستاهای اطراف تفتان است. امروزه باستانشناسان آثار و تمدن اطراف تفتان را با توجه به شواهد و مدارک علمی و باستانی به دست آمده بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار سال پیش تخمین زده اند.. از جمله محصولات کشاورزی که در این روستا کشت می شود انجیر، توت، شاه توت، گلابی، انگور، هلو، آلبالو و زرد آلو هستند که این ها جزء میوه های مناطق گرمسیری به شمار می رود و میوه های مناطق سردسیر آن شامل بادام، پسته و گردو می باشد. همچنین از جمله درختان خودرویی که در این روستا رشد می کند نیز می توان به انجیر کوهی، بنه، ارچن، گز وگواتام (بادام کوهی) اشاره کرد، همچنین صیفی جاتی همچون گندم و جو نیز در این منطقه کاشت می شود .شغل اصلی مردمان تمین در گذشته کشاورزی و دامداری بوده اما حرفه دامداری در تمین طی چند سال گذشته به دلیل کمبود شدید ریزش‌های جوی و تمایل بیشتر عشایر به یکجا نشینی و استفاده از امکانات مراکز روستایی نسبت به گذشته کم رنگ شده است. کوه‌های تمین منابعی غنی و سرشاری از گیاهان دارویی درمنه، کلپوره، اسپنتان، مور، زامبول و درنگ است که در درمان بسیاری از بیماری‌ها در این منطقه کاربرد دارد. از صمغ درخت موسوم به گونجک برای مسائل دندان پزشکی استفاده می‌شود.از دیدنیهای اینجا می توان موارد زیر را نام برد:قلعه تمین- بنایی با مساحت حدود ۳۰۰۰ مترمربع و ارتفاعی برابر با ۲۵ متر از سطح دره تمین مرکزی بر فراز صخره ای بلند با مصالح بومی قابل مشاهده است که جنس آن از هم سنگ و گل رس نیز ساخته شده است. این قلعه ی تاریخی قدمتی برابر ۲۵۰ سال دارد و در آن زمان مرکز فرماندهی حاکمان این منطقه نظیر سیدخان و مدت خان و نورمحمدخان نیز بوده است. در حال حاضر دیواره‌های قسمت شمالی و حدود ۵۰۰ مترمربع از خود بنا باقی مانده است که نیازمند توجه مسئولان و همینطور تلاش و همت مردم بلوچستان است تا از تخریب و نابودی آن جلوگیری شود. قبرستان تمین: یکی دیگر از جاذبه هایی که در روستای تمین در سیستان و بلوچستان می توان نام برد، قبرستان باستانی آن است که از جمله آثار ارزشمند و باستانی این روستا محسوب می شود. در این قبرستان شما می توانید قبرهای چهار گوش ساده به ابعاد تقریبی ۵۰ در ۵۰ در ۷۰/۱ دارد که با سنگ پوشانیده شده اند. یکی از نکات قابل توجه این گورستان این است که در بیش از ٪۶۰ قبرهای آن اصل رو به قبله بودن رعایت نشده است و این احتمال را تقویت می‌کند که در این گورها مربوط به بزرگان زرتشتی است. البته شواهد تاریخی همچون هجرت بزرگان اشکانیان (که زرتشتی بودند) به اطراف تفتان در کتب تاریخی ثبت شده است. آب معدنی موسی: همانطور که گفتیم روستای تمین در سیستان و بلوچستان در شهرستان تفتان که منطقه نسبتا کوهستانی است قرار دارد و وجود قلخ تفتان در جنوب این دهستان سبب شده تعداد زیادی چشمه و قنات در این منطقه در فصل های سرد سال به وجود بیایند که تعداد آن ها از شمارش خارج می شود. وجود این چشمه‌ها و قنات‌ها و حرکت آب آن‌ها از میان دره‌های سر سبز و باغات میوه، محیط‌های بسیار زیبایی را خلق کرده و یکی از بهترین چشمه‌های منطقه، «چشمه آب معدنی حضرت موسی» است که بر اساس اعتقاد بومیان این منطقه، علت نامگذاری این چشمه فرود آمدن عصای حضرت موسی در این نقطه است. این چشمه ها منبع اصلی تامین آب روستا تمین در سیستان و بلوچستان محسوب می شود و خارج شدن آن از دل صخره های این منطقه چشم انداز بی نظیری را فراهم آورده است. در روستای تمین در سیستان و بلوچستان مساحتی بالغ بر ۴ هزار مترمربع وجود دارد که معماری آن صخره ای بوده و در نوع خود بی نظیر و در واقع می توان گفت جز موارد نادر است. مطابق با اسناد و مدارک باستان شناسی که موجود است قدمت این سازه های معماری به اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی باز می گردد و زمانی که شما به این روستا می روید می توانید بناهایی را که در دل کوه کنده شده اند را مشاهده کنید. با توجه به آب و هوای خنک و زمستانی تمین،می توان گفت که هر زمان از سال که خواستید می توانید برای بازدید به این روستا بروید.

۶۴- نگل





راههای دسترسی: در ۶۵ کیلومتری شهر سنندج و در مسیر سنندج - مریوان

روستای نگل در کردستان جز قطب های گردشگری این استان محسوب می شود و این منطقه ی گردشگری روستایی است که در بخش کلاترزان شهرستان سنندج در کردستان نیز واقع می باشد. برای دسترسی به روستای نگل در کردستان باید به ۶۵ کیلومتری شهر سنندج که در مسیر سنندج – مریوان قرار دارد نیز بروید. این روستا در میان دره ای قرار دارد و رودخانهٔ «شوشیر» از جنوب آن می گذرد. این روستا از طرف شمال به کوه «حسن عالی»، از جنوب شرقی به کوه «پل چرمو»، از جنوب به کوه «قژاکان«، از شمال غربی به دره «کانی چرمو» و کوه «کوره میانه»، از غرب و جنوب غربی به دره «کاچول» و از شمال شرقی به «رسنی دره» محدود می شود. این منطقه زمستان های بسیار سرد و تابستان های بسیار معتدلی را دارا می باشد.بطوز مختصر برخی از جاذبه های نگل اشاره می کنیم: قرآن نگل: معروفترین جاذبه این روستا است. درباره روستا و نسخه خطی قرآن نگل داستان ها و حکایات بسیار جالبی گفته می شود که شنیدنشان خالی از لطف نیست. داستان پیدا شدن این قرآن و پیدایش روستایی به قدمت اسلام بسیار شنیدنیست. می گویند که حدود هزار سال قبل، یک چوپان از آبادی های اطراف گوسفندانش را برای چرا به یک دره ای با صفا برده بود. گوسفندان مشغول چرا بودند و چوپان هم در گوشه ای مشغول استراحت کردن .به ناگاه گلی بسیار زیبا و خوش آب و رنگ توجه این چوپان را به خود جلب می کند و چوپان برای چیدن آن از زمین بر می خیزد. این چوپان تلاش می کند تا گل را به طور کامل و بدون هیچگونه آسیبی از خاک بیرون بکشد. همین امر باعث پدیدار شدن چاله ای در خاک می شود. در این هنگام، یک صندوقچه در زیر این گودال پدیدار می شود که چوپان به تنهای از پس بیرون کشیدن آن بر نمی آید. این چوپان اهالی روستای خود را به این دره می کشاند و همه با هم صندوقچه را که حامل یکی از ارزشمن ترین گنجینه های خطی و تاریخی کشور است از دل خاک بیرون می کشند. از این پس اهالی روستا، این مکان را مقدس می شمارند و یک مسجد را در آن مکان احداث می کنند. پس از احداث این مسجد، رفته رفته اهالی روستا خانه هایشان را هم به این مکان انتقال می دهند و روستای نگل شکل می گیرد. قرآن نگل بر پوستی مانند پوست آهو و به زبان کوفی نگاشته شده است. قرآن نگل در داخل مسجد تاریخی این روستا نگه داری می شود. بنا به عقیده مردم این روستا و برخی کارشناسان، این قرآن مبارک در زمان خلیفه سوم نگاشته شده است و جزء ۴ نسخه ای از قرآن است که در آن زمان به مناطق مختلف دنیا (که یکی از آن ها ایران بود) فرستاده شده است. جنس کاغذهای این قرآن از چرم (پوست آهو) و رنگ آن قهوه ای است. این نسخه با خط کوفی نوشته شده و توسط آب طلا اعراب گذاری و تزئین شده است. نقوش گیاهی زیبایی هم در حاشیه های قرآن نگل مشاهده می شود. طول این قرآن بزرگ که به تازگی مرمت و بازسازی خوبی هم بر روی آن صورت گرفته است، ۳۸ سانتی متر و عرض آن ۲۱ سانتی متر است. این نسخه خطی ارزشمند در طول تاریخ بارها به سرقت رفته است. اما خوشبختانه هر بار دوباره پیدا شده و به روستای نگل بازگردانده شده است.موزه نگل: در سال ۱۳۹۲ با توجه به همکاری اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان کردستان موزه ای به همین نام تاسیس شد که شامل دو بخش قرآنی و مردم شناسی بود. در واقع می توان گفت با تاسیس این موزه که اولین موزه روستایی کشور نیز محسوب می شد، روستای توریستی نگل از لحاظ گردشگری تکمیل شد و همه اجناس موزه را مردم به صورت خود جوش تهیه و به موزه نگل اهدا کرده اند که شامل کلیه اقلام معیشتی و فرهنگی منطقه از ۵۰ تا ۲۰۰ سال پیش بوده و از زیورالات گرفته تا اجناس و ابزار کشاورزی و منزل و ...را شامل می شود. دریاچه طبیعی «چال ئاو» :در مسیر صعود به قله «کوره میانه» در ۵/۱ کیلومتری این روستا قرار دارد و می تواند گزینه مناسبی برای استراحت در روزهای گرم سال باشد. آبشار قه لوه زه: در مسیر روستای نگل به قله «کوره میانه» و در دره «کانی چه رمو» آبشاری زیبا و بلند به نام «قه لوه زه» قرار دارد که در تمام فصول سال جاری است و از آب برف های دامنه قله تغذیه می شود. تپه قلعه گاه: تپه می خان و قلعه دی یه ر، از جمله تپه های باستانی موجود در روستای نگل هستند. پل بزرگ و قدیمی روستای نگل: در زمان حکومت امان الله خان اردلان والی سنندج و همزمان با بنای مسجد دارالاحسان سنندج و به دلیل ارادت ویژه ای که او به نگل و قرآن موجود در آن داشته، ساخته می شود. سمت جنوب روستای نگل در کردستان بروید و قلعه ی معروف به قلعه یزدگرد سوم را هم میتوانید ببینید همچنین در ۵ کیلومتری روستای نگل از دریاچه سد نگل هم دید کنید. برای کسانی که انرژی بالایی دارند پیشنهاداتی نظیر پیاده روی در طبیعت بکر اطراف رودخانه و همچنین کوهنوردی در ارتفاعات کوه کوره میانه هم می تواند گزینه های بسیار مناسب باشند. بهترین فصل سفر به این روستا، فصل های بهار و تابستان هستند، اگر در فصل بهار به این منطقه سفر کنید زیبایی ها و سرسبزی منطقه بدون شک خاطرات خوشی را برایتان رقم خواهد زد.

۶۵- صراحیه





راههای دسترسی: از اهواز به سمت آبادان (یا بالعکس) حرکت کنید تا در میان راه به دارخوین برسید. از دارخوین راهی شادگان شوید. در مسیر از میان تالاب شادگان عبور می‌کنید و می‌توانید روستای صراخیه را ببینید. حدود ۱۰۰ کیلومتر از اهواز فاصله دارد.

زندگی مردم این روستا در میان آب‌ها جریان دارد .در اینجا می‌توانید سوار بر قایق‌هایی چوبی شوید که در زبان محلی به بَلَم معروفند و در روستا گشت بزنید و از کنار خانه‌ها و مردم گذر کنید. اینجا ونیز ایران است که در میان آب‌های تالاب بین‌المللی شادگان قرار دارد؛ تالابی به وسعت ۴۰۰ هزار هکتار در استان خوزستان و جنوب شهر شادگان که بزرگترین تالاب ایران است و نامش به عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های طبیعی منطقه و جهان در فهرست سازمان بین‌المللی یونسکو ثبت شده است. این تالاب در زبان محلی با نام‌های هورالدورق یا هورالفلاحیه نیز شناخته می‌شود. جاذبه این روستا، قایق‌سواری در تالاب شادگان و گذر از میان روستاست. اهالی روستا شما را سوار بر قایق‌های‌شان می‌کنند و کل روستا و اطراف تالاب را به شما نشان می‌دهند. ایستگاه سوارشدن به قایق‌ها در قسمت شرقی شاخه غربی روستا قرار دارد. در میان آب با آلاچیق‌هایی مواجه می‌شوید که برای استراحت گردشگران ساخته شده‌اند و غذا و نان محلی سرو می‌کنند. با قایق‌سواری در تالاب می‌توانید به دو روستای کوچک دیگر در اطراف صراخیه، به نام‌های حدبه و خروسیه (خروسی) نیز سری بزنید. یکی از مشاغل روستاییان، ماهیگیری است و اگر اهل این تفریح باشید می‌توانید آن را در صراخیه تجربه کنید. انواع ماهیان مانند بنی، شیرید، حمری، شانک، ماهی های پرورشی و ... در تالاب شادگان یافت می‌شوند. یکی از جاذبه‌های خاص این منطقه تماشای گله‌های گاومیش است که یکی از جانداران شاخص این منطقه به شمار می‌آید. گراز، با نام محلی خنزیر، گربه جنگلی با نام محلی بزون، شنگ با نام محلی چلیب آلمای و گرگ بانام محلی ذئب از دیگر جانداران این منطقه هستند. گونه‌ای از دلفین‌ها به نام دلفین بینی‌بطری نیز در این تالاب زندگی می‌کند. پرندگانی که به هنگام کوچ به سوی تالاب می‌آیند فرصتی را برای پرنده‌نگری ایجاد می‌کنند. تالاب شادگان تنها زیستگاه و محل زاد و ولد اردک کرکری در جهان است. فلامینگو، حواصیل، لک‌لک، غاز وحشی و اردک از پرندگانی هستند که در این تالاب مشاهده می شوند. در صراخیه هر کس به شیوه‌ای خانه خود را می سازد؛ برخی با آجر و بلوک سیمانی و برخی دیگر با گِل. برخی خانه ها نیز در حصاری از نی یا حفاظی از برگ نخل قرار دارند که فضای اطراف خانه را مشخص می‌کند . لباس‌های بلند و پوشیده محلی مردم، حکایت از استحکام سنت‌های دیرینه در این روستا دارد و گویای بخشی از فرهنگ بومی منطقه است. اهالی روستا به زبان عربی سخن می‌گویند و روزی خود را از تالاب به دست می‌آورند. پرورش گله‌های غاز و گاومیش اهوازی نیز یکی از مشاغل روستاییان است و وجود تالاب شادگان، بستر مناسبی برای آن فراهم کرده است . روستای صراخیه دارای ۳ منطقه مسکونی است: شاخه غربی که نسبت به سایر بخش‌ها، قسمت بیشتری از آن در تالاب شادگان است. این بخش بیشترین مساحت روستا را به خود اختصاص داده و بیشترین جمعیت را دارد .مرکز تفریحی‌گردشگری تالاب بین‌المللی شادگان درست در ابتدای این شاخه قرار گرفته است و به نوعی ورودی اصلی روستا برای گردشگران محسوب می‌شود . شاخه شرقی که پیش‌روی آن در تالاب به اندازه نیمی از پیش‌روی شاخه غربی است. مردم در شمال و جنوب این بخش سکونت دارند و تعداد خانه‌ها در شمال بیشتر است . بخش میانی که کوچکترین قسمت روستا محسوب می‌شود و تعداد کمی خانه در آن به چشم می‌خورد. برخی از دیدنیهای این روستا عبارتند از: بازارچه صراخیه که انواع محصولات محلی از جمله ماهی تازه و سوغاتی در آن به فروش. موزه حیات وحش که در آن می‌توانید با گونه‌های جانوری تالاب آشنا شوید و در مورد پرندگان مهاجر و زمان مهاجرت آنها اطلاعاتی را به دست آورید . مسجد که گنبد و گلدسته ندارد و با مصالح بومی ساخته شده و دورتادور آن با نی پوشیده شده است. در روستای صراخیه دو راه برای تردد وجود دارد: به سمت شمال روستا بروید و به جاده دارخوین-شادگان برسید و مسیر را ادامه دهید تا به نقاط دیگر روستا برسید . با قایق و با همراهی بومیان منطقه در روستا گردش کنید. امکانات روستای صراخیه: مرکز تفریحی‌گردشگری تالاب بین‌المللی شادگان در غرب روستا- محل استراحت ساخته شده از نی و برگ درخت نخل به نام مضیف برای استراحت و پذیرایی- رستوران‌های محلی- مسجد- سرویس بهداشتی- پارکینگ در نزدیکی مرکز تفریحی‌گردشگری تالاب شادگان-کپرهای استراحت. این روستا در اثر سیلاب، آسیب‌های زیادی دیده و بهتر است پیش از سفر از وضعیت آن آگاه شوید. پیش از برنامه‌ریزی برای سفر حتما وضعیت بارش‌ها در منطقه را چک کنید. بهترین زمان بازدید از صراخیه اواخر پاییز و در طول فصل زمستان است. بهار :هوا زودتر از سایر نقاط ایران گرم می‌شود و اعتدال در اوایل فصل بهار مانند دیگر مناطق وجود ندارد؛ اما با این حال بسیاری از مسافران در سفرهای نوروزی به این روستا سر می‌زنند. تابستان :در تابستان درجه حرارت هوا در حد بالایی قرار دارد و هوا بسیار گرم است. پاییز :اویل پاییز هنوز هوا کمی گرم است؛ اما با رسیدن به اواخر آن و حضور پرندگان مهاجر به جلوه‌های تماشایی روستا افزوده می‌شود. زمستان : به دلیل هوای مناسب حضور پرندگان در تالاب تداوم می‌یابد و با نزدیک شدن به بهار بر گرما افزوده می‌شود.

۶۶-نوشا





راههای دسترسی: تنکابن بخش خرم آباد جاده دوهزار – حدود ۵۵ کیلومتر با تنکابن فاصله دارد

روستای سبزرنگ نوشا واقع در دهستان دو هزار تحت عنوان نوشا دوهزار تنکابن هم شناخته می شود. این روستا با ارتفاعی در حدود ۲۱۰۰ متر از سطح دریا روستایی مرتفع است که تجمع ابرها در اطراف آن مناظری را در مقابل چشمانمان به تصویر می کشد که شاید نظیر آن را فقط در خواب و رویا بتوان مشاهده کرد. این روستای بکر و زیبا بخشی از طبیعت مازندران است که هنوز پای هیچ ماشینی به آن باز نشده است و تنها وسایل نقلیه ی ماشینی که پا بر دل آن نهاده اند موتور و هلیکوپتر بوده اند. موتور تنها توسط مردم بومی و آن هم فقط گاهی اوقات استفاده می شود و هلیکوپتر به ندرت و بنا بر ضرورت در آن دیده شده است. مسیر رفتن به روستای نوشا تنکابن بدین صورت است که تا نیمه های راه با ماشین اما بقیه ی آن بایستی با پای پیاده یا با اسب طی شود که معمولا اسب تنها توسط مردم بومی به کار می رود. خبر خوب اینکه قطعا پیاده روی در این مسیر خیال انگیز برای هر فرد گردشگری از جذابیت بالایی برخوردار است .قدمت روستای نوشا در حدود دوهزار سال تخمین زده شده است. دلیل این گفته نیز اثار تاریخی و باستانی با ارزشی است که در این روستا یافت شده است و هر یک در جایگاه خود صفحه ای از کتاب تاریخی قدمت روستا و منطقه را رقم می زند .از جمله ی این اثار می توان به کوزه های سفالی، کاشی های قدیمی و ابزار آلات کشاورزی اشاره کرد که همگی به مرور زمان در زمین روستا کشف شده است .جدای از تمام اینها نشانه هایی از حضور حاکمان بزرگ در طول تاریخ در این منطقه وجود دارد که از جمله ی این نشانه ها می توان به یک حمام بسیار زیبا با کاشی کاری هایی از نوع الوان و یک دشت شاه نشین با محل بستن و استراحت چارپایان اشاره کرد که همگی نشانه ی توجه خاص بزرگان در گذشته به این روستا بوده است. روستای نوشا علاوه بر اینکه یک روستای مرتفع می باشد روستایی ییلاقی است که البته در فصل سرما بسیار سرد و در فصول گرم سال بسیار پرطرفدار است. این روستا در بخش، منطقه یا به عبارتی دهستان دوهزار واقع شده است. در این منطقه روستاها و ییلاق های فراوانی وجود دارد که ییلاق نوشا یکی از بهترین و زیباترین و پرطرفدارترین آنهاست که می توان در ان به کوهنوردی و جنگل نوردی پرداخت و از گشت و گذار در قلب طبیعت لذت فراوان برد. معمولا افرادی که برای تفریح به منطقه ی تنکابن و به طور خاص منطقه ی دوهزار عزم سفر می کنند به صورت گروهی، با تورهای گردشگری و با برنامه قبلی پیش می روند. این در حالی است که وسیله ی نقلیه ی حرکت معمولا مینی بوس است. در بخش هایی از مسیر هم که طبیعت اجازه ی ورود وسایل نقلیه امروزی را صادر نمی کند گردشگران با پای پیاده از حضور در دل وسیع طبیعت لذت می برند و اینجاست که هر قدم که برمی دارند با منظره ای به شدت زیبا روبه رو می شوند و دعا می کنند که ای کاش امروز دیرتر از هر روز دیگری به پایان برسد تا از بودن در این بهشت برین محروم نشوند. روستای فوق العاده زیبای نوشا در تمام این تورهای تفریحی همواره از جایگاه خاصی برخوردار بوده و هست و لذت سفر را برای هر گردشگری دوچندان کرده است .در کنار روستای نوشا چشمه ای به نام میانلت وجود دارد که معمولا در برنامه های گردشگری و تورهای طبیعت گردی ییلاق های دوهزار، افراد بعد از توقف در روستا و لذت بردن از آن در زمان خروج از روستا به سمت چشمه حرکت کرده و در جوار رودخانه همراه جریان آب قدم برمی دارند تا به روستای بعدی (میانکوه) برسند. کلمه ی نوشا به معنای نسیم خنک صبحگاهی است و البته که نامی بسیار برازنده برای روستای زیبای نوشا از توابع تنکابن می باشد. با قرارگیری بر دامان این روستا می توان نظاره گر کوه های سربه فلک کشیده و درختان با ابهت بر زمین نشسته بود. برای رفتن به این قطعه بهشت کوچک بایستی از دل جنگل های دوهزار و از کنار رودخانه ی نوشارود که خود از کوه های نوشا سرچشمه می گیرد و یکی از سرچشمه های اصلی و بزرگ رود دوهزار است عبور کرد. این مسیر طی می شود تا بتوان بر تن روستای نوشا پا گذاشت و خود را در یک تصویر رویایی از منطقه ای بکر بر زمین مشاهده کرد. این در حالی است که بخشی از مسیر به صورت راه پیمایی و بخشی از آن نیازمند کوه پیمایی است و ممکن است تا حدی سخت باشد پس برای کودکان و افراد سالخورده چندان مناسب نیست و قدرت جوانی را طلب می کند. در میان تمام زیبایی ها در اواسط راه چشمه آبی وجود دارد که در دشتی خوش آب وهوا قرار گرفته و با ابی گوارا از گردشگران منطقه و افراد بومی پذیرایی می کند تا با انرژی مجدد به ادامه ی راه بپردازند .این روستای مرتفع ییلاقی تنها در چهار ماه از سال جمعیت دارد و در سایر ماه های سال هیچکس توان زیستن در آن را ندارد چون بارش برف به قدری شدید می شود و سرما به قدری بیداد می کند که بشر تاب تحمل آن را ندارند. این دوره ی چهار ماهه از اواخر اردیبهشت شروع می شود و حدودا در اواخر شهویور به پایان می رسد و تنها در این زمان است که گردشگران نیز می توانند به سیر و سفر و تفریح در این روستای رویایی بپردازند.

۶۷-خرانق





راههای دسترسی: این روستا در ۸۵ کیلومتری شهر یزد قرار دارد. برای رسیدن به این روستا باید جاده اردکان-طبس را بگذرانید و با طی کردن ۵۰ کیلومتر به این روستای تاریخی برسید.

شاید خیلی ها شهر یزد را تنها به کویر و شن زارهای بی نهایتش بشناسند، اما این طور نیست. در امتداد این شن زارها روستایی به نام خرانق با قدمت ۴۵۰۰ سال وجود دارد. این نقطه در مرکز شهر یزد به اندازه ای بین گردشگران اروپایی مورد توجه است که با شنیدن نام کشور ایران این روستا به ذهنشان می آید. روستای خرانق که به زبان محلی های شهر یزد به خورانق مطرح است که به معنای زادگاه خورشید از آن تعبیر می شود. نخستین بار در میان گزارش های یکی از هیربدان زرتشتی در سال ۲۴ هجری شمسی که همزمان با دوازدهمین سال سلطنت یزدگرد ساسانی از خرانق یاد شده و به عنوان یک از استراحت گاه بین راهی برای تاجرها و مسافران محسوب می شده است. شغل اصلی مردم روستای خرانق کشاورزی و دامداری می باشد و همچنین این روستا از لحاظ اقتصادی برای کشور از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا دارای معادن سنگ آهن، اورانیوم، باریت، روی و گرانیت است. جانوران زیادی هم در دل این روستای کویری زندگی می کنند که از جمله ی آنها یوزپلنگ، قوچ، میش، بز، گربه وحشی، خرگوش و روباه هستند و پرندگانی مثل تیهو، کبک، چکاوک بیابانی، زاغ بور و دودک از جمله پرندگان ساکن در روستای خرانق هستند. از دیدنیهای خرانق می توان به قلعه خرانق اشاره کرد که متعلق به دوران پیش از اسلام می باشد. وسعت این قلعه ۱/۱ هکتار بوده و یکی از بزرگترین قلعه های مسکونی شهر یزد به حساب می آید. قدمت این قلعه به زمان ساسانیان چیزی حدود ۱۸۰۰ سال پیش بر می گردد. حصارهای موجود در قلعه بر استحکام و امنیت آن افزوده است . همچنین دور تا دور این قلعه خندق هایی عمیقی کنده شده است. البته دور تا دور اکثر قلعه ها خندق کنده می شود. دلیل آن هم این است که این به منظور جلوگیری از حمله و یورش دشمن کنده می شد تا از ساکنین قلعه محافظت شود. ۶ برج نگهبانی شامل یک برج در شمال و دومی در جنوب غربی قلعه و چهار برج دیگر هم در جبهه غربی به بدنه ی قلعه متصل هستند. تعداد خانه های این قلعه ۸۰ عدد است، که بیشتر آنها دارای دو یا سه طبقه بوده اند. این خانه به تناسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد در نظر گرفته می شد. در اکثر روستاهای شهر یزد شما چیزی جزء خشت و گل نخواهید دید عطر خاک زمانی که آب بر روی آن ریخته می شود سبب احساس خوش آیندی در گردشگران و مسافران می شود. لازم به ذکر است که قلعه روستای خرانق در یزد از جمله بناهایی است که در فهرست آثار ملی ایران در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۸۳ ثبت رسیده است. منارجنبان تکی خرانق نیز از عجایب این سرزمین است: این مناره قدمتش به دوره ساسانیان بر می گردد و دارای ارتفاع ۱۵ متر است .منارجنبان خرانق دارای ۳ طبقه بوده و که از طبقه بالایی این برج به منظور دیده بانی و فانوس خانه مورد استفاده توسط مردم خرانق قرار می گرفت .ساختاری چوبی در بالای آن قرار داشته که اهالی پس از کج شدن آن بر اثر زلزله و وزش باد آن را بریده و پایین آورده اند. این اثر تارخی هم در لیست فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. حمام خرانق حمامی مربوط به دوران قاجار که در روستای خرانق وجود دارد. این حمام در کاروانسرا و در نزدیکی کشت زارها این روستا قرار دارد. معماری حمام به منظور این که دسترسی مردم به آب قنات راحت تر باشد در سطح پایین تری از قلعه و بالاتر از سطح متوسط روستا در نظر گرفته شده است. مصالح به کار رفته برای ساخت دیوارهای این حمام از آجر و به ساخت سقف آن از آجرهای آب انباری استفاده شده است که به صورت گنبدی در آمده و برای تامین نور حمام از روزنه های کوچکی در سقف حمام استفاده شده است. حمام از صبح تا شب در اختیار بانوان و از شب تا صبح مخصوص آقایان بوده است. این حمام در روستای خرانق در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید. مسجد جامع : قدمت آن به قرن هشتم تا دهم هجری قمری می رسد. خشت و گل مهم ترین مصالح به کار رفته در ساخت مسجد جامع و حسینیه خرانق هستند و در بعضی از قسمت های نمای حسینیه و مناره ی آن ، آجر نیز به کار رفته است. این اثر در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۷۸ با شماره ی ۲۴۴۰ به‌عنوان یکی دیگر از آثار تاریخی روستای خرانق به ثبت رسیده است.آسیاب آبی: در یزد دارای دو آسیاب آبی قدیمی می باشد، که یکی در داخل قلعه و یکی هم در بیرون از قلعه قرار دارد. عمر آنها ۱۴۰ سال تخمین زده شده است. آب انباری به سبک آب انبارهای صحرایی در روستای خرانق یزد وجود دارد، که با بارش های فصلی آب آن تامین می شود. کتیبه ای در سردر این آب انبار قرار دارد که نشان می دهد قدمت آن مربوط به سال ۱۳۱۸ قمری می باشد در سال ۱۳۹۵ خورشیدی ۹ آینه زیبا مدور شکل با پوشش سکوریت در ورودی روستا نصب شده که به نماد خرانق مبدل شده است.در فصل های بهار تابستان هوای خرانق نسبت به سایر مراکز این استان خنک و معتدل تر است و زمان مناسبی است برای سفر اما اگر خواستید در زمستان به این روستای زیبا سفر کنید فراموش نکنید که لباس های گرم با خودتان ببرید.

۶۸-ورکانه





راههای دسترسی: جاده همدان – ملایر را ادامه دهید و پس از اینکه از سد اکباتان و روستاهای یلفان، شمس آباد و علی‌آباد عبور کردید، به روستای ورکانه همدان می رسید.تقریباً ۲۵ کیلومتری شهر همدان قرار دارد.

روستای ورکانه استان همدان که با قدمت ۴۰۰ ساله در ۲۰ کیلومتری همدان، در جنوب شرقی این شهر و در دره آبشینه واقع شده است، به روستای سنگی شهرت یافته است، چرا که اصلی ترین مصالح به کار رفته در ساخت بناهای این روستا، سنگ است. این روستا به عنوان نگین گردشگری روستایی استان همدان نام گرفته است و تمام کوچه های آن با سنگ های لاشه شکل گرفته است و در زیر نورهای موضعی به رنگ قهوه ای سوخته در می آیند به گونه ای که شمایل اروپای دوران رنسانس را در ذهن می آورد. پیشینه ورکانه در حدود 400سال و اوایل دوران صفویه تخمین زده شد و قدیمی ترین محله آن «درب مسجد» نشان دهنده قدمت دیرین این روستا است. روستای ورکانه در گویش لری» ور «به معنی کنار و» کانه «به معنی چشمه است. ورکانه نیز به معنی قرار گرفتن در کنار آب و چشمه می‌باشد. از نقطه نظری دیگر روستای ورکانه به دلیل اینکه در پیرامون آن معادن سنگ به فراوانی مشاهده میشود، نام ورکانه را به خود گرفته و وجه تسمیه روستای ورکانه را معادل محلی که در نزدیکی معدن یا ورکان است، آورده اند. به دلیل وجود چشم اندازهای طبیعی، بافت کالبدی، سادگی معماری خانه‌ها، بافت متراکم و استفاده از مصالح بومی و محلی در این روستا به همراه کوچه باغ های باریک و پر پیچ و خم دارای شیب که مطابق با جریان طبیعی جوی آب است، چشمه های فراوان میان روستا، درختان سر به فلک کشیده و خانه های قدیمی با پنجره های مشبک چوبی و معماری سنتی، این روستا معروف و منحصر به فرد است. راستی پروفسور موسیوند (مخترع اولین قلب مصنوعی جهان، تعیین DNA انسان با اثر انگشت و بدون نیاز به خون‌گیری و ۱۴ اختراع پزشکی دیگر) تا ۱۴ سالگی در این روستا چوپان بوده و هر روز مسیر طولانی ورکانه تا همدان را برای تحصیل می‌پیمود اما تلاش و پشتکار موجب شد تا همین کودک روستایی به عنوان دانشمند برتر جهان شناخته شود و نام ورکانه را به عنوان روستایی نخبه‌پرور ثبت کند . برخی از گزینه های گردشگری روستای ورکانه استان همدان شامل مراکز فرهنگی از قبیل حمام و مسجد جامع روستا، وجود ایوان‌ها و فضاهای نیمه باز در خانه‌های روستایی و سکوهای نشستن رهگذران در میان کوچه‌ها و مراکز تاریخی مثل اصطبل مهری خانم (مری لیلی قراگزلو)و قلعه اربابی می شود. در دو کیلومتری روستا اصطبلی وجود دارد که ابعادی برابر ۲۲ در ۷۵ متر دارد و با زیربنایی برابر ۱۶۵۰ متر مربع ساخته شده است.در سال های پیش از انقلاب و دهه ۴۰ به عنوان مرکزی برای پرورش اسب دربار فعالیت می کرده است و امروزه به عنوان یکی از دیدنی های روستا به شمار می آید. هری خانم قره گوزلو همسر مجیدخان بختیاری(نماینده سابق مجلس،ریس فدراسیون کشتی، بوکس، وزنه برادری حاکم خوزستان که در مجیدیه تهران ساکن بود و نام این محله از نام وی گرفته شده است وی بسیار خیر بوده و خدمات زیادی به مردم خوزستان نمود)مادر پرورش دهندگان اسب اصیل در ایران و بنیانگذار تبارنامه اسب اصیل عرب ایرانی و ثبت آن در سازمان جهانی اسب عرب'واهو' و نیز موسس کانون اسب اصیل ایران بود. این بانوی زبده پرورش اسب ،دختر دکتر نقی‌خان قراگوزلو، خان روستای ورکانه که پس از فوت پدر، به عنوان بزرگ روستا نزد مردمان از احترام خاصی برخوردار بود وی در سال ۱۳۸۱ بر اثر عارضه سرطان در بیمارستان آتیه تهران، چشم از جهان فرو بست.روستای ورکانه مانند سایر روستاهای استان، ریش‌سفیدان جایگاه خاصی دارند و در زمان‌های قدیم نیز نظام تصمیم‌گیری و قدرت بر اساس ارباب‌رعیتی بوده است به طوری که در آن زمان نقی خان قراگوزلو، خان روستا بوده و بعد از او نیز دخترش ارباب و حاکم روستا شده استعلاوه بر این که جذابیت های این روستا موجب شده است تا در فهرست آثار ملی به ثبت برسد. یکی دیگر از مکان های عجیب در این روستا گورستانی است که در آن هیچ سنگ قبری دیده نمی شود. گذشته از این، مسیر اصلی ارتباط روستا از همدان هم شامل چشم اندازها و مناظر زیبایی است. از دیگر دیدنیهای ورکانه امامزاده غیب و مسجد جامع و طبیعت زیبای اطراف رووستا را می توان نام برد. ورکانه شامل محله های: درب مسجد، قدیمی ترین محله که حمام و مخابرات آنجا هستند)کرد محله که تنها مدرسه روستا در آن قرار دارد و خرمن جا در ان قرار دارد محله عباس‌آباد که مناطق تازه توسعه یافته روستا را شامل می شود و یک نانوایی و یک آسیاب، را در خود جای داده است.همچنین در مجاورت ورکانه ،روستای ارزانفود قرار گرفته که دارای یک شهر زیرزمینی است و هنوز امکان بازدید عموم از آن فراهم نشده و اینکار در دست پیگیری است. ساخت فیلم های سینمائی فیلم پرواز مرغابی ها کاری از علی شاه حاتمی ، فیلم شیر تو شیر کاری از ابراهیم و سریال علی البدل کاری از سیروس مقدم موجب افزایش شهرت این روستا شده است. بهترین زمان برای سفر به ورکانه اواسط بهار تا پایان تابستان است چرا که آب و هوای معتدلی بر منطقه حاکم می شود.در سفر به روستای ورکانه بردن لباس گرم را فراموش نکنید چرا که آب و هوای این روستا در بیشتر روزهای سال سرد است.

۶۹-تیس





راههای دسترسی: ۵کیلومتری شمال غربی چابهار

تیس یکی از بنادر مهم ایران در دریای مکران در زمان هخامنشیان بوده‌است و پیشتر به آن تیز می‌گفته‌اند. در آن دوران کالاها از آسیای شرقی و هند به بندر تیس می‌آمده‌اند و به مناطق مختلف خاورمیانه، آسیای میانه و قفقاز فرستاده می‌شدند. تیس در سده‌های اولیه اسلامی نیز بندری مهم بوده‌است و در شمال غرب چابهار، در ناحیه‌ای کوهپایه‌ای قرار دارد که از طرف دیگرش به دریای عمان می‌رسد و محل تجارت تاجران و پلی بین هند، خاورمیانه و آسیای مرکزی بوده است . پرتغالیها نخستین کشور استعماری بودند که بر چابهار و تیس تسلط یافتند و تا سال ۱۰۳۱ ه.ق چیرگی خود را حفظ کردند. انگلیسی‌ها بعد از پرتغالیها به این منطقه وارد شدند. اما امروزه تیس روستایی بیش نیست که در محدوده منطقه آزاد چابهار قرار گرفته و در مسیر ارتباطی چابهار - کنارک توجه هر مسافری را به خود جلب می کند، رودخانه لاوری از میان روستا می گذرد. بلندی های چندی مانند کوه های شهباز، پیلبند و لاوری، روستای تیس را احاطه کرده است قلعه پرتغالی‌ها از مهم‌ترین دیدنی های روستای تیس به شمار می‌رود که پرتغالی‌ها هنگام حمله به بندر تیس آن را ساخته بودند و در حال حاضر بقایایی از دژ آن برای بازدید عموم وجود دارد. آن‌گونه که به نظر می‌رسد روستای ساحلی تیس در دروه‌ی قاجار از شناخت چندانی برخوردار نبوده است. شاید بتوان یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش اهمیت روستای تیس به عنوان یک بندر را توقف تولید نیشکر و پانیذ در مکران یاد کرد. چرا که این بندر خروجی اصلی این محصولات بوده است. یکی از معروف‌ترین دیدنی های تیس قبرستانی اسرارآمیز و عجیب و غریب است که محلی‌ها به آن گورستان جن‌ها یا جن سنط میگویند؛ این گورستان بر روی سطحی صخره‌ای ایجاد شده است، به گونه‌ای که هر قبر با ابزاری ابتدایی در درون سنگ کنده شده است و کندن آن با ابزارهای ابتدایی آن زمان مانند بیل و کلنگ امری غیرممکن و بعید به نظر می‌رسد و دیدن آن ذهن را مشغول این می‌کند که چگونه این قبرها کنده شده و دلیل انتخاب صخره‌ها چه بوده است. در همین رابطه افسانه‌های زیادی بین مردم رواج دارد و مردم تیس حفر این گورها را به نیروهای مافوق بشر نسبت می‌دهند . این قبرستان سنگ قبرهای بزرگی دارد. بزرگی این سنگ‌ها بومیان را به این باور رسانده است که قبرها متعلق به انسان نیستند. حفر قبرها در کنار هم و روی سطح صخره‌ای بزرگ این باور را تشدید می‌کند. این باور باعث شده است تا کم‌تر کسی جرات کند شب‌ها به این گورستان پا بگذارد. البته احتمال دارد که این حفره‌ها تنها شیوه‌ای برای جمع آوری آب باران بوده باشند. مردم روستا اگرچه درگذشتگان خود را در این گورستان به خاک می‌سپارند، اما مراقبند که شب گذرشان به گورستان جن‌ها نیفتد. عده‌ای معتقدند که شاید حفرکنندگان، به دلیل حفظ مردگان و در گذشتگان از گزند جانوران و خورندگان زیر زمینی، رنج کندن سنگ را بر خود هموار می‌کردند و گورها را این چنین می‌ساختند تا به مردگان‌شان احترام بگذارند. قرار گرفتن قبرستان در دامنه کوه و وحشت مردم از نزدیک شدن به این مکان هنگام غروب و شب یکی از دلایل نامگذاری این محل بنام قبرستان جن‌ها است .گروه اندکی نیز معتقدند در هنگام غروب صدای گریه‌ها و مویه‌هایی از این گورستان به گوش می‌رسیده است. تیس آثار تاریخی قابل توجهی دارد که از آن جمله می‌توان به کلات، قلعه بلوچ گت، مسجد جامع تیس، مجموعه غارهای طبیعی و مصنوعی بان مسیتی، قلعه پیروز گت، قلعه انوشیروان، آرامگاه سید غلام رسول، قلعه پرتغالی‌ها ، بندر صیادی تیس ، برکه تمساح پوزه کوتاه و باقیمانده محل فیلبند اشاره کرد. مسجد جامع تیس نیز از قدیمی‌ترین مساجد ایرانی است که قدمت آن به صدر اسلام می‌رسد، این مسجد که به مسجد تک مناره هم مشهور است، سبک معماری و طراحی‌اش، مساجد پاکستان را در ذهن تداعی می‌کند. غارهای بان میستی نیز از شگفت انگیز ترین جاذبه های چاهبار به شمار می‌رود که اشکال زمین شناختی عجیب و غریبش نگاه هر بیننده‌ای را مجذوب خود می‌کند. در دامنه کوه شهبازبند و با ارتفاع ۲۵ متر از سطح زمین، دو غار مصنوعی و یک غار طبیعی در کنار یکدیگر قرار دارند که این سه غار را مردم بومی منطقه بان مسیتی می نامند.بان در زبان بلوچی به مرد صالح و خداپرست و مسیتی معبد و پرستشگاه خوانده می‌شود و بر اساس شواهد این غارها محلی برای ذبح یا پرستشگاه بوده است که سکویی نیز برای انجام اعمال مذهبی یا تشریفات دیگر در سر تا سر پهنه جلوی هر سه غار ساخته شده است. دیوارهای غار و صخره های اطراف آن بسیارزیبا وکم نظیر است تیس و چابهار یکی از خنک‌ترین مناطق ایران در تابستان و گرم‌ترین مناطق در طول زمستان به شمار می‌روند، بنابراین می‌توانید در هر فصلی روی سفر به این ناحیه حساب باز کنید. البته پیشنهاد می شوددر بهار و زمستان به منطقه چابهار و تیس سفر کنید.

بخش پنجم

جزایر

دیدنی ایران

۷۰-جزیره هندورابی





راههای دسترسی: از بندر چیروئیه سوار قایق شده و پس از ۲۰ دقیقه وارد جزیره هندورابی شوید یا اگر کیش رفتید از سمت غرب و با حدود ۳۰ کیلومتر قایقرانی هم به این جزیره می رسید.فرودگاه هندورابی افتتاح شده اما هنوز پروازهای انگشت شماری در آن فرود می‌آید.

جزیره هندورابی جزیره ای کوچک، با مساحت حدود ۲۳ کیلومتر مربع است که همانند بچه ای کوچک در میان پدر و مادرش یعنی دو جزیره کیش و لاوان واقع شده است. این جزیره را جزو استان بندرعباس و ار توابع کیش است که محیطی بسیار متفاوت تر از مناطق گردشگری در کیش و قشم دارد. براساس یک افسانه محلی هم هند و رابی اسم یک زوج عاشق بوده که به این جزیره می‌آیند و باهم زندگی می‌کنند. جزیره هندورابی در خلیج فارس واقع شده و جزیره ای بکر و آرام است که می تواند سواحلی بسیار عالی برای تفریحات ساحلی و حتی شنا داشته باشد. همگی ما ایرانی ها، برای سفر به جنوب عموما به یاد جزیره هایی مانند کیش، قشم و هنگام می افتیم و کمتر پیش می آید که جزیره هندورابی را در نظر بگیریم. در این جزیره به راحتی متوجه خواهید شد که با جزیره ای بسیار مسطح و صاف و بدون هیچ گونه ارتفاعات و کوه ها ی بلندی روبرو هستید. باید گفت که بلندترین نقطه این جزیره ۴۵ متر ارتفاع دارد. جمعیتی کمتر از ۱۰۰ نفر، آن را در گروه جزیره های کم جمعیت قرار می دهد، به طوری که می توان آن را به نوعی متروکه دانست. خانه های اهالی این جزیره، قدیمی ساز، گچی و با نماهایی سفید هستند که خود جزو جاذبه های فرهنگی مردم این جزیره به حساب می آیند. در اینجا، با صمیمیت مردمانی مهربان و خانه ای بسیار سنتی روبرو هستید. اینجا جذابیت های خاص خود را دارد. جزیره هندورابی، روستایی به همین نام دارد. به دیدن روستایی با خانه هایی سنتی که از سنگ، مرجان ها و گچ ساخته شده اند، بروید. تعدادی از آن ها، به شیوه خانه های امروزی مرمت و بازسازی شده اند .در این روستا اتاقی به عنوان مدرسه و یک مغازه کوچک به عنوان فروشگاه و سوپرمارکت وجود دارد. زبان مردم این جزیره اغلب، عربی است. با این وجود، تعدادی نیز فارسی می دانند و اگر عربی نمی دانستید هیچ نگران نباشید. باز هم می توانید فارسی با تعدادی از اهالی روستا صحبت کنید. کودکان مدرسه ای این روستا را در لباس های محلی خواهید دید که به شما گردشگران بسیار کنجکاوانه می نگرند و شاید برای فروش یکی از صنایع دستی خود، به سمت شما بیایند. در سفر به جزیره هندورابی با یکی از صحنه های تاریخ ایران نیز، روبرو می شوید. دو روستای الدورات و الصراۀ در کنار روستای هندورابی قرار گرفته اند. در هنگامی که پرتغالی ها در جنوب ایران پایگاه داشتند، در این جزیره سکونت می کردند و هندورابی یکی از پایگاه های جنگی ارتش پرتغالی ها در جنگ بوده است. شاید هنوز بتوانید خرابه ها و ویرانه های روستای پرتغالی را ببینید و گذشته را تصور کنید. هنگامی که به بازدید از روستاها و خرابه های الدورات و الصراۀ می روید، قبرستانی قدیمی را در کنار آن ها خواهید دید. قبرستانی که در آن، نه تنها ایرانیان، بلکه پرتغالی ها هم به خاک سپرده شده اند. قبور با سنگ هایی که نشان دهنده جنسیت دفن شده است، تنها نشان دهنده شخص بوده و هیچ نشانی از نام شخص مدفون شده نیست. بر روی قبرهای مردان تنها یک سنگ و بر روی قبرهای زنان دو سنگ گذاشته شده است. در نتیجه، این قبرستان قدیمی، با دیگر قبرستان های ایران بسیار متفاوت است. مسجد تک مناره اهل سنن در این جزیره، تنها مسجدی است که به شیوه های سنتی ساخته شده است. این مسجد زیبا گنجایش تمام اهالی جزیره را دارد و با سیمان و خاک ساخته است. با این وجود، همچنان حال و هوای سنتی و بافت تاریخی خود را حفظ نموده است. خوشبختانه هنوز هم می توان در خلیج فارس، جزیره ای را تماشا کرد که هنوز گردشگران و شلوغی محیط آن را تغییر نداده است.. سواحل بکر این جزیره برای بازی های ساحلی بسیار مناسب است. سواحل شن های نرم، آب هایی سبز رنگ و مرجانی خلیج فارس با صخره هایی عجیب و غریب که توسط امواج دریا تراشیده شده اند، در سوی دیگر جزیره قرار دارند. صخره ها، محیطی مرموز و جذاب را برای عکاسی به وجود آورده اند. در اینجا، غارهایی کوچک و بزرگ وجود دارد. از دیگر بناهای قدیمی جیره که مربوط به حیات جزیره است و بسیار اهمیت دارد، آب انبار قدیمی جزیره است. آب انباری که آب باران را برای مصرف اهالی جزیره در خود جمع می نماید. این آب انبار البته، مکمل چاه های آب شیرین جزیره است و هنگامی که چاه ها در سال های کم بارش، خالی می شوند، مورد استفاده قرار می گیرد. سفر به جزیره هندورابی تنها به معنی بازدید از روستاها و جاذبه های فرهنگی نیست. کلوپ تفریحات دریایی برای گردشگران، تفریحات آبی جذابی را فراهم می کنند. به طور مثال اگر به غواصی علاقه دارید، یکی از زیباترین سواحل مرجانی را با لاکپشت ها و دیگر موجودات دریایی انتظار شما را می کشند. سواحل کم عمق و زلال این جزیره، محیط روشن و مناسبی برای غواصی فراهم نموده است .همچنین تفریحات دیگری همانند جت اسکی، موتور سواری در سواحل، سافاری و ... از جمله هیجان انگیز ترین تفریحاتی است که می توانید آن ها را در کلوپ تفریحات دریایی انجام دهید. سواحل جزیره، از اواسط اسفند تا اواخر خرداد ماه، تبدیل به بستری برای تخم گذاری تمام لاک پشت های منطقه می شوند. لاک پشت های کوچک و بزرگ، همه ساله به این جزیره می آیند و در آرامش و امنیت جزیره، چاله هایی برای تخم گذاری می سازند. این منظره می تواند یکی از زیباترین صحنه هایی باشد که در زندگیتان دیده اید. همچنین بیرون آمدن لاک پشت ها از تخم و سرازیر شدنشان به سمت آب، یکی دیگر از اتفاقات محیط زیستی است که در راهنمای سفر به هندورابی می توانید، شاهد آن باشید. همچنین انواع گونه های رنگارنگ ماهی ها را، در زیر آب های این جزیره به هنگام غواصی می توان مشاهده کرد. ماهیانی مانند دم زرد، پیکاسو، ملوان، یونیک، جراح ماهی و انواع مرجان ها قابل مشاهده هستند. اگر همراه با تورهای یک روزه از جزیره کیش راهی این جزیره می شوید، با خود تمام وسایل مورد نیازتان از قبیل آب معدنی، خوراکی و هر آنچه که لازم دارید را بردارید. بهترین زمان برای سفر به هندورابی از اوایل آذر تا اواخر اردیبهشت است.

۷۱- جزیرهٔ ابوموسی





راههای دسترسی: این جزیره حدودا ۲۰۰ کیلومتر با بندرعباس و ۷۵ کیلومتر با بندر لنگه و ۶۰ کیلومتر با شهر شارجه در امارات متحده عربی و ۱۶۰ کیلومتر از تنگه هرمز فاصله دارد. از بندرعباس تا جزیره ابوموسی با کشتی‌های تندرو حدود ۹ ساعت و از اسلکه بندر لنگه حدود ۲ ساعت است. استفاده از پروازهای نظامی یا ویژه از تهران حدود ۲:۴۵ ساعت و از بندرعباس حدودا ۵۰ دقیقه زمان می‌برد.

این جزیره جنوبی‌ترین جزیره‌ی ایران (جزیره «فارسی» که دورترین نقطه سرزمینی ایران است، جنوب غربی‌ترین جزیره‌ی ایران به حساب می‌آید) و یکی از شهرستان‌های استان هرمزگان در خلیج فارس است. مساحت این جزیره در حدود ۲۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن حدود ۵۲۰۰ نفر است. یکی از جزایر سه‌گانه ایرانی است. نام بوموسی برگرفته از نام یکی از سرداران کریم خان است که پس از حضور در این جزیره نام خود را بر آن نهاده‌است. انگلیسی‌ها پس از نفوذ در خلیج‌فارس به منظور کنار گذاشتن عناصر ایرانی از این جزیره عنوان جعلی ابوموسی را برای جزیره به کار بردند. جزیره ابوموسی نزدیک‌ترین جزیره ایرانی نزدیک به خط استوا ،معتدل‌ترین هوا در کل خلیج فارس را دارد، ولی از نعمت آب قابل شرب طبیعی و زمین مناسب کشاورزی بی‌بهره است. تنها راه تامین آب شرب در سال‌های دور جمع‌آوری آب باران بوده است که امروزه آب مورد نیاز از یک کارخانه آب شیرین‌کن تهیه می‌شود. انواع گیاهان و جانوران دریایی در خشکی و دریای آن زندگی می‌کنند که از آن جمله می‌توان به لاک‌پشت دریایی، مارماهی، شاه میگو، کوسه و انواع ماهی‌های خوراکی اشاره کرد. ابوموسی دارای فرودگاه و اسکله است .پروازهای مسافری منظمی از بندرعباس به فرودگاه ابوموسی صورت می‌گیرد و همچنین شناورهای مسافری از بندرلنگه هفته‌ای دو تا سه‌بار به این جزیره تردد دارند. علاوه بر شناورهای ایرانی، شناورهای متعلق به امارات، حمل و نقل شهروندان اماراتی جزیره را به شارجه بر عهده دارند .ایرانیان در شمال جزیره ابوموسی و اماراتی‌ها در جنوب جزیره زندگی می‌کنند.شفافیت آب خلیج فارس درساحل جزیره ابوموسی در حدی است که ماهی‌های آکواریومی و مرجان‌های اطراف آن کنار ساحل و موج‌شکن‌ها به‌طور واضح دیده می‌شوند. آب و هوای جزیره ابوموسی به‌خاطر نزدیکی به خط استوا گرم و مرطوب است. هرچند به‌خاطر نبود پوشش گیاهی زیاد و خالی بودن اطراف جزیره، از بادهای نسبتا تندی برخودار است، بیشتر بارش‌ها در اواخر زمستان و اوایل بهار صورت می‌گیرد که بیشتر حالت رگبار لحظه‌ای دارد. این جزیره رودخانه ندارد و تنها در شمال آن چند مسیل خشک وجود داردبرخی گیاهان نواحی خشک در این جزیره رشد می‌کنند که برای مصرف چرای دام‌های کمی که در جزیره است، کافی هستند. در سال‌های پرباران، گیاهان علفی و بوته‌ها، رشد زیادی کرده و تمامی سطح جزیره و کف دره‌ها پوشیده از گیاه و یکپارچه سبز می‌شود.در حال حاضر اکثریت جمعیت ابوموسی را شهروندان ایران تشکیل می‌دهند و اقلیتی اماراتی در آن زندگی می‌کنند. هرچند بیشتر آن‌ها عرب‌الاصل نیستند و اصالتی بنگلادشی، هندی، نپالی و سریلانکایی دارند که با وعده گرفتن ملیت اماراتی برای خود و خانواده‌شان، توسط کشور امارات و بر اساس توافقنامه قدیمی بین ایران و این کشور در این جزیره اسکان داده شده‌اند.قدیمی ترین فرد زنده جزیره آقا جلال سوپر مارکتی با اصالتی یزدی است که سال ۵۲ به جزیره تبعید شده بود.ایران به‌واسطه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش ایران در جزیره ابوموسی حضور نظامی دارد. پلیس محلی شارجه از زمان تفاهم‌نامه ۱۹۷۱، پاسگاهی در این جزیره دارد بیشتر جزیره در اختیار ایران است و شهر ابوموسی در شمال غربی جزیره در بخش ایرانی واقع شده‌است. از جمله شهرک‌های مسکونی ایرانیان، شهرک «فرمانداری» و شهرک «صیادان» است. بخش اماراتی را شهرکی کوچک به نام «شهرک ابوموسی» تشکیل می‌دهد، که از طریق شناورهای دریایی با خاک امارات در ارتباط است این جزیره یکی از نقاط مهم استراتژیک خلیج‌فارس محسوب شده و در خط زنجیره دفاعی اول ایران در تنگه هرمز قرار دارد. جزیره ابوموسی یکی از مراکز صدور نفت خام کشور است که با ظرفیتی قابل توجه فعالیت می‌کند. ابوموسی به همراه تنب بزرگ و کوچک اهمیت راهبردی بالایی دارند و مالکیت ایران بر بخش قابل ملاحظه‌ای از جنوب خلیج‌فارس و به ویژه تسلط ایران بر تنگه هرمز را تضمین می‌کنند. علاوه بر آن به دلیل عمق مناسب تنها معبر حیاتی عبور نفتکش‌ها و کشتی‌های بزرگ جنگی در محدوده این جزایر قرار دارد در سال ۱۹۷۱ میلادی پس از توافق ایران و بریتانیا و پیش از خروج نیروهای نظامی انگلیس از منطقه و تأسیس کشور امارات متحده عربی، ابوموسی به همراه تنب بزرگ و تنب کوچک پس از نزدیک به ۷۰ سال سرانجام به ایران بازگردانده شد. طبق این یادداشت تفاهم ارتش ایران در این جزیره نیرو مستقر کرد و به شارجه اجازه داده شد که یک پاسگاه پلیس محلی در آنجا داشته .در سال ۱۹۹۲ و پس از خاتمه جنگ خلیج‌فارس امارات متحده عربی ادعای مالکیت این جزیره را نمود.ابوموسی به‌طور معمول به عنوان جزیره‌ای نظامی شناخته‌شده‌است که در کنار آن جمعیت بومی نیز حضور دارند. به دلیل استراتژیک بودن دارای محدودیت برای ورود است و ورود افراد غیر مقیم به ابوموسی نیاز به مجوز دارد. اینجا هتل ندارد و اسکان گردشگران در مجتمع‌های بومگردی و مهمانسراهای متعلق به ارگان‌های دولتی صورت می‌گیرد .مسجد جامع ابوموسی و سواحل بکر اینجا دیدنی هستند اما بیشتر سواحل در اختیار نیروهای نظامی است که بازدید گردشگر از آن‌ها ممنوع است. ساخت هتل و اسکله گردشگری در این جزیره در حال ساخت است. به جز قسمت مسکونی و بخشی از سواحل جزیره که به شیلات معروف است، پیاده راه رفتن در بقیه قسمت‌های جزیره در طول روز ممنوع است و باید با ماشین در این مسیر تردد کرد. تردد شبانه در این مسیرها هم تقریبا غیرممکن و فقط در موارد خاصی آن هم برای تعویض شیفت‌های نگهبانی ممکن است. ابوموسی به دلیل استراتژیک بودن دارای محدودیت‌های شدیدی برای ورود است که همین محدودیت‌ها باعث شده سواحل جزیره بسیار تمیز و بکر باقی بمانند. جزیره ابوموسی در سال ۱۳۹۱ با هدف افزایش گردشگران توسط دولت ایران، »منطقه نمونه گردشگری «اعلام شد.در فصول غیر گرم و با هماهنگی سفر کنید.

۷۲- جزایر قشم و هنگام





راههای دسترسی: نزدیک‌ترین بندر در ساحل اصلی کشور به جزیره قشم، بندرعباس است که فاصله آن تا محل سربندر قشم ۲۰کیلومتر است. نزدیک‌ترین فاصله این جزیره به ساحل اصلی کشور، در دماغه شمالی جزیره، در محل بندر لافت (در جزیره قشم) تا بندر پل، در شهرستان خمیر(در ساحل اصلی کشور) که فاصله آن در حدود ۱۸۰۰ متر بوده و محل احداث پل خلیج‌فارس خواهد بود.

منطقه ای آزاد که بزرگترین جزیره خلیج‌فارس و در نزدیکی تنگه هرمز قراردارد. جزیره قشم در دوران ساسانیان ابرکاوان (Abarkāvān) خوانده می‌شده‌است. این جزیره در چند دهه اخیر به یکی از مکان‌های توریستی و گردشگری تبدیل شده‌است. از نقاط دیدنی این جزیره بازارها و دیدنی‌های طبیعی آن چون جنگل‌های حرا، غارهای خربس، تنگه چاهکوه، دلفین‌های آبی خلیج فارس، دره ستاره‌ها، جزایر ناز و سیمین و غار نمکدان بناجعلی است. طول جزیره حدود ۱۱۵ تا ۱۲۰ کیلومترو عرض متوسط جزیره قشم را ۱۱ کیلومتر می‌توان در نظر گرفت. در حال حاضر این جزیره ۶۹ شهر و روستا دارد. شهر قشم در شرقی‌ترین نقطه جزیره واقع شده‌است و به رغم آنکه این شهر نسبت به کل جزیره مرکزیت هندسی ندارد، اما به علت موقعیت مهم استراتژیک آن (دید گسترده به جنوب، شمال و شرق، دید به تنگه هرمز، نزدیکی به بندرعباس و...) از قدیم واجد اهمیّت بوده و عمده‌ترین سکونتگاه جزیره محسوب می‌شده‌است. در کنار جزیره قشم، سه جزیره دیگر شامل جزیره هنگام، هرمز و لارک هم هستند. بعضی جزایر کوچک دیگری هم اطراف قشم وجود دارند که فاصله کمی با ساحل جزیره دارند و هنگام برکشند و جزر و مد به ساحل جزیره می‌پیوندند و می‌گسلند همین باعث نامگذاری این چند جزیره کوچک به عنوان جزایر ناز شده‌است که گویی در پیوستن به جزیره ناز می‌کنند! از ویژگی‌های سواحل این جزیره، تنوع سواحل صخره‌ای، ماسه‌ای و گلی آن است که چنین خصوصیتی به‌طور یک جا در کمتر جزیره‌ای یافت می‌شود. سواحل شنی و ماسه‌ای نقره‌فام و سیمین براق نیز از دیگر انواع سواحل در جزیره قشم محسوب می‌شوند. ساحل صخره‌ای زیتون، ساحل شنی سیمین و سواحل گلی لافت و جنگل‌های حرا تنوع سواحل قشم را نشان می‌دهند. ساحل صخره‌ای ریگو معروف به ساحل لاک‌پشت‌ها نیز از دیگر سواحل زیبای جزیره قشم است که لاک‌پشت‌ها در آنجا برای نفس‌گیری و تغذیه به روی آب می‌آیند. سواحل زیبای جزیره هنگام در دو کیلومتری خط ساحلی جنوب جزیره قشم زیستگاه دلفین‌های باهوش و بازیگوش است که این مسئله موجب جذب گردشگران علاقه‌مند به قشم و جزیره هنگام شده‌است. جاذبه های گردشگری که موجب جلب توریست در کنار خرید از بازارهای قشم و درگهان می شود عبارتند از: گنبد نمکی نمکدان: کوه نمکی یا کوه نمکدان در جنوب‌غربی جزیره قرار دارد. ارتفاع این کوه مخروطی‌شکل تا ۳۹۷ متر (قله کوه نمکدان) می‌رسد. ساختار نمکی این کوه از انباشته شدن صخره‌های آذرین با رسوبات تشکیل شده‌است. کوه گنبد نمکی با بقایای معادن نمک باستانی و چشمه‌های آب شور، به خودی خود یک «اثر تاریخی طبیعی دیدنی» با امکانات آموزشی و تفریحی را به‌وجود آورده‌است. دره چاکوه: دره چاه‌کوه (یا تنگه چاه‌کوه) یکی از جاذبه‌های طبیعی جزیره قشم است. این دره در فاصله ۷۰ کیلومتری شهر قشم و در کنار روستای چاهو شرقی بخش شهاب قرار داشته و بخشی از ژئو پارک قشم می‌باشد. دره چاه‌کوه به عمق ۱۰۰ متر نمایشی از فرسایش سنگ‌های رسوبی است و بخشی از ژئوپارک قشم محسوب می‌شود که به تأیید یونسکو رسیده‌است. دره ستارگان: دره ستاره‌ها در واقع یک ناحیه فرسایش‌یافته توسط آب‌های سطحی، رگبارهای فصلی و تندبادها است. فلات اولیه که هنوز در بخش شمالی به‌صورت کم و بیش دست نخورده باقی‌مانده، در ارتفاع بین ۷ تا ۱۵ متری از کف دره قرار دارد و جنس آن ماسه سنگ با سیمان آهکی سست و پر از پوسته‌های فسیلی است. مخروط‌های نوک‌تیز، ستون‌ها و ستونک‌های فرسایشی، آرک‌ها و تیغه‌ها و دیواره‌های نواری از جمله بخش‌هایی هستند که در این دره مشاهده می‌شوند. غار خربس: کی از جاذبه‌های گردشگری شهرستان قشم در جنوب جزیره و پانزده کیلومتری شهر قشم در سمت راست جاده قشم به روستای خربس و روستای رمچاه قرار دارد. در دل ارتفاعات روستای خربس، آثاری از معماری صخره‌ای دیده می‌شود که به عقیده برخی از محققین، نیایشگاه پیروان مهرپرستی و با پرستشگاه آناهیتا (خدای آب)بوده‌است. دژ و قلعه پرتغالی ها: آثار دژ (قلعه) پرتغالی‌ها در شهر قشم و دژهای دیگری در خاور لافت، موسوم به دژهای نادری - که با توپ‌های بزرگ آن روزگار مجهز بوده‌است – در قشم دیده می‌شود. این دژ، وظیفه پشتیبانی قلعه هرمز را بر عهده داشته که شامل تأمین آب شیرین برای قلعه پرتغالی‌ها در هرمز بوده‌است. بنای این قلعه در ۱۶۲۱ میلادی باعث شد شاه عباس بزرگ اقدام به جنگ ضد پرتغالی‌ها و اخراج آنان از کنره‌های خلیج‌فارس نماید. ژیو پارک قشم:نخستین ژیو پارک خاورمیانه شامل: جنگل‌های حرا، گنبد نمک، غارهای نمک، چشمه‌های آب معدنی، دره چاهکوه، تنگ عالی، بام قشم، دره تندیس‌ها، کلات کشتاران و ده‌ها تخته سنگ و صخره با شکل‌های عجیب و اعجاب‌انگیز.پارک کروکودیل ها: اولین و بزرگترین پارک کروکودیل خاورمیانه همیار ژیو پارک و در جاده درگهان قشم قرار دارد.چاه های تلا(اشتباه طلا): در بندر لافت حدود ۵۰ تا ۶۰ حلقه چاه موجود است که در زمان‌های قدیم هنگام بارندگی آب باران در داخل آن‌ها ذخیره می‌شده‌است و تا مدتی خنک و سالم باقی می‌مانده‌است.تعداد این چاه ها در قدیم به تعداد روزهای سال بوده است. دره تندیس ها: در بخش جنوبی جنگل حرا واقع شده است. این دره به دلیل وجود احجام طبیعی پرشمار، به دره تندیس ها معروف شده است که بازمانده یک زمین بلند به شدت فرسایش یافته است.جزیره لارک،جزایر مرجانی،جزیره هرمز،کاسه سلخ،چشمه گوری،تنگه عالی محمد، مقبره بیبی مریم،سد گوران،گورستان تاریخی قشم،آکواریوم قشم،غواصی، سافاری،موزه قشم و مراکز خرید متنوع و ارزان از دیگر جاذبه های این جزیره هستند. پیشنهاد می شود در فصول غیر گرم به این جزیره سفر کنید.

بخش ششم

جاذبه های متنوع و دیدنی ایران

۷۳- حرم رضوی





راههای دسترسی: مرکز شهر مشهد

حرمِ امام رضا یا حرم رضوی مدفن علی بن موسی الرضا، امام هشتم شیعیان ۱۲ امامی است. اینجا به‌عنوان حرم و مکانی مقدس گرامی داشته می‌شود . حرم امام رضا مجموعه‌ای است با کانونِ آرامگاهِ علی بن موسی الرضا(ع) که دیگر مسجدها، آرامگاه‌ها، رواق‌ها، صحن‌ها، کتابخانه و موزه‌ها را دربرمی‌گیرد .مسجد بالاسر (۴۲۵هق/۱۰۳۳ م) و مسجد جامع گوهرشاد (ساخته ۸۲۱ هق/۱۴۱۸ م) از مهم‌ترین بناهای پیوسته به آن هستند. مجموعه با شکوه حرم مطهر رضوی ، شامل صحن ، ایوان ها ، رواق ، موزه غنی و کتابخانه مرکزی آستان قدس است. این مجموعه معماری مشتمل بر چهار ایوان مرتفع به نامهای ایوان عباسی ، ایوان طلا ، شرقی یا نقاره خانه و ایوان غربی و نه صحن انقلاب ، آزادی ، امام خمینی (ره) ، جمهوری اسلامی ،هدایت، جامع رضوی،قدس ، غدیر و کوثر می باشد . کاشی کاری زیبای دوره سلجوقی مزین به آیات کریمه و احادیث شریف جلوه خاصی به مجموعه بخشیده و تمامی قسمت فوقانی دیوارها و سقف زیر گنبد با مقرنس های آینه کاری شده تزیین گردیده است. از دیگر آثار با شکوه داخلی حرم می توان به سه محراب زیبا مربوط به قرن ۷ هجری و ضریح طلا پوش بر روی مضجع امام رضا (ع) اشاره نمود . همچنین این مجموعه معماری دارای ۲۸ رواق است که رواق های دارالحفاظ، دارالسیاره، دارالسعاده، دارالذکر، دارالسرور و دارالعزه از آن جمله اند . نخستین ضریح حرم ازجنس چوب باتسمه ای فلزی و پوششی ازطلا و نقره در سال ۹۵۷ توسط شاه طهماسب صفوی بر مزار امام نصب شد .ضریح دوم از جنس فولاد و آراسته به نگین های یاقوت و زمرد بود که درسال ۱۱۶۰ ق به وسیله شاهرخ نواده نادرشاه وقف گردید. ضریح سوم درزمان فتحعلی شاه قاجار ازجنس فولاد ساخته و نصب شد. ضریح چهارم که ازآهن و مفرغ با پوششی از طلا و نقره بود؛ در سال ۱۳۳۸ شمسی بر قبر امام رضا قرار گرفت.پنجمین ضریح فعلی با طراحی استاد محمود فرشچیان و اجرای استاد خداداد زاده اصفهانی در مدت هفت سال به وزن ۱۲ تن ساخته شد و در سال ۱۳۷۹ ش.نصب گردید؛ این ضریح برای ۴۰۰ سال آینده پیش بینی شده است. مدفن واقعی امام رضا در سردابی است که زیر ضریح قرار دارد. این سرداب مکعب شکل به ابعاد ۲/۳۰ متر هیچ روزنه ای به بیرون ندارد و تنها ورودی آن دریچه ای است که داخل ضریح پایین پای امام قرار دارد. گنبد طلای بالای مدفن با ۳۱ متر ارتفاع در سال ۱۰۰۹ ق. توسط شاه عباس وقتی از اصفهان پیاده به مشهدآمد برروی گنبد زیرین آرامگاه حضرت رضا (ع) بناشده و نمادشهر مقدس مشهد محسوب می گردد. درساخت این گنبد ۷۷۷ خشت طلا به کاررفته و داستان آن برکتیبه ی گنبد به خط علی رضا عباسی درج گردیده است. مسجد گوهرشاد: درسال ۸۲۱ ق به دستور گوهرشاد همسر شاهرخ بن امیر تیمور گورکانی با معماری استادقوام الدین شیرازی با مساحتی حدود ۹۵۰۰ متر درجوار حرم بنا گشت. مسجدگوهرشاد یکی از برجسته ترین بناهای تاریخی ایران وجهان بوده و بزرگ ترین مسجد چهار ایوانی کشور به شمار می رود. منار وگلدسته‌ها: در مجموعه قدیمی آستان قدس رضوی، دو مناره با اختلاف قدمت وجود دارد، یکی در جنوب صحن انقلاب، نزدیک گنبد طلا و دیگری مقابل و به قرینه آن، درشمال صحن و بالای ایوان عباسی.این دو مناره هر دو با روکش طلا تزیین شده‌اند و مناره نزدیک گنبد که به صورت منفرد ساخته شده، از سابقه تاریخی و قدمت بیشتری برخوردار است. احداث مناره به صورت منفرد تا قرن ششم ادامه داشته و از آن به بعد ساختن مناره به صورت زوج معمول شد. بنابراین، تاریخ بنای مناره کنار گنبد به اوایل قرن ششم باز می‌گردد که به جای احداث دو مناره کنار گنبد، یک مناره ساخته شد. طهماسب صفوی در قرن دهم مناره مذکور را مرمت و به طلا آراسته کرد .بعد از آن، نادرشاه افشار هم‌زمان با طلاکاری ایوان امیرعلیشیر، مناره کنار گنبد را نیز دو باره طلاکاری کرد.. بلندی مناره کنار گنبد، ۴۰/۵ متر و محیط آن حدود ۱۳ متر است. ابتدای قسمت پایین گلدسته از سطح بام ایوان آجرچینی شده و بالای آن با کاشی تزیین یافته است. از بالای کاشی تا انتهای گلدسته با خشت‌های مطلا از نوع خشت‌های مطلای گنبد پوشیده شده است.گلدسته کنار گنبد که در ۲۵۲ سال قبل طلاکاری شده بود، به دلیل ضخامت کم، حدود ۴ هزارم میلی‌متر و تأثیر عوامل طبیعی، فرسوده و بدنما شده بود. پس از انقلاب اسلامی با خشت‌های مطلای جدید بازسازی شد.. اکنون حدود ۱۴۵ متر مربع خشت زرین بر سطح گلدسته وجود دارد .با احتساب دو مناره رفیع مسجد گوهرشاد، دوازده مناره در بناهای حوزه حرم حضرت امام رضا (ع) وجود دارد. موزه های مجموعه حرم:موزه مرکزی- موزه ی هنرهای تجسمی - موزه ی سکه ومدال-موزه ی تاریخ مشهد - موزه ی هدایای رهبری-موزه ی تمبرواسکناس - موزه ی قرآن- موزه ی سلاح - موزه ی فرش-موزه ی ظروف-موزه ی نجوم وساعت-موزه ی صدف وحلزون - موزه ی نقاشی . تعدادی از دفن شدگان حرم عبارتند از: شیخ بهایی- شیخ حرعاملی- شیخ ذبیح الله قوچانی- شیخ مجتبی قزوینی- شیخ محمدرضاکلباسی- شیخ حسن علی نخودکی (اصفهانی)- آیت الله آشتیانی- آیت الله العظمی عبدالله شیرازی- آیت الله محمدحسین حسینی تهرانی- دکترمرتضی شیخ- هارون الرشید- عباس میرزا - محمدتقی شریعتی - مشیرالدوله - امین السلطان - حسام السلطنه - حاج حسیم ملک - امیرعلیشیرنوایی - شاه طهماسب صفوی - علامه محمدتقی جعفری – بابرشاه- محمدتقی ادیب نیشابوری و....

۷۴- نارین قلعه





راههای دسترسی: ۵۰کیلومتری شمال غرب شهر یزد؛ شهرمیبد، میدان شهرداری ابتدای بلوار امام

این بنا روی تپه‌ای به ارتفاع ۲۵ متر با شیب کم از قسمت جنوب به شمال (قسمت‌هایی از قلعه که در حاشیه‌های بخش جنوبی شهر قرار گرفته‌اند، بالغ بر ۲۰ متر نسبت به قسمت‌های واقع شده در شمال، از ارتفاع بیشتری برخوردار هستند) قرار گرفته است و با ایستادن برفراز آن، می‌توان به تمامی شهر میبد و اطراف آن اشراف داشت. نارین قلعه‌ی میبد یزد، یکی از بناهای تاریخی و باشکوه ایران کهن در دوران ساسانی است عده ای نیز معتقدند این بنا بدست سلیمان نبی ساخته شده است.این بنای کهن سال ۱۳۵۴ با شماره‌ی ۳۴۹۰ به ثبت ملی رسیده است. نارین قلعه در بدو دوران ظهور اسلام نیز از ارزش و اهمیت بسیاری برخوردار بوده است که می‌توان از آن به عنوان مکانی مستحکم و غیرقابل نفوذ در مقابل دشمنان و بیگانگان یاد کرد. از نکات جالب و قابل توجهی که در مورد این مکان تاریخی باشکوه وجود دارد، می‌توان به حضور شبکه‌های زیرزمینی قابل تردد اشاره کرد که طراحان و معماران آن دوران، آن‌ها را برای تدارک و تهیه‌ی مایحتاج زندگی افراد از جمله آب و غذا احداث کرده‌اند. راه‌هایی که گفته می‌شود هرگز توسط هیچ بیگانه و متجاوزی فتح نشده است. برخی از باستان‌شناسان، قدمت سکونت در این مجموعه‌ی تاریخی را حدود ۳ الی ۴ هزار سال قبل از میلاد برآورد کرده‌اند. کارشناسان معماری براین عقیده‌اند که قرارگیری و احداث نارین قلعه روی زمینی بکر صورت نگرفته است. می‌توان آثاری از معماری را که به صورت ساختارخشتی در این مکان انجام شده است، در بخش‌ها و لایه‌های زیرین، قسمت‌های زیر دیوار شمالی و بخش شاه‌نشین مشاهده کرد که نشان از مجموعه‌ای بسیار مهم و ارزشمند دارد. به نظر می‌رسد که این بنای تاریخی در دوران مختلف مورد ساخت و سازهای متعددی قرار گرفته هر چند بخش‌های زیرین که به نظر می‌رسد متعلق به دوران کهن است، به دلیل مستور بودن یا قابل دسترسی نبودن همچنان نامشخص است. ولی کارشناسان باستان‌شناسی بر این باور هستند که توده‌ی خشتی وسیع قرار گرفته روی آن متعلق به دوران حکومت ساسانیان است. آن‌ها مهر کشف شده و کتیبه‌ی پهلوی مربوط به آن را دلیل این ادعا بیان کرده که با خشت‌هایی با ابعاد ۱۲*۲۸*۴۲ ساخته شده است. همچنین به نظر می‌رسد که در دوران اوایل ظهور اسلام، این قلعه را به عنوان محل سکونت مورد استفاده قرار می‌دادند. چراکه می‌توان بخش‌هایی از معماری قرن چهارم و پنجم هجری قمری را در این مجموعه مشاهده کرد. هرچند به نظر می‌رسد عملیات تعمیر، مرمت و ساخت در نارین قلعه، در دوران حکومت آل مظفر به پایان رسیده است. ازجمله این بازسازی‌ها را می‌توان در بخش شاه‌نشین، مردم‌نشین، برج و باروها و خندق مشاهده کرد.نارین قلعه که در بین گذشتگان به نام دژ دالان نیز شهرت داشته روی تپه‌ای مرتفع احداث شده است که با قرار گیری بر آن می‌توان به تمامی شهرستان میبد و اطراف آن اشراف داشت. باستان‌شناسان و معماران، مساحت این بنای تاریخی که قدمت آن را به دوران اشکانی و پیش از اسلام نسبت داده‌اند، بالغ بر ۳ هکتار در بخش شاه‌نشین ودر بعضی منابع ۱۵۰۰۰مترمربع نام برده شده که به نظر این عدد، به بخش شارستان آن مرتبط است. معماران و طراحان سازنده‌ی این اثر ایران کهن، قلعه‌ی میبد را به صورت هفت طبقه و به گونه‌ای احداث کردند که از برج و باروها و دربندهای مختلفی برخوردار است. از نکات معماری جالب و مهم صورت گرفته در ساخت و احداث این مجموعه‌ی عظیم تاریخی، می‌توان به حفر خندقی که نقب‌های زیر آن تا امتداد یک فرسنگ نیز ادامه دارد، اشاره کرد. همان گونه که در تمامی شهر قلعه‌های ایران حفر خندق بخشی از امور دفاعی شهر بوده در طراحی این شهر قلعه نیز حفر خندق را به دلیل انجام امور دفاعی و نظامی در مقابل تجاوز و حمله‌ی بیگانگان در نظر گرفته‌اند. معماران ایران کهن، برای نارین قلعه‌ی میبد یزد، ۴ برج گرد که از ارتفاع زیادی برخوردار است، تعبیه کرده‌اند که متاسفانه در عصر حاضر تنها بخش مرکزی آن‌ها برجای مانده است. برخی از کارشناسان معماری معتقد هستند که در ابتدا این قلعه را با حفر خندق پی‌ریزی کرده و سپس پنج طبقه را با استفاده از مصالح خشت و گل احداث کردند. ابعاد خشت‌هایی که در ساخت این بنا مورد استفاده قرار گرفته است با یکدیگر متفاوت بوده و همین امر بیان‌کننده‌ی ساخت و تکمیل قلعه در دوران مختلف تاریخی است. برخی از این خشت‌ها که احتمال می‌رود در دوران مادها استفاده شده باشند، از ابعادی برابر با ۱۰*۲۴*۴۰ سانتیمتر برخوردار هستند .دروازه‌ای نیز که به عنوان دروازه‌ی ورودی ساخته شده است، در بخش غربی قلعه و با ساخت دو برج که در دو طرف دربند قرار گرفته‌اند، مسئولیت نگهداری و محافظت از آن را به عهده داشتند. حضور چاهی بسیار قدیمی با ابعادی برابر با ۱*۳۰*۳۰۱ سانتی‌متر است که از شکل هندسی چهارضلعی برخوردار بوده است. در واقع می‌توان گفت که نارین قلعه از دو قسمت اصلی برای سکونت و زندگی تشکیل شده است که به دو بخش بالایی و پایینی شهرت دارد. در بخش پایینی خسارات و خرابی‌های بسیاری صورت گرفته است که می‌توان به بخش مردم‌نشین، مسجد، حمام و گذرگاه‌ها و دیگر بخش‌های شهری اشاره کرد که امروزه اثری از آن‌ها باقی نمانده است که به شارستان معروف است. این درحالی است که در بخش بالایی که به حاکم‌نشین معروف است، عمارات و مکان‌هایی در سه طبقه احداث شده است که از دربند سوم شروع و با حرکتی حلزونی شکل در بخش شاه‌نشینی که به شاه‌نشین مظفری معروف است، پایان می‌یابد. نور تامین شده‌ی فضاهای سرپوشیده نیز به صورت سوراخ‌هایی که به عنوان روزنه در بخش‌های بالایی دیوارها قرار گرفته‌اند، ایجاد می‌شود. نارین‌قلعه‌ی میبد نیز بعد از ارگ بم بزرگترین شهر قلعه‌ی خشتی ایران است. پیشنهاد می شود در بهار و پائیز به دیدن اینجا بروید و از خرید سفال های زیبای میبد غافل نشوید. پیشنهاد ما سفر در بهار است.

۷۵- قلعه بابک



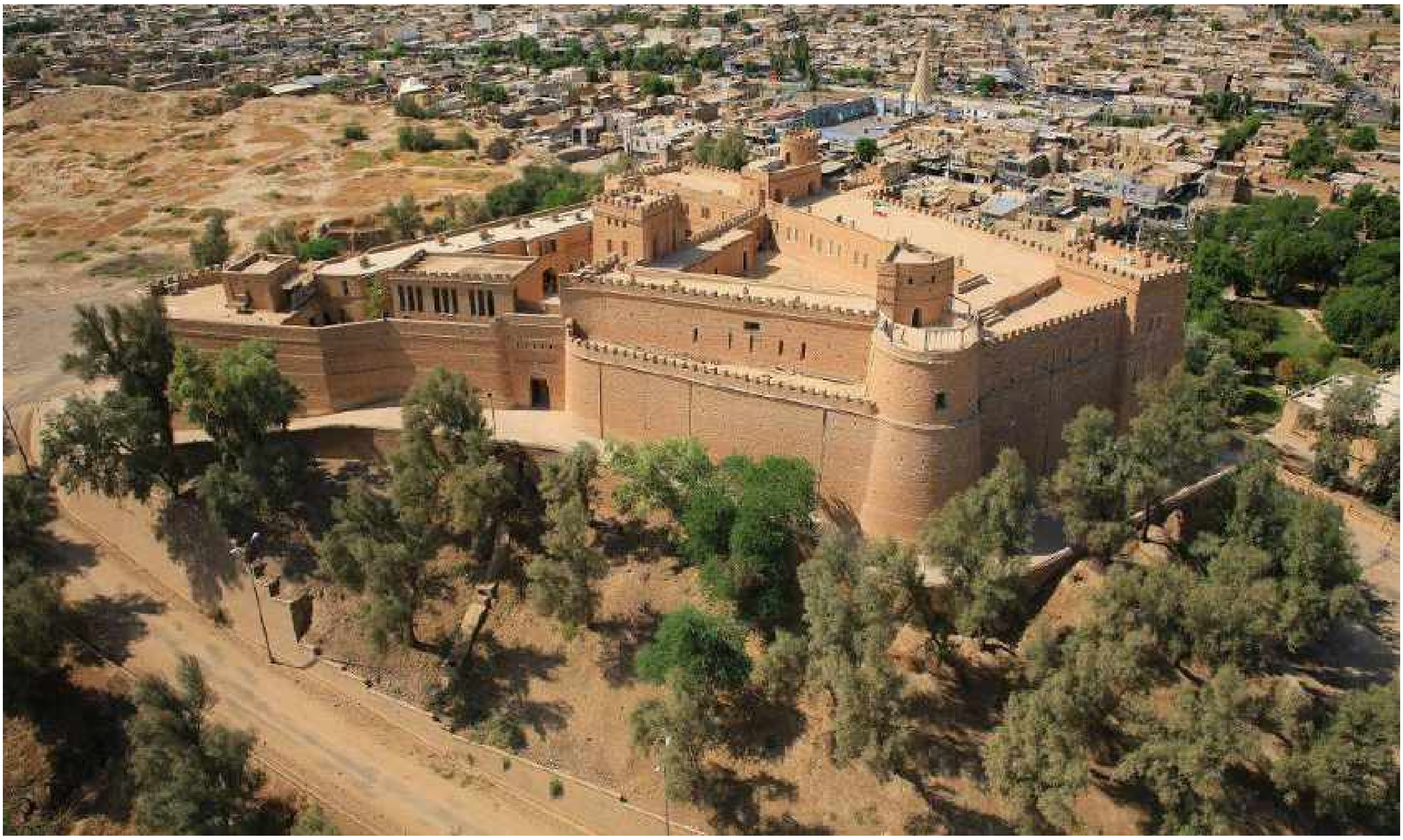


راههای دسترسی: در ۵۰ کیلومتری شمال شهرستان اهر، شهرستان کلیبرقرار دارد-راه دسترسی به دژ از سه سو می‌باشد. ۱-گذرگاه دژ دره‌سی که در جنوب دژ بوده و گذری دشوار می‌باشد. ۲-گذرگااه هتل بابک که کمی بالاتر از روستای شجاع‌آباد است. ۳-گذرگاه ییلاق که ۱/۵ کیلومتر از گذر را می‌توان با خودرو پیمود که نسبت به دو گذر دیگر بهتر است.

دژ بابک با نامهای بَذ، قلعه و قصر جمهور در بالای کوهی به بلندای ۲۳۰۰ متر، در نزدیک به سه کیلومتری شهر کلیبر و در روستای شجاع آباد قرار دارد. دژ در زمان ساسانیان ساخته شده و نام خود را از نام بابک خرمدین، رهبر خرمدینان، گرفته‌است. شخصیت بابک برای آنهایی که تاریخ می‌خوانند جذاب و قابل‌احترام است و هرساله در سالروز تولدش که ۱۵ تیرماه است دوستدارانش پای قلعه مراسم بزرگ‌داشتی می‌گیرند که اغلب با دخالت نیروهای فشار برهم می‌خورد.بنای دژ جمهور یا دژ بذ شامل قلعه و قصر، بر فراز قله‌ای است که پیرامون آن را دره‌هایی به ژرفای ۴۰۰ تا ۶۰۰ متر فرا گرفته‌است. تنها از یک راه تنگ و دشوار می‌توان به این دژ راه یافت .قبل از رسیدن به دروازه قلعه و ورود به بنای مستحکم دژ باید از معبری عبور کرد که به صورت دالانی است و از سنگ‌های منظم طبیعی شکل گرفته و تنها گنجایش عبور۱ نفر را دارد و دو نفر به سختی می‌توانند از آن بگذرند.فاصله این معبر تا باروی قلعه در حدود ۲۰۰ متر است و مقابل آن قرار دارد. از همین نقطه است که صعوبت راه و ابهت خاص این قلعه رفیع و موقعیت خیره کننده آن بیننده را به اعجاب وا می دارد. امتداد بصری معبر در نهایت به دروازه قلعه ختم می‌شود و دقیقاً در راستای آن قرار دارد که باعث می‌شود ورود هر تازه وارد و سپاهی و غیره از طریق دو برج دیده بانی در سمت دروازه ورودی قابل رؤیت باشد. برای نفوذ به داخل تنها راه ورود دروازه اصلی است و از کوهستان امکان وارد شدن به قلعه وجود ندارد.با گذر از دروازه ورودی و پشت سر گذاشتن بارو، جهت رسیدن به دژ اصلی باید از گذرگاهی باریک که حدود ۱۰۰ متر صعود از ارتفاع را نیز به همراه دارد گذشت تا به مدخل ورودی قلعه رسید، مسیری صعب العبور که از یک سمت مشرف به دره‌ای است با جنگل‌های تنک و ژرفایی در حدود ۴۰۰ متر که به صورت تیغه و دیواره تا قعر دره ادامه دارد. در تکیه گاه‌های طبیعی این دیواره‌ها و ۴ جهت بنا ۴ جایگاه برای دیده‌بان‌ها به صورت نیمه استوانه ساخته شده است. اینها مقر کوه بانیه‌ها و سربازانی است که هر جنبنده‌ای را تا کیلومترها دورتر، از فراز دره‌ها و کوهپایه‌ها زیر نظر می‌گرفتند.پس از صعود، برای ورود به دژ اصلی از مدخل دیگری با پلکان‌هایی نامنظم باید عبور کرد. طرفین مدخل دژ، به وسیله دو ستون کاذب مشخص شده است.بنای دژ که دو طبقه و سه طبقه است، پس از ورودی قرار گرفته است و پس از آن تالار اصلی وجود دارد که اطراف آن را ۷ اتاق فرا گرفته است، اتاق‌هایی که به تالار مرکزی را دارند. در قسمت شرقی دژ تأسیسات دیگری مرکب از اتاق‌ها و آب انبارها ساخته شده است؛ سقف آب انبارها با طاق جناغی و گهواره‌ای استوار شده‌اند.محوطه داخلی آنها نیز به وسیله نوعی ساروج غیر قابل نفوذ گردیده و به هنگام زمستان از برف و باران پر شده و در تابستان و هنگام مضایق و محاصره‌ها از آب آنها استفاده می‌شده است.در سمت شمال غربی دژ پلکان‌هایی سرتاسری وجود داشته که اکنون ویران شده و قسمت‌هایی از آن بیرون خاک است و تنها راه صعود به بخش‌های مرتفع تر بناست. از آثار معماری و برخی از سنگ‌های زبره تراش و روش چفت و بست سنگ‌ها و ملات ساروج و اندود دیوارها از نوعی گچ و خاک می‌توان دریافت که ساختمان این دژ و قلعه در روزگار اشکانیان و بخصوص ساسانیان ساخته شده است.این دژ در قرون دوم و سوم و تا چند قرن پس از آن مورد تعمیر و مرمت قرار گرفته و تغییراتی در آن به وجود آمده و الحاقاتی در بنا ایجاد شده است.اشیا و ابزاری که از قلعه بابک به دست آمده، سفالینه‌های منقوش و لعاب خورده است که یک دوره استقرار تا اوایل قرن هفتم هجری را نمایش می‌داد. همچنین تعدادی سکه مسی کشف شده که برخی از آنها به علت ساییدگی و زنگ خوردگی فراوان غیرقابل خواندن است و در بین این سکه‌ها برخی مربوط به اتابکان آذربایجان و هزارسیبان (قرون ششم و هفتم هجری) هستند.به لحاظ سوق الجیشی موقعیت استقرار بنا بر فراز قله به گونه‌ای ست که ۲۰ نفر سپاهی قادر بودند هجوم یک سپاه صد هزار نفری را مانع شوند و تلفاتی هم نداشته باشند .چون تیر و کمان و اسلحه معمول زمان به سربازان و مستحفظانی که بر بلندی موضع می‌گرفتند به جهت بعد مسافت بی تاثیر بودند. در نهایت بابک خرمدین پس از ۲۲ سال مبارزه با عباسیان و با خیانت افشین سردار خائن ایرانی توسط معتصم کشته شد و قلعه به تصرف عباسیان درآمد..قلعه بابک در سال ۱۳۴۵ با شماره ۶۲۳ در لیست آثار ملی، تاریخی و فرهنگی ایران ثبت شد و مرمت آن از سال ۱۳۷۶ توسط اداره کل میراث فرهنگی آذربایجان شرقی آغاز شد. باتوجه به این‌که قلعه بابک در منطقه‌ای کوهستانی واقع شده، بهترین زمان بازدید از آن فصل گرماست، اما نه خیلی گرم چون مسیر پیاده روی زیادی دارد و پیاده روی در گرما هم کاریست بسیار طاقت‌فرسا. از فروردین تا اوایل خرداد و همچنین از شهریور تا مهر بهترین زمان سفر است.

۷۶- کاخ آپادانا





راههای دسترسی: خوزستان -۴۰ کیلومتر بعد از اندیمشک - شوش- بلوار امام خمینی.

آپادانا در حقیقت نوعی تالار ستون دار در ایران باستان است. کاخ آپادانا در حدود سال‌های ۵۱۵_۵۲۱ پیش از میلاد به دستور داریوش بزرگ پادشاه هخامنشی در شوش (شهر باستانی) روی آثار و بقایای عیلامی بنا شد.داریوش شوش را برای این انتخاب کرد که در عصر عیلامی کانون بزرگ مذهبی و بعد از ساخته شدن کاخ هم پایتخت زمستانی هخامنشیان شد.کاخ آپادانای شوش قصر زمستانی شاهان هخامنشی بوده‌است. مساحت تالار یا کاخ آپادانا ۱۰۴۳۴ متر است.بخش‌های مهمی از این کاخ که بارگاه یا آپادانه نامیده شده در زمان اردشیر اول دچار آتش‌سوزی شد و در زمان اردشیر دوم بازسازی شد. اما در سال ۳۳۰ پیش از میلاد، با هجوم وحشیانه و مخرب اسکندر مقدونی یک بار دیگر تخریب شد. اولین حرکت‌های باستان‌شناسی در محوطه تاریخی شوش در سال ۱۸۵۱ توسط کنت لفتوس انگلیسی آغاز شد. مدتی بعد، ژان و مارسل دیولافوای فرانسوی فعالیت‌های او را ادامه داده و کارشان توسعه پیدا کرد. تپه‌های شوش نظر دمورگان را بسیار به خود جلب کرد و با هدف یک تحقیق دراز مدت کار خود را شروع کرد. در سال ۱۸۸۰ میلادی، یک گروه از باستان شناسان فرانسوی این کاخ را از دل خاک بیرون کشیدند.کاوش‌های باستان شناسی روی ویرانه‌های شوش از سال ۱۸۴۹ میلادی آغاز شد اما کشف کامل آپادانا در حفاری‌هایی بین سال‌های ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۴ اتفاق افتاد. طرح کاخ بنایی کوشک مانند با ۳ ایوان ستوندار در جبهه شمالی ، شرقی و غربی آن است. تالار مرکزی دارای ابعاد ۵۸ در ۵۸ متر است و ۳۶ ستون به ارتفاع ۲۰ متردشته که بزرگترین و با شکوه‌ترین ساختمان مجموعه است که با تخمین باستانشناسان می‌توانست جمعیتی در حدود ۱۰هزار نفر را در خود جای دهد. عمارت دیگر با ۷۲ ستون عظیم یوده است. تمام این ستون‌ها که قبلا رنگ آمیزی شده بودند، به شکل قاشقی تراش خورده اند و ارتفاع آنها که با سرستون هایی به شگل گاو نر تزئین شده اند، به ۲۰ متر می‌رسیده است.. این بنا از سه طرف شمال، غرب و شرق ایوان دارد و سمت جنوبی تالار با اقامتگاه شاهی و بقیه مجموعه کاخها مرتبط است. ایوان‌های مجموعه هر کدام دارای دو ردیف ستون ۶ تایی می‌باشند. از کلیه مجموعه کاخ ۱۱۰ اتاق و تالار کشف شده است. دیوارهای این کاخ از خشت با نمای آجری ساخته شده و ستون‌های آن از سنگ است .دیوارهای داخلی آن را هم با آجر لعاب‌دار پوشانده اند که نقش سربازان گارد جاویدان، شیر بالدار و گل نیلوفر آبی را روی آنها می‌توانید ببینید که بقایای به‌جای‌مانده آنها در موزه‌های خارجی و داخلی نگهداری می‌شوند. تالار کاخ شوش کمی از تالار تخت جمشید بزرگتر است کاخ داریوش واحدهای مختلفی از جمله تالار بار عام، حرمسرا، دروازه و کاخ پذیرایی و حیاط دارد. شش حیاط که سه تای آنها بسیار بزرگ دور یک محور شرقی و غربی قرار گرفته اند، در داخل مجموعه کاخ‌ها وجود داشته اند که به وسیله یک راهروی بزرگ به بخش شمالی مربوط شده است. سه حیاط کوچکتر در بخش شمالی مجموعه کاخ قرار داشته. اتاق‌ها و ساختمان‌های مختلف کاخ به وسیله این حیاط‌ها روشنایی گرفته و تهویه می‌شدند. بستر این حیاط‌ها با آجرهایی به رنگ قرمز اخرایی فرش شده اند در شمال این حیاط هم نقش شیرها را به طول چهار متر می‌بینید که در گذر زمان کاملا سالم مانده اند. امروزه در شوش، فقط چند زیرستون وجود دارد و کاخ به شکل سابقش وجود ندارد .بیشتر اشیا خارج شده، اکنون در موزه لوور نگهداری می‌شوند متاسفانه اشیائی که فرانسوی ها امکان انتقال نداشته اند با پتک خورد کرده اند. این مجموعه در سال ۱۳۸۰ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید. در مجاورت این بنای تاریخی مجموعه ای دارد که به آکروپل معروف است .این قلعه که به قلعه فرانسوی‌ها نیز مشهور است قدمتی حدود ۱۲۰ سال دارد و در دوره قاجار ساخته شده است. برخی از کسانی که از تاریخ ساخت قلعه مطلع نیستند، تصور می‌کنند این قلعه قدمت بیشتری دارد. در حالی که آنچه سبب شهرت این قلعه زیبا شده است، علاوه بر معماری زیبا و چشم‌انداز خاص قلعه، آجرهایی است که از کاخ داریوش به دست آمده و در ساخت قلعه شوش استفاده شده است. برخی از آجرهای به کار رفته در این قلعه منقوش به خط میخی زیگورات چغازنبیل هستند که به دست دو معمار دزفولی بنا شده‌اند. یکی از معماران اصلی قلعه، با نام مصطفی دزفولی شناخته می‌شود. چون آثار ارزشمندی از این منطقه کشف شد و امنیتی برای حفظ این آثار وجود نداشت، هیئت فرانسوی تصمیم به ساخت مکانی در این محوطه تاریخی برای نگهداری آثار تاریخی گرفت. در سال ۱۸۹۸ میلادی ژان ژاک دومورگان قلعه شوش را از آجرها و آثار بازمانده از بنای کاخ داریوش ساخت. معماری قلعه شوش شباهت بسیاری به زندان باستیل در فرانسه دارد. پلان قلعه شوش به شکل ذوزنقه ساخته شده است. این ذوزنقه قاعده‌ای کوچک در سمت شمال دارد. دورتادور این ذوزنقه راهرویی واقع شده است و ردیف اتاق‌هایی به‌سمت حیاط، بر گرد آن قرار گرفته‌اند. تقسیم‌بندی کلی قلعه با دو حیاط و فضای پیرامون آن شکل گرفته است. قلعه دارای سه ورودی است که یکی از آن‌ها در حال مسدود شدن است. این قلعه روی بلندترین نقطه شهر شوش قرار گرفته است. از سال ۱۳۷۱ از قلعه شوش به‌عنوان نوعی موزه استفاده شده و اشیای تاریخی در آن نگهداری می‌شوند. قلعه شوش دارای اتاقی کوچک شیشه‌ای است که به کلاه فرنگی شهرت دارد. همچنین برج استوانه‌ای که در ضلع غربی بنا قرار دارد، مربعی شکل است و به‌عنوان کبوترخانه مورد استفاده قرار می‌گرفت. برج دیگر این بنا در وسط حیاط قرار گرفته است که به برج شمالی نیز شهرت دارد. به دلیل وجود انواع آجر، به‌خصوص آجرهای کتیبه‌دار با ابعاد مختلف و منقوش مینایی، نام دیگر قلعه شوش را موزه آجر گذاشته‌اند. این قلعه در زمان‌های جنگ تحمیلی ایران و عراق، مورد حمله دشمن قرار گرفت و آسیب‌های بسیاری را متحمل شد. از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۳ قلعه شوش چندین بار مرمت اصولی شد، اما در سال ۱۳۷۵ میراث فرهنگی در یک اقدام نابجا قسمتی از راهروها و اتاق‌ها را رنگ‌آمیزی کرد و بنا از بکر بودن و اصالت خود فاصله گرفت. بهترین زمان بازدید از این شهر باستانی و بناهای آن بهار و پائیز است.

۷۷- قلعه فلک الافلاک





راههای دسترسی: خرم آباد، خیابان امام خمینی - دوازده برجی

قدمت این قلعه به دوره ساسانیان می‌رسد. ساسانیان شهری با نام شاپورخواست در حدود منطقه کنونی خرم‌آباد ساختند که بعدها ویران شد و در حدود سده هفتم هجری خرم‌آباد فعلی به جای آن بنا گردید. گمان می‌رود که قلعه فلک‌الافلاک همان دژ شاپورخواست باشد که در دوره ساسانی کاربرد حکومتی و نظامی داشته‌است. از قرن ششم هجری پس از ساخته شدن شهر جدید خرم‌آباد این قلعه نیز بنام خرم‌آباد معروف شد و احتمالاً نام فلک‌الافلاک در دوره قاجار به آن اطلاق شده‌است. این قلعه به لحاظ موقعیت استراتژیکی خود در قرن چهارم هجری قمری به عنوان مقر حکومت آل حسنویه و گنجور در زمان آل بویه در آمد همچنین خزانه حکومتی خاندان بدر در قرن چهارم هجری و مقر حکومتی اتابکان لر کوچک و والیان لرستان در دوره صفویه تا قاجار و سرانجام پادگان نظامی و زندان سیاسی در دوران پهلوی اول و دوم از مهمترین کاربردهای قلعه در گذشته محسوب می‌شود.در گذشته دوازده برج درون قلعه خرم آباد قرار داشت که تنها هشت مورد از آن ها توانستند از گذر زمان جان سالم به در ببرند. امروزه قلعه تبدیل به نمادی از شهر خرم آباد و استان لرستان شده است. واژه فلک الافلاک به معنای سپهر سپهران است و به دلیل دارا بودن دوازده برج می توان به دوازده برج فلکی اشاره کرد و نام فلک الافلاک نیز از همین جا ریشه گرفته است. بنای باشکوه این قلعه مربوط به دوره ساسانیان می شود، زمانی به عنوان زندان برای اسرای رومی استفاده شد و در قرن چهارم نیز به عنوان مقر حکومت انتخاب گردید، پس از آن تبدیل به خزانه داری حاکم لرستان شد و به خاطر معماری زیبا جزو شاهکارهای مهندسی و معماری دنیا شناخته شده است. بلندترین دیوار در این قلعه ۳۳ متر است و پلان هشت ضلعی نامنظمی دارد. قلعه فلک الافلاک در زمان قاجار بازسازی شد و در دوران پهلوی نیز به عنوان پادگان نظامی و زندان سیاسی استفاده می شد. در سال ۱۳۴۹ قلعه فلک الافلاک در آثار ملی ایران به ثبت رسید و تبدیل به موزه ای با ارزش شد. در سال های اخیر نیز نمای بیرونی و داخلی قلعه بازسازی شده اند و موزه های باستان شناسی، مردم شناسی، آزمایشگاه مرمت اشیا و چایخانه سنتی راه اندازی شده است .قلعه فلک الافلک در طول زمان نام های گوناگونی مانند دژ شاپورخواست، قلعه خرم آباد، کاخ اتابکان، دوازده برجی داشته است اما از زمان قاجار به بعد نام فلک الافلاک به خود گرفته است. مصالح به کار رفته در ساخت این قلعه عبارتند از سنگ، آجر قرمز و بزرگ، خشت و ملات گچ و آهک. با توجه به اینکه خرم آباد شهری خوش آب و هوا همراه با بارش‌های سیل آسا است، امااین قلعه سیستم رطوبت گیری دارد، به دلیل اینکه این قلعه با موادی مانند سنگ و چوب ساخته شده است و در برابر رطوبت آسیب پذیر است، در بالاترین نقطه شهر خرم آباد ساخته شده تا باد به داخل ساختمان نفوذ کند و پایه های قلعه را خشک نگه دارد. ورودی قلعه در برج جنوب غربی با عرض ۱۰ متر و ارتفاع ۳ متر قرار دارد. با اینکه چندین بار این قلعه تعمیر و مرمت شده اما اصلی ترین تغییرات در زمان صفویه و قاجار انجام شده است. در نهایت آخرین بازسازی نیز در سال ۱۳۸۹ انجام گرفته است. به خاطر زیبایی معماری قلعه فلک الافلاک توسط بسیاری از کارشناسان لقب شاهکار مهندسی و معماری به خود گرفته است. هنگام ورود به قلعه فلک الافلاک باید از تعدادی پله بالا بروید، وقتی وارد قلعه شدید، در ابتدا حیاط قلعه را خواهید دید که در آنجا چاه معروف فلک الافلاک و حمام قرار دارند، سپس از پله های برج بالا بروید و منظره زیبایی از شهر خرم آباد روبروی شما خواهد بود. در داخل قلعه، چهار سالن بزرگ، دو حیاط خلوت، چندین تالار کوچک، اتاق ها و دروازه هایی ساخته شده است .دو حیاط در این قلعه توسط چهار برج احاطه شده اند. دو مورد از این برج ها در شمال و شمال غربی و دو مورد دیگر در جنوب غربی و جنوب قرار دارند. حیاط دوم نیز همانند حیاط اول از تالارهای بزرگی تشکیل یافته است که به یکدیگر راه دارند و همین قسمت تبدیل به موزه شده است. البته در قلعه فلک الافلاک دو موزه مردم شناسی و باستان شناسی وجود دارد که آداب و رسوم و اشیای تاریخی این سرزمین به نمایش گذاشته شده است. در هر گوشه از ۱۲ سالن موزه مردم شناسی جلوه های دیدنی از فرهنگ، باورها و زندگی بومی مردم لرستان را خواهید دید. حمام نیز در قسمت شمالی اولین حیاط قرار دارد و آب مورد نیاز این حمام توسط چاه تامین می شده است که تا اواخر حکومت قاجار از این حمام استفاده می شده است. برای رسیدن به این قلعه مهم نیست در کدام قسمت از شهر اقامت دارید، به راحتی می توانید توسط وسایل نقلیه عمومی مانند اتوبوس و تاکسی به خیابان دوازده برجی بروید و به محض پیاده شدن از ماشین قلعه را خواهید دید. در سال های اخیر با مرمت نمای بیرونی و داخل قلعه موزه های باستان شناسی، مردم شناسی، آزمایشگاه مرمت اشیاء، مرکز فروش تولیدات فرهنگی و چایخانه سنتی در این مجموعه فرهنگی تاریخی راه اندازی شده است. هنگامی که اسکندر مقدونی به ایران حمله کرد، حاکمان زمانه تصمیم گرفتند تا اشیا با ارزشی از جنس طلا و نقره را در آن پنهان کنند و این گونه آن ها را از دست اسکندر محفوظ بدارند. بعد از گذشت دوهزار سال اشیا عتیقه به صورت تصادفی توسط دزدان! پیدا شدند، تعدادی از این اشیا مرمت شدند و امروزه در موزه قلعه از آن ها نگهداری می شود. درون قلعه خرم آباد آزمایشگاهی مجهز برای مرمت اشیا باستانی احداث شده است و در کنار آن کتابخانه ای با کتب نفیس قرار دارد. زلزله ای که در سالهای گذشته در غرب کشورمان اتفاق است، علاوه بر تمام خسارات جانی و مالی که به مردم منطقه وارد کرد به بسیاری از آثار باستانی کشور را نیز آسیب رساند. بلافاصله پس از وقوع این زلزله کارشناسان حوزه میراث فرهنگی لرستان از قلعه خرم آباد بازید کردند و نسبت به عدم خسارت به این اثر تاریخی اطمینان دادند. اما از آن زمان همواره وقوع زمین لرزه در منطقه ادامه داشته است و این قلعه قدیمی توانایی مقابله با یک زلزله بزرگ را ندارد. در حال حاضر ترک هایی به عمق سه متر بر روی دیوارهای آن مشاهده می شود. بهترین زمان سفر بهار ، تابستان و پائیز است تا از دیگر جاذبه های طبیعی این استان نیز لذت ببرید.این بنا منتظر ثبت در لیست یونسکو است.

۷۸- طاق بستان





راههای دسترسی:کرمانشاه - میدان پدرانتهای خیابان طاق بستان

طاق‌بستان مجموعه‌ای از سنگ‌نگاره‌ها و سنگ‌نوشته‌های دوره ساسانی است که در ایران در محله طاق‌بستان در شمال غربی شهر کرمانشاه و در غرب ایران واقع شده‌است. این مجموعه در قرن سوم میلادی ساخته شده‌است و ارزش هنری و تاریخی زیادی دارد. طاق بستان متشکل از دو طاق به هم پیوسته و از جنس سنگ خام خاکستری رنگ است که در کوه حفر شده‌اند. در واقع از مزایا و خصوصیات بارز این سنگ‌ها می‌توان به عدم رشد گیاهان و علف‌های هرز در آن، اشاره کرد. این مجموعه از سه بخش اصلی و مهم تشکیل شده است که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان دقیق ترین و در عین حال زیباترین آثار سنگی بجا مانده از حکومت ساسانی در نظر گرفت .این ۳ بخش عبارتند از :۱- کتیبه تاج‌گذاری اردشیر دوم مربوط به سال های ۳۸۰-۳۸۳ میلادی- ۲- طاق بزرگ معروف به ایوان بزرگ که مربوط به زمان پادشاهی خسروپرویز و در سال های ۶۲۸-۵۹۰ میلادی است.۳-طاق کوچک معروف به ایوان کوچک که مربوط به تصویر برجسته شاپور سوم در سال‌های ۳۸۳-۳۸۰ میلادی است.همچنین وجود کوه و چشمه در این مکان، آن را به گردش گاهی زیبا تبدیل نموده که از زمان‌های دیرین تا به امروز مورد توجه بوده‌است. طاق‌بستان در زبان کردی کرمانشاهی تاق‌وه‌سان گفته می‌شود و بمعنی «طاقی از سنگ» است .شاهان ساسانی نخست نواحی اطراف تخت جمشید را برای تراشیدن تندیس‌های خود برگزیدند، اما از زمان اردشیر دوم و شاهان پس از او، طاق‌بستان را انتخاب کردند که در بین راه جاده ابریشم قرار داشت و دارای طبیعتی سرسبز و پرآب بود که امروزه نیز به همین شکل است. سنگ‌نگاره شکارگاه سلطنتی طاق بستان نخستین تابلوی سنگی با رعایت قاعده و اصول نقاشی در جهان به حساب می‌آید. در این حجاری خسرو سوار بر شبدیز به گونه‌ای است که گویی اثر از روی نقاشی، نقش شده‌است. هم‌چنین در طاق بزرگ آثاری از زنان موسیقی‌دان به چشم می‌خورد که به نواختن چنگ و سازهای بادی مشغول هستند. در قسمتی دیگری از طاق بزرگ صحنه شکار گراز به چشم می‌خورد که از نظر حرکت و نمایش از جمله شاهکارهای هنر سنگ‌نگاری به‌شمار می‌رود، که در سبک هنری، نزدیک به سبک نقاشی بر روی دیوار است. مهم‌ترین اثر در طاق بستان، طاق بزرگ با سنگ نگاره تاج‌گذاری خسرو پرویز است که دارای ایوانی با فضای مستطیل به عرض ۷ متر و ۸۵ سانتیمتر، ارتفاع ۱۱ متر و ۹۰ سانتیمتر و عمق ۷ متر و ۶۵ سانتیمتر است.که در کناره ورودی طاق، سنگ نگاره‌ای از فرشتگان بال‌دار، درخت زندگی، مجالس شکار گراز و شکار مرغان و ماهیان در مرداب و نقش‌های فیل، اسب و قایق می‌باشد که حاکی از مراسم بزم و شادی است .در زیر نقش تاج‌گذاری خسرو پرویز سواری زره‌پوش سوار بر اسب قرار دارد .در این تصویر شاه در میان و در سمت راست وی فروهر قرار دارد .فروهر تاجی کنگره‌دار بر سر دارد و حلقه فر ایزدی را به شاه می‌دهد. لباس شاه و نگاره فروهر تا حدی یک‌سان است. هر دوی آن‌ها شلواری چین‌دار به پا دارند که توسط بندی به مچ پایشان چسبیده‌است. هم‌چنین هر دو دارای کمربند و دست‌بند هستند. در سمت چپ شاه، میترا قرار دارد .در سترگ‌ترین طاق، سه تندیس مشاهده می‌شود. شاه در میان، فروهر در سوی راست وی، که مانند تاج‌گذاری اردشیر دوم است و آناهیتا در سوی چپ شاه .آناهیتا ایزدبانوی آب‌هاست و نماد خرمی و سرسبزی .نقش برجسته تاجگذاری اردشیر دوم نخستین نقش برجسته طاق‌بستان است که در کنار طاق کوچک قرار دارد. در سمت راست ایوان کوچک، سنگ‌نگاره‌ای وجود دارد که صحنه تاج‌ستانی اردشیر دوم، نهمین شاه ساسانی را نشان می‌دهد. در این صحنه، شاه ساسانی به حالت ایستاده با صورتی سه ربعی و بدنی تمام رخ در مرکز صحنه نقش شده که دست چپ را بر روی قبضه شمشیر گذاشته و با دست راست حلقه روبان‌داری را از اهورا مزدا می‌گیرد، درحالی که زرتشت یا به قولی میترا با هاله‌ای از نور در سمت چپ، پشت سر او قرار دارد. زیر پای اردشیر دوم، ژولیان امپراتور روم که در جنگ اسیر شده‌است، قرار دارد. شاه ساسانی چشمانی درشت و ابروانی برجسته دارد. ریش او مجعد و موهای سرش به صورت انبوه بر روی شانه‌ها آویخته شده‌است. وی گوشواره‌ای بر گوش و گردن‌بندی در گردن و دست‌بندی در مچ دارد. گوشواره او به شکل حلقه مدوری است که گوی کوچکی به آن آویزان است. طاق کوچک در میان سنگ نگاره تاج‌گذاری اردشیر دوم و طاق بزرگ قرار دارد که دارای فضای مستطیل شکل به عرض ۵ متر و ۸۰ سانتیمتر و ارتفاع ۵ متر و ۳۰ سانتیمتر است و مراسم تاج‌گذاری شاهپور دوم و سوم را به تصویر می‌کشد، این طاق دارای دو نقش در بالای دیواره طاق و دو کتیبه است. این کتیبه‌ها به خط پهلوی کتیبه‌ای هستند. در محوطه طاق‌بستان و در شرق طاق‌ها چشمه‌ای وجود دارد که آثار تاریخی دیگری در آن به چشم می‌خورد. در صلع شرقی طاق‌ها پلکانی سنگی در دل کوه تراشیده شده که از ۷۸ پله تشکیل شده‌است. همچنین یک طاقچه سنگی در دیواره بالادست محوطه چشمه وجود دارد که احتمال دست‌کند بودن آن داده شده و در آبان ۱۳۹۸، نقش‌برجسته جدیدی در آن کشف شده‌است. سنگ‌نگاره تصویری شبیه به یک انسان را نشان می‌دهد که دستانش را به سوی آسمان باز کرده و شیئی در دست دارد. چند حرف نیز در کنار این سنگ‌نگاره وجود دارد که به گفته باستان‌شناسان به حروف لاتین شبیه بوده و ناخوانا است. قدمت این سنگ‌نگاره به درستی مشخص نیست. علاوه بر این نقش‌برجسته دیگری نیز در کنار پلکان سنگی جنب چشمه وجود دارد که شباهت بسیاری به نقش‌ّبرجسته تازه‌مکشوف دارد. متأسفانه در زمان قاجار بر روی این اثر تصاویری را حجاری کرده‌اند که لطمه فراوانی به طاق‌بستان وارد کرده‌است. این حجاری، مجسمه محمدعلی میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار را نشان می‌دهد. بعد از گشت‌وگذار در محوطه طاق بستان می‌توانید از موزه سنگ این مجموعه که در شمال بلوار طاق بستان قرار دارد دیدن کنید. در این محل، در فضایی باز آثاری سنگی از دوره‌های ساسانی و اسلامی در معرض نمایش قرار دارند. علت نام‌گذاری این موزه به نام موزه سنگ، به‌علت وجود همین آثار سنگی است. بهترین زمان برای دیدن اینجا بهار تا پائیز است.

۷۹- مجموعه زندیه(ارگ،بازار،حمام،مسجد)کریمخان

















راههای دسترسی: شیراز –میدان شهدا (میدان شهرداری) ورودی اصلی بازار وکیل خیابان زند، ضلع شرقی میدان شهرداری قرار دارد.
ارگ کریم خانی در مرکز شهر شیراز بوده و در دوره سلطنت سلسله زندیه ساخته شده‌است. پس از اینکه کریم خان زند شیراز را به عنوان پایتخت خود و این مکان را به‌عنوان مکان زندگی خود انتخاب کرد، به ارگ کریم خانی معروف شد. ساخت ارگ بین سال‌های ۱۷۶۶ و ۱۷۶۷ میلادی انجام شد و کریمخان بهترین معماران زمان خود را جهت ساخت آن بکار گرفت. او همچنین بهترین مصالح را از داخل و خارج کشور تهیه و ساخت بنا را به‌سرعت تمام کرد. این بنا در دوره قاجاریه به‌عنوان محل زندگی فرمانداران محلی استفاده می‌شد .بنای ارگ ترکیبی از دو معماری مسکونی و نظامی است. بخش درونی ارگ با ایوان‌ها و اتاق‌های نقاشی شده، آبنماها و باغچه‌ها از ظرافت خاصی برخوردار است. سه ضلع شمال، جنوب و غرب هر یک دارای یک ایوان و شش اتاق مسکونی در دو طرف آن است. ضلع شرقی شامل حمام خصوصی و برخی امکانات خدماتی است. برج و باروی چهارگانه به انضمام خندقی که سابقاً دور آن حفر شده بود نیز نقش دفاعی بنا را بر عهده داشته‌اند. ضخامت دیوارها در پایه ۳ متر و ارتفاع ۱۲ متر است. ارتفاع برج‌های چهارگانه گوشه ها نیز ۱۴ متر می‌باشد و از آجر ساخته شده‌اند. ظاهر بنا حتی در محوطه داخلی تزیین زیادی ندارد و تنها به نمای داخلی اتاق‌ها محدود می‌شود . مصالح عمده به کار رفته دربنا آجر و سنگ می‌باشد که تنها سنگ مرمر به کاررفته و از تبریز آورده شده بود .بیشترین ضخامت دیوارها در دیوارهای بیرونی ارگ وجود دارد. در این دیوارها در قسمت بالا ناودان‌هایی سنگی جهت باران درست شده و نیز مزغل‌هایی جهت تیراندازی تعبیه شده‌است . برج‌ها در چهارگوشه ارگ ساخته شده و هر یک ۶ متر شالوده دارد. گفته شده در هنگام ساخت این بنا به علت نشست خاک و نامناسب تشخیص دادن خاک شمال غربی جهت ایجاد برج میبایست وزن زیادی را تحمل کند محل ساخت آن چند متر به سمت غرب کشیده شده به همین علت این برج در راستای برج‌های دیگر نیست و به شکل ذوزنقه ناقص درآمده است. این برج‌ها دارای سه طبقه مجزا هستند و توسط راه پله‌هایی به صورت دورانی قابل رفت‌وآمد می‌باشد. در این طبقات دو اتاق وجود دارد یک اتاق جهت استراحت نگهبانان و یک اتاق جهت نگهداری اسلحه. یکی از برج‌های چهارگانه این ارگ مانند برج پیزا کج شده بوده و به این خاطریکی از جاذبه‌های گردشگری شیراز به حساب می‌آید. ورودی ارگ در نمای بیرونی با یک تابلوی بزرگ کاشیکاری صحنه نبرد رستم با دیو سفید مزین شده که مربوط به دوره قاجار است. وجود شیر سرها در دور تا دور لبه بام ضمن جلوگیری از تابش مستقیم خورشید در ظهر تابستان به داخل اتاق‌ها در هنگام بارندگی به خوبی از پنجره‌های بزگ گره چینی محافظت می‌کند. سنگ‌های به کار رفته از جنس سنگ آهک معروف به گندمک می‌باشد.بر روی این سنگ‌ها علامتی است که منحصر به افراد سنگتراش سازنده آن قطعات می‌باشد و به منزله مهر سنگتراش است. اتاق‌های اینجا از قسمت داخل به هم مرتبط می‌شود و بدون بیرون آمدن از فضای داخلی قابلیت رفت‌وآمد دارند. ورودی اتاق‌ها کاملاً روبروی یکدیگر است و تنها یک فضای راهرو مانند میان دو اتاق فاصله انداخته است. در جبهه غربی شاهنشین اصلی که روب روی حوض بزرگ است قرار دارد. این شاهنشین به جای ستون‌های سنگی دارای ستون‌های چوبی با نقوش تزیین مارپیچ است.چوب این ستون‌ها یک تکه و از جنس چوب سرو است و قسمت بالای آن مقرنس کار شده‌است. شاه‌نشین ضلع غربی کاربردی تابستانه دارد. شاهنشین شمالی برای زمستان بسیار مناسب می‌باشد. دو ستون جلوی این شاه‌نشین از سنگ یکپارچه معروف به گندمک می‌باشد که بر روی آن تزینات گل شاه عباسی نقش بسته است. در این شاه‌نشین که نمای بسیار زیبایی دارد یک نیم کاسه مقرنس رو به حیاط وجود دارد و زیر آن بخاری قرار دارد و قسم دوال زیر سقف با مقرنس تزیین شده و سقف کاذب آن چوبی بوده‌است.اتاقهای شمالی کاملاً قرینه قسمت جنوبی می‌باشد. آب این مجموعه از آب قنات رکن‌آباد معروف به رکنی تأمین شده‌است. این آب از نظر املاح معدنی بهترین آب شیراز محسوب می‌شده‌است و هم‌اکنون با خراب شدن این قنات سیستم آبرسانی این مجموعه از میان رفته‌است. حمام ارگ جزو نخستین حمام‌های اختصاصی با این سبک در ایران می‌باشد گرم‌خانه توسط کانال‌هایی که جهت جریان هوای گرم به زیر دیگ خزانه متصل است وجود دارد.. در حال حاضر این مجموعه به عنوان یک بنای تاریخی و دیدنی محسوب می‌شود. که هر ساله افراد زیادی از سراسر دنیا برای دیدن این بنای تاریخی می آیند؛ و از نزدیک شاهد زیبایی‌های این بنا می‌شوند. قسمت‌هایی از این بنا به منظور جلوگیری از شدت آسیب‌دیدگی توسط گروه‌های کارشناس مرمت احیا شده‌است. با این حال با گذشت زمان قسمت‌هایی از طرح‌ها و نقاشی‌ها و مقرنس‌های سقف‌ها از میان رفته‌است.از دیگر دیدنیهای شیراز، بازار وکیل است و ارزش تاریخی‌اش بر هیچ کس پوشیده نیست و گردشگران زیادی را به سوی خودش می‌کشاند. سرای مشیر در انتهای آن بهترین محل خرید صنایع دستی است. حمام وکیل یکی دیگر از بناهایی‌ست که به دلیل نقش و نگارهای کم نظیرش شهرت خاصی دارد امروزه ۳۰ مجسمه مومی نیز در این حمام وجود دارد تا سبک زندگی قدیم را به بازدیدکنندگان نشان دهند. این بنا در غرب مسجد وکیل (مسجد سلطانی) قرار دارد. مسجد وکیل دو ایوانی بوده و دارای دو شبستان جنوبی و شرقی است. شبستان جنوبی با ستون‌های سنگی یکپارچه و مارپیچ از شاخصه‌های معماری ایرانی و از مناطق دیدنی این مسجد است که دارای ۴۸ ستون سنگی یکپارچه می‌باشد. مساحت شبستان مسجد در حدود ۵ هزار متر مربع است و منبر چهارده پله‌ای یکپارچه از سنگ مرمر از زیبائی‌های قسمت شبستان می‌باشد. گویند به فرمان کریم خان این سنگ از مراغه به شیراز آورده شد. برسمت شمال مسجد طاق بلند و مهمی ساخته شده که به طاق مروارید معروف است و در دور این طاق با قلم درشت و خط ثلث عالی یکی از سوره‌های قرآن به صورت هلالی نوشته شده‌است. این بناها همه در فهرست آثار ملی ایران قرار دارند.در کل سال امکان بازدید از ارگ، حمام و مسجد وجود دارد اما پیشنهاد میکنیم در اردیبهشت ماه به شیراز سفر کنید.

۸۰- قلعه رودخان





راههای دسترسی: ۲۰ کیلومتری جنوب غربی فومن در نزدیکی روستای رودخان - فاصله مستقیم قلعه تا شهر ماکلوان ۲۵ کیلومتر، تا ماسوله ۴۵ کیلومتر و تا شفت ۲۰ کیلومتر است. اما از مسیر اصلی و آسفالته مسافت قلعه تا فومن ۲۵ کیلومتر، تا ماکلوان تقریباً ۳۵ کیلومتر و تا ماسوله ۶۰ کیلومتر است.

دژ رودخان یا قلعه حسامی نام قلعه‌ای است متعلق به دوره امپراتوری ساسانی که بر فراز ارتفاعات جنگلی شهرستان فومن در روستای رودخان ساخته شده و ۲/۶ هکتار مساحت و ۶۵ برج و بارو و دیواری به طول ۱۵۰۰ متر دارد. برخی کارشناسان، ساخت قلعه را در دوران ساسانیان و مقارن با حمله اعراب به ایران دانسته‌اند. در دوره سلجوقیان این قلعه تجدید بنا شده و از پایگاه‌های مبارزاتی اسماعیلیان الموت بوده‌است. بر روی کتیبه سردر ورودی قلعه که اکنون در موزه گنجینه رشت نگهداری می‌شود، درج شده که این قلعه در سال ۹۱۸ تا ۹۲۱ هجری قمری برای سلطان حسام‌الدین تجدید بنا شده‌است .امیره حسام الدین دباج فومنی (مظفرالسلطان)، فرمانروای بیه‌پس اولین قدرت منطقه‌ای بود که از اطاعت از صفویان سرپیچی کرد، و قلعه رود خان را بازسازی کرد تا از آنجا به مقاومت بپردازد ولی موفقیتی به دست نیاورد و به دربند گریخت و نهایتاً دستگیر و در تبریز اعدام شد .این دژ با ارزش تاریخی که دارد بنابر ساختار، معماری و ویژگی‌های استراتژیکی و رزمی، در ۳۰ مرداد ۱۳۵۴ خورشیدی، به شماره ۳/۱۵۴۹ در فهرست آثار تاریخی و ملی ثبت شد. لعه رودخان از دو بخش ارگ و قورخانه تشکیل شده‌است. ارگ در قسمت غربی این بنا در دو طبقه واقع شده و جنس آن از آجر است. قراول‌خانه‌ها در قسمت شرقی در دو طبقه با نورگیرها و روزنه‌های متعدد بر اطراف مسلط است. چشمه‌ای نیز میان قلعه و گودترین محل آن وجود دارد. بخش شرقی قلعه شامل دوازده ورودی، زندان، در اضطراری، حمام و آبریزگاه است .بخش غربی دوازده ورودی دارد، چشمه، حوض، آب‌انبار، سردخانه، حمام، آبریزگاه شاه‌نشین و چند واحد مسکونی که با برج و بارو محصور شده‌اند، دیگر بناهای این بخش را تشکیل می‌دهند. ۴۰ برج دیده‌بانی دور تا دور قلعه را احاطه کرده که اتاق‌های هشت ضلعی آن با طاق‌های گنبدی پوشانده شده‌است. دور تا دور دیوارها و برج‌ها روزنه‌هایی شیب‌دار دیده می‌شود که برای ریختن مواد مذاب و تیراندازی تعبیه شده‌اند. لازم است ذکر شود که در طول تاریخ قلعه، هیچ‌گاه دشمنی به آن نفوذ نکرده و نتوانسته آن را فتح کند. نام بومی و گیلکی این قلعه، قله رۊخان می‌باشد و در زبان تالشی هم به قله رۊخۊن معروف است. نام قلعه رودخان، مترادف فارسی نام گیلکی قلعه است. چون این قلعه تاریخی در کنار رودخانه، بنا شده‌است؛ آن را قلعه رودخانه‌ای (قله رۊخان) نامیده‌اند. این قلعه در دوره‌های گوناگون به نام‌های قلعه هزار پله، حسامی، سکسار، سگسار و سگسال نیز خوانده شده‌است. بعضی هم می گویند در نزدیکی قلعه رودخان و در سمت راست آن رودخانه‌ای به نام رخون جریان دارد به همین دلیل به این قلعه رودخان گفته می‌شود. مردمان محلی این منطقه به آن قله رخون و به‌طور رسمی قلعه رودخون می‌گویند. البته ناگفته نماند در گذشته قلعه رودخان دژ رودگان یا روگان؛ یعنی دژی که در کنار رود نام داشته و به مروز زمان به رودخان تغییر پیدا کرده است. قلعه رودخان با وجود عظمتی که دارد تا سال ۱۸۳۰ میلادی ناشناخته بود تا اینکه در این سال، آلکساندر شودزکو خچکو**Aleksander Borejko Chodźko** ؛ محقق ایران‌شناس لهستانی، در نوشته‌های خود به آن اشاره می‌کند. وقتی به قلعه رودخان برسید اولین چیزی که برایتان جالب و سوال برانگیز خواهد بود پله‌های قلعه است؛ چون برای رسیدن به پای قلعه باید در حدود ۱۶۰۰ پله را بالا بروید و طی کنید. اما این‌ها پله‌ها جدید هستند و برای گردشگران ساخته شده‌اند. پله‌های اصلی در طی کاوش‌های باستان‌شناسی در امتداد دیوارها و برج‌ها از زیر خاک بیرون کشیده شده است که تعداد آن‌ها به ۹۳۵ پله می‌رسد؛ برای همین این مکان به قلعه هزار پله معروف است. قلعه رودخان با ۶/۲ هکتار مساحت، حدود ۵۰۰ متر طول دارد که در برخی نقاط عرضی متفاوت دارد. بلندی برج و باروهای آن نیز به ۱۵۰۰ متر می‌رسد. مصالح به کار رفته در ساخت این قلعه آجر و سنگ است. این قلعه به‌طور کلی از دو قسمت ارگ و قورخانه تشکیل شده که ارگ محل شاه‌نشین قلعه رودخان و حرم‌سرا و قورخانه محل فعالیت‌های نظامی و زندگی سربازان بوده است. ارگ در قسمت غربی در دو طبقه و از آجر ساخته شده و قراول‌خانه‌ها در قسمت شرقی در دو طبقه با نورگیرها و روزنه‌های متعدد بر اطراف قلعه مسلط هستند. مهم‌ترین بنای قسمت غربی این قلعه شاه‌نشین است که در بالاترین بخش قلعه ساخته شده است و از لحاظ ساختار با دیگر قسمت‌ها متفاوت است. دارای دو بخش تحتانی، فوقانی و تراس است که این تراس مکان مناسبی برای تماشای قلعه است .به‌علاوه چشمه آبی که قبلا منبع اصلی تأمین آب قلعه بوده (که می‌گویند از ییلاق زردخونی آورده‌اند) در گذشته در حیاط آن دیده می‌شده است که پس از زلزله سال ۱۳۶۹ گیلان خشک شد و بعدها مجددا توسط میراث‌فرهنگی این استان احیا شد. در انتهای شمال شرقی قلعه یک ساختمان دو طبقه بسیار زیبا وجود دارد و در ضلع جنوبی آن کوهی قرار دارد که غاری در آن دیده می‌شود و به گفته مردم محلی قبلا محل استقرار نگهبانان بوده است تا در صورت بروز حمله به قلعه علامت دهند. با اینکه بخش‌های زیادی از این قلعه زیبا که در سال ۱۳۵۴ به ثبت آثار ملی و تاریخی رسیده است، از بین رفته اما کماکان یک مکان زیبا و دیدنی برای گردشگران است. در قلعه رودخان بازار هم وجود دارد و به‌محض رسیدن به این مکان آن را در پای قلعه می‌بینید و شاید یاد خانه‌های کره‌ای و چینی بیافتید. برای کسانی که برای کسانی که اهل شکم‌گردی هستند و در سفر به‌دنبال خوردن غذاها و خوارکی‌های محلی‌اند بازارچه قلعه رودخان که به اسکموفروش‌ها معروف است جای خوبی است. بهتر است زمان سفرتان را به این قلعه جادویی، فصل‌های بهار و تابستان قرار دهید.زیرا در زمستان اینجا سرد و بالارفتن مشکل است.

۸۱- قلعه بهستان(دودکش جن)





راههای دسترسی: پس از زنجان وارد آزادراه زنجان-تبریز شوید. ۳۵ کیلومتر پس از زنجان خروجی ماهنشان را در منطقه‌ای به اسم نیک‌پی می‌بینید . این جاده در ضلع جنوبی آزادراه است و بعد از۶۰ کیلومتر رانندگی در آن، قبل از ماه‌نشان به بهستان می‌رسد.. بعد از رسیدن به سه راهی ایلی‌بلاغ، باید مسیر را به سمت ماهنشان ادامه بدهیم و از روستای میرآخورهم بگذریم. بعد از گذشتن از روی پل قزل اوزن، بلافاصله باید جاده فرعی سمت چپ را انتخاب کنیم. این جاده از روستاهای سریک و تک‌آغاج و بهستان رد می‌شود و به دودکش جن و در همانجا به قلعه بهستان می‌رسد.

شهرستان ماهنشان، یکی از شهرستان‌های استان زنجان و شهر ماهنشان مرکز این شهرستان است. این شهر در فاصله ۱۱۳ کیلومتری غرب زنجان قرار گرفته است. این شهرستان قدمتی ۴۰۰۰ ساله دارد و در زمان مهاجرت آریایی‌ها به این سرزمین ساخته شده، گواه این موضوع هم وجود بنایی تاریخی مثل کهن دژ یا همان قلعه بهستان است. جنس قلعه مانند جنس دودکش‌ها از خاک سفت شده است. شکل این قلعه، درواقع نوعی سنگ (خاک خیلی سفت‌شده) قارچی‌شکل است که بر اثر فرسایش پدید آمده و به مناره‌ای بلند و نازک شبیه است که سنگ دیگری روی آن قرار گرفته است .در اصطلاح زمین‌شناسی» دودکش پری (Hoodoo) «نامیده می‌شود. نمای بیرونی قلعه به شکل دیواره‌ای از دودکش‌های به هم پیوسته و تعدادی دودکش جدا است که حفره‌های پایین قلعه، ظاهری مرموز بدان بخشیده است. برخی از مردم محلی این آثار را به دلیل شکل عجیبشان» دودکش جن «می‌نامند و برخی نیز این قلعه را تخت دیو می‌نامند زیرا معتقد بودند دیوها روی تخته سنگ‌های مسطح بالای ستون‌ها استراحت می‌کنند. برخی، پیشینه این دژ را به زمان ماد نسبت می‌دهند. مادها از طریق مصب و کناره‌های رودخانه قزل اوزن وارد فلات ایران شدند و در روستاهایی همچون مادآباد در ۱۵ کیلومتری شهر ماه‌نشان مستقر شدند. و وجود قلعه‌های دفاعی همچون «قلعه بهستان» در ۱۲ کیلومتری ماه‌نشان معماری زیبا و هنرمندانه‌ای را به نمایش گذاشته‌است. اما بر اساس پژوهش‌های باستان‌شناسی تاکنون، پیشینه این دژ به دوره هخامنشیان به اثبات رسیده‌است. این دژ در دوره پس از اسلام و تا قرن پنجم پابرجا بوده و کاربرد داشته‌است. سفال‌هایی در این قلعه پیدا شده‌اند که مربوط به دوران اسلامی است. وجود سفال‌های بدون لعاب ساده و طرح زینتی و تنها دارای شکل‌های هندسی، همچنین پیدا شدن قطعات سفال‌های با زیرلعاب‌های با رنگ سبز و کرم حیات در این قلعه تا قرون پنجم هجری قمری مصادف با دوره اسلامی به خوبی به اثبات می‌رساند .سازندگان قلعه با در نظر داشتن طرح اولیه، اقدام به کندن کوه و تخلیه خاک‌ها و سنگ‌ها کرده‌اند و اتاق‌ها را به وجود آوردند و به هر تعدادی که به اتاق‌های آن اضافه شده راه‌های ارتباطی آن‌ها به مجموعه نیز به صورت دالان‌هایی افزوده شده‌است طبقات بالای این قلعه برای دفاع و طبقات پایین‌تر به‌عنوان زاغه و محل نگهداری آذوقه مردم استفاده می‌شد.. این قلعه با ۶۴ اتاق و دو راه پله در لیست آثار ملی قرار دارد و بازدید از آن بسیار خاطره انگیز است .فضای کلی قلعه به سه دسته شامل اتاق‌ها، دالان‌ها و راه‌پله‌ها تقسیم می‌گردیده‌است که گاه دارای سقفی تیزه‌دار و دارای محل‌هایی به شکل مثلث یا مدور روی دیوارها برای قرار گرفتن پیه‌سوز بوده‌است. این دژ دارای راه‌پله‌های زیگ‌زاگی در ضلع‌های غربی و شرقی است که روزگاری از پایینی‌ترین قسمت ضلع شمالی آن شروع می‌شده و حالا جز ویرانه‌ای تحمیل شده بر هسته اصلی قلعه به چیز دیگری شبیه نیست و به دلیل فرسایش طبقات زیرین آن، تردد در این مسیر خطرناک و تقریباً ناممکن است. اتاق‌هایقلعه دارای اندازه‌های یکسانی نیستند. در بررسی‌های صورت گرفته، ابعاد اتاق‌ها ۵ در ۲/۶ متر و ارتفاع آن از کف تا سقف به ۲/۷۰ متر می‌رسد و سقف مسطحی دارند. در قسمت انتهایی بعضی از این اتاق‌ها فضای کوچک‌تر به ابعاد یک در یک متر در نظر گرفته شده که ظاهرا نوعی انباری بوده است. راه‌پله‌های ضلع شمال غربی قلعه به عنوان یکی از مناطق دست نخورده و سالم دژ بهستان است که بالای این پله‌ها، اتاقی به شکل طاق محراب‌های مسجد دوران اسلامی تزئین شده متعلق به دوره اسلامی وجود دارد و راه‌پله‌های زیاد با عرض یک متر نیز اقتباس از این سبک معماری است .هم اکنون به دلیل تخریب زیاد تنها با عملیات کوهنوردی می‌توان بر بالای قلعه با تخته سنگ‌های عظیم مسطح آن رسید. قسمت بالای قلعه با گچ اندوده شده و داخل آن حوضی با ابعاد ۷ در ۳ متر و از جنس سنگ و ساروج قرار دارد که با استفاده از لوله‌های آب گلی نیم‌متری به اسم «گنگ» آب آن تأمین می‌شده‌است. با توجه به جنس خاص این قلعه (خاک سفت‌شده) به علت وزش بادهای تند، فرسایش، همچنین عبور رودخانه قزل‌اوزن از کنار قلعه، متاسفانه در حال تخریب است که نیاز به مراقبت و توجه بیشتری نسبت به قلعه‌های سنگی دارد.پیشنهاد می شود در ایام غیر سرد به اینجا بروید و اگر باد بود بر لب پرتگاهها نرفته و از نقاط حادثه خیز دوری کنید.

۸۲- آسبادهای نشتیفان



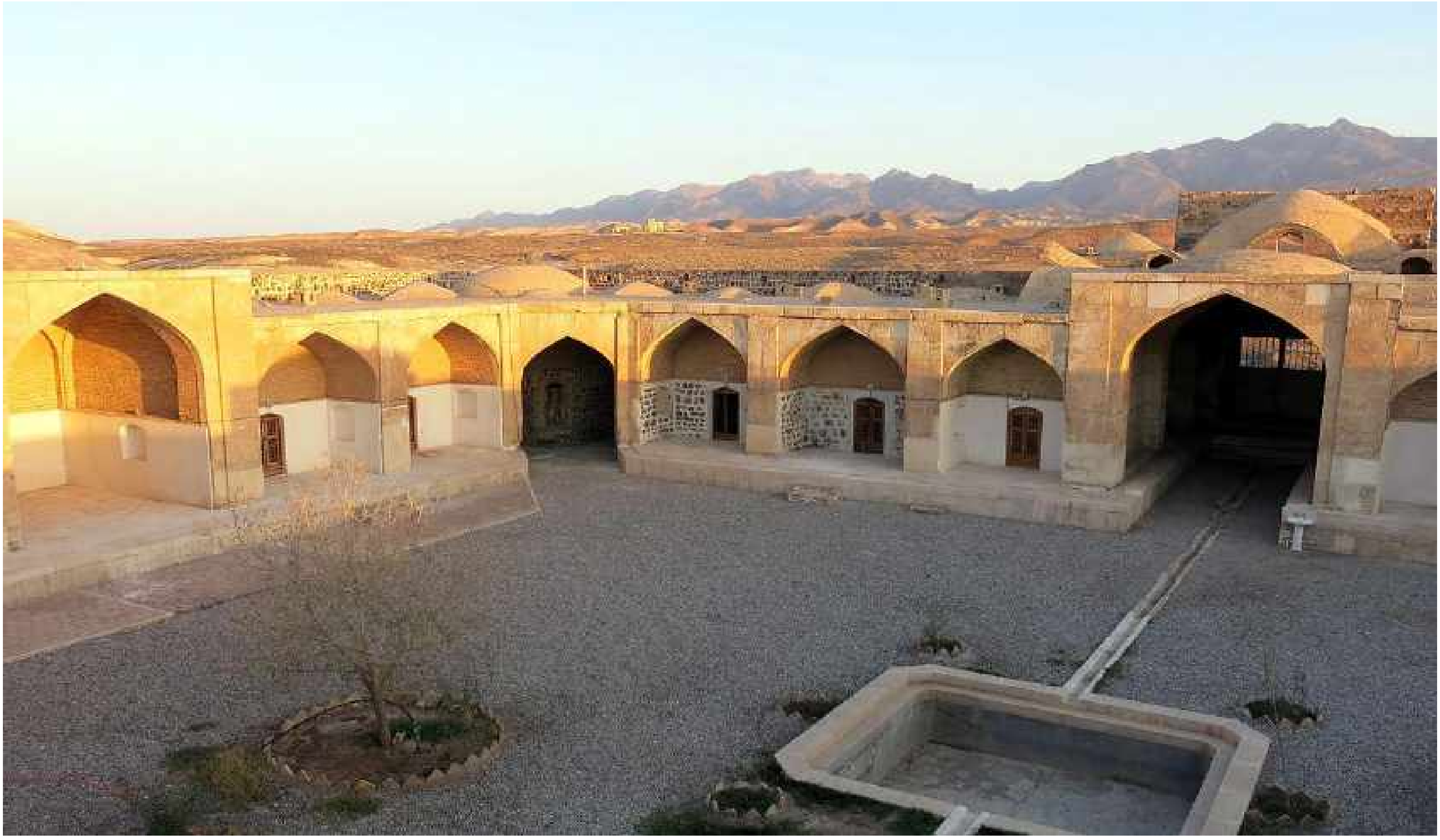


راههای دسترسی: خراسان رضوی ، تربت حیدریه ، شهرستان خواف ، نشتیفان- ۲۸۰ کیلومتری مشهد راه دیگر دسترسی به نشتیفان با قطار به صورت یک روز درمیان از تهران به خواف است. ایستگاه راه آهن در فاصله ۲۰ کیلومتری آسبادها قرار دارد.

عبارت نشتیفان ترکیبی است از دو کلمه «نش» که محلی شده «نیش» کنایه از نیش کژدم (محلی شده عقرب) که به وفور در نواحی گرم و خشک به خصوص نشتیفان یافت می‌شود و «تیفان» که محلی شده «توفان» یا همان وزش بادهای موسمی است که در تمام ایام سال این منطقه را به لحاظ موقعیت جغرافیایی ممتاز کرده است. ظهور آسیاب بادی‌ها در نشتیفان به سبب بادهای ۱۲۰ روزه سیستان در دوره گرم سال از اردیبهشت تا پاییز است و منشا این بادها که به بادکوه معروف هستند، ارتفاعات پربرف کوه بابا در هندوکش هستند. و ساکنین گذشته شهر نشتیفان در استان خراسان رضوی شهر خواف با توجه به قدرت و شدت باد نیاز به ایجاد آسیاب بادی را حس کردند. آسیاب بادی یا آسیای بادی، گونه‌ای آسیاب است که نیروی جنبشی آن از راه باد فراهم می‌شود. معمولا در گذشته آسیاب‌های بادی را برای آرد کردن گندم می‌ساختند. از آسیاب‌های بادی هم چنین در کارهای دیگر مانند پمپ کردن آب استفاده کرد که به آن پمپ بادی گفته می‌شود. درباره پیدایش این آسیاب‌ها اطلاعات دقیقی در دسترس نیست. اغلب مورخین که در طول قرون متمادی به ایران سفر کرده‌اند، مبنای آن‌ها را قبل از فتح ایران به دست مسلمین ذکر می‌کنند. حتی برخی پا را فراتر نهاده و تکوین آن‌ها را به ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد مربوط می‌دانند. آسبادهای فعلی کخ شاهکاری از چوب، خشت و گل هستند، به یادمانده از دوران صفوی در روستای خواف واقع شده‌اند ساختار آسیاب‌های بادی نشتیفان معماری خاصی دارد و به آسیاب‌های بادی دیگر که به‌صورت چرخشی کار می‌کنند، شباهت ندارند آسیاب‌های بادی از اجزای مختلفی تشکیل شده‌اند. چوب بالایی آسیاب را «خَرپُل»، چوب عمود وسط را «تیرک»، چوب‌های عمود میانی را «پَرّه» و چوب‌های افقی را «باهو» می‌گویند. در کلِ این مجموعه ۱۰ آسباد می‌بینید که کنار هم و با جهت شمالی-جنوبی ساخته شده‌اند و ارتفاعشان از سطح زمین حدود ۴ متر است. گفته می‌شود طول آسبادهای چوبی ۱۳ متر و عرض‌شان ۳ متر می‌باشد .طرز کار آسبادها بدین صورت است که بادها بسمت یکی از دیوارهای آسبادها که نیمه‌کاره است و به سمت غرب و مقابل جهت وزش باد قرار گرفته هدایت می شود، باد به سمت فضای داخل ۳ دیوار رفته و نیرویی قوی برای به کار افتادن آسبادها تولید می‌شود. چرخ و پره های غول آسایی که ۴۸ بال و ۳۲ پر و ۸ درگاه دارد بر بام آسیاب و جهت وزش باد خواهند چرخید. اندام این چرخ و پر، از خرپلی سنگین و محکم ساخته شده است. باد با عبور از دروازه‌ای بادگیر به زوایای درگاه‌های هشت‌گانه می‌رسد و چرخ و پر را به حرکت در می‌آورد. از حرکت چرخ و پر نیرویی به تیر آسیاب منتقل می‌شود و چون سر دیگر به سنگ رویی آسیاب متصل است، لاجرم سنگ هماهنگ با گردش تیر باید بچرخد و می‌چرخد. وقتی سنگ رویی بدین ترتیب به حرکت در می‌آید، چوبی کوچک به نام لک لکی را با خود می‌جنباند. و حرکت لک لکی باعث ارتعاش، دول بره (ناودان چوبی که گندم از پرخو به وسیله آن به شیار سنگ‌ها می‌رسد) می‌شود. دول بره در حرکت افقی گندم را آهسته آهسته از پرخوی گندم (مخزنی که گندم را در آن می‌ریزند (به حفره میانی سنگ هدایت می‌کند. طبیعی است هر چه باد سریع‌تر بوزد سنگ گردش سریع‌تری دارد و چون سنگ به سرعت بچرخد حرکت لک لکی و لرزش دول بره مقدار گندم زیاد تری را به میان سنگ‌ها می‌برد. در حفره‌ای که زیر سنگ‌ها وجود دارد، دستگاهی است خیلی قدیمی و ابتدایی که بر اساس کار اهرم می‌تواند به جای ترمز، سنگ‌ها را به هنگام لزوم از حرکت بازدارد. در آسبادها ابزاری به نام «تخت وحشت» وجود دارد که از پایین و از داخل آسیاب حرکت سنگ‌ها را کند می‌کند، پس از آن بلافاصله چرخ و پر را در بالا با اهرم دیگری به نام «نی‌باد» کاملا مهار کرده و کار تعطیل می‌شود. حدود ۴۰ آسیاب بادی از آسبادهای نشتیفان در خواف در حال حاضر باقی مانده است که منظره ی بی بدیلی را خلق کرده اند. مجموعه تاریخی و ارزشمند آسبادهای نشتیفان خواف در انتظار ثبت در فهرست جهانی یونسکو است. مجموعه تاریخی آسبادهای نشتیفان با توجه به ساخت و معماری جذاب و جالبی که دارد به عنوان یکی از جاذبه های مهم خراسان رضوی سالانه صدها گردشگر خارجی و هزاران گردشگر داخلی از آن دیدن می کنند. تاکنون۴۳۰ آسباد در کل ایران شناسایی و ۱۲۴ آسباد در شهرستان خواف شناسایی شده که از این تعداد ۱۰۷ آسباد به صورت اضطراری مرمت شده است. در طول سالیان دراز ،وزش بادهای ۱۲۰ روزه چنان سخت و سنگین بوده که سبب فرسایش و تخریب بخشی از آسبادها شده است، به همین دلیل در دوره قاجار با ساخت مجدد این مجموعه بار دیگر از آنها بهره برداری شده است. آسبادها به آن اندازه در شهرستان خواف اهمیت دارند که مردم نشتیفان به منظور تامین چوب مورد نیاز برای ساخت آسباد اقدام به ایجاد جنگل‌های محدود به منظور ساخت سازه‌های آسبادها کردند و این جنگل هنوز هم در حاشیه نشتیفان قابل مشاهده است. در کنار آسبادهای نشتیفان سنگ‌های عمودی فرو رفته در خاک توجهم را جلب می‌کند. فضایی به مانند قبرستان با سنگ قبرهای عجیب و غریب که مردم برای زیارت به آنجا می‌آیند! اینجا سنگ مزارات نشتیفان است که از فرم‌ها و نمادهای جالبی تشکیل شده است. در قسمتی از آن، سنگ‌های ایستاده و بلندی دیده می‌شود که ارتفاع آن ها با یکدیگر کاملاً متفاوت است به طوری که ارتفاع برخی به بیش از چهار متر می‌رسد این مزارات مربوط به ۴۴ پیر است که مورد احترام مردم نشتیفان هستند..احداث گورستان در مجاورت آسبادهای نشتیفان نیز با هدف جلوگیری از مسدود شدن کریدور بادی با احتمال ساخت ساختمان‌ها در مجاورت آسبادها توانسته است آسبادهای نشتیفان را تاکنون فعال نگاه دارد. بیش از ۳۰ اثر تاریخی در شهر نشتیفان وجود دارد ،قنات نشتیفان، مدرسه غیاثیه و برج کرات از جاذبه‌های نزدیک به نشتیفان هستند که بازدید از آن‌ها خالی از لطف نخواهد بود.از اواسط بهار تا پاییز بهترین زمان برای دیدن آسباد، این غول چوبی است که در میان لایه‌های خشت و گل اسیر شده است.

۸۳- کاروانسرای قصر بهرام

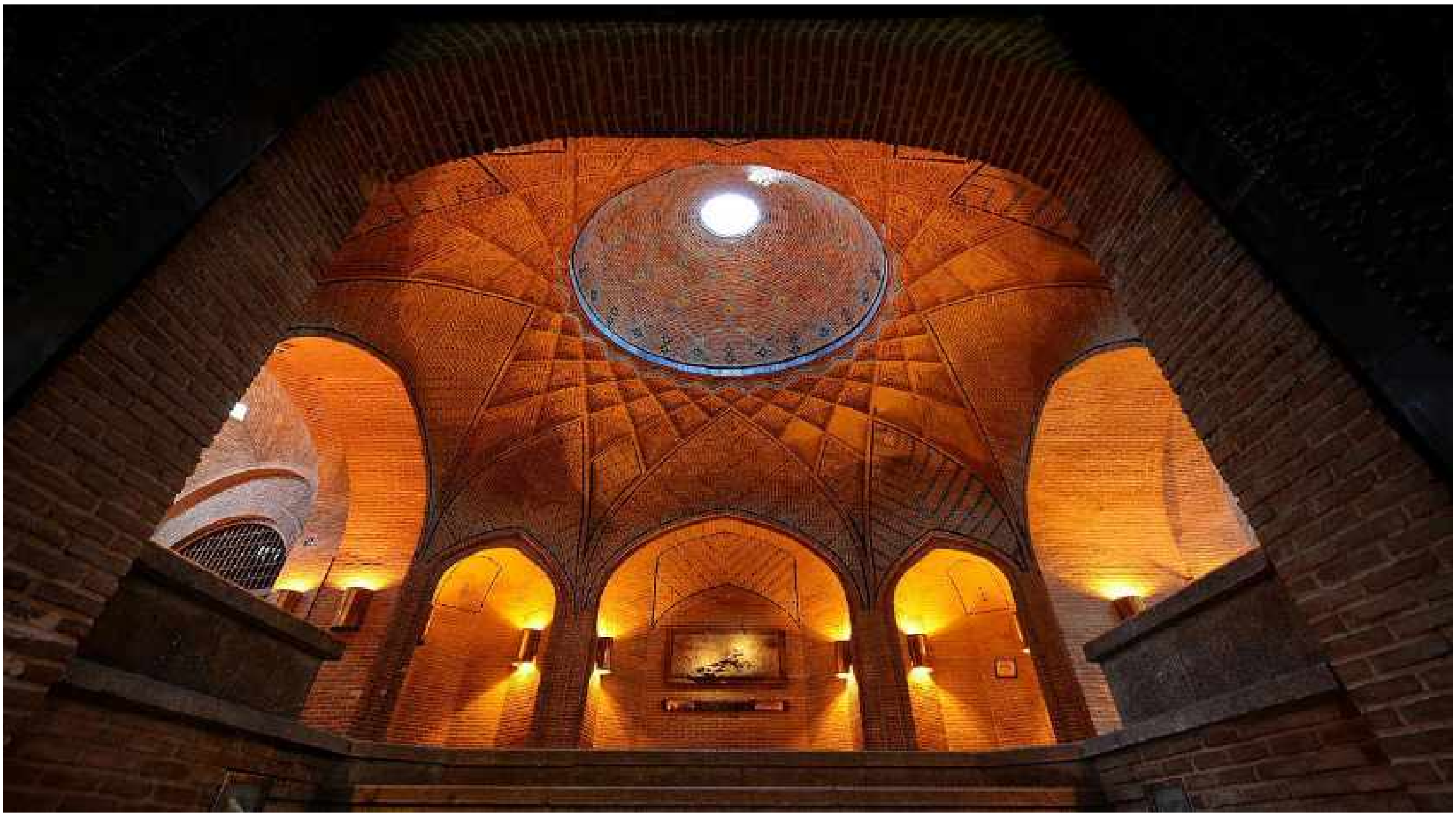




راههای دسترسی: برای رسیدن به قصر بهرام می‌توانید از چهار مسیر استفاده کنید :مسیر پیشوا، قلعه بلند، مبارکیه و سپس قصر بهرام - مسیر گرمسار، لجران، کهک، جاده سنگفرش گرمسار و سپس قصر بهرام ; که بهترین مسیر است- مسیر ورامین، چرمشهر، بند علی خان، محیط بانی شکرآباد، مبارکیه و سپس قصر بهرام - مسیر کاشان، آران و بیدگل، مرنجاب، سفیدکوه و سپس قصر بهرام

کاروانسرای قصر بهرام - که با نام‌های کاروانسرای شاه عباسی و رباط سیاه‌کوه نیز شناخته شده است – در استان سمنان، جنوب شهر گرمسار و در محدوده‌ای که اکنون پارک ملی کویر نامیده می‌شود قرار گرفته است. این مکان تاریخی در جنوب گرمسار، جنوب شرقی پیشوا شمال شهر دریایچه نمک واقع شده‌است. مجموعه قصر بهرام مربوط به دوره ساسانی می‌باشد و توسط شاه بهرام ساسانی یا بهرام گور ساخته شده‌است. سپس توسط شاه عباس صفوی باز سازی شده و به عنوان کاروانسرا مورد استفاده قرار گرفته‌است. این بنا از آن رو قصر بهرام گور نامیده شده که، به گفته‌ی شکارچیان و مسافران، بهرام پنجم ساسانی (۴۲۱ – ۴۳۸ میلادی) در همین نواحی شکار می‌کرد .روزی بهرام در باتلاق‌های نمکین اطراف سفیدآب و بیابان مخوف ریگ جن فرو رفت و دیگر برنگشت. به گفته‌ی احمد مستوفی‌الممالک، که خاندانش در اینجا شکار می‌کردند، در این منطقه تا همین چند دهه‌ی پیش گورخرهای زیادی وجود داشت. اما از اوایل دهه‌ی ۱۳۶۰ هیچ گورخری در این منطقه مشاهده نشده است. از طرف دیگر نکته‌ای که باعث می‌شود این بنا را در آغاز کار نه کاروانسرا بلکه قصر یا ساختمان شکاری بدانیم فاصله‌ای است که بنا از نزدیک‌ترین چشمه‌ی آب شیرین دارد. چشمه‌ی آب شیرین، که به چشمه‌ی شاهی نامور است، در فاصله‌ی هفت کیلومتری بنا قرار دارد که با کانال‌های سنگی آبش به سمت سازه سرازیر می‌شده است. به نظر می‌رسد علت ساختن ساختمان در چنین فاصله‌ای از چشمه آن بوده که هیبت بنا و سر و صدای احتمالی برخاسته از فعالیت‌های آن موجب فراری دادن حیوانات نشود و همچنان گورخر و حیوانات دیگر برای نوشیدن به حوالی این چشمه بیایند. تمام این شواهد نشان می‌دهند که زمانی اینجا کاربری‌ای غیر از کاروانسرا داشته و کلنگش پیش از دوره‌ی صفوی خورده شده اما مدرک و استدلالی که ما را مجاب کند که آن را متعلق به دوره‌ی ساسانی و بهرام گور بدانیم وجود ندارد. به نظر می‌رسد در زمان صفویه توجه خاصی به راه سیاه‌کوه به عنوان معبر ارتباطی بین اصفهان و خراسان و ری شده باشد. کاروانسرای قصر بهرام در این زمان مهم‌ترین مرکز ارتباطی بین شرق و غرب حاشیه‌ی کویر شد؛ پایگاه ارتباطی و محل داد و ستد بازرگانان بود. بازرگانان با کاروان‌های خود از سمت اصفهان و آران و بیدگل می‌آمدند و با گذشتن از کاروانسرای مرنجاب، در قصر بهرام اتراق می‌کردند. این جاده برای آنکه در زمان بارندگی فرو نرود با ذغال و سنگ و ساروج زیر سازی شده است..در آنجا تصمیمات کلی برای مبادله‌ی کالا یا حمل کالا به شهرهای مورد نظر گرفته می‌شد. بر روی قشر گچی اتاقهی اینجاا یادگاری‌هایی نوشته شده که قدیمی‌ترینشان به سال ۱۰۰۱ قمری برمی‌گردد نکته‌ی جالب آنکه بر روی سنگ‌های تراش نما و تخته‌سنگ‌های کانال سنگی، حروف لاتین Q, O, D, P, E, Y, W, M, S حک شده که ظاهراً علائم سنگ‌تراشان هستند. شاید از روی آنها بتوان به این نتیجه رسید که احتمالاً پیمانکار یا بنا یک فرد خارجی بوده است. در ساخت بنا از سنگ‌های روشن استفاده شده است؛ بنابراین می‌توان تصور کرد زمانی که کاروانسرا زنده بوده، در دل منطقه‌ای که سنگ کوه‌هایش همه سیاه بوده‌اند، چه جلوه‌ای داشته است .در ورودی به سمت شمال باز می شود و سردری در بالای آن وجود دارد که با سنگ تراش خورده تزئین شده است. در این کاروانسرا مثل دیگر کاروانسراهای ایرانی یک حیاط مرکزی ۸ ضلعی می بینید که ۲۴ اتاق در اطراف آن ساخته شده است و اسطبل هایی برای نگهداری چارپایان هم در پشت این حجره ها قرار دارند. در طبقه بالای آن اتاق هایی هست که در آنجا پخت و پز انجام می شده است. ظاهر کاروانسرا از بیرون شبیه مربع است و چهار برج بلند و نیم دایره و دو دروازه شمالی و جنوبی دارد، به غیر از حیاط مرکزی، حیاطی ساده و بزرگ هم در طرف شرقی کاروانسرا قرار دارد. در سمت غربی حیاط مرکزی، تالار بزرگی ساخته شده که در داخل آن شاه نشین و طاقچه هایی در اطرافش قرار دارد و ایوانی هم در جلوی تالار وجود دارد. در وسط حیاط، حوض چهار گوشی به عمق ۲ متر قرار دارد و برای آبرسانی به این کاروانسرا از چشمه شاهی در دامنه سیاه کوه استفاده می شد، چشمه ای که در ۷/۵ کیلومتری این کاروانسرا قرار دارد. آب این چشمه در مخزنی در ۱۰۰ متری این بنا نگهداری و از آنجا به درون کاروانسرا و حمام هدایت می شد. این ساختمان اکنون به عنوان مهمان‌سرای پاسگاه شکاربانی در پارک ملی کویر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.. برای ورود به پارک ملی کویر و بازدید و اقامت در قصر بهرام نیاز به اخذ مجوز از اداره کل محیط زیست استان سمنان می‌باشد.به فاصله کمی از قصر بهرام کاروان‌سرای عین‌الرشید و بقایای یک حرم‌سرا نیز قابل بازدید است. امروزه کاروانسرای قصر بهرام مورد استفاده مسافران کاروان‌های تورهای کویرگردی و ستاره‌شناسی قرار می‌گیرد. مسافرانی که با شبی اقامت در این کاروانسرا صورت‌های فلکی و کهکشان راه شیری در آسمان مخملی شب را به نظاره می‌نشینند. این اثر در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۴ با شماره ثبت ۱۰۵۹ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌است.پیشنهاد می شود در زمانی به اینجا بروید که هوا معتدل بوده و گرمای روز و سرمای شب آزارتان ندهد.

۸۴- کاروانسرای سعدالسلطنه





راههای دسترسی: در مرکز شهر قزوین در خیابان امام‌خمینی (رشت سابق و پهلوی سابق‌تر) در نزدیکی بازار قدیم و عمارت چهل ستون قرار دارد.

قزوین یکی از شهرهای تاریخی و توسعه یافته ایران است. ریشه شهر قزوین متعلق به دوران ساسانی است که به دستور شاپور رونق یافت. قزوین در زمان حکومت صفوی ۵۷ سال پایتخت ایران بوده است و به همین دلیل اماکن و موزه‌های تاریخی بسیاری دارد. کاروانسرای سعدالسطنه که به سرای سعدالسلطنه، سرای سعدیه، سرای سعادت و بازارچه سعدالسلطنه نیز معروف است، کاروان‌سرای سعدالسلطنه به دستور» سعدالسلطنه «حاکم وقت قاجاریه قزوین ساخته شد. سرای سعدالسلطنه قزوین بزرگترین کاروانسرای سرپوشیده و مرکزتجاری داخلی شهری کشور است که با وسعتی افزون بر ۶/۲ هکتار در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه قاجار ساخته شد. ورودی اصلی کاروانسرای سعدالسلطنه از خیابان امام خمینی است که ۴ طاق نما در طرفین داشته و سقف آن نورگیر ندارد و به صورت عرقچین ساخته شده است و خیابان را به حیاط اصلی سرای سعدالسلطنه متصل می‌سازد. مجموعه تاریخی سعدالسلطنه یکی از ارزشمندترین آثار دوره قاجاریه و یکی از ۳۸ بنای منتخب میراث فرهنگی کشور است. این مجموعه در هسته تاریخی شهر دوره صفویه و مرکز ثقل امروزه شهر قزوین به حساب می‌آید .این مجموعه سراها از لحاظ معماری و شالوده ساخته شده از پوشش آجری و یکی از سرپاترین و نمونه عالی یک سرای بازگانی به حساب می‌آید .این مجموعه دارای ماهیتی درون‌گرا است و بزرگترین بازار سرپوشیده دوره قاجار در ایران به حساب می‌آید. دارای محوطه تاریخی بسیار زیبایی است که در حال حاضر بزرگ‌ترین مجموعه کاروانسرایی شهر قزوین محسوب می‌شود که در عهد قاجار و در زمان ناصرالدین شاه توسط سعدالسلطنه، فرماندار وقت قزوین بنا شده است. کاروانسرای سعدالسلطنه بزرگترین کاروانسرای سرپوشیده جهان و بزرگترین کاروانسرای درون شهری ایران و یکی از معدود کاروانسراهای ایران است که دارای چندین حمام، سرا، تیمچه، شترخان، راسته، چهارسوق، مسجد، چایخانه و ... است. نقش این کاروانسرا در گذشته به عنوان یک سرای بازرگانی بوده است. این مجموعه یکی از بزرگ‌ترین بناهای عمومی و سراهای بازرگانی کشور در دوره قاجار محسوب می‌شود. برخی می گویند چون مجموعه کاروانسرا در محل میدان چوگان دوران صفویه (کاخ باغ سعادت، میدان سعادت) بنا شده بود، به آن سرای سعادت می‌گفتند .محمدباقرخان سعدالسلطنه اصفهانی حاکم وقت شهر قزوین در اواخر دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (سال ۱۳۱۰ هجری قمری) با توجه به مراودات اقتصادی فراوان ایران با روسیه و ترکیه، دستور داد کاروانسرایی در زمینی به مساحت ۲/۷ هکتار با حدود ۴۰۰ حجره در شهر قزوین بنا کنند و لقب خویش را روی آن نهاد و کاروانسرای سعدالسلطنه بعد از حدود دو سال با همت دو معمار اصفهانی و دو معمار قزوینی یعنی در سال ۱۳۱۲ هجری قمری به بهره‌برداری رسید .کاروانسرای سعدالسلطنه تا قبل از جنگ جهانی اول، مرکز تجارت و فعالیت بازرگانی شهر محسوب می‌شد که بعد از تغییرات سیاسی حکومت روسیه، موقعیت خود را به عنوان پل ارتباطی بازرگانی بین اروپا و آسیا از دست داد و حیات اقتصادی خود را به صورت نیمه فعال ادامه داد. برخی از حجره‌های کاروانسرای سعدالسلطنه به صورت غرفه‌های تجاری مستقل اداره می‌شد و برخی نیز به صورت انبار و قسمتی از کاروانسرای سعدالسلطنه تبدیل به کارخانه آرد سلامت و کارخانه تولید کشمش شد و قسمت‌های دیگر به عنوان کارگاه‌های تولیدی کفش، فرشبافی، چوب بری و ... مورد استفاده قرار گرفت و این باعث شد این اواخر مردم آنجا را «بازار چوب» بنامند. ارزشمندترین قسمت این بنا، چهار سوق آن است که از تقاطع قائم دو راسته ایجاد شده و بر فراز آن گنبد بزرگ کاشیکاری شده‌ای قرار دارد. سقف آن نورگیر ندارد و به صورت عرقچین ساخته شده است و خیابان را به حیاط اصلی سرای سعدالسلطنه متصل می سازد. چهار طرف گنبد را، چهار نیم‌گنبد با رسمی‌بندی و نورگیر فراگرفته‌اند که فضا را بزرگتر نشان می‌دهند. هشتی بنا که پس از درِ ورودی قرار دارد، با آجر و کاشی تزئین شده و سقف یزدی‌بندی شده دارد. کاروانسرای سعدالسطلنه مشتمل بر تعدادی سرای تو در تو و پیوسته که شامل ۶ حیاط به نام‌های: سعدیه، سعدالسلطنه، نگارالسلطنه، قهرمانی، بهشتی و راسته وزیر است. سرای سعدالسلطنه در حال حاضر با وسعت ۶/۲ هکتار دارای ۷ حیاط است که عبارتند از: حیاط بزرگی به نام حیاط سعدالسلطنه با وسعت ۳۰۷۳ مترمربع که ۱۵۹۳ مترمربع آن فضای باز و باقی، فضای بسته و نیمه‌باز است و در چهار جانب آن حجرات قرار گرفته است. حیاط دیگری در سمت غربی این حیاط با نام نگارالسلطنه واقع شده و دارای دو حجره و دو انبار بسیار بزرگ است و در آن از سمت غرب به راسته وزیر باز می‌شود. حیاط دیگر با نام سعدیه از شرق به حیاط سعدالسلطنه متصل و دارای ۱۰ باب حجره و یک گرمابه است. این کاروانسرا به صورت چهار ضلعی ساخته شده و چهار ایوان در چهار ضلع حیاط‌دار دارد که طاق‌نمای ایوان‌ها دارای آجرکاری و سقف داخلی ایوان‌ها دارای تزیین و مقرنس‌کاری است .این اثر تاریخی ابتدا در تاریخ ۱۳۱۶/۹/۱۷ با شماره ثبت ۱۰۲۱ در زیر مجموعه بازار قزوین ثبت شد، سپس در مورخ ۱۳۷۷/۵/۱۱ با شماره ۲۰۸۹ به صورت مجزا به نام کاروانسرای سعدالسلطنه ثبت و بعدها گرمابه سعدیه با شماره ۱۲۵۹۸ در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۱۱ از کاروانسرا منفک گردید .در حال حاضر در این مجموعه چندین کافه، رستوران و فروشگاه‌های صنایع‌دستی قزوین و آموزشگاه‌های هنری، کارگاه‌ها و فروشگاه‌های صنایع‌دستی مختص شهر قزوین وجود دارد. در انتهای این کاروانسرا، مسجدالنبی واقع شده است. این مسجد قدیمی با مساحتی بالغ بر ۱۴ هزار متر مربع، لقب بزرگ‌ترین مسجد تاریخی شهر قزوین است و در زمان فتحعلی شاه ساخته شده است. موزه شاهنامه و اساطیر که متشکل از مجسمه‌های رضا ازی محمدی است نیز در این کاروانسرا قرار دارد.بدلیل سرپوشیده بودن امکان بازدید در تمام طول سال وجود دارد.

۸۵- باداب سورت





راههای دسترسی: برای رسیدن به روستای اروست از تهران می‌توانید به ترتیب زیر از جاده‌های استان سمنان یا مازندران استفاده کنید. البته جاده‌های استان سمنان مسافت کمتری دارد و ایمن‌تر است، اما جاده‌های استان مازندران به مراتب زیباتر است: مسیر ۱ :تهران، سمنان، مهدیشهر، شهمیرزاد، فولادمحله، سه راه تلمادره، روستای اروست، باداب سورت مسیر ۲ :تهران، ساری، کیاسر، سه راه تلمادره، روستای اروست، باداب سورت از شهرهای سمنان و ساری تا روستای اروست جاده کاملا آسفالت است و از این روستا تا چشمه‌های شگفت‌انگیز باداب سورت که در یک کیلومتری شرق این روستا واقع شده، جاده خاکی است.

چشمه پلکانی تراورتنی بی‌نظیر در ایران و کم‌نظیر در جهان است که واقع در روستای ارست بخش چهاردانگه‌ی شهرستان ساری می‌باشد . این چشمه‌ها در بلندای ۱۸۴۱ متری از تراز دریا جای دارند، در ایران بی‌نظیر هستند. اطراف چشمه پوشیده از درختچه‌های زرشک وحشی و ارتفاعات بالاتر پوشیده از جنگل‌های سوزنی برگ است. باداب به معنی آب گازدار و سورت به معنی شدت اثر است. این باداب شامل چندین چشمه با آب‌های کاملاً متفاوت از لحاظ رنگ، بو، مزه و حجم آب است. چشمه پرآب دارای آب بسیار شور و استخری با قطر حدود ۱۵ متر و عمق زیاد است و هرگز یخ نمی زند عمدتا در تابستان برای آب تنی استفاده می‌شود و برای درمان دردهای کمر و پا، امراض پوستی، روماتیسم و مخصوصا سردرد میگرن سودمند است..چشمه دوم که در بالادست و شمال غربی این چشمه قرار دارد، ترش مزه و دارای آبی به رنگ قرمز و نارنجی است، در اطراف چشمه کمی رسوب آهن نشسته‌است. جریان آب‌های رسوبی و معدنی این چشمه‌ها طی سال‌ها، در شیب پایین دست کوهستانی خود، صدها طبقه و ده‌ها حوضچه پلکانی بسیار زیبا به رنگ‌های نارنجی، زرد و قرمز در اندازه‌های مختلف پدیدآورده‌است. این طبقات و حوضچه‌ها در واقع جاذبه اصلی و ویژگی منحصر به فرد چشمه‌های باداب سورت است. زیبایی این طبقات و محل ویژه قرارگیری چشمه در دامنه کوهستان و چشم‌اندازهای اطراف به ویژه در غروب تحسین‌برانگیز است. این چشمه‌ها به دلیل داشتن ساختار پیچیده زمین‌شناسی در بدترین شرایط خشکسالی پر آب بوده و شایعاتی مبنی بر خشک شدن آن کاملا بی اساس است. این چشمه توسط سازمان میراث فرهنگی در سال ۱۳۸۷ پس از کوه دماوند به عنوان دومین میراث طبیعی ایران در فهرست آثار ملی ایران ثبت شد. ثبت جهانی این باداب نیز پس از پاموک‌کاله ترکیه، به عنوان دومین چشمه آب شور جهان بوده‌است. دیدار از چشمه و حوضچه‌های باداب سورت مخصوصا در اردیبهشت ماه خستگی را از جان گردشگران بیرون می‌کند و چشمان کنجکاو و حقیقت‌جو در کنکاش مناظر طبیعی جنگلی و کوهستانی پیرامون تا دوردست‌ها مبهوت و خیره می‌ماند. خیال انگیزترین صحنه‌های منطقه به هنگام طلوع و غروب خورشید است که تلالو نور خورشید در حوضچه‌ها و انعکاس نور آن‌ها همراه با سایه روشن طبیعت اطراف، جلوه‌های تحسین برانگیزی را از موهبت خداوندی به جلوه می‌گذارد. در کشورهای ترکیه، آمریکا و نیوزلند چشمه‌هایی شبیه باداب سورت وجود دارد. هیرو اِل گوآرا در مکزیک؛ منطقه سنگ‌زرد در آمریکا؛ باگنی‌سان‌فلیپو در ایتالیا؛ بایشوایتای در چین؛ پاموک‌کاله در ترکیه؛ ایوان‌های مطبق سفید و صورتی در نیوزلند. و در کشورمان کانی گ‌راوان در شهرستان سردشت آذربایجان غربی و چشمه های آهک ساز اشنیز واقع در روستای «نیوک» ندوشن از توابع شهرستان میبد و در ۱۳ کیلومتری جاده ندوشن به میبد از دیگر موارد چشمه های شبیه باداب سورت هستند. اگر به‌خوبی از باداب سورت محافظت به عمل نیاید، تخریب می‌شود. در سال‌های اخیر است که توجه مسئولان به این ناحیه کمی بیشتر شده و با قرار دادن حفاظ و سنگ‌چین تلاش می‌کنند تا از ورود گردشگران به داخل آب چشمه جلوگیری کنند. اگر هر گردشگری به‌راحتی وارد چشمه شود، روند تخریب و فرسایش این مکان به جریان می‌افتد و دیگر خبری از پلکان‌های رنگی و شگفت‌انگیز نخواهد بود. شما هم در صورت بازدید از باداب سورت باید نکات بهداشتی را رعایت کنید و یادتان نرود که طبیعت برای همه ماست و تخریب کوچک‌ترین بخش آن هم می‌تواند به شکلی زنجیروار روی بخش‌های دیگرش اثر بگذارد و ناگهان در ابعادی کلان منجر به فجایعی شود که دامان همه بشریت را می‌گیرد. از حوالی سال ۱۳۹۵ تا اکنون، سازمان میراث فرهنگی با اعزام نیروهایش به این باداب، سعی بیشتری در حفظ و مراقبت از آن به کار گرفته است. در روستای اروست خانه ها و مراکز اقامتی برای شب مانی وجود دارد همچنین در این منطقه می‌توانند از حسینیه روستای اروست به طور رایگان استفاده کنید. سعی کنید در ماههای پرآب سال و غیر از زمستان به این منطقه سفر کنید.

۸۶- دریاچه ارومیه





راههای دسترسی: این دریاچه میان دو استان آذربایجان غربی و استان آذربایجان شرقی قرار گرفته‌است.

دریاچه ارومیه‌با نام سابق رضائیه بزرگ‌ترین دریاچه داخلی ایران، بزرگ‌ترین دریاچه آب شور در خاورمیانه و ششمین دریاچه بزرگ آب شور دنیا و دومین دریاچه از نظری میزان شوری پس از بحرالمیت است . این دریاچه ۱۴۰ کیلومتر از شمال تا جنوب و ۸۵ کیلومتر از شرق تا غرب امتداد می‌یابد که مجموعا شامل وسعتی بیش از ۵۲۰۰ کیلومتر مربع می‌شودکه ۳٪ مساحت کل کشور ایران را دربر می‌گیرد .این دریاچه گونه‌های زیادی از پرندگان مهاجر مانند فلامینگو، پلیکان، مرغابی و مرغ ماهی‌خوار را به سمت خود جذب می‌کند. دریاچه‌ی ارومیه علاوه بر تالاب‌هایش، زیستگاه مرتفعی نیز دارد که گونه‌های دیگری همچون خزندگان، دوزیستان و پستانداران را در خود جای می‌دهد. جلگه‌ی این دریاچه به لحاظ کشاورزی بسیار حایز اهمیت است؛ چراکه حدود ۶/۴ میلیون نفر وابسته به آن هستند .حدود ۱۳ رودخانه(مانند زرینه‌رود، سیمینه‌رود، تلخه رود، گادر، باراندوز، شهرچای، نازلو و زولا) آب خود را به دریاچه ارومیه می‌ریزند که بزرگترین‌شان، زرین‌رود است. در واقع زرین‌رود تامین‌کننده‌ی اصلی آب دریاچه ارومیه محسوب می‌شود .از منابع آب دیگر می‌توان به بارش باران، سیلاب و مقدار بسیار جزیی از جریان آب‌های زیرزمینی اشاره کرد. پارک ملی دریاچه ارومیه پس از مرداب انزلی، از جالب‌ترین زیستگاه‌های طبیعی جانوران در ایران به‌شمار می‌رود. در حال حاضر ۲۷ گونه پستاندار، ۲۱۲ گونه پرنده، ۴۱ گونه خزنده، ۷ گونه دوزیست و ۲۶ گونه ماهی حیات وحش این دریاچه را تشکیل داده‌اند. این دریاچه با داشتن بیش از یک‌صد جزیره کوچک صخره ای محل توقف پرندگان مهاجر از جمله فلامینگو، پلیکان، کفچه نوک، اکراس، لک لک، اردک پیسه، نوک خنجری، چوب پا و مرغ نوروزی می‌باشد. جزیره اسلامی، کبودان، آرزو، اسپیر، جزایر نهگانه از نظر وحوش و وسعت قابل اهمیت می باشند. آب دریاچه بعد از بحرالمیت از نظر املاح نمکی در رده دوم قرار دارد که استحصال نمک آن معروف و تنها موجود قابل زیست در آن آرتمیا می باشد .آب دریاچه ارومیه بسیار شور و میزان نمک محلول در آن دو برابر اقیانوس‌ها است. به این دلیل، هیچ ماهی و نرم‌تنی به جز گونه‌هایی از سخت‌پوستان در آن زندگی نمی‌کنند و آب آن هیچ‌وقت یخ نمی‌زند. از جمله مهم‌ترین بی‌مهرگان موجود در دریاچه می‌توان به آرتمیا اشاره کرد که گونه‌ای میگوی آب شور و از گونه‌های بومی دریاچه ارومیه است. این گونه مهم‌ترین منبع غذایی بسیاری از پرندگان آبزی مانند فلامینگوها به شمار می‌رود. آب دریاچه ارومیه از دسته آب‌های کلروره سدیک است و گل دریاچه ارومیه خمیری سیاه‌رنگ و جزو گل‌های کلروره است که دارای خاصیت درمانی برای بیماری‌هایی چون رماتیسم و آرتروز است. دریاچه ارومیه یکی از زیستگاه‌های طبیعی مهم در منطقه آذربایجان که در عین حال برای ورزش‌های آبی همانند شنا، قایقرانی و اسکی روی آب نیز بسیار مناسب می‌باشد، در آستانه خشک شدن بود که با بارندگی های دوسال اخیر وضع آن بهتر شده است. در زبان پارسی کهن، این دریاچه چیچست به معنای درخشنده (به دلیل املاح معدنی که در سواحل بصورت کریستال یافت می‌شود) نامیده شده است. در دوران میانه این دریاچه "کبودا" (کبودان) نیز نامیده شده است. همچنین در اوستا و کتب پهلوی این دریاچه را مقدس دانسته و مولد زرتشت را در گوزن حوالی دریاچه ارومیه دانسته و آتشکده معروف گوزن موسوم به آذرگشسب نیز به همین مناسب مورد توجه و احترام بوده است.حکیم فردوسی در شاهنامه بجای کلمه چیچست و استرابون یونانی و موسی که از جغرافی نویسان قرن اول و پنجم میلادی هستند از این دریاچه به نام کاپوتا) کبود) و علمای اسلام مثل مسعودی و ابن حوقل و ابوریحان کبودان ذکر کرده اند . این دریاچه از اواسط دهه ۱۳۸۰ شروع به خشک شدن کرد و هنوز این خطر کاملا رفع نشده است. بررسی تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۵ دریاچه ۸۸ درصد مساحت خود را از دست داده (گزارش‌های قبلی تنها به از دست رفتن ۲۵ تا ۵۰ درصد مساحت دریاچه اشاره کرده‌بودند). دلایل بسیاری برای خشک شدن دریاچه ذکر شده است از جمله خشکسالی، احداث بزرگراه بر روی دریاچه ، استفاده بی‌رویه از منابع آب حوزه آبریز دریاچه و حفر چاه های غیر مجاز.تحقیق جدیدی توسط چند تن از محققان در امریکای شمالی نشان می‌دهد که خشک‌سالی تنها باعث کاهش ۵ درصدی بارش در حوزه آبریز دریاچه شده و عوامل انسانی شامل پروژه‌های جاه‌طلبانه توسعه اقتصادی-آبی به همراه ساخت بزرگراه ۱۵ کیلومتری بر روی دریاچه با دریچه کوچک ۱/۲ کیلومتری وضعیت دریاچه را به بحران کشانیده است. بعد از بارندگی های خوب و مناسب سال های اخیر سطح آب ازافزایش سطحی قابل توجهی برخوردار شد و این امر باعث افزایش فعالیت ارتیماهای دریاچه شده و تغییر رنگ این دریاچه را به دنبال داشت. که رنگ آبی این دریاچه را به رنگ قرمز در آورد و زیبایی آن را دوچندان کرد.پیشنهاد میکنیم در بهار و تابستان و اوایل پائیز به این دریاچه زیبا و منحصر به فرد رفته و از آن دیدن کنید.

۸۷- دریاچه نئور





راههای دسترسی: پس از طی حدود ۳۵ کیلومتر از شهر اردبیل به سمت شهر خلخال به ده بودالالو می‌رسیم. سپس می‌بایست جاده‌ای به طول ۱۳ کیلومتر را به سمت بالای کوه طی کرده و پس از گذر از کنار روستای عباس‌آباد) در فاصله ۸ کیلومتری جاده و ۵ کیلومتری دریاچه) به دریاچه رسید. جاده کوهستانی برای رسیدن به این دریاچه آسفالت بوده، ولی جاده دور دریاچه خاکی می‌باشد. مسیرهای کوهنوردی و گردشگری:۱- هشتپر (تالش)، ریک، کیشون بن، شیله وشت، مریان، قلعه جوق، حفظ‌آباد و عباس‌آباد.۲- هشتپر (تالش)- ریک، کیشون بن، رزه، بسک، اسبومار، دَسر، کانتی کت، ضلع شرقی دریاچه۳- هشتپر (تالش)- ریک، کیشون بن، رزه، بسک، سوباتان، آبشار ورزان، گزنه هونی، ضلع شرقی دریاچه۴- خلخال، گیوی، فاراب، قره قشلاق، کزور، خلفلو، هل آباد، حفظ‌آباد و عباس‌آباد.۵- اردبیل، هیر، شبلو و عباس‌آباد.این دریاچه مابین شهرستان تالش و شهرستان خلخال است که در مرز بین استان گیلان و استان اردبیل قرار دارد.

پشت کوه‌های تالش، دریاچه نسبتا بزرگی هست که با رسیدن فصل گرما، شبیه یک رویا زیبا می‌شود. این دشت با لاله‌های وحشی و دریاچه‌ای با پنج متر عمق، دقیقا وسط کوه‌هایی که هرچه نگاه کنیم از رنگ سبزشان کم نمی‌شود، دریاچه نئور یک دریاچه طبیعی و آب شیرین می‌باشد در بلندیهای باختری رشته کوه باغرو قرار دارد .این دریاچه در ۴۸ کیلومتری جنوب شرقی اردبیل به‌طرف خلخال در یکی از دره‌های کوهستان باغرو و در ارتفاع ۲۵۰۰ متری از سطح دریا با مساحتی بالغ بر ۲۱۰ هکتار مشتمل بر دو دریاچه کوچک و بزرگ است که در فصل بهار به هم می‌پیوندند و دریاچه واحد را به وجود می‌آورند و عمق متوسط ۵ متر است. ریشه اسم نئور کلمه‌ای مغولی است در زبان مغولی به دریاچه ، نئور می‌گویند در ترکی آذربایجانی به دریاچه کوچکی که رودخانه‌ای به آن نمی‌ریزد نئور گفته می‌شود. در جمهوری آذربایجان سه دریاچه با نامهای آجی نئوردر شهرستان شکی، نئور شهرستان قاخ و نئورشهرستان قبله وجود دارد. بارندگی مناسب و وجود چشمه‌های فراوان سبب پایداری وضعیت دریاچه شده ضمن آنکه هوای مطبوع منطقه زمینه بسیار مناسبی برای جذب گردشگر خصوصاً در اوقات گرم سال را فراهم کرده‌است. این منطقه دارای پوشش گیاهی متنوعی از گیاهان خشکی زی و آبزی است. دریاچه نئور زیستگاه برخی از گونه‌های پرندگان مهاجر عبوری است. محدوده دریاچه نئور، به دلیل ضوابط خاص موجود بر این منطقه، که به‌عنوان یک منطقه حفاظت شده زیست‌محیطی تحت نظارت سازمان حفاظت محیط زیست قرار دارد. شکار هر گونه پرنده آبی در این دریاچه ممنوع بوده لذا عوامل خاص طبیعی و انسانی حیات وحش این منطقه را تهدید نمی‌کند. این دریاچه دارای نوعی ماهی به نام قزل‌آلای رنگین کمان می‌باشد. هر ساله به میزان اندک بچه ماهی قزل آلای رنگین کمان جهت کنترل جمعیت گامارس‌های موجود در دریاچه‌های رهاسازی می‌گردد.در شهریورماه مسابقه تفریحی تحت عنوان «مسابقه ماهیگیری» در این دریاچه بین دوستداران ماهیگیری برگزار می شود. ماهی‌های دریاچه نئور هر سال پیش از زمستان صید و جمع‌آوری می‌شوند زیرا در اثر یخ زدن دریاچه این ماهی‌ها نمی‌توانند در زمستان زنده بمانند و پس از زمستان دوباره ماهی‌های کوچک پرورشی در نئور رها می‌شوند و این روند هر سال تکرار می شود. در فصل سرما نئور سه تا پنج ماه یخ می‌بندد.

در دمای منفی ۲۰ درجه، از پنج متر عمق دریاچه، حدود ۸۰ سانتی‌مترش تبدیل به یخ می‌شود و آن را به یک پیست اسکی طبیعی تبدیل می‌کند. نئور در واقع ۳۰ کیلومتر تا دریای خزر فاصله دارد. برای همین هم آنهایی که دنبال فتح قله‌های شرقی هستند، منظره خیلی زیبایی از این کوهستان می‌بینند .مثلا بعضی‌ها، از مسیر دره گرگانرود به سمت نئور حرکت می‌کنند و به قله زیبای بغروداغ می‌رسند. مردم محلی و مسئولان، توصیه می‌کنند که در آب نئور شنا نکنیم. گل و لای نئور و همچنین گیاهان داخل آب انسان را به پایین می‌کشد و به همین دلیل توصیه نمی‌شود.از جاذبه های نزدیک اینجا می توان به مسیر نئور-سوباتان:اشاره کرد مسیر حدودا ۱۹ کیلومتری سوباتان به نئور، یکی دیگر از دلایلی‌ست که می‌تواند ما را به این دریاچه بکشاند. جاده خاکی شمال شرقی مسیر اصلی نئور- سوباتان است. جذابیت این مسیر برای برخی از گردشگران به حدی است که حاضرند رنج ۱۹ کیلومتر پیاده‌روی را به جان بخرند و حدود ۱۰ ساعت در راه باشند تا مسیر تماشایی را به خاطر بسپارند. آبشار ورزان :آبشار ورزان در شمال غرب سوباتان بسیار دیدنی‌ست. آب رودخانه ورزان که از رودخانه لیسار چشمه می‌گیرد وقتی از صخره‌های کوه به پایین می‌ریزد این آبشار زیبای ۳۰ متری را درست می‌کند .مسیر سوباتان به این منطقه جنگلی در برخی نقاط شیب‌های تندی دارد. معمولا بدون راهنمای محلی نمی‌توان تا اینجا پیاده‌روی کرد. ارتفاعات شهر لیسار به دریای خزر مشرف هستند و اگر از این مسیر حرکت کنیم با چشم غیر مسلح می‌توانیم خط آبی دریا را ببینیم. پیاده‌روی از سوباتان تا این آبشار یک ساعت زمان می‌برد، اما در عوض در بالای آبشار می‌توان آب‌تنی و آب‌بازی کرد تا این خستگی را شست و از بین برد.
سفر به اینجا فقط در بهار و تابستان توصیه می شود.

۸۸- دریاچه گهر





راههای دسترسی: منطقه حفاظت شده‌ی اشترانکوه، بین دورود، الیگودرز و ازنا قرار دارد. تا الیگودرز را توانید با استفاده از اتومبیل شخصی و حدود سه ساعته طی کنید و بعد از آن با حدود یک ساعت و نیم پیاده‌روی و از مسیر روستای طیان به دریاچه می رسید. اگر توانایی کافی ندارید طی نمودن این مسیر کوهستانی برایتان مشکل خواهد بود. از الیگودرز تا دریاچه گهر حدود ۷۰ کیلومتر فاصله است که به دلیل کوهستانی بودن زمان زیادی می‌طلبد. در کل این مسیر با وجود اینکه زیباتر است به دلیل امنیت پایین چندان پیشنهاد نمی‌شود. بهترین راه برای دیدن دریاچه اما مسیر معدن کارخانه سیمان دورود است. دریاچه در ۳۵ کیلومتری دورود لرستان قرار گرفته و با تهران ۴۱۶ کیلومتر فاصله دارد. در کل دسترسی به دریاچه‌ی گهر چندان راحت نیست.

گهر به معنی آب جمع شده در گود است .این دریاچه کوهستانی معروف به نگین زاگرس در منطقه حفاظت شده اشترانکوه در استان لرستان با ارتفاع ۲۳۵۰ متر از سطح دریا قرار گرفته و در زمره آب شیرینها قرار دارد است. بر اساس اسناد تاریخی، در سال ۱۸۸۸ میلادی اولین شخصی که دریاچه گهر را کشف نمود زمین‌شناسی اتریشی بود که آ-رودلر نام داشت و نام خود را به عنوان کاشف دریاچه گهر در تاریخ به ثبت رساند. قدیمی‌ترین عکس مستند دریاچه گهر در سال ۱۸۹۱ میلادی توسط یک سیاح فرانسوی بنام ژان ژاک دومرگان گرفته شده است. نام دیگری که توسط گردشگران و جهانگردان خارجی به دریاچه ی گهر داده شده است، "دریاچه ی ایران "می باشد. در سال ۱۸۹۰ میلادی ایزابلالوسی بیشوپ انگلیسی تبار، به مدت سه ماه در منطقه ی دریاچه ی گهر به تحقیق پرداخت و حدود ۱۰۰۰ کیلومتر را به صورت پیاده طی کرد. دریاچه گهر شامل ۲ بخش به نام‌های گهر بزرگ (کله گهر) و گهر کوچک (کره گهر)می‌باشد. دریاچه گهر بزرگ حدود ۱۷۰۰ متر درازا و ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر پهنا و ۴ تا ۲۸ متر ژرفا دارد .ساحل این دریاچه به جز قسمت مدخل دریاچه (ضلع غربی) و قسمت مقابل‌اش (ضلع شرقی) که ساحلی ماسه‌ای دارد و برای شنا مناسب است در سایر نقاط دارای ساحلی صخره‌ای است که برای شنا مناسب نیست. در قسمت پایین دریاچه، جنگلی انبوه وجود دارد که در شرف نابودی است. در قسمت بالای آن نیز جنگلی انبوه وجود دارد که این جنگل هم در معرض خطر نابودی است. از قسمت بالا، جوی آبی به دریاچه می‌ریزد که ادامه آن به دریاچه‌ای دیگر منتهی می‌شود. با حدود ۴۰ دقیقه پیاده‌روی می‌شود به این دریاچه (گهر دوم یا گهر پایین) رسید. عمق آن کم است و ماهیان کف دریاچه را با کمی دقت می‌شود به خوبی دید. جریان ورودی آب دریاچه ۱۰ فوت مکعب بر ثانیه و جریان خروجی آن حدود ۲۰ فوت مکعب بر ثانیه می‌باشد .علت افزایش حجم آب خروجی دریاچه وجود چشمه‌های در قسمت تحتانی آن است .آب اصلی تأمین‌کننده دریاچه از طریق رودخانه ورودی آن یعنی رودخانه تاپله است که دارای آبی بسیار خنک و رنگی شفاف و بلورین با بستری مملو از سنگریزه یا قلوه سنگ است که بدون افت و با کمی شتاب وارد دریاچه کوچک می‌شود و پس از طی مسافتی کوتاه وارد دریاچه گهر می‌شود. پوشش گیاهی منطقه درختان بلوط، بید، بادام، پسته وحشی، گلابی وحشی، چنار، نارون، بلوط مازو، گردو، انجیر، زبان گنجشک، سیب، زالزالک، ارژن، کنار کهور، انار، گز، و موی وحشی می‌باشد. گل‌های لاله واژگون، شقایق، زنبق و لاله وحشی تاج خروسی و اختر می‌باشند. دریاچه گهر زیستگاه مناسبی برای آبزیان و دیگر حیوانات وحشی است. منطقه حفاظت شده اشترانکوه با حیات وحش متنوع شامل حیواناتی است از قبیل بز، قوچ، آهو، کل، پلنگ، گرگ، گراز، خرس قهوه‌ای، کفتار، روباه، شغال، خرگوش و انواع پرندگان مانند عقاب، کبک، شاهین، تیهو و آبزیان مانند مارماهی، لاک‌پشت، قورباغه و ماهی قزل آلای رنگین کمان و خال قرمز در این دریاچه زیست می‌کنند .گهر به احتمال زیاد در اثر وقوع زمین لرزه‌ای بزرگ به وجود آمده‌است. این دریاچه بر روی گسل اصلی امروزی زاگرس قرار دارد؛ بنابراین احتمالاً در اثر جنبش گسل و رویداد یک زمین لغزش سنگ ریزش تشکیل شده‌است.در سال‌های اخیر تنش‌هایی برای مالکیت این دریاچه از سوی شهرهای اطراف این دریاچه صورت گرفت که از طرف فرمانداری شهر دورود و شهرداری دورود، طرح دعوی شد و به وزارت کشور ارسال شد. وزارت کشور در پاسخ به طرح دعوی، نامه ای به همراه نقشه و موقعیت جغرافیایی دریاچه گهر دورود را به فرمانداری‌ها و شهرداری‌های هم جوار شهر دورود با یادآوری این مطلب که این دریاچه به‌طور کامل در حوزه سرزمینی شهرستان دورود قرار دارد ارسال کرد. در اواخر فصول پاییز و زمستان، بارندگی بیشتر به صورت بارش برف می‌باشد و در سال‌های پر برف سطح دریاچه یخ می‌بندد سالانه در حدود هفتاد هزار گردشگر از دریاچه بازدید می نمایند. از تفریحات مرسوم می توان به شناکردن،قایق سواری و ماهیگیری بالاخص قزل آلای رنگین کمانی و خال قرمز در دریاچه گهر کوچک اشاره کرد اخیرا هم برای جلب رضایت گردشگران تفریحات هیجان انگیزی مثل اسکی روی آب در این مکان صورت می گیرد. و توصیه می شود از دریاچه گهر بزرگ به هیچ وجه برای شنا و تفریحات دیگر استفاده نشود. بهترین زمان بازدید از دریاچه گهر فصل تابستان (ماه های تیر و مرداد) و فصل بهار (به ویژه اواخر ماه های اردیبهشت و خرداد که تمامی مسیر پوشیده از شقایق های رنگی و لاله واژگون است)، می باشد. در این موقع از سال کمی هوا گرم می شود و برف و یخ دریاچه و محیط اطراف آب شده و درختان سرسبز می شوند و بهترین زمان برای گذراندن اوقات و فراغت در کنار خانواده و لذت بردن از تفریحات دریاچه گهر کوچک است .

۸۹- دریاچه زریبار





راههای دسترسی: **استان کردستان، سه کیلومتری غرب شهرستان مریوان**- اتوبان تهران - ساوه - سپس بزرگراه همدان - سنندج؛ از این مسیر فاصله تهران تا دریاچه زریوار ۶۲۰ کیلومتر است.

دریاچه زریبار یا زریوار تنها دریاچه آب شیرین غرب ایران درشهرستان مریوان در فاصله ۱۲۵ کیلومتری شمال غربی سنندج واقع شده است. اینجا منحصر به فرد است چون هیچ رودخانه دائمی در تامین آب آن نقش ندارد و عمدتا از سه منبع آب آن تامین میشود:اولی ریزش باران و برف سالانه.دوم چشمه های کف جوش بستر تالاب که به سفره های زیرزمینی مرتبط است و سوم ورود ابهای سطحی از طریق آبراهه های جاری. در خصوص نامگذاری این دریاچه، وجه‌تسمیه‌های مختلفی وجود دارد: ۱-واژه زریبار یا زریوار متشکل از دو واژه زری و یا زریا به معنی دریا در گویشهای سورانی اربیلی و هورامی و پسوند بار یا وار است که ترکیبش معنی دریاچه است۲- معنی دریا در پارتی اشکانیzreh (زراه)،در گویش سورانی منطقه اربیل و مکریان به صورت (زره) ،در زبان اوستا به صورت zrayah و در پارسی باستان به صورت drayah که در گویش اردلانی دریا darya و در گویش کرمانجی derya می باشد. در واقع پسوند(وار) warدر واژه زریوار احتمالا به ریشه واژه warدر زبان پهلوی به معنی دریاچه است بر می گردد و معنای زریوار به معنی دریاچه نزدیکتر است. دریاچه‌ای که یکی از بزرگترین دریاچه‌های آب شیرین ایران به شمار می آید و از معروفترین و زیباترین جاذبه‌های طبیعی غرب کشور محسوب می شود. ارتفاع دریاچه از سطح دریا ۱۲۸۵ متر است و دور تا دور آن با کوه هایی زیبا از درختان و مراتع احاطه شده است که جلوه ای منحصر به فرد به این دریاچه می دهند. طول این دریاچه ۵ و عرض آن ۱/۶ کیلومتر و عمق آن به طور متوسط در حدود ۳ متر (بین ۲ تا ۵/۵ متر) و مساحتی حدود ۸۵۰ تا ۹۰۰ هکتار را در برگرفته است و همین موضوع باعث شده تا بتوان به راحتی بر روی آن قایقرانی کرد. آب دریاچه زریوار از چشمه های جوشانی که در کف آن قرار دارد و همچنین از آب باران و برف، تامین می شود. این تالاب به دلیل شرایط مناسبی که دارد پذیرای گیاهان و حیوانات مختلفی ست و فعالیت های پرنده نگری و ماهیگیری در آن رونق دارد. تالاب زریبار یکی از منحصر به فردترین دریاچه های آب شیرین جهان به شمار می‌رود و شرایط کلی یک تالاب بین المللی را دارد. این دریاچه در تاریخ بیستم بهمن ۱۳۸۹ با شماره ۱۰۲ در فهرست میراث طبیعی ایران به ثبت رسیده است. همچنین این تالاب از سال ۱۳۸۸ به عنوان پناهگاه حیات وحش تحت نظر سازمان محیط زیست قرار دارد. فضای سرسبز اطراف دریاچه، قرارگیری آن در میان کوه ها و دشت ها، محصور بودنش در میان نیزارها و گستره آبی آن منظره ای تماشایی را خلق کرده است .اگر ذره‌ای خلاقیت به خرج دهید و صبور باشید می توانید عکس‌ها و تصاویر زیبایی از سفر به زریبار را ثبت کنید. تالاب زریبار محل زندگی تعداد زیادی از پرنده‌های بومی و مهاجر است. همین موضوع باعث شده تا اینجا به عنوان یکی از محل‌های مناسب پرنده نگری در غرب ایران شناخته شود. اردک سرحنایی و سرسبز، بوتیمار بزرگ و کوچک، انواع چنگر، پرستوهای دریایی، کاکایی‌ها، حواصیل خاکستری، خوتکا، لک لک های مهاجر و پرندگان شکاری همچون سنقر تالابی و دلیچه از جمله پرنده‌هایی هستند که می‌توانید با کمک ابزار مناسب پرنده نگری و کمی صبر و حوصله به تماشای آنها بنشینید. تالاب زریبار به عنوان یک واحد اکولوژیکی و یک اکوسیستم آبی در کردستان پدیده‌ای بسیار زیبا و نادر می‌باشد. زریبار با قرار گرفتن در یک دره طولی نسبتاً وسیعی از دو طرف غرب و شرق با کوه‌های پوشیده از جنگل احاطه شده‌است. پوشش غالب اراضی در این منطقه را جنگل و بیشه زارهای نیمه انبوه تشکیل می‌دهند که گونه غالب جنگلی آن بلوط ایرانی بوده و در حالیکه سایر گونه‌های جنگلی دیگر مانند گلابی وحشی، زالزالک، بادام در شیب‌ها و نقاط مختلف آن خودنمایی می‌کند. از پوشش‌های گیاهی دریاچه می‌توان به گیاهان شناور چون سراتوفیلیوم، سریوفیلیوم و گونه‌هایی از گیاهان خاردار و از گیاهان حاشیه‌ای می‌توان به گونه‌های نی، هزارنی، بارهنگ آبی، نیلوفر آبی، علف هفت‌بند، پیچک‌ها، لویی و بزواش، جگن و نعناع اشاره کرد. گونه‌های بومی: سیاه ماهی خالدار، سیاه ماهی معمولی، عروس ماهی، ماهی گامبوزیا (در حال حاضر این‌گونه‌ها در دریاچه یافت نمی‌شوند (گونه‌های غیربومی: ماهی آمور سفید، کپور آیینه‌ای، کپور معمولی، کپور سرگنده و فیتوفاک اشاره کرد .ضمناً یک گونه مارماهی، ۵ گونه فیتوپلانکتون و ۱۷ گونه زئوپلانکتون شناسایی شده‌است .در خصوص گونه‌های وارداتی اخیر توسط سازمان شیلات و آبزیان می‌توان به گونه ماهی Gambosia siaaffinhsاز خانواده poecilidae و یک گونه میگوی غول پیکر آب شیرین اشاره کرد. در حال حاضر بیش از ۳۱ گونه پرنده بومی و مهاجر زندگی می‌کنند که از این تعداد تقریباً ۱۴ گونه بومی و مابقی انواع پرندگان مهاجرند .اردک سرحنایی و سرسبز(Anos platyrhynchos) ، اگرتها، بوتیمار بزرگ و کوچک، انواع چنگر، پرستوهای دریایی، کشیم بزرگ (Podiceps cristafus) و کشیم کوچک(Tachybaptus ruficolis) ، کاکائیها، حواصیل خاکستری، خوتکا، گیلار، و پرندگان شکاری همچون سنقر تالابی و دلیچه از گونه‌های با اهمیت و ارزشمند این تالاب به‌شمار می‌آیند درباره این دریاچه افسانه های زیادر بر سر زبانها است حتی به آن دریاچه دادخواه لقب داده‌اند حتی می گویند گنج عظیمی را در خود نگهداری می کند.همچنین روستای دره تفی یا لک لک ها نزدیک دریاچه زریوار، ۱۵ کیلومتری غرب مریوان قرار گرفته اهالی روستای دره تفی لانه‌های دست‌ساز با میله‌های فلزی و آشیانه‌های محکم، برای لک لک ها ساخته اند .پرندگانی که در فرهنگ این منطقه بسیار باارزش هستند. دیدن تعداد زیاد آنها و هم زیستیشان با انسان شما را ساعتها سرگرم می کند.پیشنهاد می‌کنیم برای سفر به این تالاب، این دو فصل را در اولویت قرار دهید. دریاچه زریوار در فصل زمستان نیز جلوه و زیبایی منحصر به فردی دارد و اگر خوش شانس باشید با سطح یخ زده دریاچه روبه‌رو خواهید شد و از قدم زدن روی آن لذت خواهید. درصورتی که گذرتان به اینجا افتاد از ماهی کبابهای آنجا غافل نشوید و حتماً از بازارچه های محلی با قیمت مناسب خرید کنید.

۹۰- خلیج گواتر





راههای دسترسی: به وسیله هواپیما یا قطار خود را به چابهار رسانده و با وسیله شخصی یا عمومی مسیر حدود ۱۰۰ کیلومتر را به سمت شرق بروید تا در نهایت به آخرین نقطه ایران و ایستگاه مرزبانی برسید.

خلیج گواتر در منتهی‌الیه جنوب شرقی ایران در محدوده شهرستان دشتیاریاستان سیستان و بلوچستان و منتهی‌الیه جنوب غربی پاکستان جای گرفته‌است.اینجا خلیج نسبتاً کوچکی در طول ساحل مکران در دریای عمان است. ۶۰/۴ درصد از آن متعلق به کشور پاکستان و ۳۰/۴ درصد وسعت آن در ایران قرار دارد .در امتداد ساحل مکران، خلیج گواتر در میان خلیج غربی گوادر(در سوی خاور) و خلیج چابهار در سوی باختر قرار گرفته‌است .خلیج گواتر یکی از زیباترین مناطق و دورترین نقطه جنوب‌شرقی ایران است این خلیج کوچک و زیبا مرز بین ایران و پاکستان است ، محلی ها اغلب اجازه ورود به پاکستان را دارند. از زیبایی های های این خلیج می توان به وجود جنگل حرا، تماشای شنای دلفینها و پرندگان مهاجر و شترهای آزاد کنار ساحل اشاره کرد... وسعت جنگلهای حرا اینجا حدود ۳۳ هکتار است. بندر گواتر به انتهای جاده‌های ایران معروف و منطقه‌ای در جنوب شرق ایران، هم‌مرز با پاکستان و جز استان سیستان و بلوچستان است. گواتر از مراکز اصلی پرورش و صادرات میگو بوده که در این سال‌ها کمی از رونق افتاده، اما همچنان وجود دارد. روستای گواتر حدود ۱۶۰ هزار نفر جمعیت دارد و بیشتر مردم این منطقه به ماهی‌گیری و حصیربافی مشغول هستند. روستا با توجه به مرزی بودن منطقه از امکانات اقامتی خاصی برخوردار نیست، پس بهتر است هنگام روز از این منطقه بازدید کنید و شب به چابهار برگردید،خلیج گواتر هر ساله در اوایل پاییز پذیرای تعداد بی‌شماری از پرندگان مهاجر است. حدود ۴۰ نوع از گونه‌های مختلف پرنده‌ها در قالب دسته‌های ۱۰۰ تایی وارد این منطقه می‌شوند. در گواتر عابر بانک و کارت‌خوان وجود ندارد و پیدا کردن پول نقد هم سخت است، پس با پول نقد کافی به سمت گواتر حرکت کنید. از غذاهای خوشمزه آنجا به ویژه کرائی و بریانی هم غافل نشوید. مردان و زنان گواتر بلوچ هستند، ولی ارتباط خویشی و نزدیکی با همسایگان خود در گوادر (نام پاکستانی گواتر) پاکستان دارند و رفت و آمد و حتی ازدواج بین آن‌ها بسیار مرسوم است. زبان بلوچی مردم این منطقه با سایر نقاط قسمت بلوچستان ایران متفاوت است و به زبان بلوچی رایج در پاکستان نزدیک‌تر است، هرچند تعدادی زیادی از مردم این منطقه به زبان فارسی هم تسلط دارند. با توجه به نزدیکی به آب‌های اقیانوس هند که سومین اقیانوس بزرگ روی کره‌زمین است، باعث شده تا گواتر دریایی کاملا متفاوت نسبت به خلیج‌فارس و دریایی خزر داشته باشد که در نوع خود بسیار جالب و منحصر به فرد است. یک نکته خاص درباره گواتر این است که اگر از آن به سمت قطب جنوب حرکت کنید، با هیچ خشکی برخورد نمی‌کنید و بدون واسطه به قطب جنوب متصل است و طبق قانون ،هر کشوری که بدون واسطه به قطب جنوب وصل شود میتواند پایگاهی در قطب جنوب داشته باشد اما این حق فعلا برای کشورمان محقق نشده است. به جز گونه‌های گیاهی و جانوری ویژه اقیانوس‌ها. چیزی که سواحل این منطقه را از دیگر سواحل ایران متمایز می‌کند، صخره‌ها و موج‌شکن‌های طبیعی آن است که بر اثر برخورد موج دریا با این صخره‌ها امواجی به ارتفاع ۵ متر تشکیل می‌شود .در ماه‌های تیر و مرداد و به دلیل وزش بادهای موسمی ارتفاع امواج به ۱۵ متر هم می‌رسد که به تازگی این منطقه را تبدیل به مکانی مطلوب برای ورزش موج‌سواری کرده و حتی توانسته است نظر گردشگرانی را از خارج از کشور به سمت خود جلب کند. همچنین بر اثر برخورد موج‌های مرتفع با سوراخ‌های موجود در صخره‌های ساحلی، فواره‌های زیبایی را به وجود می‌آید که به آن موج‌فشان می‌گویند. از مهم‌ترین جاذبه‌های چابهار و اطراف آن می‌توان به دریاچه صورتی لیپار، بندر بریس، کوه‌های مریخی (مینیاتوری)و روستای درک زرآباد با ۴ ساحل: مرجانی، صخره ای، شنی، و ماسه ای. اشاره کرد. تقریبا در تمامی طول جاده و وقتی از سمت چابهار به سمت گواتر می‌روید، سمت راست شما پر از کوه‌های خاص و متفاوت است که بیشتر رنگ خاکستری دارند. این کوه‌ها با نام مریخی یا مینیاتوری شناخته شده اند. البته این کوه‌ها به شدت فرسایش‌پذیر هستند و اگر به آن‌ها دست بزنید، تبدیل به خاک نرم می‌شوند؛ برای همین بالا رفتن از آن‌ها اصلا توصیه نمی‌شود. در فاصله تقریبا ده کیلومتری چابهار به سمت گواتر به منطقه‌ای به نام ،رمین می‌رسید. روستای واقع در دهستان «کمبل سلیمان» بخش مرکزی چابهار که دیدن اسکله آرام و موج‌شکن‌های پر از صدف آن خالی از لطف نیست. البته دلیل شهرت این منطقه به‌خاطر انجیر معابد آن است که ساختار آن با هر درخت دیگری متفاوت است و ریشه‌های آن به جای فرو رفتن در زمین به سمت آسمان رشد می‌کنند که ظاهری جالب توجه دارند. بعد از دیدن تابلوی ۵۵ کیلومتر مانده به گواتر اگر به سمت راست جاده (دریا نیز در سمت راست جاده قرار دارد) نگاه کنید، متوجه مسیر کوچک خاکی می‌شوید که به دریاچه صورتی رنگ معروف به لیپار می‌رسد، البته فاصله دریاچه تا جاده زیاد نیست و می‌توانید بعد از پارک کردن ماشین‌ها کنار جاده، مسیر حدودا پنج دقیقه‌ای را پیاده طی کنید. همچنین ساحل دریایی کنار دریاچه نیز یکی از بهترین ساحل‌های این مسیر برای شنا و ورزش‌های آبی است .البته به علت غلظت آب، امکان انجام ورزش‌های زیر آبی مانند اسنورکلینگ و غواصی وجود ندارد. بندر بریس در ۵۵ کیلومتری شهر چابهار به سمت گواتر قرار دارد. یک بندر ماهیگیری کوچک که به خاطر منظره زیبا مورد توجه گردشگرها قرار گرفته است .زیباترین بخش این بندر یک صخره بلند در کنار ساحل است که به مکانی محبوب برای گرفتن عکس‌های یادگاری تبدیل شده است. وقتی به بندر پسابندر رسیدید، مطمئن باشید که فاصله‌ای تا انتهای جاده و خلیج گواتر باقی نمانده است .پسابندر منطقه‌ای در اوج سادگی و پر از لنج‌های رنگارنگ و پرنقش و نگار است که مردم محلی برای تجارت و صید به‌طور مداوم بین ایران و پاکستان در حال رفت و آمد هستند. پسابندر هم به خاطر وجود لنج‌های زیبا به مکانی جذاب برای گرفتن عکس یادگاری تبدیل شده است.بهترین فصل برای رفتن به بندر زیبای گواتر و این منطقه، فصل زمستان و فصل بهار (تا پایان اردیبهشت ماه است)

۹۱- سرو ابرکوه





راههای دسترسی: از یزد به سمت تفت می رود، بروید. پس از عبور از تفت، اسلامیه و دهشیر، به شهرستان ابرکوه در جنوب غربی یزد خواهید رسید که از آن جا می توانید با توجه به تابلوهای راهنما به کنار درخت بروید.

نماد سرو به عنوان یکی از نمادهای مهم در ایران باستان شناخته می شود. در نگاره ها و آثار باستانی مانند حجاری های دوره هخامنشی در تخت جمشید، نماد درخت و به طور خاص، سرو آورده شده است در پارچه بافی های ایران گونه ای گیاه، درخت و در واقع همان سرو خمیده که بعدها در فرهنگ ایرانی بته جقه نامیده شده، دیده می شود.ا ین درخت کهنسال که تاریخ بشر به آن مباهات میکند، از قبل از اسلام به یادگار باقی مانده و با سن زیادی که دارد با شادابی قابل قبولی در حاشیه شهر ابرکوه استقرار یافته است ..این درخت که در شهر ابرکوه (ابرقو) قرار دارد یکی از پیرترین موجودات زنده دنیا است. سَرْو اَبَرکوه یکی از آثار طبیعی ملی ایران است. برخی از افسانه‌ها، کاشتن آن را به زرتشت نسبت می‌دهند و برخی نیز به (یافث)پسر نوح.سرو باشکوه ابرکوه از گونه سرو شیراز و از سروهای مدیترانه این درخت با نام علمی **cuppresus sempervirens** ای با ارتفاع ۲۵ متر می باشد. قطر تنه آن ۵/۴ متر بوده و محیط تنه این درخت در روی زمین ۱۱/۵ است تاج درخت چیزی حدود ۱۴ متر است و تنه آن حدودا ۴ متر یا بیشتر قطر دارد .شاخه های سرو ابرکوه قطر ۱/۸۵ متری دارند که دور درخت را بسیار با شکوه احاطه کرده اند .بسیاری از دانشمندان و کارشناسان داخلی و خارجی از این درخت بعنوان یکی از کهنسال ترین درختان جهان یاد می کنند. الکساندر روف -دانشمند- عمر درخت را ۴۰۰۰ تا ۴۵۰۰ سال برآورد کرده بود ولی پس از آن دانشمندان بازدید کننده روسی از ژاپن و روسیه عمر درخت را تا ۷ هزار سال تخمین زده اند .این درخت دارای ارزش علمی، قدمت و زیبایی خارق العاده ای بوده و نیز بعنوان میراث طبیعی ایران بعد از قله دماوند به ثبت رسیده است و هرساله بازدیدکنندگان فراوانی از داخل و خارج کشور را به خود جذب می نماید.با توجه به ارزشهای قابل توجه درخت و به منظور صیانت از این گنجینه ژنی ارزشمند برابر با مصوبه مورخ ۲۷/۱۲/۱۳۸۲ شورایعالی حفاظت محیط زیست سرو ابرکوه بعنوان اثر طبیعی ملی در زمره مناطق چهارگانه محیط زیست قرار گرفت .تا قبل از این مصوبه حفاظت و مدیریت سرو به عهده شهرداری ابرکوه بود و پس از آن مدیریت بر عهده محیط زیست قرار گرفت که بر اساس تصمیمات کمیته راهبری درخت متشکل از " نمایندگان استانداری، حفظ نباتات جهاد کشاورزی، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه یزد، اداره کل منابع طبیعی، مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان، اداره کل " مدیریت درخت انجام می میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، فرمانداری و شهرداری ابرکوه شود. از مهمترین اقدامات انجام شده توسط این اداره کل با همکاری برخی از ارگانها نظیر شهرداری و فرمانداری ابرکوه و استانداری یزد می توان به موارد ذیل اشاره نمود:۱- حصارکشی و ساماندهی فضای پیرامون اثر طبیعی ملی سرو ابرکوه۲- به کارگیری روشهای مبارزه بیولوژیک به منظور دفع و جلوگیری از آسیب آفات به درخت۳- پیگیری از متخصصین ذیربط در کشور و خارج از کشور به منظور ترمیم تنه درخت۴- نصب صاعقه گیر با وجود حصار کشی و حضور نگهبان در اطراف درخت، باز هم عده‌ای از مردم از غفلت نگهبان و بازبودن حصار سوءاستفاده کرده و اقدامات تخریبی همچون یادگاری‌نویسی بالارفتن از این درخت کهنسال که از قدیمی‌ترین موجودات زنده ایران و جهان است را صورت می‌دهند. این درخت کهن ترین میراث زنده ایران است که حفاظت از آن بسیار مهم می باشد. این سرو در یک فضای باز قرار گرفته است که از چندی پیش حصاری دور آن کشیده شده که علاوه بر تاکید بر اهمیت آن باعث شود که از آن به خوبی حفاظت شود .البته بعضی اعتقاد دارند که بیشتر شناخته شدن این سرو به ضرر آن تمام می شود. وجود خیابان‌هایی که به آن منتهی می شوند باعث آلوده شدن آن شده و شاید حجم گردشگران و وسایل نقلیه‌ای که از کنار آن عبور می کنند، بر ریشه های این درخت کهن سال که در زیر زمین رشد کرده اند تاثیر منفی و مخربی بگذراد. البته سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان یزد اقداماتی را نظیر کشتن آفت های موجود آن انجام داده تا سرو ابرکوه بتواند همانطور که از هزاران سال پیش زندگی کرده، به حیات خود ادامه دهد. این درخت را پس از درخت مسوسلاه (صنوبری در کوه های سلسله جبال سفید) در کالیفرنیا دومین درخت قدیمی دنیا می باشد. سرو ابرکوه شانزدهم تیرماه ۱۳۸۶ به شماره ۳ و به عنوان سومین اثر طبیعی ایران در فهرست آثار ملی ثبت شد و همچنین به عنوان یک اثر طبیعی در سال ۱۳۸۲ در شورای عالی حفاظت محیط زیست ثبت شد. در این منطقه دیدنی های تاریخی متفاوتی وجود دارند. از جاذبه هایی که می توان در این شهرستان نام برد، گنبد عالی، مسجد جامع ابرکوه، گنبدخانه، یخچال خشتی، خانه صولت و آرامگاه عزیز الدین نسفی هستند. یکی از آثاری که در اینجا وجود دارد و در بهمن ۱۳۷۵ در آثار ملی کشور به ثبت رسید، خانه آقازاده و بادگیر آن است. در پشت اسکناس‌های ۲۰ هزار ریالی می‌توانید عکس این خانه و بادگیر معروف آن را مشاهده کنید. این بادگیر ۱۸ متر ارتفاع دارد که یکی از بهتری نمونه های بادگیرهای یزد به حساب می آید. نکته قابل توجه این است که بر خلاف بسیاری از بادگیرهای دیگر، بادگیر خانه آقازاده دو طبقه است. گنبد عالی ابرکوه نیز یکی از نمونه های خوب معماری زمان سلجوقی در یزد و ایران می باشد. این ساختمان از سنگ و ساروج ساخته شده و در آن سنگ نوشته هایی به خط کوفی دیده می شوند. گنبدعالی ابرکوه در در سال ۱۳۱۲ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. بهترین زمان برای دیدن این درخت بهار و پائیز است.

۹۲- تشکوه(گنبد لران)





راههای دسترسی: ابتدا به اهواز رفته سپس با طی ۱۰۰ کیلومتر به رامهرمز بروید..این کوه در امتداد روستای ماماتین در جاده رامهرمز به سمت رود زرد و در مسیر خدیجه و ماماتین بعد از روستای گنبد لران و در فاصله تقریبی ۶ کیلومتری جنوب شرق ماماتین در کنار جاده آسفالته رامهرمز–روستای ابوالفارس قراردارد. این جاذبه گردشگری هیچ تابلوئی ندارد.

«تش» در زبان محلی به معنای آتش است و به دلیل همین شعله‌های کوچک و بزرگ آن را تشکوه نامیده‌اند. روشنی آتش این کوه در تاریکی شب جلوه زیبایی به منطقه می دهد. این کوه سوزان و آتشین از گذشته‌های دور تا به امروز در حال سوختن است و گردشگران بسیاری را به خصوص هنگام شب به سوی خود جلب می‌کند. این تپه‌ها که صدها شعله رنگی آتش را در خود جای داده، چشم هر بیننده‌ای را به خود خیره می‌کند. به گفته‌ی کارشناسان زمین‌شناسی دلیل شعله‌ور شدن آتش کوه، گوگرد موجود در زمین و متصاعد شدن گاز طبیعی از عمق زمین به سطح است. گازهای هیدروکربوری از لایه‌های مختلف زمین عبور می‌کنند و از هر درز و شکافی در سطح زمین به بیرون نشت کرده و شعله‌ور می‌شوند؛ به طوری که هنگام شب، نور سوختن این گاز بیشتر دیده می‌شود. چشمه های گازی گنبد لران این نگین سرخ فام انگشتری سبز دشت ودمن منطقه ماماتین یکی از جاذبه های گردشگری زمین شناسی کم نظیر مناطق نفت خیز جنوب ایران به حساب می آید. اگر در گوشه و کنار تشکوه گودالی کوچک حفر کنید، می‌بینید که بلافاصله گاز طبیعی از گودال بیرون می‌آید و بعد از آن، به چشم خودتان می‌بینید که چطور از همان گودال کوچک خودتان شعله زبانه می‌کشد! همچنین جالب است بدانید که در این منطقه، هیچوقت موفق نخواهید شد کبریت و یا فندکی را روشن کنید. مگر اینکه گازی که متصاعد می شود تمام شود. زیرا گازهایی که متصاعد می شوند ترکیب هوای اطراف را بهم زده و زور اکسیژن موجود به این گاز نمی رسد و بنابراین به هیچ وجه آتش دیگری در این منطقه روشن نخواهد شد.میدان نفتی ماماتین اولین منطقه خوزستان است که بعلت تراوشات متعدد سطحی مورد توجه کاوشگران اولیه نفت واقع شده است. این میدان در ۱۰ کیلومتری شمال خاوری شهرستان رامهرمز و ۱۰۰ کیلومتری شمال خاوری اهواز در بین و در امتداد محوری میدان های نفتی هفتکل و پارسی قرار دارد. به دلیل وجود همین چشمه های نفتی، ژرژبرنارد رینولدز (نماینده دارسی و فرمانده عملیات حفاری درایران) پس از ناکامی در غرب ایران (منطقه چیا سرخ) متوجه مناطق جنوب غربی ایران شد و در ماه سپتامبر۱۹۰۷ میلادی دو حلقه چاه در منطقه ماماتین حفر نمود. کوهی را در نظر بگیرید که عین اجاق خوراک پزی از هر جایش شعله‌ای روشن است و به هر سو زبانه می‌کشد!آتش های جاودان محل نشت گازهای طبیعی هستند که به طریقی آتش گرفته اند و مدتها سوخته اند و در حال حاضر آثار و بقایای سوختگی در سنگهای مجاور محل نشت دیده می شود. در کیش ایرانیان باستان اینگونه آتش ها مقدس بوده و آنرا به زبان پهلوی اخورایشنیک می نامیده اند. به زبان زرتشتی زوهیات به معنی آتش جاویدان جهنم خوانده شده است که محل نشت گاز به سطح زمین و به عبارتی قبلا آتش جاودان بوده است. چشمه های گازی گنبد لران نیز یکی از این آتش های جاودان می باشد که از گذشته دور تاکنون، درحال سوختن می باشد. این اثر دائمی و همیشگی از یک سو به دلیل شعله های مشتعل و ازسوی دیگر به دلیل آنکه آثار و شواهد هیدروکربوری در سطح زمین را نشان می دهد، یک اثر ژئوتوریسمی ارزشمند و گرانبها در ایالت زمین شناسی و زمین ساختی زاگرس به حساب می آید که نه تنها برای زمین شناسان بلکه برای همه علاقمندان به طبیعت جذاب و دیدنی می باشد. در زیر، این جاذبه زمین شناسی که از دیدگاه تازه ژئو توریسمی (گردشگری زمین شناسی) دارای اهمیت ویژه ای می باشد، معرفی می گردد. در این محل شعله های رنگین آتش سوزان و فروزان همچون سیلی خروشان از دامنه های تپه های مارنی بیرون می زند. چندین تپه که در آغوش هم خفته اند در آتشی سرخ و سوزان می سوزند. رنگ ویژه تپه ها، آنها را از مناظر اطراف مجزا کرده ,اطراف هاله آتش، سوخته و دود زده است. سازندهای تشکیل دهنده تپه ها)سازند تبخیری گچساران و سازند مارنی میشان) در اطراف هاله سوخته و پخته شده اند به طوری که پای فرد به راحتی در آن فرو می رود. از کمرکش تپه ها تا اوج آنها زمین گرم و داغ بوده و در بخش های خاموش شده (گچ ترش غیر فعال (آثار و شواهد بلورهای گوگرد به چشم می خورد. تغییر و تبدیل تدریجی فرایند گچ ترش فعال به گچ ترش غیر فعال به طور کامل مشخص می باشد.

غیر از تشکوه در نزدیکی شهر صنعتی امیدیه و منطقه آغاجاری هم کوهی وجود دارد که مردم محلی آن را کوه سوخته می‌نامند. از لابه‌لای خاک و سنگ‌های کوه سوخته زبانه‌های آتش بیرون می‌آید و دود سیاهی روانه آسمان می‌شود .تیرگی این دود باعث می‌شود تا فضای اطراف چشمه‌های آتش این کوه نیز سیاه رنگ به نظر برسد. کوه سوخته کوچک‌تر از تشکوه است و رنگ سیاهش آن را از سلسله جبال اطراف مجزا کرده است. در قله کوه در اثر زمین لغزش یا رانش زمین شکاف عمیقی وجود دارد که دهانه اصلی خروج گاز بوده و آتش از درون آن شعله‌ور است. این جاذبه طبیعی در لیست میراث ملی ایران ثبت شده است.بهترین فصل برای بازدید از این جاذبه طبیعی منحصر به فرد، فصل پاییز است.

بخش هفتم

غارهای

دیدنی ایران

۹۳- غار علی صدر





راههای دسترسی: در روستایی به همین نام واقع در ۷۵ کیلومتری شهر همدان قرار دارد و برای دسترسی به این غار به طور کلی سه مسیر مجزا وجود دارد که عبارتند از: مسیر اول : همدان، لارجین، بیجار، غار علیصدر مسیر دوم : همدان، شهر کبودرآهنگ، سه راهی نوژه، روستای علیصدر، غار علیصدر مسیر سوم : همدان، صالح آباد، غار علیصدر

غار علی‌صدر شناخته‌شده‌ترین جاذبه گردشگری استان همدان یکی از غارهای تالابی ایران و از معدود غارهای آبی جهان است. علیصدر همچنین دارای طولانی‌ترین مسیر قایقرانی درون غار در جهان است. این غار در ارتفاعات ساری قیه نزدیک روستای علی‌صدر شهرستان کبودراهنگ در استان همدان واقع شده‌است. ارتفاع غار از سطح دریا ۲۱۰۰ متر است. محوطه غار دالان‌های پیچ در پیچ و دهلیزهای متعددی دارد. غار به طول ۱۱ کیلومتر می‌باشد که به علت صعب العبور بودن مسیر ۳ کیلومتر آن کشف شده‌است .زمین شناسان قدمت سنگ‌های این غار را به دوره ژوراسیک از دوران دوم زمین‌شناسی (۱۹۰–۱۳۶ میلیون سال قبل) نسبت می‌دهند .از مجموعه رشته آبها، دریاچه بزرگی در درون غار به وجود آمده و از این رو نفوذ به ژرفای غار تنها با قایق میسر است. غار علیصدر بیست و سومین اثر طبیعی ملی است که توسط سازمان میراث فرهنگی در ۱۵ دی ۱۳۸۷ در فهرست میراث طبیعی ایران قرار گرفت. مردم روستای علی صدر و روستاهای اطراف، از قدیم‌الایام به وجود این غار پی برده بودند و از آب آن بهره‌برداری می‌کردند. علاوه بر این، در صد سال گذشته، اهالی ده با هدایت مازاد آب نهر سراب به غار علیصدر، از آن به عنوان مخزن و سدی برای استفاده در فصل گرما بهره می‌برده‌اند و همین موضوع باعث شده بود تا سطح آب در قسمت شرقی غار تا ارتفاع۲/۲۰ متر یعنی تا نزدیکی دهانه ورودی غار بالا بیاید و امکان دسترسی به غار را تا سال‌ها غیرممکن کند؛ تا اینکه با وقوع زلزله مخرب فارسینج در ۲۲ آذرماه ۱۳۳۶، و ایجاد شکاف در کف غار سراب، آب نهر سراب به یکباره قطع شد و طی ۶ سال یعنی حدود سال ۱۳۴۲ سطح آب غار علیصدر به ارتفاع طبیعی خود رسید و ورود به غار میسر گشت و به تدریج پای کوهنوردان به درون غار باز شد. اولین کاوش حرفه‌ای و برنامه‌ریزی شده به غار علیصدر در ۵ مهرماه ۱۳۴۲ شمسی توسط گروهی ۱۴ نفره از اعضای هیئت کوهنوردی همدان انجام شد که توانستند با کسب اطلاعات قبلی و همراه بردن تجهیزات لازم برای حرکت روی آب، با عبور از دریاچه، از شعبات و تالارهای مختلف آن بازدید کنند و زیبایی و عظمت داخل آن را ببینند و اولین اطلاعات را از وسعت و ژرفای دریاچه و طول و عرض و عمق و ارتفاع غار بدست آورند. علی‌رغم انتشار خبر این بازدید و بازدیدهای متعاقب، تا سال ۱۳۵۲ دهانه غار تنگ و در حدود ۵۰ سانتیمتر بود و دسترسی به داخل غار تنها توسط کوهنوردان حرفه‌ای ممکن بود؛ تا اینکه عبدالله حاجیلو که از سال ۱۳۴۱ ریاست هیئت کوهنوردی همدان را بر عهده داشت و از جلب توجه مقامات برای توسعه غار مأیوس شده بود، شخصاً دست به کار شد و با مقبولیتی که در شهر و استان داشت با کمک مردم محلی و استفاده از بازوی هیئت کوهنوردی و انجمن شهرستان و استان، سرانجام دهانه غار در اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ به عرض ۵ متر و ارتفاع ۳ متر باز شد. در سال بعد، با بتون‌ریزی قسمتی از کف غار، مسیر خشکی نیز برای راهپیمایی در غار ایجاد شد و سپس با تجهیز غار به چند قایق و نیز تأمین روشنایی داخل آن، در تاریخ ۴ خردادماه ۱۳۵۵، غار علیصدر به بهره‌برداری رسید و بلیطهای چاپ شده برای بازدید گردشگران تحویل اداره تربیت بدنی همدان گردید. موفقیت عبدالله حاجیلو در توسعه و معرفی غار تا بحدی بود که شاه را نیز برای بازدید از غار در ۵ مهرماه ۱۳۵۵ ترغیب کرد که طی آن مقرر شد علاوه بر ارتباط برق سراسری به علیصدر و روستاهای اطراف و آسفالت راه‌های دسترسی به غار، نسبت به ایجاد مهمانسرای جهانگردی در ده علیصدر اقدام شود. اهالی روستا از این غار به عنوان مخزن و «سد» استفاده می‌کرده‌اند. از طرف دیگر، در بنچاقها و اسناد روستا، نام ده «علی سد»، ولی در شناسنامه‌های اهالی، «علی سرد» ذکر شده .در زمان احداث جاده برای روستا در سال ۱۳۵۰، پیمانکار مجری در تابلوی راهنمای پروژه نام جاده را «علیصدر» نوشت و از آن زمان به بعد، این نام برای روستا و غار مصطلح شد. غار علیصدر از بزرگترین غارهای آبی جهان است که از طولانی‌ترین مسیر قایقرانی در داخل غار برخوردار است. از غارهای زنده دنیا به شمار می‌رود، یعنی ممکن است طی سال‌های آتی دستخوش تغییرات جدیدی شود. با اینکه این غار در زیر سطح زمین قرار دارد، اما فاقد هرگونه گاز سمی بوده و هیچ مشکلی برای نفس کشیدن افراد به وجود نخواهد آورد. آب دریاچه موجود در این غار سرشار از املاح معدنی است، بنابراین قابل آشامیدن نبوده و هیچ جانور زنده‌ای در آن زندگی نمی‌کند. بیشترین ارتفاع مشاهده شده از عمق آب تا سقف غار، چیزی در حدود ۵۵ متر است.ارتفاع آب در غار علیصدر در عمیق‌ترین نقطه به ۱۴متر می‌رسد غار علیصدر دارای دو مسیر خشک و آبی است در ابتدا که وارد غار می‌شوید، باید از پله‌های متعددی پایین رفته و در فضای داخلی غار قدم بزنید. زیبایی سنگ‌ها و فضای داخلی غار قطعا حیرت هر بیننده‌ای را برمی‌انگیزد و شما را در عمق افکارتان غرق می‌کند. پس از قدم زدن و عبور از مسیر خشکی، با پوشیدن جلیقه نجات و به همراه یک راهنما وارد قایق می‌شوید، تا به طور کامل از قسمت‌های آبی این غار دیدن کنید. فرد راهنما به طور کامل درباره بخش‌های مختلف غار و قدمت آن‌ها به شما توضیح داده و اسامی سنگ‌های مختلف موجود در قسمت سقف غار را به شما معرفی خواهد کرد. این غار سالانه یک ملیون بازدید کننده دارد. و حدود ۱/۵ تا ۲ ساعت بازدید از آن زمان می برد. از معروف‌ترین اشکالی که افراد به هنگام بازدید از غار علیصدر مشاهده خواهند کرد، می‌توان به پنجه اژدها، پنجه عقاب، میدان ستون‌ها، شیر غار، دروازه غار، تخت جمشید، میدان ستون‌ها و کلمه مقدس الله اشاره کرد. برای دیدن این جاذبه دیدنی در تمام طول سال می توانید بروید زیرا دمای داخل غار در تابستان خنک و در زمستان معتدل است.اما در زمستان ممکن است بخاطر بارش برف مسیر لغزنده باشد لذا پیشنهاد می شود نیمه اول سال از این غار زیبا بازدید داشته باشید.

۹۴- غار سهولان





دسترسی ها: این غار درجنوب استان آذربایجان غربی و روستای سهولان، حدود ۴۲ کیلومتری جنوب شرقی شهر مهاباد ، جاده برهان و روستای عیسی کند ، مابین شهرستان مهاباد و شهرستان بوکان قرار گرفته‌است. از سمت شهر بوکان، ۲۵ کیلومتر تا غارفاصله است.

سهولان در زبان کردی به معنی یخبندان است و مردم محلی، غار را «کونه کۆتر» یعنی لانه کبوتر نیز می‌نامند. دلیل این نامگذاری وجود تعداد زیادی لانه کبوتر درون غار است. این غار دومین غار آبی ایران است و تاریخ کشف غار مشخص نیست، به این دلیل که همیشه در حوالی آن، روستاها و مناطق مسکونی بوده و مردم همواره از آن به عنوان پناهگاه و محلی برای شکار استفاده کرده‌اند؛ ولی به طور رسمی ژاک دمورگان فرانسوی همراه اهالی روستای سهولان دست به ساختن کلک (قایق چوبی کوچک) زدند و از مسیر ابی دیدن کردن و یک کروکی از غار کشیدند که ۶۰درصد با واقعیت کنونی همخوانی دارد. تاکنون حدود ۲۵۰ متر از محدوده خشکی و ۳۰۰ متر از محدوده آبی این غار زیبا کشف شده‌است .این غار از چند حوضچه بزرگ که به وسیله دالانهای آبی به هم متصل شده‌اند تشکیل شده است، عمق این حوضچه و دریاچه های کوچک به حدود ۲۲ تا ۶۰ متر می‌رسد. ارتفاع سقف غار از کف دریاچه در حدود ۵۰ الی ۶۰متر است. دمای درونی غار نیز در مقایسه با دمای بیرن از غار نزدیک به ۱۵ درجه خنک تر و بین ۵ تا ۱۰ درجه سانتیگراد است. بر اساس نوشته‌های یک هیئت غارنورد از دانشگاه آکسفورد که در سال ۱۳۵۰ ه. ش از آن دیدن کرده بودند، غار سهولان را به عنوان یکی عجیب‌ترین غارهای آبی جهان به شمار آوردند. در سال ۱۳۷۰ گروهی برای شناسایی و انجام کارهای نخستین از غار دیدن کرده و سرانجام در سال ۱۳۷۶ به بازگشایی مسیرهای ورودی پرداخته‌اند که در سال ۱۳۷۹ توسط شهرداری مهاباد مورد استفاده موقت قرار گرفت، غار سهولان در زمره یکی از بزرگترین غارهای آبی ایران قرار دارد و قایق‌سواری در دریاچه آن یکی از جذاب‌ترین جاذبه‌های این غار است. در انتهای مسیر قایق سواری به صخره ها و دیواره هایی می رسید که ادامه راه را برایتان غیرممکن می کنند همین لحظه است که باید راه برگشت را در پیش بگیرید. به گفته غارنوردان از اینجای مسیر را فقط غواصان می توانند بروند. آب این دریاچه‌ها از سفره‌های زیرزمینی و جوشش چشمه‌ها تأمین می‌شود .غار سهولان دارای دو ورودی است که یکی ورودی با ۱۷۸ پله و دیگری خروجی با ۱۰۷ پله است و درختان روی آن سایه انداخته‌اند .در بدو ورود به غار نیز در حدود ۱۰۰ پله تعبیه شده‌است تا کار ورود به داخل غار را آسان‌تر کنداما مراقب باشید در هنگام راه رفتن لیز نخورید. این غار تا اندازه ای شبیه به غار علیصدر همدان است با این تفاوت که قسمت کشف شده آن در حال حاضر چندان طولانی نبوده و قندیل‌های بسیار زیبا و فراوان موجود در غار علیصدر را به صورت موردی می‌توان در این غار مشاهده کرد، در این غار قندیل های آهکی زیبائی می توانید ببینید. رسوبات داخل غار اشکال گوناگونی دارد: پای فیل، عروس دریایی، خفاش و... که به همراه نورپردازی قندیل‌های زیبای غار آنرا بسیار دیدنی کرده است. کبوتران چاهی و خفاش‌ها تنها ساکنان این غار هستند که در کمال آرامش، روی تخم‌های خود خوابیده و یا در حال استراحت هستند، خفاش‌ها به خاطر اندک نوری که از چراغ‌های داخل غار به اطراف پراکنده می‌شود به قسمت‌های تاریک پناه برده‌اند صدای جیغ های مهیبی که شب ها از آن شنیده می شود، جیغ هایی که صدای ساکنان همیشگی این غار یعنی خفاش هاست. برخی از کبوتران لانه‌های خود را چنان در نزدیکی محل تردد قایق‌ها می‌سازند که گردشگران می‌توانند، تخم‌ها و یا جوجه‌های آنان را لمس کنند. به دلیل تاریک بودن و نبود نور هیچ نوع جلبکی در آب دریاچه این غار رشد نکرده و به غیر از جانداران میکروسکوپی هیچ موجوی دیگری زیست نمی‌کند. آب دریاچه غار بسیار شفاف و زلال است. بزرگترین تالار ابعادی در حدود۵۸*۴۲ متر دارد. حداکثر رطوبت غار خدود ۷۵٪ می باشد. و در اثر رطوبت بالا روی سنگ‌ها و صخره‌ها با خزه‌های سبز و قهوه‌ای پوشیده شده و گاهی قطرات آب از بالای ایوان‌ها به روی سطح آب می‌چکد. حدوداً دوهکتار از مساحت این غار کشف شده است. ساختار زمین‌شناسی غار آبی-خاکی-سنگ آهک بوده و دیرینگی آثار بدست آمده از غار حدود هزاره دوم قبل از میلاد می باشد. در حال حاضر می‌توان با اتومبیل تا نزدیکی غار رفت و گردشگران تنها مسیر کوتاهی را مجبور به پیاده روی هستند، بر سر راه غار، منطقه ای وجود دارد که تابلویی با عنوان "جاذبه معکوس" در کنار جاده دیده می‌شود، ظاهراً در این منطقه با وجود سرازیری جاده بر اثر کشش کوه، سرعت و شتاب اتومبیل کاهش می‌یابد. از نظر فاصله این غار به بوکان نزدیکتر است اما جزء دیدنیهای مهاباد در نظر گرفته شده است. در همه فصل‌ها می‌توانید به دیدن غار سهولان بروید. ولی آذربایجان غربی استان سردی است و حتما در طی ماه‌های سرد سال جاده‌ها برفی هستند. ضمن این‌که هوای درون غار ۱۰ تا ۱۵ درجه از بیرون سردتر است. پس پیشنهاد می شود در بهار و تابستان به آنجا سفر کنید.

۹۵- غار کرفتو





راههای دسترسی: دسترسی به غار کرفتو از چند طریق امکان پذیر است. ۱- از طریق استان کردستان: از سنندج تا شهر دیواندره ۹۵ کیلومتر فاصله است .از دیواندره به سمت سقز حرکت کنید. پس از طی ۳۷ کیلومتر، یک سه راهی در سمت راست وجود دارد که به سه راهی تکاب معروف است. تابلو غار کرفتو در ابتدای سه راهی نصب شده .از سه راهی تکاب تا غار دقیقا ۳۳ کیلومتر فاصله است. در این مسیر دو، سه راهی وجود دارد که در هر دو لازم است به سمت چپ بپیچید هر چند تابلوی راهنمایی به سمت غار وجود دارد.۲- ازتهران به زنجان سپس بیجارو دیواندره بروید (جمعا از تهران تا دیواندره ۵۲۰ کیلومتر و تا غار کرفتو ۵۹۰ کیلومتر است. از مسیر شهر دیواندره و سه راهی تکاب گوربابا علی، ۳- سقز و از مسیر روستای صاحب به میرسعید و ۴- از راه تکاب و جاده روستای علی آباد.

اینجا بزرگترین غار باستانی و بزرگترین غار دستکند ایران با ارتفاعی حدود ۲۵ متر از سطح زمین است.غار کرفتو در امتداد یک رشته کوه آهکی در شمال دره ای عمیق قرار گرفته است و شامل آثار متعددی از پناگاه ها و دخمه ها و حفره هایی است که همگی در کنار غار اصلی قرار گرفته اند. موقعیت ویژه ی جغرافیایی این غار موجب شده است که از این غار به عنوان یک دژ دفاعی و سکونتگاه در روزگار باستان استفاده شود و اگر این خصوصیات نبود، هرگز این غار ایجاد نمی شد. کسانی که در این غار سکونت می کردند توانسته اند تا در آن امکاناتی مانند تعدادی اتاق، راهرو، پنجره، در و انبار نیز ایجاد کنند. جالب است تا بدانید که این امکانات همگی مشرف به دره و در اطراف دهانه ی طبیعی غار و همچنین در سه طبقه ی مرتبط به هم ساخته شده اند. در زیر دیواره ی غار کرفتوی کردستان، یک چشمه ی آب دائمی نیز وجود دارد. از این غار به عنوان دژی دفاعی و سکونتگاه افراد در دوران و روزگار باستان استفاده می شده است. تغییرات به وجود آمده در غار کرفتو در کردستان احتمالا مرتبط به دوره ی فرمانروایی مادها است، زیرا آن ها در منطقه ی استقرار خود با دولت های قدرتمند و مهاجم در بین النهرین که هر از گاهی به ساکنان زاگرس حمله می کرده اند و آن ها را غارت می کرده و به اسارت می گرفته اند، روبرو بوده اند و به همین خاطر ساختن مکانی همچون کرفتو برایشان واجب بوده است. در زمستان ها و هنگام سرما درون غار گرم و در تابستان به لحاظ کوران باد غار خنک است، دو چشمه ی آب در پایین غار وجود دارد که سالیان طولانی مردم از آن بهره مند شده اند. غار کرفتو در دوران مزوزوئیک زیر آب بوده و در اواخر همین دوره ارتفاعات کرفتو از آب بیرون آمده است. این غار آهکی است و در دوره های مختلف انسان در آن سکونت کرده و به همین دلیل تغییر حالت داده است. در داخل غار هنوز هم آب وجود دارد .وجود تصاویر و اشکال نقاشی شده داخل غار از جمله دیدنی های موجود در این اثر باستانی است که چشمان هر بیننده ای را به خود جلب می کند. غار کرفتو در کردستان از دو بخش مجزا تشکیل شده است که عبارتند از: بخش دست کنده و بخش طبیعت ساخته شده. دهانه ی این غار با عبور از دو نردبان فلزی ۷ متری و ۲ متر سنگ نوردی ساده به نخستین اتاق دست کنده باز می شود. تمامی اتاق ها دارای پنجره های مشرف به دره هستند و به هم راه دارند. در اتاق آخر که دو نبش است، یک حوض ساروجی کم عمق و یک آتشدان قرار دارد که محل انجام مراسم آیینی بوده است .از انتهای اتاق اول یک دالان دست ساز به عرض ۴ متر و ارتفاع ۲ متر و طول ۱۲ متر، طبقه ی اول را به تالار غار و به طبقه ی دوم متصل می نماید. طبقه ی دوم این غار بر روی شکافی ساخته شده است که دهانه ی طبیعی غار نیز هست که برای ساختن آن دیوارهای دو طرف را افقی و به طور منظم سوراخ کرده اند و سرتیرهای کف را داخل آنها قرار داده و اتاقی به مساحت ۱۲۰ متر مربع نیز ساخته اند. از طبقه ی دوم از طریق یک راهرو ۱۰ پله ای یکپارچه از بیرون و یک تنوره به طول ۳ متر از داخل نیز می توان به طبقه ی سوم غار کرفتو در کردستان راه پیدا کنیم. طبقه ی سوم غار شامل ۴ اتاق تو در تو و تقریبا به همان اندازه ی اتاق های طبقه اول است. در ساختن طبقه ی سوم این غار دقت و ظرافت بسیار زیادی به کار رفته است و تمامی اتاق ها دارای درهای سنگی یا چوبی هستند. ساکنان غار با کندن تنوره ای به شیب ۶۰ درجه و ساختن پله هایی که فاصله ی آنها یکسان نیست، توانسته اند به جریان آب چشمه در زیر غار دست پیدا کنند و محلی برای ذخیره ی دائمی و تأمین آن فراهم کنند تا بتوانند مدت های طولانی را بدون تحمل تشنگی هر محاصره ای را تحمل کنند. در این غار دالان هایی وجود دارد که عمق آب آن ها در اواخر پاییز حدود ۵۰ سانتی متر است و به دلیل آلودگی آن به فضولات خفاش ها، حالت اسیدی دارد و در تماس با پوست بدن سوزش ایجاد می کند. بر سر در یکی از اتاق های طبقه ی سوم این غار، کتیبه ای یونانی وجود دارد که آن آمده است :در ایـن جا هـراکـلـس سکـونـت دارد، باشـد که پـلـیـدی در آن راه نـیابـد !به همین علت غار کرفتو در کردستان را تالار هراکلس یا همان هرکول نیز می نامند. وجود همین کتیبه باعث شده است تا این غار را که دارای تاریخی عجیب است را آرامگاه گمشده ی هرکول، پهلوان ایرانی بنامند. آثار زیـســتی در غار کرفتو، دارای ۴ دوره ی مختلف سکونتی است: دوره ی پیش از تاریخ، دوره ی اشکانی، دوره ی ساسانی و دوره ی اسلامی که البته دوره ی سلوکی آن چندان مورد اطمینان هم نیست. همین امر باعث به وجود آمدن شک و شبهه هایی درباره ی کتیبه ی هرکول نیز شده است که ادعای صحت و یا عدم صحت آن را به آینده موکول می نماید. از پارکینگ تا طبقه اول غار ۲۲۰ پله وجود دارد. این مکان برای سالمندان ناتوان، بیماران با آرتروز پیشرفته زانو و بیماران با ناراحتی قلبی پیشرفته مناسب نیست. با توجه به مطالعات مقدماتی روی سفالینه های یافت شده از غار و محوطه های اطراف آن، معلوم شد در دوره های پارت و ساسانی و قرن های ۷ و ۸ هجری غار کرفتو در کردستان هنوز هم پذیرای افرد بوده است اما، هنوز هم اثبات نشده است که این کتیبه اشاره به هرکول، پهلوان افسانه ای یونیان دارد و یا یک هرکول دیگر را مد نظر دارد! غار کرفتو در ۲۰ بهمن ۱۳۱۸ تحت شماره ۳۳۰ در فهرست آثار ملی ثبت شده است پیشنهاد می شود در ایام سرد سال به اینجا سفر نکنید. و بهترین زمان برای بازدید از آن بهار است.

۹۶- غار قوری قلعه





دسترسی ها: ابتدا به کرمانشاه سپس به پاوه رفته و پس از۲۵ کیلومتر به شهر روانسر، در دامنه کوه شاهو و مشرف بر جاده روانسر - پاوه و در همسایگی روستایی به همین نام می رسید.. روستای در سمت چپ جاده و غار در سمت راست قرار دارد.فاصله از کرمانشاه ۸۷ کیلومتر

غار قوری قلا (کردی :قوڕەقەڵا) یا قوری قلعه، بزرگ‌ترین غار آبی خاورمیانه با پیشینه ۶۵ میلیون سال و طولانی ترین غار آبی ایران است که در استان کرمانشاه قرار دارد. درازای این غار ۱۲ کیلومتر و ژرفای آن ۳۱۴۰ متر است . عده‌ای می گویند این غار نام خود را از قلعه‌ای شبیه به قوری که در نزدیکی محل غار قرار داشته، گرفته است. برخی نیز می‌گویند این غار در ابتدا به «گورا قلا» شهرت داشته چرا که در زبان کردی گورا به معنی بزرگ و قلا به معنی قلعه است. طبیعتا نام این غار از نام مکان که روستایی نزدیک به غار بوده گرفته شده است. غار قوری قلعه در منطقه اورامانات واقع شده است و مردم محلی به زبان اورامی صحبت می‌کنند.در سال ۱۳۵۵ یک گروه از غارشناسان انگلیسی و در سال ۱۳۵۶ گروه دیگری از غارنوردان فرانسوی بخشهایی از غار را بطول پانصدوپنجاه متر بررسی و اکتشاف کردند. در دهه ۱۳۶۰ نیز گروهی از غارنوردان کرمانشاهی بخشهای جدیدی از غار را تا عمق بیش از سه کیلومتر اکتشاف و شناسایی کردند. ژرفای حوضچه‌های این غار به ۱۴ متر می‌رسد هم چنین دمای درون غار ۷ تا ۱۱ درجه است و در طول سال ثابت است.این اثر طبیعی دارای تالارهای زیبا در ۱۴۰۰ متری و ۵۰۰ متری به نام‌های تالار مریم، تالار کوهان شتر، تالار مسیر برزخ، تالار بلور و تالار عروس می‌باشد. غار قوری قلعه دو فاز اصلی دارد که بسیار مورد توجه گردشگران قرار می‌گیرند. فاز اول با ۵۰۰ متر طول، بستر شکل‌گیری دو تالار معروف از غار به نام‌های تالار مریم و تالار کوهان شتر است. فاز دوم غار هم ۱۰۰۰ متر طول دارد و تالارهای عروس، بتهوون و نماز در آن شکل گرفته‌اند. اگر وارد غار شوید، از دهنه ورودی غار ابتدا با تالارمریم (فاز اول) روبرو خواهید شد.تالار مریم یکی از معروف‌ترین دیدنی‌هایی است که در غار قوری قلعه به آن برخواهید خورد. البته باید اضافه کنم که یکی از زیباترین آنها هم خواهد بود. تالار مریم محوطه‌ای بزرگ و عظیم مانند حوضچه‌ای گسترده است که قندیل‌های زیبایی به آن زینت بخشیده‌اند. یکی از این قندیل‌ها شکلی مانند شمایل حضرت مریم دارد و به همین خاطر اسم این تالار را تالار مریم گذاشته‌اند. کنار تالار مریم، تالار شگفت‌انگیز دیگری به نام تالار کوهان شتر قرار گرفته است. شکل قندیل‌های این تالار به نحو اعجاب‌آوری شبیه به اشکال مختلف است. کشتی، شیر، ساختمان‌های مختلف و... از جمله اشکالی است که دست هنرمند طبیعت با قندیل‌های تالار کوهان شتر ساخته است. در فاز دوم غار قوری قلعه، تالار عروس یکی از دیدنی‌ترین قسمت‌هاست. در این تالار، کریستال‌های براق و سفیدرنگی وجود دارند که به حدی زیبا و بدون لک هستند که با راه رفتن روی آنها می‌توانید ردپای خودتان را ببینید. قندیل‌های زیبایی به طول ۱۲ متر از سقف تالار عروس آویزان هستند. قندیل‌هایی که شبیه چلچراغ‌هایی باشکوه به تالار زینت بخشیده‌اند. یکی از تالارهای اعجاب‌انگیز فاز دوم غار قوری قلعه، تالار بتهوون است. فکر می‌کنید علت نامگذاری این تالار چه باشد؟ احتمالا حدس زده‌اید که باید ربطی به موسیقی و آهنگ داشته باشد. بله. حدس شما درست است. قندیل‌های درون این تالار، به طرز اعجاب انگیزی صداهایی متفاوت می‌دهند. اگر به هرکدام از قندیل‌های تالار بتهوون دست بزنید، طنینی متفاوت از قندیل‌های دیگر تولید خواهد کرد. به همین علت اسم این تالار را تالار بتهوون گذاشته‌اند. در تالار بتهوون حوضچه‌های کم‌نظیر و زیبایی قرار دارند که باورتان نمی‌شود جای آنها در غار باشد. کی از تالارهای دیگر فاز دوم غار قوری قلعه، تالار نماز نام دارد. این تالار به تونلی تاریک ختم می‌شود که به تونل برزخ مشهور است. تونل برزخ ۲۲۰ متر طول و ۳ متر عرض دارد. نیمی از تونل برزخ را آب گرفته است. بعد از طی کردن دو فاز ابتدایی غار قوری قلعه، به هیجان‌انگیز بخش ماجرا می‌رسید. کافیست ۳۰۰۰ متر را از دهنه ورودی غار طی کنید تا به محوطه آبشارها برسید. در این محوطه ۴ آبشار قرار گرفته‌اند که صحنه‌ای بی‌نظیر در غار ایجاد کرده‌اند. ارتفاع این آبشارها از ده تا دوازده متر هستند. نکته مهم درمورد قسمت‌های آبی غار این است که بخش بزرگی از این قسمت‌ها در معرض نمایش قرار نگرفته‌اند و بازدید کنندگان نمی‌توانند بخش‌های شگفت‌انگیزی از این غار را ببینند. و قسمت زیبای ماجرا، انتهای غار است که به دره ختم‌ای زیبا ختم می‌شود .دهانه انتهایی غار در دره‌ای قرار دارد که پر از درختان جنگلی و تنومند است و می‌توانید ساعاتی را در طبیعت زیبای این دره کمپ بزنید. از لحاظ زیست‌شناسی غار مسکن گونه نادری از خفاش به نام خفاش موش گوشی است . متأسفانه بازدیدهای کنترل نشده باعث آسیب فراوان به داخل غار شده و در جای جای دیواره‌ها می‌توان یادگاری و شکستگی استلاگمیتها را دید. در جریان تسطیح دهانه غار آثاری از اواخر دوره ساسانی در کف غار کشف شد که شامل جمجمه انسان، هشت عدد ظرف نقره‌ای با نقش کبک و پرندگان شکاری و درنا، تکه‌های سفال و پانزده سکه ساسانی مربوط به یزدگرد سوم است. بر روی دو ظرف نیز کتیبه‌هایی به خط پهلوی میانه نوشته شده که توسط متخصصین ایرانی ترجمه شده‌است. ظروف نقره از نظر متخصصان ساخت منطقه اورامان بوده و محلی هستند. غارهای اطراف قوری قلعه بر اساس مطالعات باستان‌شناسی از حدود ۵۰ هزار سال پیش تا حدود ۱۲ هزار سال پیش مسکن شکارچیان عصر سنگ بوده‌است.

این غار ابتدا به عنوان اثر طبیعی ملی ایران توسط سازمان حفاظت محیط زیست جهت حفاظت زیست‌محیطی ثبت شد؛ و سپس به عنوان ۵۴اُمین اثر ملی توسط سازمان میراث فرهنگی در ۲۷ اسفند ۱۳۸۷ در فهرست میراث طبیعی ایران قرار گرفت. اگر گذرتان به روانسر افتاد از محل های دیگری مانند : دشت لاله های واژگون-گور دخمه های روانسر- بازارچه مرزی جوانرود- روستاهای پلکانی منطقه اورامانات و... میتوانید دیدن کنید.شش ماه اول سال، مخصوصا از اواخر اردیبهشت تا اوایل شهریور، بهترین زمان برای سفر به اینجا است. در این زمان هوا دمای مطبوع‌تری دارد و سرما شما را اذیت نخواهد کرد.

۹۷- غار کتله خور





راههای دسترسی: در ۱۵۵ کیلومتری جنوب زنجان ، در ۸۰ کیلومتری جنوب قیدار و ۱۷۳ کیلومتری شمال همدان و ۴۱۰ کیلومتری تهران و ۵ کیلومتری شهر گرماب واقع است.

غارکتله خور از لحاظ کیفیت بلورها ، قندیل ها، زیبایی و تعداد طبقات جزء زیباترین غارهای آهکی و خشک جهان و پس از *غار* ویتنامی سون دونگ، لقب دومین غار وسیع دنیا را نیز یدک می کشد.در بعضی مناطق غربی ایران به کوه کم ارتفاع "کَتَله" می‌گویند و احتمالاً وجه تسمیه این غار نیز همین است که خورشید از پشت آن طلوع می‌کند و به جای کتله خورشید به آن کتله خور می‌گویند. نخستین بار در بهار سال ۱۳۳۱ خورشیدی گروهی از سرشناس‌ترین کوهنوردان ایران از اعضای باشگاه "نیرو راستی" اقدام به کشف و بازدید غار کتله خور کردند .یکی از اعضای زنجانی گروه نامبرده به نام سید اسدالله جمالی اقدام به ثبت رسمی غار کرد. غار در منطقه مستطیل شکلی به ابعاد ۲۰۰۰×۱۵۰۰ متر به‌وجود آمده‌است. دهانه غار در ارتفاع ۱۷۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد. هنوز این غار مسیرهای کشف نشده بسیاری دارد و انتهایی برای آن یافت نشده است. تا کنون حدود ۳۰ کیلومتر از غار کتله خور شناسایی و نقشه‌برداری ۲۲ کیلومتر از این محدوده انجام شده، ولی فقط یک مسیر ۱,۲۰۰ متری، آن هم در طبقه اول غار برای بازدید گردشگران مهیا شده است. در داخل تالار کوچک بلورین، که به تالار ستون‌ها چسبیده چاهی به عمق ۸ متر قرار دارد که احتمالاً محل خروج آب‌های فرورو سازنده غار است. در حال حاضر این غار به سه بخش فرهنگی، تفریحی و ورزشی تقسیم شده‌است. بخش ورزشی آن که تنها مورد استفاده غارنوردان و صخره‌نوردان قرار می‌گیرد، حدود ۴ کیلومتر است که البته هنوز انتهای آن کشف نشده‌است. بخش تفریحی غار نیز که جهت بازدید عموم مورد استفاده قرار می‌گیرد حدود ۲ کیلومتر مسیر مستقیم است که گفته می‌شود این مسیر تنها ۱/۳ کل غار است. بخش فرهنگی غار نیز در بخش جنوبی آن قرار دارد. قسمت اصلی آن دالانی است طبیعی که جهت برگزاری مراسم‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته این دالان هیچگونه راه خروجی به بیرون نداشته و راه خروجی آن به صورت مصنوعی کنده شده اما خود دالان تماماً طبیعی بوده‌است. غار کتله‌خور ازلحاظ کیفیت بلورها و قندیل‌ها، زیبایی و تعدد طبقات اولین غار آهکی جهان شناخته شده‌است . بهره برداری از غار از سال ۷۵ آغاز شده و البته هنوز هم کاوش و فعالیت برای آماده‌سازی سایر قسمت‌های غار برای بازدید ادامه دارد. غار کتله‌خور غاری است آهکی که در برخی نقاط آن گِل رُس و خاک‌های حاوی اکسید آهن قابل مشاهده است. این غار ازنظر سنی تقریباً هم‌سن غار علیصدر همدان است؛ البته این دو غار از دو جهت با هم تفاوت دارند؛ یکی اینکه غار علیصدر همدان غاری است کاملاً آبی، حال آنکه غار کتله‌خور زنجان غاری است تقریباً خشکی. دوم اینکه آهک‌های غار کتله‌خور نسبت به آهک‌های غار علیصدر بسیار خالص‌تر هستند که این خود عاملی است جهت زیباتر شدن غار، چراکه خالص بودن آهک‌ها موجب شفافیت آن‌ها و در نتیجه عبور نور از قندیل‌ها می‌شود. این غار در نهایت به غار علیصدر در همدان متصل می‌شود .همچنین یکی دیگر از عجایب و زیبایی‌های این غار تعدد طبقات آن است که اینگونه غارها در جهان بسیار کم‌نظیر هستند. گمان می‌رود که این غار دارای ۷ طبقه باشد که البته تاکنون تنها ۳ طبقه آن کشف شده‌است. حدود ۷۰۰ متر اولیه غار قطری حدود ۷۰ سانتیمتر داشته‌است به‌طوری که رهنوردان اولیه غار این مسیر ۷۰۰ متری را سینه‌خیز طی کرده و مسیر خود را با علامت گذاری مشخص کرده‌اند.ورودی اولیه غار به منظور جلوگیری از آسیب های احتمالی بسته شده است .این مکان را افراد محلی «یورت یری» می گفته اند که به زبان ترکی به معنی محل زندگی افراد یا ابا و اجداد اطلاق می شود. تعداد۸۰ اسکلت انسان و تکه های سفال قدیمی در این محل پیدا شده و بر اساس بررسی های انجام گرفته متعلق به اواخر هزاره دوم قبل از میلاد است که در این مکان گم یا دفن شده اند. در داخل تالار کوچک بلورین که به تالار ستون ها چسبیده، چاهی به عمق ۸ متر قرار دارد که احتمالاً محل خروج آب های فرورو سازنده غار است.گفتنی است که این اسکلت‌ها همچنان در این محل نگهداری می‌شوند .این غار دارای بخش‌های دیگری است که به ترتیب می‌توان میدان شیر خوابیده، میدان بیستون، میدان چهل‌ستون، سه‌راهی کوهی، میدان پنج‌شیر، تالار عروس، تونل قندیلی، اتاق عقد، پای فیل، شتر باجهاز، عروس و داماد، میدان شمع، دو جادوگر، نخل سوخته، میدان مریم مقدس و... را نام برد. تمامی این بخش‌ها حاصل تجمع‌های مختلف آهکی است که هرکدام براساس شباهتی که به یکی از اشیاء اطراف ما داشته‌اند به این اسامی خوانده می‌شوند. این غار در مراحل اولیه تشکیل خود غاری آبی بوده‌است که دراثر انحلال آبی گاهی اوقات توده‌های عظیمی از سنگ‌ها از توده اصلی جدا شده‌اند. وجود چشمه‌های آب بسیار زلال در اطراف این غار و حفره‌های متعدد طبیعی هم از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این غار است. علاوه بر تمامی این مسائل در غار کتله‌خور همان طور که پیشتر آمد می‌توان تجمع‌های متفاوتی مشاهده کرد که یکی از این تجمع‌های زیبا و جالب‌توجه استالاگمیت‌هایی است که بسیار شبیه عروس و داماد هستند و به همین اسم نامگذاری شده‌اند. این غار در طول ۱۲۰ میلیون سالی که از عمرش می‌گذرد دستخوش تغییر و تحولات بسیاری شده‌است که برخی طبیعی و برخی هم مصنوعی بوده‌است. از تغییرات طبیعی این غار می‌توان شکستگی‌های حاصل از زمین‌لرزه‌ها، گسل‌خوردگی‌ها، لغزش‌ها و ریزش‌ها را نام برد. تنها جانور داخل غار خفاش است، چون به‌علت نبود تغذیه و نور کافی، جانوران دیگری زندگی نمی‌کنند. آب و هوای داخل غار نیز در قسمت‌های مختلف متفاوت است. مثلا در ورودی به‌دلیل چرخش هوا تا ۴,۰۰۰ متری به‌صورت تقریبا خنک بوده و از ۱۱ درجه شروع و در قسمت‌های جلوتر رطوبت به حدود ۹۰ درصد می‌رسد. پرونده ثبت غار کتله خور به عنوان میراث طبیعی و جهانی در دست پیگیری است بهتر است زمانی که هوا نه زیاد سرد است و نه زیاد گرم، از غار کتله خور بازدید کنید. بنابراین فصل بهار بی تردید زمان بسیار مناسبی برای سفر به زنجان و دیدن این جاذبه دیدنی است.

۹۸- غار سنگ شکنان





راههای دسترسی: این غار در ۱۸۵ کیلومتری جنوب شرق شیراز در جنوب شهر جهرم، در دامنه شمالی البرزکوه، در ارتفاع ۱۰۹۱ متری از سطح دریا قرار دارد. فاصله غار یاد شده تا شهر جهرم سه کیلومتر است

یک غار دست‌ساز در شهر جهرم می‌باشد که به بزرگ‌ترین غار دست‌ساز خاورمیانه و یکی از بزرگترین و زیباترین غارهای دستکند جهان معروف است. از این غار به عنوان غار سنگ اشکن، سنگ شکنان و سنگ شکن نیز نام برده می‌شود. غار سنگ اشکن مجموعه‌ای از دهانه‌ها و ستون‌هایی است که به صورت دالان‌های متقاطع دیده می‌شود. این دالان‌ها بر اثر برداشت و استخراج سنگ‌های سفید آهکی و دولومیتی به وجود آمده‌اند .البته غارهای مصنوعی بزرگ‌تر از این غار در جهان وجود دارد، اما اکثر آن‌ها به شکل یک تونل یا دالان سراسری هستند و بر اثر استخراج مواد معدنی با وسایل مکانیکی و ماشین آلات مختلف ایجاد شده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت غاری بزرگتر از این غار که کاملاً دست‌ساز و به این شکل خاص یعنی دارای دالان‌ها، ستون‌ها و دهانه‌های متعدد باشد وجود ندارد. در این مکان چند سنگ‌شکن به کار برداشت سنگ مشغول بودند. هر کدام از آن‌ها در یک مسیر و دهانه، سنگ برداشت می‌کردند و برای جلوگیری از ریزش سقف هر از چند متر قسمتی را باقی می‌گذاشتند تا به صورت یک ستون نگهدارنده عمل کند .به این دهانه‌ها یا دالان‌ها، اصطلاحاً «کارخانه» می‌گفتند. طول و عرض دهانه‌ها و اندازه ستون‌ها متفاوت است. طول غار حدود ۳۵۰ متر و عرض آن ۱۵۰ متر است که وسعتی حدود ۴ هکتار را در بر می‌گیرد. ارتفاع آن ۳ تا ۴ متر است که در انتها به کمتر از یک متر می‌رسد و در مجموع دارای ۱۲ دهانه و ۱۰۰ ستون است. کف آن شیب دار و سطح آن را لایه‌ای نرم از خاک‌های آهکی پوشانده است. قسمت‌های ابتدایی و حاشیه خارجی آن روشن است، اما به تدریج که به قسمت‌های داخلی می‌رویم، نور کم و در بخش‌های انتهایی کاملاً تاریک می‌شود؛ به همین دلیل سنگ شکنان در اینجا تاقچه‌هایی برای گذاشتن چراغ موشی در بدنه غار و ستون‌ها تعبیه کرده‌اند. تاریخ برداشت سنگ به این صورت و از داخل غار به حدود ۳۵۰ سال قبل (صفویه)توسط شخصی به نام کاظم خان فرزند خواجه اسماعیل بر می‌گردد. وی از عشایر منطقه صحرای باغ لارستان بود که عاشق دختر یکی از سنگ شکنان جهرم می‌شود و پدر دختر به شرط این که او در همین منطقه بماند، دخترش را به او می‌دهد. او پس از ازدواج در اینجا ساکن می‌شود و به کار سنگ‌شکنی در محل غار می‌پردازد. پس از او فرزندان استاد کاظم و شاگردانش به این کار ادامه می‌دهند و سپس در سال‌های بعد تا دوران معاصر افراد دیگری چون استاد علی اکبر یا خواجه علی‌اکبر، خواجه اسداله، خواجه نوراله، استاد نقی، خواجه فتح اله، خواجه نصراله، حاج آقا نقشوار جهرمی، عزت اله نقشوار جهرمی، نوازاله نقشوار جهرمی، آقا رضا کوهکن، اسماعیل خان کوهکن مازیار به این کار مشغول می‌شوند. این افراد وارثان اصلی معدن بوده‌اند. افراد دیگری هم بودند که در اینجا کار می‌کردند و به تدریج صاحب قسمتی یا کارخانه‌ای شده یا آن را خریداری کرده‌اند؛ مانند استاد عباسعلی ودیعه رحمانی، حسین و محمد عبدالهی، حسین و علی محمد خدایی، استاد غلامرضا، ابراهیم قلی مصلی نژاد، عباسعلی و عنایت اله کامجو، قلی صحراییان، کرامت اله و عنایت اله اوسط، آهن کلوخی و دیگران که نتیجه نهایی کار آن‌ها پدید آمدن این غار است. از این سنگ‌ها به خاطر شکل‌پذیری بهتر، برای کارهای تزیینی به عنوان نمای ساختمان‌ها و سردرها، پنجره‌های مشبک، فرش حیاط و سکوها، سنگ قبر، کتیبه‌های سنگی، شیر سنگی، آب چُک، ناودان، نهر یا حوض سنگی، پله، رُخ بان، هاون سنگی، دیگ‌های سنگی، دهن شیرها، خمره‌های سنگی، ازاره‌ها و غیره استفاده می‌شد. از مهم‌ترین مکان‌هایی که از این سنگ‌ها در آنجا استفاده شده‌است می توان به خانه‌های قدیمی جهرم، خانه تاریخی شهیدان اشراق جهرمی، خانه طوفان، خانه آقا رضا کوهکن جهرمی، مسجد جامع عتیق شیراز، مسجد نو شیراز، حرم احمد ابن موسی، باغ ارم، بانک ملی مرکزی شیراز، امامزاده اسماعیل جهرم، حوزه علمیه خان جهرم، بیمارستان نمازی شیراز، ژاندارمری لارستان و ... اشاره کرد. الباقی نیز به شهرهای اطراف فرستاده می شده است . این سنگها مرمرنبوده اند و به دلیل مقاومت کمتر و فرسایش زیاد که نسبت به به دیگر سنگها دارد بعد ها با آمدن سنگهای نی ریز و... دیگر تقاضایی برای این نوع سنگ نشده است این سنگها فقط با استفاده اره ، اره دوسر ،پتک. و اخی از دیواره جدا میشدند..با روی کار آمدن مصالح ساختمانی جدید مانند سرامیک، موزاییک و سنگ‌های مرمر، به تدریج استفاده از سنگ‌های غار از رونق افتاد و سنگ شکنان کار خود را رها کردند و برداشت سنگ متوقف شد؛ درحالی که حاصل برداشت و استخراج آنها، پدیده‌ای بی‌نظیر را به وجود آورده بود، غاری مصنوعی که توجه مردم را به خود جلب کرد و به عنوان پدیده‌ای بی‌نظیر برای جذب گردشگران مطرح گردید .علاوه بر عظمت و زیبایی غار که سالانه هزاران نفر را به خود جذب می‌کند، خنکی نسبی محیط آن در تابستان و گرم بودن آن نسبت به محیط بیرون در زمستان، دلیل دیگری برای جذب مردم بوده‌است. در تابستان به خاطر نتابیدن آفتاب و وجود دالان‌های متعدد که باد در آن‌ها کانالیزه شده و به صورت یک کولر طبیعی در می‌آید، دارای هوایی مطبوع و خنک است. پژوهشگران معتقدند که تعداد و قطر ستون های داخل غار در گذشته بیشتر از حال بوده است. اما سنگ شکنان نسل های بعدی به دلیل آن که در حمل سنگ‌های استخراج شده بزرگ دچار مشکل می شدند، ستون های نزدیک به دهانه غار را تراشیده اند و نتیجه ای تراش مداوم، لاغر شدن ستون ها و کم شدن توان بارپذیری آنها بوده است. این غار با بیش از صد ستون سنگی و دوازده دهانه، با شمارهٔ ۱۰۱۱۷، ثبت ملی شده و یکی از جاذبه‌های تاریخی و گردشگری شهرستان جهرم است. بهترین زمان برای سفر به این غار فصول غیر گرم سال می باشد البته در ماههای گرم سال در داخل غار بدلیل وزش باد هوای گرم آزار دهنده نخواهد بود.

۹۹- غار نخجیرچال





راههای دسترسی: این غار در استان مرکزی در ۱۱ کیلومتری شمال شرقی شهرستان دلیجان (حد فاصل نراق – دلیجان) قرار دارد. به دلیجان که رسیدید به سمت نراق بروید پس از حدود ۱۰ کیلومتر به غار میرسید..

غار چال‌نخجیر در جوار پناهگاه حیات‌وحش جاسب در ۸ کیلومتری شرق شهر دلیجان و فاصله ۳ کیلومتری جاده آسفالته دلیجان – نراق و در دامنه کوه کم‌ارتفاعی قرار گرفته‌است نام غار از منطقه‌ای به نام چال‌نخجیر گرفته شده‌است. غار در داخل کوه کم ارتفاعی به نام «کوه تخت» قرار گرفته‌است. چال‌نخجیر منطقه‌ای گود است و در گذشته شکارچیان، شکار خود را از نقاط دیگر به این منطقه رم می‌دادند تا آسان‌تر بتوانند آن‌ها را شکار کنند. در گذشته مردم از این غار با نام غار «هوهو» نیز یاد می‌کردند. این غار در بهمن سال ۱۳۶۶ به هنگام تعیین محل حفاری چاه اب آشامیدنی دلیجان شناسایی ودر۲۱فروردین سال ۶۷ اولین ورود توسط شهردار و معاون وقت دلیجان و چند تن دیگر انجام گرفت. در ورودهای مکرر بعدی توسط تیم چهار نفره عمق بیشتری شناسایی شد و تا سال ۱۳۶۷ در منطقه چال‌نخجیر مردمانی که برای جمع‌آوری گیاهان دارویی و شکار به منطقه می‌رفتند، از شکاف موجود در دیواره غار صدایی هولناک همراه با ریزش آب می‌شنیدند و از ترس کمتر به منطقه نزدیک می‌شدند. برای نخستین بار در سال ۱۳۶۷ غارنوردی به نام کامران سلیمانی تا عمق ۵۰۰ متری غار پیش رفت، اما به علت تمام شدن نخ ردزنی مجبور به بازگشت شد. یک سال بعد در سال ۱۳۶۸ تیمی ۳ نفره از غارنوردان جهت کشف بیشتر وارد غار می‌شوند. در روزهای ابتدایی کشف و ثبت غار، دعوای جدی میان شهروندان نراق و دلیجان بر سر نامگذاری این غار به نام یکی از شهرها صورت گرفت و هرکدام مدعی مالکیت غار بودند و در نهایت طبق مصوبه هیئت وزیران نام غار تعیین گردید. غار چال‌نخجیر که جزء غارهای مرطوب افقی محسوب می‌شود، متعلق به دوران سوم زمین‌شناسی است. در منابع مختلف قدمت این غار ۷۰ میلیون سال ذکر شده است. ورودی غار هم‌تراز با سطح زمین است که ۱۰ متر عرض و بین ۱۰ تا ۴۰ متر ارتفاع دارد. در گذشته دهانه غار به وسعت کنونی نبوده و به صورت سوراخی به ابعاد ۱ تا ۱/۵متر بوده‌است. پس از کشف غار دهانه آن بر اثر انفجاری غیراصولی بازتر شد. در درون غار بر اثر رسوبات آهکی، چکنده و چکیده و اشکال گل‌کلمی و بلورین پدید آمده‌است و با پیشروی بیشتر به داخل غار میزان پراکندگی اشکال بیشتر می‌شود. همچنین در برخی جاها رسوبات به شکل سوزنی و کشیده مشاهده می‌شود که جنس آن‌ها از گچ می‌باشد. سقف غار بسیار بلند بوده و میانگین ارتفاع آن به ۸ متر می‌رسد. پهنای غار از ورودی تا عمق یک کیلومتری، متغیر است. غار دارای دو مسیر است، تا ۶۰۰ متر اول غار مسیر مشترک و در امتداد جنوب به شمال می‌باشد و بعد از آن به دو مسیر تقسیم می‌شود. یکی از مسیرها به طرف شمال شرق و دیگری به شمال غرب امتداد می‌یابد. طول کل هر کدام از مسیرها حدود ۱۳۰۰ متر بوده و در تمام مسیر غار افقی است. غار چال‌نخجیر جزء غارهای آهکی و زنده دنیا است و از جمله غارهای طبقاتی است غارچال‌نخجیر، غاری سه طبقه به‌شمار می‌آید که دو طبقه از آن با ایجاد مسیرها و پله‌هایی که گاهی تعداد آن‌ها به ۴۷ پله می‌رسد، برای بازدید گردشگران آماده شده‌است. به دلیل آنکه هیچ نوری به داخل غار نفوذ پیدا نمی‌کند، موجود زنده‌ای در آن وجود ندارد. داخل غار در گذشته آب وجود داشته‌است اما امروزه این آب وجود ندارد که علت آن می‌تواند مربوط به تغییرات شرایط آب و هوایی منطقه در طول دوران زمین‌شناسی باشد. در کف غار دریاچه‌ای وجود دارد که تا ۴۰۰ متر مربع از مساحت آن کشف شده‌است. به نظر می‌آید که وسعت این دریاچه بسیار بیشتر از ۴۰۰ متر مربع باشد. عمق دریاچه ۷۰ متر است. بهره‌برداری و بازدید نزدیک از دریاچه به دلیل تغییرات دائمی سطح آب این دریاچه هنوز امکان‌پذیر نشده‌است .تالارهای متعدد و حوضچه‌های آب، راهروهای طولانی و مسیرهای مشکل در بعضی از نقاط، چکنده و چکیده‌های بلوری و بسیار متنوع و حتی منحصر به فرد از خصوصیات آن است. حدود ۹۵٪ از بدنه غار را رسوبات آهکی پوشانده و ۵٪ باقی‌مانده سنگی می‌باشد. غار از تالارهای مختلفی تشکیل شده‌است که بزرگترین آن‌ها ۱۲۰×۴۰×۳۰ متر وسعت دارد. از تالارهای غار می‌توان به سفره عروس، دریاچه، برزخ، باغ‌وحش، چهل‌چراغ، چهلستون و تالار زیبایی‌ها اشاره کرد. سنگ‌های تزئینی با اشکال متنوع مانند عقاب، لاک‌پشت، گوزن، انسان، کبوتر و تندیس‌های غول پیکر بلورین ایجاد شده‌است که بیشتر آنان از جنس آهک است. تالارهای «عروس»، «گل کلمی»، «آبشارگلی»، «فرسنگ» و هیولا از جمله بخش‌های دیدنی این غار نادر و عجیب است. از جمله نهشته‌های منحصر به فرد غار می‌توان نهشته‌های بزرگ کاج مانند اشاره کرد تهویه طبیعی هوای درونی غار در فصول تابستان و زمستان یکی دیگر از ویژگی‌های این غار است. هوای درون غار در تابستان خنک و در زمستان گرم است و بازدیدکنندگان هیچ‌گاه در آن با کمبود اکسیژن روبرو نمی‌شوند. از دیگر ویژگی‌های مهم غار، زنده بودن آن است، اگر جایی از آن تخریب شود یا ترک بخورد در طول سال‌های متمادی ترمیم خواهد شد .با توجه به اینکه غار بر روی منطقه‌ای گسلی قرار گرفته‌است، نگرانی‌هایی در مورد لرزه خیزی و خطرات آن برای بازدیدکنندگان وجود دارد. از این رو برای ایمن‌سازی و تأمین امنیت بازدیدکنندگان، غار در شهریورماه سال ۱۳۹۱ به مدت ۶ ماه بر روی گردشگران بسته و ایمن سازی گردید.منحصر به فرد بودن نهشته‌ها، دسترسی آسان به غار، خودترمیمی به دلیل زنده بودن و تهویه مناسب هوای درون غار از ویژگی‌های خاص غار است. غار چال‌نخجیر در سال ۱۳۸۴ توسط سازمان میراث فرهنگی با شماره ۱۳۸۱۴ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید. بازدید از این غار در تمام فصول امکان پذیر است. ولی اگر خواهان این هستید که از زیبایی های بیرون غار و جاذبه های اطراف هم بهره ببرید، این جمله معروف را همواره به خاطر خود بسپارید: در سفر به طبیعت، تنها چیزی که از شما به جای میماند رد پای شما، و تنها سوقاتی که با خود می برید عکسهایتان هستند. البته در این غار فلاش دوربینتان را خاموش کنید، زیرا که عکس برداری با فلاش ممنوع است. پیشنهاد ما به شما سفر به این منطقه در فصل بهار است.

۱۰۰- غار اسپهبد خورشید





راههای دسترسی: بر سر راه سوادکوه به تهران در ناحیه دوآب در نوزده کیلومتری جنوب شهر پل سفید در شهرستان سوادکوه استان مازندران- مسیر دسترسی به این غار از سمت تهران به این صورت است که ابتدا وارد جاده ی دماوند می شوید و از آنجا به سوی فیروز کوه حرکت می نمائید. پس از عبور از فیروز کوه در ادامه ی مسیر از ورسک و کلیسایی به نام اوریم رودبار گذر می کنید، سپس در جهت راست، یک خروجی قرار دارد که به طور مستقیم شما را به خطیر کوه می رساند. اینجا دقیقا همان جایی است که غار اسپهبد خورشید در آن واقع شده است.

غار اسپهبد خورشید (یا نام‌های دیگر :کرکیل دژ، کیجاکچال، عایشه کرکیل در، لاپ کمر، دژ طاق، غار دربند کولا، دکان داوود، طاق ونداد هرمزد، دیوکلی و قلعه دیو سفید) اثری تاریخی است که بر سر راه سوادکوه به تهران در ناحیه دوآب در نوزده کیلومتری جنوب شهر پل سفید در شهرستان سوادکوه استان مازندران قرار دارد. این غار در مسیر قلعه کنگلو و بر سینه لردکمر قرار دارد .این غار در مسیر دسترسی به کوهی پر هیبت به نام خطیر کوه قرار دارد. فاصله ی آن با تهران ۱۸۲ کیلومتر است و یکی از جاذبه های مهم و تاریخی گردشگری و طبیعت گردی در استان مازندران محسوب می شود. این غار در متون تاریخی به نام « طاق عایشه گرگیلی دژ » و در زبان مردم منطقه سوادکوه به نام « لاپ کمر » معروف است، لاپ به معنی بریدگی است و چون در دل کوه طاق غار به صورت شکاف و بریدگی است مردمان این نام را بر آن نهاده‌اند. همچنین مردم روستاهای اطراف آن را « دیوکالی » به معنای «لانه‌ی دیو» می نامند. طول قوس طاق طبیعی و عظیم غار چهل متر بوده و درون غار به صورت تالاری بیضی شکل به درازای ۷۵، عرض ۲۵ و ارتفاع ۱۵ متر است. در برابر غار دیواری با سنگ و ساروج چیده شده و تا مدخل آن ادامه دارد. بنای این دیوار به دوره ساسانیان بازمی‌گردد. در مقابل غار پرتگاه مهیبی قرار دارد که ورود به آن را بسیار مشکل می‌سازد. به دلیل وجود آب آشامیدنی در غار، در گذشته امکان مقاومت به مدت طولانی در آن وجود داشته‌است. ،اینجا یکی از بزگترین طاقهای طبیعی در دنیاست. وقتی بر دهانه غار می ایستید منظره ای منحصر به فرد و خیره کننده از طبیعت منطقه سواد کوه پیش رویتان می بینید، چشم اندازی که که هر بیننده و طبیعت گردی را مسحور شگفتی خود می کند. در سال ۷۶۱ میلادی، اسپهبد خورشید، نوه اسپهبد فرخان بزرگ از خاندان گاوبارگان، بر منطقه طبرستان و دیلمان حکومت می‌کرد. همزمان، مهدی پسر منصور عباسی حاکم ری شد و تصمیم گرفت پس از سال‌ها مازندران را به تسخیر اعراب درآورد. مهدی با نیرنگ از در دوستی با اسپهبد خورشید درآمد و ضمن ارسال هدایایی، از او خواست تا اجازه دهد قسمتی از لشکریانش از تنگه رود طالار گذشته و از راه دریا به خراسان بروند. اسپهبد خورشید فریب این نیرنگ را خورد و اجازه عبور را صادر نمود. مهدی، دو سپاه را از گرگان و شاه‌کوه روانه نمود و آمل را تصرف نمود. اسپهبد خورشید که غافلگیر شده بود، همسر، دختران و ثروتش را در این غار گذاشت و برای تهیه سپاه به دیلمستان رفت سپاه اعراب به مدت سه ماه در پایین غار بودند و به فکر چاره برای نفوذ به این غار بودند. سرانجام با مسموم کردن سرچشمه‌های آب غار موفق شدند «بانو نی‌کلا» همسر اسپهبد خورشید را به همراه دخترانش به قتل برسانند. اسپهبد خورشید در بازگشت با پنجاه هزار سپاهی، هنگامی که شایعه اسارت همسر و فرزندانش را شنید، خودکشی کرد .طاق اسپهبد خورشید از طاق‌های معروف جهان به شمار می‌آید و در داخل آن قلعه، برج، آتشکده، آب انبار، حمام و تنور وجود دارد که به سبکی بسیار زیبا و با سنگ و ساروج ساخته شده و قدمت آن‌ها به دوره ساسانیان برمی‌گردد. از نکات حیرت‌انگیز این غار ورودی آب به داخل غار است که از بالا دست روستای « کمر پشت » مسیر سنگی را به صورت جوی آب در آورده و آب را از داخل سنگ ها پس از طی مسافت زیاد آن را به داخل غار هدایت می کردند .این غار در فهرست آثار ملی ایران قرار دارد و برای ثبت جهانی آن نیز پرونده‌ای تشکیل گردیده‌است. با این وجود تمرینات نظامی و معدن ماسه فعال در مجاورت آن، در حال لطمه زدن به آن می‌باشد. در خصوص غار مذکور ، اگر بخواهیم از منظر کاربری به آن بنگریم، اسپهبد خورشید تنها یک غار نبوده و از آنجا که اسپهبدان طبرستان از این مکان در جنگهای خود استفاده می نمودند، می توان آن را یک قلعه نیز معرفی نمود. قلعه ای که دارای دیوار و اتاقهای متعدد بوده است. منطقه ی مذکور در چهار فصل سال نیز، زیبایی های چشمگیر فراوانی دارد. در هنگام سفر تلاش نمائید تا با کفش کوه پیمایی سبک با دوام و نیز لباس مناسب جهت طبیعت گردی همچون کاپشن بادگیر یا لباس گرم در محل حاضر شوید. اگر تمایل به اقامت بیشتر در محل مذکور را دارید، حتما لباس مناسب و گرم به همراه داشته باشید. موقعیت قرار گیری غار در منطقه منجر شده تا گردشگران و طبیعت گردان دسترسی کمتری به مغازه ها داشته باشند. لذا قمقمه ای از آب، یک وعده ی غذایی کامل و قابل حمل را با خود داشته باشید. کرم ضد آفتاب نیز از دیگر موارد ضروری است که نباید آن را فراموش کنید. طبیعت بسیار زیبای منطقه همراه با چشم انداز های بی نظیرش ، تصاویر هنرمندانه ای را می سازد .بنابراین از آوردن دوربین عکاسی برای ثبت تصاویر و لحظه ها غافل نشوید. دسترسی به غار اسپهبد بسیار سخت و نیازمند تجهییزات سنگ نوردی است و فقط می توانید تا نزدیکی پایین دهانه غار بروید که شیب بسیار تندی دارد و باید حسابی مراقب باشید. اگر به اینجا رفتید سری هم به قلعه کنگلو بزنید. معمولا سفر به این نقطه در فصول گرم سال بیشتر توصیه می شود.